



دفاع از آبادان

دفاع از آبادان در سال اول جنگ تحمیلی

تدوین:

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

سرشناسه	: صادقی گویا، نجاتعلی، ۱۳۲۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: دفاع از آبادان: دفاع از آبادان در سال اول جنگ تحمیلی/ تدوین نجاتعلی صادقی گویا؛ [برای] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۸ ص: مصور(رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۸۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- آبادان
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- نبردها
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ص۲/۱۶۱۰/DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۳۸۰۶۰

تدوین: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

نوبت / سال چاپ : اول ۱۳۹۱

شمارگان : ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۸۹-۶

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴ ۸۸ ۷۵۶ نمابر: ۲۲۴ ۸۸ ۶۵۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است»

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که
توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست
می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند
و این گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه
بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا
خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت
سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

همکاران

بررسی نهایی	سر تیپ ستاد ناصر آراسته
بررسی نهایی	سر تیپ ستاد سید حسام هاشمی
بررسی اولیه و نهایی	سر تیپ ستاد سید ناصر حسینی
طرح جلد	محمد رضا خزاعی
صفحه آرایی	حامد خدمتی
ویرایش نهایی	فرهاد فیاض
تألیف	سر تیپ ۲ ستاد نجات علی صادقی گویا

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیأت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

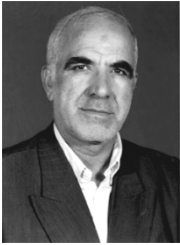
شیوه کار هیأت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاههای افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار داده است.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان

در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی نموده که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ التحصیل دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور می باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته اند.

هیئت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی »



معرفی نویسنده: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

در سال ۱۳۲۷ در همدان متولد گردید.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند. سال ۱۳۴۴ وارد دبیرستان نظام و سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری شد. پس از فارغ التحصیلی به رسته توپخانه اختصاص یافت و سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۷ دوره مقدماتی و عالی این رسته را طی نمود.

سال ۱۳۶۲ و سال ۱۳۷۵ دوره دانشکده فرماندهی ستاد را با اخذ گواهینامه کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی گذراند.

در مدت ۳۲ سال خدمت نظامی به ترتیب دارای مشاغل و مسئولیت‌هایی چون: معاون و فرمانده آتشبار، رئیس رکن ۱ و ۴ درگردان توپخانه، معاون عقیدتی سیاسی لشکر، فرمانده مرکز آموزش درجه‌داری، فرمانده لشکر عملیاتی ۸۴ خرم‌آباد، مدیر پرسنلی نزاجا، فرمانده آموزشگاه نظامی، فرمانده دانشگاه افسری امام علی (ع) و بالاخره معاون پژوهش و تحقیقات نزاجا بوده است.

از زمان بازنشستگی تا کنون - ۱۳۹۱- در هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»، به طور پاره وقت؛ در امور تدوین، آماده‌سازی، ویرایش و نشر کتاب و آموزش در دانشگاه‌های آجا و هماهنگی فعالیت‌ها همکاری دارد.

آثار قلمی وی عبارتند از:

دفاع زمینی در ایران ۱۴۰۰ (۱۳۸۰) چگونگی سلاح‌ها، ارتش‌ها، جنگ‌های آینده و ...

ایران سبز (۱۳۷۹) چگونگی آبادانی و سرسبزی ایران.

جانم فدای اسلام (۱۳۸۱) خاطرات هم‌زمان و یاران شهید سرتیپ محمدجعفر نصر اصفهانی

عملیات شیندرا (۱۳۸۰) اولین عملیات رزمی «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» به همراه شهید چمران در مهر ۱۳۵۸ و در منطقه سردشت

عملیات آزاد سازی سنندج و گردنه صلوات آباد (۱۳۷۹) خاطرات «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و هم‌زمان در اردیبهشت ۱۳۵۹.

ره یافته عشق (۱۳۸۰) درباره شهید سرتیپ محمدجعفر نصر اصفهانی

گردنه خان تا قله آریابا (۱۳۸۱) شرح آزادسازی محور سقز، بانه و ...

بررسی چگونگی اعتیاد به سیگار در بین سربازان (پژوهش - ۱۳۷۷)

برای سرباز تا ارتشبد (۱۳۸۷)

در کمینگاه دشمن (۱۳۸۹) خاطرات «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و هم‌زمان ایشان درباره چگونگی آزادسازی محور بانه - سردشت.

بازبینی، ویرایش و امور فنی بیش از ۸۰ عنوان کتاب منتشره هیأت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

تهیه ده‌ها مقاله و طرح‌های کاربردی در امور نیروهای مسلح و ارائه به قسمت‌های مربوطه.

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۴	آبادان
۱۶	آبادان در جنگ تحمیلی
۱۶	روز ۲۶ شهریور ۵۹
۱۷	روز ۲۷ شهریور ۵۹
۱۷	روز ۲۸ شهریور ۵۹
۲۰	روز ۲۹ شهریور ۵۹
۲۱	روز ۳۰ شهریور ۵۹
۲۳	روز ۳۱ شهریور ۵۹، آغاز جنگ تحمیلی
۲۵	روز اول مهرماه: تهاجم گستردهٔ مرزی
۲۷	روز دوم مهرماه: پیشروی دشمن در تمام جبهه‌ها
۲۸	روز سوم مهرماه: ادامهٔ تهاجم و آتش شدید
۳۱	روز چهارم مهرماه: آتش شدید همراه با رزم نزدیک
۳۲	روز پنجم مهرماه: قوای بیشتری از دشمن وارد عمل شدند
۳۴	روز ششم مهرماه: ادامهٔ گلوله‌باران خرمشهر و آبادان
۳۵	روز هفتم مهرماه: تلاش برای تصرف اهواز، خرمشهر و آبادان ...
۳۶	روز هشتم مهرماه: شکست اقدامات سیاسی و تشدید عملیات نظامی
۳۷	روز نهم مهرماه: آغاز نبرد شهری
۳۸	روز دهم مهرماه: نبرد داخل شهر خرمشهر و ...
۴۰	روز یازدهم مهرماه: نسبتاً آرام
۴۱	روز دوازدهم مهرماه: نسبتاً آرام
۴۱	روز سیزدهم مهرماه: ادامهٔ نبرد و اجرای آتش
۴۳	روز چهاردهم مهرماه ...

- ۴۴ روز پانزدهم مهرماه ...
- ۱۵ روز شانزدهم مهرماه ...
- ۱۷ روز هفدهم مهرماه ...
- ۴۸ روز هجدهم مهرماه ...
- ۴۸ روز نوزدهم مهرماه: عبور دشمن از کارون
- ۵۲ روز بیستم مهرماه: صدور فرمان حضرت امام خمینی (ره) درباره شکست حصر آبادان
- ۵۶ روز بیست و یکم مهرماه ...
- ۵۸ روز بیست و دوم مهرماه ...
- ۶۰ روز بیست و سوم مهرماه ...
- ۶۲ روز بیست و چهارم مهرماه؛ نزدیک شدن دشمن به سه راهی ماهشهر - آبادان
- ۶۵ از یادداشت‌های روزانه آیت‌الله جمی، امام جمعه آبادان در ۵۹/۷/۲۴
- ۶۶ روز بیست و پنجم مهرماه ...
- ۶۸ روز بیست و ششم مهرماه ...
- ۷۱ روز بیست و هفتم مهرماه ...
- ۷۵ روز بیست و هشتم مهرماه ...
- ۷۸ روز بیست و نهم مهرماه ...
- ۸۲ روز سی‌ام مهرماه ...
- ۸۴ روز یکم آبان‌ماه ...
- ۸۷ خاطره سرلشکر حسنی سعدی
- ۸۸ روز دوم آبان‌ماه ...
- ۹۱ روز سوم آبان‌ماه: عملیات گردان ۱۴۴ ...
- ۹۷ بخشی از خاطرات سرهنگ جانباز علی قمری ...
- ۱۰۲ روز چهارم آبان‌ماه: اشغال کامل بخش شمالی خرمشهر ...
- ۱۰۶ روز پنجم آبان‌ماه: ... تعیین فرمانده منطقه نبرد ...
- ۱۰۸ آمار تلفات نیروی هوایی ...

- ۱۰۹ خاطرهٔ معاون گردان ۳۶۸ توپخانه
- ۱۱۳ روز ششم آبان ماه ...
- ۱۱۶ نویسندهٔ کتاب «اطلاعات در جنگ تحمیلی»
- ۱۱۷ روز هفتم آبان ماه ...
- ۱۱۹ سخنرانی تیمسار فلاحی در قرارگاه اروند ...
- ۱۲۰ روز هشتم آبان ماه: عبور دشمن از بهمن شیر در ذوالفقاری
- ۱۲۳ روز نهم آبان ماه: نقش سرنوشت ساز گردان ۱۵۳ در نجات آبادان
- ۱۲۵ خاطرهٔ فرماندهٔ آتشبار یکم گردان ۳۶۸ توپخانه ...
- ۱۲۷ روز دهم آبان ماه ...
- ۱۳۱ خاطرهٔ فرماندهٔ گروهان دوم گردان ۱۵۳ ...
- ۱۳۵ روایت نویسندهٔ کتاب «امیر آبادان» ...
- ۱۴۲ مصاحبه با امیر سرلشکر حسنی سعدی دربارهٔ دفاع آبادان ...
- ۱۵۰ دههٔ دوم آبان ماه ...
- ۱۶۲ دههٔ سوم آبان ماه ...
- ۱۷۰ آذرماه ۵۹ ...
- ۱۷۲ مراحل طرح ریزی عملیات توکل
- ۱۷۶ سایر حوادث عمده در آذر ۱۳۵۹
- ۱۷۶ اطلاعیه شماره ۳۲۲ ستاد مشترک ارتش در تاریخ ۵۹/۹/۸ دربارهٔ انهدام نیروی دریایی دشمن ...
- ۱۷۷ گسترش یگان‌های قرارگاه اروند در ۸ آذر ۵۹ ...
- ۱۷۹ هفدهم آذر ۵۹
- ۱۸۲ دی ۵۹؛ عملیات نصر، عملیات توکل
- ۱۸۹ بهمن ۵۹؛ طرح روانه‌سازی آب سدها ...

۱۹۲	سایر حوادث عمده در بهمن ۵۹
۱۹۴	اسفند ۵۹؛ ... واگذاری مسئولیت فرماندهی به لشکر ۷۷
۲۰۰	فروردین ۱۳۶۰ ...
۲۰۱	سایر حوادث عمده در فروردین ۱۳۶۰
۲۰۵	اردیبهشت ۱۳۶۰ ... احداث جاده ... تک محدود تپه‌های مَدَن
۲۰۷	خرداد ۱۳۶۰: عزل بنی‌صدر ...
۲۰۸	عملیات فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا، ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ ... دارخوین
۲۱۳	حکم حضرت امام خمینی در ۲۱ خرداد ۶۰ به تیمسار فلاحی و استفاده از اختیارات مقام رهبری ...
۲۱۵	تیر، مرداد، شهریور و مهر ۱۳۶۰، طرح‌ریزی و اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع)
۲۲۴	نتیجه عملیات
۲۲۵	غنایم
۲۲۵	حادثه سقوط هواپیمای فرماندهان و ... در هفتم مهر ۱۳۶۰ ...
۲۲۷	ضمیمه: خاطرها و گزیده‌ها درباره «دفاع از آبادان در سال اول جنگ»
۲۳۹	مآخذ
۲۵۱	منابع
۲۵۳	نمایه
۲۶۷	نقشه‌ها

مقدمه

در طول جنگ، خرمشهر دانشگاهی بزرگ و صحنه امتحان حساسی برای جوانان و پیران ایران زمین شد. در طول هشت سال دفاع مقدس، به عنوان نماد شکست و پیروزی رزمندگان اسلام تجلی یافت.

از سوی دیگر، آبادان، ضمن ارائه روحیه شکست ناپذیر امت مسلمان ایران، تجلی‌گاه اراده مذهبی و ملی و در نهایت پایگاه پایداری و استقامت و مبنای و سرآغاز پیروزی‌های شگفت‌انگیز تاریخی رزمندگان ایران اسلامی شد.

آبادان آماج شدیدترین و گسترده‌ترین حملات هوایی و زمینی دشمن قرار گرفت. مقاومت و پایداری مدافعان آبادان، حماسه‌ای جاودان و فراموش نشدنی پدید آورد. زمانی که حصر آبادان شکست، مسیر جنگ تغییر یافت و این پیروزی نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی گردید.^۱

صدام حسین و طراحان نظامی ارتش بعثی عراق مدت زمان وصول به اهداف اصلی در خوزستان را ۳ تا ۷ روز پیش‌بینی کرده بودند، اما چنین برآوردی تحقق نیافت و نیروهای عراقی تا مدت ۱۰ روز نتوانستند به حاشیه خارجی شهر خرمشهر برسند و نبرد خرمشهر بیش از یک ماه طول کشید و سرانجام ارتش متجاوز عراق در دسترسی به هدف نهایی خود در این منطقه که اشغال جزیره آبادان و تهدید بندر ماهشهر و بندر امام خمینی بود به کلی ناموفق و ناکام ماند.

دشمن برآورد نموده بود، مسافت ۱۵ کیلومتری شلمچه تا خرمشهر را در ظرف یک روز طی نماید و در مدت ۲ تا ۳ روز نیز خرمشهر را اشغال نماید. پس از عبور از پل خرمشهر-آبادان، جزیره آبادان را نیز در ظرف چند ساعت یا چند روز - مانند همان عملیات چند ساعته که ۱۱ سال بعد در تصرف کویت داشت - و در ظرف کمتر از یک هفته، ارتش عراق به مهم‌ترین هدف سیاسی نظامی خود که اشغال تمام کرانه شمالی اروندرود باشد برسد.

۱. ارتش ... دفاع مقدس، ج ۳، ص ۱۳

آبادان

شهرستان آبادان در قسمت جنوبی استان خوزستان واقع و از شمال به شهرستان‌های شادگان و خرمشهر، از مشرق و جنوب به خلیج فارس و از جنوب غربی و مغرب با عراق مرز مشترک دارد. آبادان مرکز شهرستان آبادان است. این شهرستان دو رود مهم به نامهای اروندرود و بهمن‌شیر دارد که نقش مهمی در زمان جنگ و عملیاتهای گوناگون داشته‌اند.

جمعیت شهرستان آبادان قبل از جنگ تحمیلی و طبق سرشماری سال ۱۳۵۵ تعداد ۳۷۶۹۱۱ نفر ثبت شده است که از این تعداد ۸۱ درصد شهرنشین و ۱۹ درصد روستا نشین بوده‌اند.

اهالی شهرستان علاوه بر اشتغال در صنایع مربوط به صنعت نفت، به کشاورزی، باغداری، به ویژه پرورش نخل خرما، ماهیگیری، بازرگانی، کارگری و صنایع دستی اشتغال دارند.

جزیره آبادان ناحیه‌ای به طول حدود ۶۴ کیلومتر و عرض ۳ تا ۲۰ کیلومتر که با آبهای خلیج فارس از جنوب و سه رود کارون در شمال و غرب، بهمن‌شیر از شرق و اروندرود از جنوب محصور شده است.

شهر آبادان در باریک‌ترین قسمت عرض جزیره، در منتهی‌الیه شمال غربی جزیره آبادان و ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی خرمشهر و مابین رودخانه بهمن‌شیر از شمال و اروندرود از جنوب و کارون از شمال و غرب قرار گرفته است. شهر آبادان در ارتفاع حدود ۳ متری از سطح آب‌های آزاد و دارای آب و هوای گرم و مرطوب است. بالاترین درجه حرارت آن ۴۹ درجه سانتی‌گراد در اوایل تیر و کمترین آن به ۲- درجه در اوایل بهمن‌ماه می‌رسد. میانگین بارش سالانه آن به ۲۳۶ میلی‌متر می‌رسد. بندر آبادان در ۱۶ کیلومتری جنوب بندر خرمشهر و در ساحل اروندرود و از بنادر مهم ایران است. بر اساس سالنامه آماری ۱۳۸۳، سالانه ۱۲۶۲۱ تن انواع کالا وارد و ۱۰۰۱۱۰ تن از این بندر صادر می‌شود.

کلیه تاسیسات و تجهیزات آن متعلق به وزارت نفت است و اسکله‌های آن اختصاص به صدور مواد نفتی و ورود ماشین‌آلات شرکت مذکور دارد. شهر آبادان دارای فرودگاه بین‌المللی است و به سبب بندری بودن شهر، کشتی‌های زیادی در آب رفت و آمد دارند. آبادان در پیش از اسلام وجود داشته و بطلمیوس از آن یاد کرده است. در زمان حکومت حزب بعث در عراق، در سال ۱۳۴۷ ادعای تجزیه خوزستان و الحاق آن به عراق از سر گرفته شد. در این جریان دولت عراق مبادرت به تغییر اساسی جغرافیایی خوزستان در کتاب‌ها و نقشه‌ها کرد و آبادان به صورت «عُبادان» چاپ می‌شد. (۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سال‌های ۱۳۵۸ و نیمه اول سال ۱۳۵۹، عوامل ضد انقلاب با پشتیبانی و تحریک حکومت بعثی عراق، دست به اقدامات خرابکارانه در سطح شهر زدند که از جمله آن، انفجار بمب در محوطه پالایشگاه آبادان در ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، تخریب پل واقع در نهر محربی و نهر ابوالفضل در سوم دی ۱۳۵۸، انفجار چند لوله نفت و گاز در شمال آبادان در ۱۶ اسفند ۱۳۵۸، انفجار بمب در سه نقطه شهر در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹، کشف سلاح و مهمات قاچاق، انفجار بمب در کنار ترانسفورماتور شرکت، چند درگیری پاسداران با ضد انقلاب و بالاخره کشف یک بمب در زیر خطوط لوله نفت شمال آبادان در ۲۱ شهریور ۱۳۵۹. (۲)

حجت الاسلام و المسلمین غلامحسین جمی و جمعی از دوستان، کمیته انقلاب اسلامی در آبادان را تشکیل دادند. نماز جمعه آن شهر در طول ۸ سال دفاع مقدس توسط ایشان اقامه گردید.

آبادان به سبب قرار گرفتن در نزدیکی مرز و نیز داشتن پالایشگاه مهم کشور، از نخستین روزهای جنگ با تهاجم دشمن روبه‌رو شد و تا پایان دفاع مقدس با منازعات جنگ درگیر بوده است. این شهردر طول دفاع محل رشادت و دلاوری‌های بسیار رزمندگان بومی، غیربومی و بسیجیان نیروهای مسلح خودی بوده و نیز محل شهادت تعدادی از شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی است.

پالایشگاه آبادان تا سال ۱۳۲۴ خورشیدی / ۱۹۴۵ میلادی، بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان و مرکز عمده صدور فرآورده‌های نفتی به شمار می‌آمد. این پالایشگاه در سال ۱۲۸۸ شمسی و یک سال بعد از فوران اولین چاه نفت در مسجد سلیمان احداث آن آغاز و سال ۱۲۹۱ شمسی اولین محموله نفت از آن صادر گردید.

تولیدات این پالایشگاه بیش از ۱۰۰ نوع می‌رسید که نفت سفید، بنزین خودرو و هواپیما، نفت کوره، قیر، نفت گاز و انواع حلال‌ها مهمترین آنها است. پیش از آغاز جنگ، ظرفیت پالایش نفت در این پالایشگاه ۶۰۰ هزار بشکه در روز بود که نفت خام مصرفی آن از دو شبکه خطوط لوله نفت از مناطق نفت خیز دریافت می‌شد.

مجتمع پتروشیمی آبادان نیز درکنار پالایشگاه قرار دارد و بهره برداری از آن از سال ۱۳۴۸ آغاز گردید. در مدتی بیش از نیم قرن، فرآورده‌های نفتی پالایشگاه آبادان از این بندر صادر می‌شد.

در سال‌های اخیر به علت افزایش ظرفیت نفتکش‌های جهان و محدودیت عمق و وسعت ارون‌درد، با احداث چهار خط لوله از پالایشگاه آبادان به بندر امام خمینی در ۱۱۲ کیلومتری آبادان، نفت تصفیه شده برای تحویل به نفتکش‌های بزرگ، به آنجا منتقل می‌شود. (۳)

آبادان در جنگ تحمیلی

توجه: در این مجموعه، با توجه به موضوع اصلی که دربارهٔ دفاع از آبادان است، فقط به موارد برجسته در این منطقه اشاره شده است. برای اطلاع از فعالیت همزمان در سایر مناطق درگیر سرتاسر مرز ایران و عراق و نیز اقدامات دفاعی مجموعه نیروهای مسلح کشور جمهوری اسلامی ایران، نیاز است به منابع کامل‌تر که گویای تمام وقایع جبههٔ جنگ و نیروهای درگیر آن باشد، مراجعه شود.

اسامی بخشی از آن منابع، در پایان این مجموعه در فهرست کتاب‌شناسی آورده شده است. در منطقهٔ عملیاتی خرمشهر-آبادان، نخستین فعالیت‌های دشمن، از کرانه نهر خَین بین پاسگاه حدود تا پاسگاه خین آغاز گردید. نیروهای مرزی عراق بطور مکرر پاسگاه مرزی حدود، پاسگاه مؤمن و پاسگاه خَین را زیر آتش گرفتند. برخوردهای متناوب از فروردین ۵۹ تا آغاز جنگ، در دهه سوم شهریورماه تشدید گردید. به طوری که روز ۲۱ شهریور، تبادل آتش بین پاسگاه‌های ایرانی و عراقی در کرانه نهر خَین در تمام مدت روزه‌های بعد نیز تبادل آتش و درگیری ادامه داشت. (۴)

روز ۲۶ شهریور ۵۹، صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، در ساعات شب در تلویزیون عراق سخنرانی کرد و اعلام نمود: قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مردود است؛ کلیه آبراه شط العرب - ارون‌درد - جزو آبهای ساحلی عراق است؛ آنچه که بر اساس قرارداد الجزایر باید به ایران واگذار شود، نخواهیم داد، و آن چه باید می‌گرفتیم، با زور خواهیم گرفت. (۵)

در همین روز - ۵۹/۶/۲۶ - اطلاعیه شماره ۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، با امضای سرتیپ فلاحی، جهت آگاهی ملت عزیز ایران از رسانه‌های کشور منتشر شد. در این اطلاعیه ۳ صفحه‌ای گزارشی از حملات و تجاوزات زمینی و هوایی ارتش عراق و در مقابل آن، اقدامات دفاعی نیروهای خودی و برآورد تلفات و خسارات طرفین را در درگیری سرتاسر مرز دو کشور از

روز ۱۰ تا ۲۳ شهریور ۵۹ ارائه داده است. (۶)

روز ۲۷ شهریور، ضمن تبادل آتش پراکنده، آرامش نسبی در مرز برقرار بود و بر اثر مقاومت دلیرانه‌ی یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی ارزنده‌ی نیروی هوایی، سربازان عراقی به مواضع قبلی خود عقب نشینی کردند. برآورد کلی چنین بود که در عملیات روز ۲۶ شهریور ضربات سختی به نیروهای عراقی وارد شده است.

روز ۲۸ شهریور ۵۹؛ ناوچه‌های عراقی مانع حرکت کشتی‌های تجاری را با پرچم ایران شدند. از روز ۲۸ شهریور، ناوچه‌های عراقی اقدام به کنترل کامل اروندرود کردند و مانع حرکت کشتی‌های تجاری با پرچم ایران شدند. بنابراین برخوردهای مرزی، علاوه بر زمینی، در مرز آبی نیز آغاز گردید.

ارتش متجاوز عراق در آغاز نبرد، لشکرهای ۳ زرهی و ۵ مکانیزه را با عناصر تقویتی از لشکر ۱۱ پیاده و یگان‌های مستقر دیگر در شرق بصره را وارد عمل نمود. لشکر ۳ زرهی با نیروهای تقویتی در محور تنومه - شلمچه- خرمشهر برای اشغال خرمشهر و آبادان پیشروی نمود. بعد از مواجه شدن با یگان‌های مدافع خودی و مقاومت دلیرانه مردم منطقه، نیروهای دیگری را برای تقویت لشکر ۳ گسیل نمود. از جمله تیپ ۳۳ نیروی مخصوص که در نبردهای خیابانی خرمشهر نقش فعالی داشت. لشکر ۳ زرهی که قرارگاه اصلی تک کننده به خرمشهر و آبادان بود، یگان‌های سازمانی آن عبارت بودند از:

قرارگاه لشکر تیپ ۶ زرهی شامل سه گردان تانک و یک گردان مکانیزه.

تیپ ۱۲ زرهی شامل چهار گردان تانک و مکانیزه

تیپ ۸ مکانیزه شامل ۴ گردان مکانیزه و تانک

گردان شناسایی

۵ گردان توپخانه

۲ گردان پدافند هوایی به اضافه ۲ آتشبار مستقل

۱ گروهان شیمیایی

۳ گردان خدمات

۱ گردان مهندسی رزمی

۱ گردان پل

۱ گردان مخابرات

پشتیبانی خدمات رزمی لشکر

علاوه بر یگان‌های یاد شده تعدادی تیپ و گردان‌های مختلف در منطقه بصره و کرانه اروندرود مستقر بودند که در صورت لزوم قادر بودند در تقویت یگان‌های منطقه عملیاتی خرمشهر-آبادان قرار گیرند. (۷)

نیروهای دفاعی خودی در منطقه عملیاتی غرب خرمشهر و کرانه شمالی اروندرود و جزیره آبادان در جبهه‌ای به عرض بیش از ۱۰۰ کیلومتر عبارت بودند از:

گردان ۱۵۱ دژ از لشکر ۹۲

گردان ۲۳۲ تانک از تیپ ۱ لشکر ۹۲

گردان ۱۶۵ مکانیزه از تیپ ۱ لشکر ۹۲

پایگاه دریایی خرمشهر با یک گردان تکاوران دریایی

هنگ ژاندارمری آبادان

گردان ساحلی ژاندارمری خسروآباد

رزمندگان سپاهی و نیروهای داوطلب

یک آتشبار ۱۷۵ م دوربرد از گردان ۳۸۷ در منطقه خرمشهر، یک آتشبار ۱۳۰ م برد بلند از گردان ۳۴۱ در جزیره آبادان، قُصبه، و یک آتشبار کاتیوشا مجموعاً از گروه ۲۲ توپخانه شهرضا. لازم به ذکر است که بقیه یگان‌های لشکر ۹۲ و یگان مأمور به آن در جبهه‌ای به طول ۵۰۰ کیلومتر از مهران تا دهانه فاو گسترش یافته بودند. سایر یگان‌های باقیمانده نزاچا در منطقه عملیاتی غرب و شمال غرب گسترش یافته و با دشمن درگیر بودند و تعداد دیگری از یگان‌های نزاچا که خارج از مناطق عملیاتی داخلی و مرزی قرار داشتند. با توجه به امکانات و محدودیت‌های ترابری موجود به سمت مناطق عملیاتی و مأموریت تعیین شده در حرکت بودند.

جمع کل استعداد رزمی یگان‌های نام برده شده در منطقه خرمشهر و آبادان کمتر از یک تیپ مکانیزه ارتش عراق بود، گردان ۲۳۲ تانک کمتر از ۶۰ درصد استعداد رزمی خود را داشت، گردان ۱۶۵ مکانیزه و ۱۵۱ دژ نیز در همین شرایط بودند.

تعداد رزمندگان سپاه پاسداران و نیروهای مردمی نیز قبل از آغاز جنگ چندان قابل ملاحظه نبود و تعداد این نفرات در کمتر از ۱۰ پاسگاه مرزی غرب خرمشهر و جزیره مینو به ۱۰۰ نفر

می‌رسید و به جنگ افزار سبک مسلح بودند.

با مقایسه توان رزمی نیروهای متجاوز عراق با توان رزمی نیروهای رزمنده خودی در این منطقه عملیات به نسبت ۴ به ۱ به نفع دشمن بود.

طبق اصول برآوردهای نظامی، هر نیروی مکانیزه و زرهی حمله‌ور با چنین برتری نسبی در زمین باز و بدون موانع طبیعی و مصنوعی بایستی بتواند بیش از ۵ کیلومتر در ساعت پیشروی کند و ظرف چند ساعت به حاشیه شهر خرمشهر رسیده و حداکثر ظرف چند روز شهر را اشغال کند. بر همین مبنا بود که صدام حسین و طراحان نظامی ارتش بعثی عراق مدت زمان وصول به اهداف اصلی در خوزستان را ۳ تا ۷ روز پیش‌بینی کرده بودند، اما چنین برآوردی تحقق نیافت و نیروهای عراقی تا مدت ۱۰ روز نتوانستند به حاشیه خارجی شهر خرمشهر برسند و نبرد خرمشهر بیش از یک ماه طول کشید و سرانجام ارتش متجاوز عراق در دسترسی به هدف نهایی خود در این منطقه که اشغال جزیره آبادان و تهدید بندر ماهشهر و بندر امام خمینی بود به کلی ناموفق و ناکام ماند. (۸)

به دنبال اعلام اولتیماتوم سیاسی دولت عراق به ایران درباره جزایر سه‌گانه در غرب تنگه هرمز نیروهای زمینی عراق در طول مرز ایران تقویت گردیدند. از آن زمان تا آغاز رسمی تحمیل جنگ سراسری از طرف دشمن، درگیری‌های پراکنده نظامی در مرز دو کشور ادامه داشت.

ساعت ۳:۳۵. روز ۲۸ شهریور ۵۹، پایگاه دریایی خرمشهر که به نام ستاد عملیات دریایی جنوب عمل می‌کرد، به نیروی دریایی ایران گزارش داد که برابر اعلام فرمانداری آبادان قرار است روز بعد دو کشتی وارد اروندرود شوند. طبق روش جاری، حرکت کشتی‌ها در این آبراه، به مقامات بندری فاو عراق اطلاع داده شد. مقامات عراقی اظهار کردند که کلیه کشتی‌ها بایستی با پرچم عراق به اروندرود وارد و یا از آن خارج شوند، در غیر این صورت حق ورود و یا خروج از اروندرود را ندارند. با این پیام، عملاً حالت جنگی در منطقه اروندرود به وجود آمد و در همان روز، تشکیل ستاد عملیاتی مشترک به فرماندهی پایگاه دریایی خرمشهر رسمیت یافت.

شبهه این پیام عراقی‌ها به اداره بندر خرمشهر و از طریق سازمان بنادر و کشتی‌رانی در ساعت ۵:۳۰. همان روز به نیروی دریایی اعلام گردید. عراقی‌ها به اداره بندر خرمشهر پاسخ داده بودند که کلیه برنامه‌ها بایستی براساس مقررات قبل از انعقاد قرارداد الجزایر انجام گیرد. (۹)

روز ۲۹ شهریور ۵۹: آماده باش کامل یگان‌های دریایی و تشدید درگیری در قلمرو آبی دو کشور نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۲۹ شهریور ۵۹ به تمام یگان‌های دریایی آماده‌باش کامل داد و به پایگاه دریایی خرمشهر نیز دستور داد که کلیه کشتی‌های تجاری ایرانی و خارجی را که در اروندرود در رفت و آمد هستند، خارج کند و به بنادر دیگر ایران اعزام نماید. تخلیه کشتی‌ها آغاز گردید، اما فرصت برای این کار کافی نبود. ساعت ۱۲:۳۰ تعداد ۳ فروند کشتی لایروب و ساعت ۱۵:۰۰ تعداد ۳ فروند کشتی تجاری به حرکت درآمدند.

سازمان دولتی بنادر عراق به مدیرکل ایرانی بندر خرمشهر پیام فرستاد که شما در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰-۲۹ شهریور، مقررات بین‌المللی و همچنین قوانین مصوبه ما درباره کشتی‌رانی در شط العرب - اروندرود - را که به وسیله این مقام معین گردیده، با راهنمایی کردن کشتی آرژانتینی «ریوایگوز» و کشتی «ایران بدر» بدون اجازه این مقام و بدون گرفتن راهنما و افراشتن پرچم عراق بر روی دکل کشتی‌های مذکور، نقض کرده‌اید. ما شما را مسئول عواقب این نقض مقررات می‌شناسیم.

ساعت ۲۱:۵۷، یعنی حدود یک ساعت و نیم بعد از پیام داده شده، پایگاه دریایی به نیروی دریایی اعلام کرد که تعدادی کشتی تجاری و لایروب شامل ۳ فروند لایروب و ۲ فروند کشتی تجاری برای خروج از اروندرود حرکت کردند. لایروب‌ها و یک کشتی تجاری بدون خطر خارج شدند، اما کشتی تجاری «ایران بدر» زیر آتش نیروهای عراقی قرار گرفت و به گل نشست، تعدادی از افراد آن زخمی و شهید شدند.

علاوه بر آن ۲ بارج بزرگ که در دهانه فاو قرار داشتند با ۲۷ نفر افراد گمرک و گارد ساحلی و غواص زیر آتش نیروهای عراقی قرار گرفتند و تعدادی از آنان زخمی شدند. این افراد، بارج‌ها را رها کرده و توانستند با حرکت از نقاط کم عمق آب، خود را به ساحل برسانند که احتمالاً چند نفری از آنان شهید شدند. یک ناوچه گارد ساحلی نیز آتش گرفت و یک قایق تندرو سپاه پاسداران نیز غرق و تعدادی از افراد سپاه مجروح شدند.

بدین ترتیب به سبب عدم امکان خروج سریع کشتی‌های موجود، بیش از ۶۰ کشتی در اروندرود بر جای ماندند و دچار سوانح جنگ تحمیلی شدند.

از طرفی برابر اطلاعات واصله، سازمان دولتی بنادر عراق به کلیه شرکت‌های خطوط کشتی‌رانی خارجی تلکس نموده بود که ورود و خروج کلیه کشتی‌ها در شط العرب برای تمام بنادر که شامل

روز ۳۰ شهریور ۲۱ /

بنادر ایران نیز می‌گردد، با داشتن راهنمای عراقی و بالا بردن پرچم عراق و واریز نمودن عوارض بندری، به حساب سازمان دولتی بنادر عراق اجباری است. این دستورات از تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ - ۲۶ شهریور ۵۹- اجرا می‌گردد.

در روز ۲۹ شهریور، منطقه دریایی خرمشهر گزارش داد که به دو فروند ناوچه عراقی آتش گشوده و یکی از ناوچه‌های عراقی را غرق کرده و دیگری در پشت جزیره ام‌الرصاص متوقف شده است. منطقه دریایی بوشهر، گشت زنی رزمی در خلیج فارس را آغاز نمود و از پایگاه هوایی بوشهر درخواست نمود که ۴ فروند هواپیما، آمادۀ اسکورت کشتی‌ها باشند. ناوشکن سام و ناو خارک به تنگه هرمز اعزام شدند. نیروهای دفاعی جزایر خارک، ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ نیز تقویت شدند.

در برخورد‌های اروند یک ناوچه گارد ساحلی ژاندارمری آسیب سختی دید و تعدادی از نفرات آن زخمی و تعدادی هم مفقود الاثر گشتند.

به ناو بایندر دستور داده شد بین خارک و دهانۀ فاو مستقر و آماده باشد از کشتی‌های ایران در دهانۀ اروندرود پشتیبانی کند.

ساعت ۱۸:۳۰ روز ۲۹ شهریور، ناوچه شماره ۴ عراقی که در کرانۀ جزیره ام‌الرصاص مستقر بود با آتش توپخانۀ ایران غرق شد. در این روز در قلمرو زمین نیز در کرانه اروندرود، برخورد‌هایی بین نیروهای ایرانی و عراقی به وجود آمد. پاسگاه خرمان در کرانه نهر خین در زیر آتش توپخانۀ دشمن قرار گرفت و درگیری در این پاسگاه از ساعت ۱۲:۳۰ شروع شد. با توجه به این‌که یگان‌های توپخانه و خمپاره‌اندازهای عراقی در اجرای آتش علیه مواضع نیروهای ایرانی فعال شده بودند، لشکر ۹۲ به ستاد اروند دستور داد کلیه مواضع توپخانه و خمپاره اندازهای دشمن را زیر آتش قرار دهند. (۱۰)

روز ۳۰ شهریور: آتشباران خرمشهر و آبادان، درگیری ناوچه‌ها و احضار منقضی خدمت‌های سال ۱۳۵۶

آتش دشمن روی تاسیسات پایگاه دریایی خرمشهر

ادامۀ درگیری با آتش از خسروآباد تا آبادان

وارد عمل شدن ۴ فروند هواپیمای اف-۴ نیروی هوایی ارتش به منظور انهدام ناوچه‌های عراقی در اروندرود

درگیری ناوچه‌های خودی و دشمن

آتش گرفتن قسمتی از پالایشگاه آبادان در اثر اصابت گلوله‌های دشمن

بالاخره نیروی دریایی ارتش در یک دستور قاطع ابلاغ کرد کشتی‌هایی که ملیت عراقی با پرچم عراقی هستند، غرق و منهدم گردند. کشتی‌های ملیت دیگری که با پرچم عراق هستند، برای تیراندازی کسب دستور گردد. هرگونه شناورهای اسکورت عراق منهدم گردند. در این روز یک فروند بالگرد نیروی دریایی که نیروهای رزمنده را پشتیبانی می‌کرد، به سیم کابل برق در کوی ذوالفقاری برخورد کرد و سقوط نمود. ناخدا «عسکر محتاج» خلبان، ناوبان یکم «عزیزی»، کمک خلبان و مهنای گروکافی شهید شدند.

بدین ترتیب از بعدازظهر روز ۳۰ شهریورماه نبردهای دریایی با پشتیبانی هوایی عملاً آغاز گردید.

این وضع درحالی بود که یگان‌های زمینی طرفین نیز در این منطقه درگیر و تبادل آتش می‌کردند.

ناوچه ۶۵ پایی مقابل جزیره مینو غرق شد و خدمه آن ۸ نفر شهید و ۱۱ نفر مجروح شدند. از ناوچه دیگر ۵ نفر مفقود و ۷ نفر مجروح گردیدند. در ساعت ۱۶:۰۲ هواپیماهای ایرانی که برای پشتیبانی شناورهای خودی به پرواز درآمدند، یک ناوچه کلاس پی عراق را منهدم کردند. (۱۱)

در این روز اطلاعیه شماره ۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران صادر و در آن، کلیه پرسنل وظیفه درجات افسری، درجه‌داری و سربازی وظیفه که خدمت زیر پرچم خود را در سال ۱۳۵۶ به پایان رسانیده بودند، احضار و موظف شدند از روز ۱۳۵۹/۷/۱ خود را به مرکز ژاندارمری محل اقامت خود معرفی و در ادامه راجع به حقوق آنان در دوره خدمت احتیاط و نیز حفظ مشاغل آنان که در استخدام دولتی هستند، دستورات لازم صادر شده بود. (۱۲)

یک فروند کشتی تجارتي به نام «آزادی» در حوالی خورموسی مورد اصابت گلوله سلاح سنگین دشمن قرار گرفت و توسط ناو بایندر از نیروی دریایی ارتش، با یک فروند یدک کش از منطقه خارج گردید. (۱۳)

وزارت امور خارجه عراق، در این تاریخ نامه‌ای را در ۵ صفحه جهت توجیه اعمال خصمانه خود به تعدادی از سازمان‌های و شخصیت‌های بین‌المللی ارسال نمود. در آن، ضمن اشاره به مفاد قرارداد ۱۹۷۵، گفته بود، چون ایران به تعهدات خود عمل ننموده، بنابراین عراق حق دارد با اعمال زور حقوق خود را به دست آورد... در حالی که تمام ادعاهای بیان شده واقعیت نداشت و هیچ‌کدام نیز برای آغاز جنگ قابل قبول کسی نبود. (۱۴)

روز ۳۱ شهریور ۵۹، آغاز جنگ

در ادامهٔ حوادث، روز ۳۱ شهریور ماه، نیروی دریایی به نیروی رزمی ۴۲۱ دستور داد، در صورتی که دشمن پالایشگاه آبادان و تاسیسات پتروشیمی بندر امام خمینی را مورد حمله قرار دهد، تاسیسات بندر بصره و کارخانه پتروشیمی آن، مورد حمله هوایی قرار گیرد و اهداف نظامی و اقتصادی در بصره، زبیر و شُعیبیه گلوله باران شوند. ضمناً تاکید شد که به تاسیسات غیر نظامی عراق آسیبی وارد نشود.

در ساعت ۱۳:۳۰، توپخانه عراق، تاسیسات گارد ساحلی ایران را در کرانهٔ اروند گلوله باران کرد. در همین زمان بود که حملهٔ سراسری و همه جانبهٔ نیروی هوایی عراق به شهرهای ایران آغاز شد.

با این ترتیب جنگ اعلام نشده عراق که از اوایل سال ۱۳۵۹ عملاً شروع شده بود، به طور رسمی از ساعت ۱۳:۳۰ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد.

هواپیماهای دشمن در ساعت ۱۶:۴۵ همین روز برای بار دوم با ۵ فروند هواپیمای میگ به خرمشهر و آبادان حمله کردند و به فرودگاه آبادان خسارت وارد نمودند. همزمان با حمله هوایی به منطقه خرمشهر و آبادان، توپخانه‌های دوربرد عراق، از کرانهٔ جنوبی اروندرود، آبادان را زیر آتش گرفتند و به تاسیسات نفت خسارت وارد نمودند.

متعاقب شلیک یک گلوله تانک تی ۷۲ در پادگان در ساعت ۱۱ روز ۳۱ شهریور ماه توسط صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، به سوی مرزهای ایران و به دنبال حملات هوایی به شهرهای داخلی و مرزی جمهوری اسلامی، تلاش همه جانبهٔ نیروی زمینی عراق آغاز شد و مواضع نظامی و تاسیسات غیرنظامی ایران در نزدیکی مرز زیر آتش سنگین عراق قرار گرفت که از نظر طبقه‌بندی نوع آتش‌ها، آتش تهیه محسوب می‌شد. نیروی هوایی عراق نیز در این آتش تهیه شرکت داشت.

ساعت ۱۸:۰۰ پس از اجرای آتش‌های سنگین، حرکت لشکرهای عراقی به طرف مرز آغاز شد.

ساعت ۱۸:۱۰ خرمشهر و آبادان برای سومین بار در این روز بمباران شدند.

ساعت ۱۹:۰۰ همین روز، اولین اعلامیه ستاد نیروهای مسلح عراق از رادیو بغداد خوانده شد که در آن اشاره به حملات هوایی خود به شهرها و فرودگاه‌های ایران شامل: فرودگاه‌های مهرآباد، بوشهر، دزفول، همدان، اصفهان، تبریز، امیدیه، کرمانشاه و اهواز کرده بود.

صدور این اعلامیه، اعتراف آشکار و رسمی عراق نسبت به شروع حمله و تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران است. هرچند عراق کوشید که این تجاوز را دفاع وانمود نماید، اما سرانجام

باطل بودن آن، بر همهٔ جهانیان، معلوم و آشکار شد.

در منطقهٔ عملیاتی خرمشهر- آبادان علاوه بر تهاجمات هوایی، بیشترین آتش زمینی از کرانهٔ دور اروندرود روانهٔ تاسیسات نفتی آبادان و تاسیسات دریایی و ترمینال و گمرک خرمشهر گردید. در مرز زمینی فشار دشمن از جبههٔ شلمچه آغاز شد و نیروهای ارتش بعث عراق تلاش کردند شلمچه را اشغال کنند و تا ساعت ۱۸:۰۰ آن روز پاسگاه را محاصره کردند، اما نیروهای مدافع پاسگاه که ترکیبی از عناصر نیروی زمینی، ژاندارمری و سپاه پاسداران بودند، موفق شدند عناصر دشمن را از حوالی پاسگاه دور سازند.

هدف نیروهای دشمن که از مرز شلمچه وارد شدند، تصرف خرمشهر و آبادان بود. بنابراین همان‌طور که در این مجموعه ملاحظه می‌گردد، امکان تفکیک عملیات نظامی دشمن برای آبادان تا مرحلهٔ سقوط خرمشهر وجود ندارد. به ویژه آتش‌های توپخانه و هوایی دشمن که هم‌زمان بر این دو شهر وارد می‌شد.

با هر قدمی که دشمن به خرمشهر نزدیک می‌شد، به همین نسبت نیز به آبادان نزدیک و خطر سقوط آن بیشتر می‌شد.

با توجه به چنین پیوستگی موضوع، با آن که موضوع بحث این مجموعه «دفاع از آبادان» است، اما باید حوادث دفاع خرمشهر نیز در کنار آن، برای فهم بیشتر مخاطبان بیان گردد.

رزمندگان دلاور جمهوری اسلامی ایران، با وجود کمبودها در مقایسه با نیروهای دشمن و با وجود آن‌که در زمین‌های باز منطقه آشکارا ناظر گسترش لشکرهای زرهی و مکانیزه عراق در مقابل خود بودند و می‌دانستند که کلیه توان رزمی نیروهای مسلح ایران، در همان خط مقدم گسترش یافته و در پشت جبهه نیرویی وجود ندارد، با اراده‌ای جدی آماده بودند که در راه خدا و دین او و دفاع از شرف و حیثیت ملت ایران و تمامیت ارضی میهن اسلامی تا مرحلهٔ شهادت بجنگند.

همین رزمندگان با چند آتشبار توپخانهٔ محدود، در جبهه‌ای به طول ۳۰ کیلومتر، پاسخ آتش چندین گردان توپخانهٔ دشمن را می‌دادند.

با شروع تاریکی شب اول مهرماه، نیروهای عراقی تلاش کردند پاسگاه‌های مرزی را در تمام طول مرز اشغال کنند تا در حملهٔ همه جانبهٔ روز اول مهرماه، در مقابل خود مقاومتی نداشته باشند، ولی مدافعان پاسگاه‌ها دلیرانه مقاومت کردند و غیر از چند پاسگاه مرزی، دشمن نتوانست نیروی تامین خودی را به عقب براند، همین مقاومت اولیه، از نظر روانی تاثیر بسیار مهمی در کل

جنگ داشت.

این پایداری شجاعانه کاملاً برخلاف انتظار نیروهای عراقی بود، به آنها تفهیم شده بود به جز مقاومت مرزی بسیار ضعیف، دیگر مقاومتی روبه‌روی آنها نخواهد بود و به سادگی به اهداف تعیین شده دست می‌یابند، ولی در همان برخورد اول، خلاف این وعده برای سربازان عراقی ثابت شد. (۱۵)

اطلاعیه شماره ۲۰ ستاد مشترک ارتش در روز ۳۱ شهریور ۵۹ به شرح زیر صادر شد:

هم‌میهنان عزیز و مسلمان ایران،

طبق گزارش‌های واصله، تلفات و ضایعات ارتش تا ساعت ۲۲:۰۰ روز سی و یکم شهریورماه که مورد تایید می‌باشد به این شرح به آگاهی می‌رساند:

هواپیمای میگ سرنگون شدهٔ عراق ۱۱ فروند

ناوچه موشک انداز غرق شده ۴ فروند

ضمناً در اثر آتش شدید توپخانه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران، تاسیسات و کارخانهٔ تولید گاز فاو، منهدم شد و پایگاه‌های هوایی شعیبیه و سیحان به وسیله آتش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران درهم کوبیده و منهدم گردیده است.

درگیری در مناطق مرزی خوزستان بین نیروهای رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای رزمی ارتش عراق به شدت ادامه دارد و نتیجهٔ ضایعات و تلفات متعاقباً به استحضار ملت مبارز و قهرمان ایران می‌رسد. (۱۶)

روز اول مهرماه: تهاجم گستردهٔ مرزی

روز اول مهرماه، هم‌زمان با حملهٔ دشمن در تمام طول ۱۵۰۰ کیلومتری مرز دو طرف، در منطقه نبرد خرمشهر و آبادان نیز با فشار نیروهای مانوری دشمن در مرز شلمچه، آتش سنگین دشمن از جنوب اروندرود بر تمام منطقهٔ خرمشهر و آبادان روانه گردید. برای خنثی کردن آتش دشمن، به توپخانهٔ دوربرد ایران دستور داده شده با تمام امکان، تاسیسات اقتصادی بصره و فاو را زیر آتش خود قرار دهد. بدین ترتیب نبرد توپخانه‌ها از همان آغاز جنگ به صورت یک عنصر بسیار مهم جنگ جلوه‌گر شد.

در روز اول جنگ، لطمات و خرابی‌های وارده بر مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی شامل: کودک، زن و مرد، بیش از تلفات و خسارات نظامی بود.

در روز اول جنگ، نیروهای خودی موفق شده بودند در منطقه شلمچه، دشمن را به عقب برانند. با وجود برتری کامل متجاوز در روز اول جنگ، دشمن نتوانست مقاومت نیروهای ایران را در خط مرز درهم بشکند و مجبور به توقف در مواضع نزدیک مرز شد.

دشمن برآورد نموده بود مسافت ۱۵ کیلومتری شلمچه تا خرمشهر را در ظرف یک روز طی نماید و در مدت ۲ تا ۳ روز نیز خرمشهر را اشغال نماید. پس از عبور از پل خرمشهر-آبادان، جزیره آبادان را نیز در ظرف چند ساعت یا چند روز - مانند همان عملیات چند ساعته که ۱۱ سال بعد در تصرف کویت داشت - و در ظرف کمتر از یک هفته، ارتش عراق به مهم‌ترین هدف سیاسی نظامی خود که اشغال تمام کرانه شمالی اروندرود باشد برسد.

در اثر آتش سنگین دشمن از جنوب اروندرود بر تمام منطقه خرمشهر و آبادان، در ساعات اولیه فقط در خرمشهر ۶۰ نفر شهید و ۱۱۰ نفر مجروح گردیدند. در آبادان نیز تعدادی از غیرنظامیان شهید و مجروح گردیدند. اضافه بر خساراتی که به مناطق مسکونی و اقتصادی و اسکله‌های این دو شهر وارد شد، پنج مخزن نفت در پالایشگاه آبادان آتش گرفتند که خاموش کردن آن‌ها امکان‌پذیر نبود.

با توجه به نابرابری نیروی زمینی طرفین و بیش از ۴ برابر بودن نیروی دشمن، ارتش تصمیم گرفت، اضافه بر نیروی زمینی و نیروهای مردمی و سپاه پاسداران، با توسل به نیروی هوایی، پیشروی نیروی زمینی عراق را سد و یا حداقل کند نماید.

نیروی هوایی نیز در روزهای اولیه نبرد، با حداکثر توان وارد میدان کارزار شد و توانست با بمباران یگان‌های دشمن، پیشروی وی را به تاخیر اندازد.

در صبحدم همین روز نیروی هوایی ارتش موفق شد، با ۱۴۰ فروند هواپیمای شکاری و بمب افکن به نقاط حساس کشور عراق حمله کند و تلفات و ضایعات سنگین بر دشمن وارد سازد.

در روز اول مهرماه در خلیج فارس، ۱۱ فروند هواپیمای میگ و ۶ فروند ناوچه اوزا مربوط به ارتش عراق در نبردهای هوایی و دریایی منهدم شدند. نیروی دریایی ایران کنترل کامل تنگه هرمز را در دست گرفت.

روز اول مهرماه با حوادث نامطلوب به پایان رسید، در حالی که در منطقه عملیاتی خرمشهر، هنوز مدافعان میهن اسلامی با وجود همه مشکلات و کاستی‌ها توانستند پیشروی نیروهای عراق را

در حوالی مرز متوقف نمایند.

در همین روز شورای امنیت، اولین بیانیه خود را درباره جنگ عراق و ایران صادر کرد و از طرفین خواست از اقدامات مسلحانه خودداری و اختلافات خود را به‌طور مسالمت آمیز حل نمایند. (۱۷)

در این روز فرماندهان نیروهای مسلح در مصاحبه رادیو تلویزیونی شرکت و آخرین تحولات جنگ را تشریح کردند. در این مصاحبه، سرهنگ جواد فکوری وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی در مورد عملیات امروز حمله هوایی ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگی به خاک عراق گفت: البته درگیری‌ها از مدت‌ها قبل ادامه داشت و به‌طور جدی از ساعت ۱۴:۳۰ دیروز دوشنبه شروع شد، اما با هوشیاری پرسنل پدافند زمین به هوا، که من به حق به وجودشان افتخار می‌کنم و اطمینان دارم که امام و امت هم واقفند و به وجودشان افتخار می‌کنند، توانستند این حملات را دفع کنند. (۱۸)

روز دوم مهرماه: پیشروی دشمن در تمام جبهه‌ها

روز دوم مهرماه، نیروهای متجاوز عراق در تمام جبهه‌ها موفق شدند که وارد خاک ایرن شوند و نیروهای پدافندی محدود جمهوری اسلامی ایران، ناگزیر دست به عملیات تاخیری زدند. دشمن پس از عبور از شمال شلمچه، مقاومت گروههای دژ را که در عده‌های ۱۰ نفری بودند، در هم شکست و به جاده اصلی اهواز- خرمشهر رسید. پس از وصول به این جاده، با آتش پشتیبانی شدید، یک ستون به سمت اهواز (شمال) و یک ستون نیز به سمت خرمشهر (جنوب) پیشروی کردند.

نیروهای ایرانی مجبور بودند کمبود توان رزمی خود را با حداکثر استفاده از جنگ افزارهای موجود جبران کنند، بنابراین به ناچار مهمات بیشتری مصرف می‌شد، در نتیجه مشکل کمبود مهمات و تدارکات مجدد آن، که باید به نقاط آماد و مهمات نزاچا در دوکوهه و سایر نقاط آمادی مراجعه، دریافت و بالاخره به پای قبضه‌های تانک، توپ، خمپاره انداز و سایر سلاح آورده و تحویل داده می‌شد، به وجود آورده بود. این اقدام نیز برای لشکر ۹۲ که در جبهه وسیعی گسترش یافته بود، کار بسیار سختی بود.

در دوم مهرماه، به دانشکده افسری دستور داده شد، دانشجویان سال دوم و سوم به صورت گردان رزمی پیاده سازمان داده شوند تا به خوزستان اعزام گردند. در اجرای این دستور، دانشکده افسری، تعداد ۷۳۱ نفر دانشجو، ۴۱ نفر افسر و ۲۴ نفر درجه‌دار را در ۳ گردان پیاده با جنگ افزار

انفرادی و تیربار و ۷ سازماندهی و آماده نمود تا در روز سوم مهرماه با هواپیما به اهواز اعزام و در اختیار لشکر ۹۲ زرهی قرار گیرند.

در ساعت ۹:۰۰ روز دوم مهرماه، نیروهای مقدم یک لشکر عراقی از محور تنومه به طرف اهواز، و یک لشکر نیز به طرف خرمشهر و آبادان پیشروی خود را آغاز کردند.

در این روز یک فرستنده رادیویی نیز به نام «جبهه آزادی بخش خوزستان» آغاز به کار کرد و مکرر از مردم خوزستان می‌خواست که به نیروهای عراقی بپیوندند.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مجبور بود در جبهه‌ای به طول ۱۵۰۰ کیلومتر و عمق بیش از ۱۰۰ کیلومتر، مأموریت‌های واگذاری را به انجام رساند که بیشتر تاثیر روانی روی افراد دشمن داشت و اثرات انهدامی آن بر روی یگان‌های زمینی عراق که به‌خوبی گسترش یافته و موضع گرفته بودند کمتر بود.

با وجود خبرهای ناگوار و نگران کننده در این روز، گاهی نیز خبرهای خوشحال کننده‌ای دریافت می‌شد، چنان‌که در ساعت ۱۲:۲۰ اعلام شد که در منطقه خرمشهر و آبادان، دو فروند هواپیمای دشمن سرنگون شده و ۶ دستگاه تانک و ۱۳ نفر از عوامل دشمن به دست نیروهای خودی افتاده‌اند. آتش سوزی بندر امام خمینی نیز مهار گردیده است.

در جبهه غرب خرمشهر نیز تعداد ۵۰ دستگاه تانک دشمن منهدم شده، ۱۰ دستگاه در گل و لای فرو مانده و قسمتی از منطقه شلمچه مجدداً در کنترل نیروهای ایران قرار گرفته و تأسیسات بندری و نفتی فاو نیز به آتش کشیده شده و دود آتش آن دیده می‌شود. یک کشتی لایروب عراقی منهدم و ۸ نفر سرنشین آن کشته شده‌اند. (۱۹)

روز سوم مهرماه: ادامه تهاجم و آتش شدید

روز سوم مهرماه در ساعت ۵:۲۵ ادامه تهاجم نیروهای دشمن با اجرای آتش‌های شدید توپخانه به خرمشهر و آبادان آغاز یافت. شدت آتش به قدری زیاد بود که فرمانده این منطقه نبرد گزارش داد، چنانچه با حملات هوایی، توپخانه دشمن خاموش نشود، در ظرف چند ساعت خرمشهر با خاک یکسان خواهد شد.

ساعت ۷:۴۵ حدود ۱۵ فروند میگ عراقی به خرمشهر حمله کردند که هدف اصلی آن‌ها انهدام نیروی دریایی خرمشهر بود.

در شمال خرمشهر نیروهای دشمن به ۸ کیلومتری شهر رسیدند؛ با حملهٔ هواپیماهای ایران، ستون متجاوزان عقب نشینی کردند و تعدادی از افراد دشمن اسیر شدند و شماری از خودروهای آنان نیز در گِل فرو رفت و ۱۸ دستگاه نفر بر نیز به دست نیروهای خودی افتاد. گردان‌های دانشجویان دانشکده افسری با یک قرارگاه هدایت کننده، با ۱۰ فروند هواپیمای سی‌۱۳۰ در روز سوم مهرماه به اهواز وارد شدند.

روز سوم مهرماه مقاومت مدافعان خرمشهر و آبادان در مقابل یورش نیروهای عراقی برای فرماندهان نظامی آن کشور عجیب و غیر منتظره بود، بنابراین تغییراتی در طرحهای تهاجمی خود به عمل آوردند. یک تیپ زرهی دیگر در این روز به بصره اعزام شد تا در تهاجم به خرمشهر و آبادان وارد عمل گردد.

ساعت ۱۲:۰۰ نیروهای دشمن به ۵ کیلومتری خرمشهر رسیدند. در این حالت مدافعان شهر در حاشیه شمالی شهر موضع دفاعی گرفتند و به روی نیروهای دشمن آتش گشودند. در نتیجه پیشروی نیروهای دشمن از سمت شمال آهسته‌تر شد.

از ساعت ۱۲:۲۰ دشمن حجم آتشی پشیمانی خود را بر روی خرمشهر و آبادان به شدت افزایش داد. اغلب مخازن نفت آبادان آتش گرفت. در ساعت ۱۰:۰۰ بیمارستان آراین آبادان و سایر نقاط مسکونی با حمله هوایی عراق تخریب و حدود ۵۰ نفر شهید شدند. به نظرمی رسید نیروهای دشمن در منطقهٔ خرمشهر و آبادان تلاش می‌کردند وعدهٔ «قادسیه صدام» را عملی سازند و روز سوم جنگ حداقل خرمشهر را اشغال نمایند.

از ساعت ۱۴:۴۰ در اثر فشار شدید دشمن، نیروهای مدافع خرمشهر به طرف داخل شهر شروع به عقب نشینی نمودند. این فشار شدید در تمام جبهه‌ها نیز وجود داشت و واحدهای رده عقب دشمن به جلو آورده شدند تا هرچه زودتر بتوانند به هدف‌های پیش‌بینی شده برسند. این فشار در روز سوم مهرماه در منطقهٔ خرمشهر و آبادان به اوج خود رسید.

در شمال خرمشهر، زمین منطقهٔ نبرد برای حرکت خودروهای شنی‌دار در خارج از جاده به واسطهٔ زمین سست و باتلاقی شدن در نزدیکی رودخانهٔ کارون مناسب نبود و تعدادی از کار افتادند. در نتیجه دشمن به جاده متکی شد و در مقابل تفنگ ۱۰۶ نیروهای خودی آسیب‌پذیر گشتند و هدف واقع شدند. در ۶ کیلومتری شمال شهر، دشمن در طرفین جادهٔ اهواز - خرمشهر متوقف گردید.

گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه و گردان ۱۵۱ دژ تلفات و خسارات زیادی را در این نبرد متحمل شدند. شدت نبرد هوایی در جزیرهٔ خارک سبب شد که تخلیه اهالی جزیره اجباری شود. تعداد ۴۰۰

نفر از اهالی خارک به بوشهر تخلیه شدند. در ساعت ۱۸:۵۰ تعداد ۴ فروند هواپیمای عراقی به جزیره خارک و یگان‌های شناور حمله کردند که دو فروند آنها به وسیله پدافند زمین به هوای خارک سرنگون شدند.

با آغاز تاریکی شب در حدود ۶ کیلومتری شمال شهر، نیروهای زرهی دشمن در طرفین جاده اهواز- خرمشهر متوقف ماندند. در مقابل فشار شدید دشمن، تلفات و ضایعات نیروهای خودی، ساعت به ساعت بیشتر می‌شد. در این حال امکان اعزام نیروهای تقویتی و جایگزین تلفات و ضایعات وجود نداشت، زیرا تمام نیروهای موجود در سراسر جبهه ۱۵۰۰ کیلومتری گسترش یافته بودند. این گسترش نیز به علت کمبود نیرو، به صورت پراکنده و ناپیوسته بود. نیروها مناطق حساس را پوشش پدافندی داده بودند و برداشت هیچ نیرویی برای انتقال به مناطق دیگر ممکن نبود.

تا پایان سوم مهرماه، خرمشهر از سمت شلمچه و جاده اهواز- خرمشهر کاملاً در محاصره قرار گرفت. مدافعان شهر، دلاورانه زیر آتش سنگین دشمن مقاومت می‌کردند. در این شرایط، گردان توپخانه ۱۷۵ م منطقه از کار افتاد. گردان ۲۳۲ تانک قدرت رزمی خود را از دست داد. گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه ۶۰ نفر از نفرات آن شهید یا اسیر شده بودند. تمام دژها به تصرف دشمن درآمد. یک آتشبار توپخانه که در پادگان خسروآباد مستقر و به جنوب اروندرود به توپخانه و دیگر نیروهای دشمن تیراندازی می‌کرد، بنا به دستور به شمال بهمن‌شیر تغییر موضع داد تا نیروهای دشمن را در اطراف جاده اهواز- خرمشهر زیر آتش بگیرد.

دامنه نبرد دریایی تا بنادر فاو و ام القصر در خور عبدالله گسترش یافت و نیروی دریایی عراق مجبور شد تعدادی از ناوها و ناوچه‌های خود را به بنادر کویت و سایر شیخ نشین‌های جنوب خلیج فارس اعزام کند. بدین ترتیب روز سوم مهرماه در حالی به پایان رسید که نیروهای دشمن توانسته بودند از سمت غرب و محور شلمچه به نزدیکی کرانه غربی نهر عریض و پل نو از سمت شمال و محور اهواز- خرمشهر تا حدود ۵ کیلومتری شمال آن شهر برسند.

در این روز محور اهواز- خرمشهر قطع شده بود و راه ارتباطی به خارج از منطقه از طریق راه آبادان- اهواز و آبادان- ماهشهر هنوز آزاد بود. (۲۰)

روز چهارم مهرماه: آتش شدید همراه با رزم نزدیک

دشمن پادگان دژ را از ساعت ۵:۳۰ مورد حمله قرار داد، افراد باقی‌مانده این گردان زیر آتش شدید دشمن از پادگان دفاع می‌کردند. گردان ۱۷۵ م توپخانه که حدود ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر در حسینییه - حدود ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر - مستقر بود و یگان‌های مدافع خرمشهر و آبادان را پشتیبانی می‌کرد، آتش آن قطع و توانست به نزدیکی رودخانه کارون عقب‌نشینی کند. گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه با تحمل تلفات سنگین در این چند روز نبرد، به گمرک خرمشهر رسیده بود. گردان ۱۵۱ دژ نیز متحمل تلفات زیاد شده بود و از سرنوشت افراد زیادی از آن اطلاع دقیقی در دست نبود.

گردان توپخانه ۱۷۵ م در صدد بود به سمت شرق کارون تغییر موضع دهد، نیروهای خودی در دفاع از شمال خرمشهر، فقط با آتشبارهای ۱۳۰ م و کاتیوشا مستقر در جزیره آبادان پشتیبانی آتش می‌شدند. توپخانه دشمن از سه طرف جنوب، غرب و شمال، خرمشهر و آبادان را شدیداً گلوله‌باران می‌کرد. در این شرایط هنوز بسیاری از اهالی و خانواده‌های خرمشهر و آبادان در مناطق مسکونی خود حضور داشتند و پی در پی شهید و مجروح می‌شدند.

با نگرانی نزدیک شدن سقوط خرمشهر، نیروهای خودی با تمام توان به نیروهای دشمن در شمال خرمشهر با تفنگ و تیربار و آرپی‌جی ۷ و تفنگ ۱۰۶ م یورش بردند و نیروهای دشمن را به غرب جاده اهواز - خرمشهر عقب راندند و تعدادی از سلاح و تجهیزات آنان به غنیمت نیروهای خودی درآمد.

از ساعت ۱۳:۳۰ آتش‌های پشتیبانی عراق با حجم زیادتری روانه خرمشهر و آبادان گردید. دشمن به سبب آسیب‌های سختی که در این چند روز به یگان‌های زرهی و مکانیزه آن وارد شده بود، با اعزام نیروهای پیاده نظام که یک تیپ گارد مرزی بود، منطقه عملیات خود را تقویت نمود. از طرفی برابر اطلاعات واصله نگران‌کننده و احتمال تجاوز دشمن از جنوب آبادان و عبور از اروندرود، سبب گردیده بود که قسمتی از تلاش و توان نیروهای موجود به ناچار به کرانه اروندرود اختصاص یابد. برای این منظور عناصر ژاندارمری و قسمتی از سپاه پاسداران در کرانه اروندرود مستقر شده بودند و یک آتشبار توپخانه در اروندکنار نزدیک دهانه فاو و یک آتشبار دیگر در خسروآباد مستقر بود.

در ساعت ۱۳:۴۰ رزمندگان ایران متشکل از رزمندگان نیروی زمینی، تکاوران دریایی و سپاهی

به نیروهای عراق یورش بردند و افراد دشمن دست به فرار زدند، در این تهاجم ۳۰ دستگاه تانک و نفربر رها شده عراقی‌ها به دست نیروهای خودی افتاد.

مردم با آگاهی از این پیروزی تهییج شده و تعدادی به صف رزمندگان پیوستند. از آن به بعد ستاد نیروهای مردمی در مسجد جامع خرمشهر تشکیل شد. در این روز توپخانه‌های نیروی زمینی ارتش، ضایعات سنگینی به تاسیسات اقتصادی عراق در فاو و ام القصر و ابوالخصیب وارد کردند. (۲۱)

نیروی هوایی ارتش، در تمام روزهای نبرد در سرتاسر جبهه و نیز داخل عراق به حملات هوایی خود ادامه و از آسمان کشور نیز هوا به هوا و زمین به هوا پدافند می‌نمود. در دفاع زمینی از خرمشهر و آبادان، اضافه بر یگان‌های موجود نیروی زمینی، نیروی دریایی، ژاندارمری، شهربانی، نیروهای سپاه، نیروهای مردمی داوطلب محلی و اعزامی از سایر نقاط نیز حضور داشتند و هرکدام در حدود توانایی‌های خود سهمی را عهده‌دار بودند، اما مجموعه «سیستم فرماندهی، کنترل و ارتباط برای هماهنگ نمودن نیروها در آن شرایط ضعیف بود.»

روز پنجم مهرماه: قوای بیشتری از دشمن وارد عمل شدند

در این روز، با توجه به مقاومت و پایداری کم نظیر رزمندگان خودی، دشمن قوای بیشتری وارد عمل کرد و آتش توپخانه و خمپاره‌انداز نیز شدیدتر بر خرمشهر و آبادان فرو ریخت. در ساعت ۱۱:۱۰ فشار به قدری شدید بود که احتمال سقوط خرمشهر در همان روز قطعی به نظر می‌رسید.

از این روز نیروهای خودی توانستند مانع پیشروی بیشتر دشمن گردند و تلفات سختی نیز بر آن وارد سازند.

توپخانه ایران با اجرای آتش متقابل، آتش توپخانه عراق را خاموش ساخت و آرامش نسبی برقرار گردید.

در مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی، وجود حدود ۱۵ هزار تن آمونیاک که در هوا کشنده می‌شد و مخازن پلی‌اکریل محتوی مواد آتش‌زا و مسموم‌کننده، باعث نگرانی مقامات وزارت نفت و اهالی شده بود. درخواست شد که پدافند هوایی این منطقه تقویت شود.

لوله‌های نفت مستقر در شمال رودخانه بهمن‌شیر - شمال آبادان - در اثر آتش توپخانه دشمن منفجر شد و از ساعت ۱۹:۰۰ خرمشهر و آبادان مجدداً زیر آتش سنگین توپخانه عراق قرار گرفت و

مردم به طور دسته جمعی تخلیه این شهرها را آغاز کردند.

عناصر باقی‌مانده گردان ۲۳۲ تانک، گردان ۱۵۱ دژ جمع‌آوری و به حدود پلیس راه خرمشهر، تحت فرماندهی معاون گردان دژ تغییر مکان داده شدند. دفاع از شمال شهر به این واحد و یگان ژاندارمری محول گردید. عناصر رزمنده گردان ۱۶۵ مکانیزه، تکاوران دریایی، دانشجویان دانشکده افسری و رزمندگان سپاه پاسداران، مسئولیت دفاع محور غرب خرمشهر را عهده‌دار شدند. گردان ۱۷۵ م توپخانه که در حوالی شرق ایستگاه حسینیہ موضع گرفته بودند، از جلو به جاده اهواز - خرمشهر و از پشت به رودخانه کارون مرتبط بود. جاده به اشغال دشمن درآمده بود و با این حال دشمن متوجه این گردان نشد تا آن که چند روز بعد با اقدام لشکر ۹۲ و نصب پل شناور بر روی رودخانه، این گردان توانست به شرق رودخانه کارون تغییر مکان و نجات یابد. رهایی این گردان در نوع خود از اقدامات بسیار خوب لشکر ۹۲ زرهی بود.

دشمن تلاش نمود به «پل نو» برسد، اما با آتش ضدتانک نیروهای خودی مجبور به عقب‌نشینی شد. به علت تلفات سنگین نیروهای خودی در خرمشهر، فرمانده عملیات این منطقه از لشکر ۹۲ درخواست نمود یگان‌های تقویتی به این منطقه اعزام دارد. لشکر پاسخ داد تمام یگان‌های این لشکر با دشمن درگیر و تحت فشار هستند، امکان اعزام یگان تقویتی وجود ندارد و در صورت واگذاری یگان از نیروی زمینی، برای آن منطقه نیز در نظر گرفته خواهد شد.

در همین روز ۸ فروردین هواپیمای عراقی به جزیره خارک حمله نمودند. فشار منطقه نبرد بر دوش فرماندهان سنگینی می‌کرد. تحمل تلفات، نرسیدن نیروهای کمکی، توان رزمی نابرابری دشمن، خواسته‌های مردمی و محلی و از همه مهمتر کمبود نیروهای متخصص و حساس ستادی و فرماندهی، فرماندهان نظامی را شدیداً تحت فشار قرار داده بود. (۲۲)

یک هواپیمای میگ عراقی توسط پدافند هوایی نیروی دریایی در نزدیکی جزیره خارک سقوط نمود. (۲۳)

نیروی هوایی ایران در این روز با وجود دفاع سنگین موشکی و سایر جنگ‌افزارهای ضدهوایی دشمن با پذیرش درصد بالای خطر و در میان انبوهی از آتش‌های زمین به هوای دشمن، به تانک‌ها و یگان‌های مهاجم دشمن در تمام خطوط درگیری حمله می‌کردند و از سرعت پیشروی نیروهای دشمن می‌کاستند. ضمناً مراقب حملات هوایی دشمن نیز بودند.

نیروی هوایی در این سلسله از عملیات ایثارگرانه، تعدادی از خلبانان گرانقدر و هواپیماهای خود

را از دست داد، اما توانست ضرباتی سنگین در داخل خاک عراق و مناطق اشغال شده به نیروهای دشمن وارد آورد و در نتیجه تعدادی از هواپیماهای عراقی و پدافند هوایی دشمن نیز ساقط شدند. روز پنجم مهرماه در حالی به پایان رسید که دشمن هنوز به هیچ یک از هدفهای استراتژیک خود در خوزستان نرسیده بود، اما در جبهه غرب موفق شده بود شهرهای قصر شیرین و مهران را اشغال نماید. (۲۴)

روز ششم مهرماه: ادامه گلوله باران خرمشهر و آبادان

ظاهراً روز ششم مهرماه، دشمن برای تصرف خرمشهر، آبادان، اهواز و سوسنگرد تجدید سازمان کرد، زیرا در جبهه‌ها فعالیت‌های کمتری انجام گرفت، اما گلوله‌باران خرمشهر و آبادان در شب و روز، همچنان به استثنای قبل از ظهر، ادامه داشت. در نزدیکی‌های نیمه شب هواپیماهای دشمن آبادان را بمباران کردند. مخازن و لوله‌های نفت منفجر شدند.

یگان هوانیروز نیز در روزهای اول جنگ در منطقه درگیری در کرمانشاه و بخشی از جبهه‌های خوزستان فعال بود و خدمت شایان توجهی در از بین بردن تانک‌ها و نیروهای دشمن با بالگردهای کبرا و جابه‌جایی نفرات و مجروحان با سایر بالگردهای موجود انجام داد، اما در این منطقه گزارشی از فعالیت این یگان تا این زمان دریافت نشده است و یا آن که فعالیت آن مورد توجه قرار نگرفته و در گزارش‌ها نیامده است.

در آن روزهای سخت آغاز جنگ شهرهای مهم سوسنگرد، اهواز، اندیمشک و دزفول نیز در معرض تهدید جدی قرار داشتند. با سقوط شهر اهواز، خرمشهر و آبادان نیز سقوط می‌کرد. تقدم نجات، شهر اهواز بود، تقدم نجات اهواز نیز به نجات اندیمشک و دزفول و کرانه شرقی رودخانه کرخه بستگی داشت. در نتیجه اداره کنندگان صحنه‌های نبرد این تقدم‌ها را در نظر داشتند و اگر چنین نمی‌کردند، بخش اعظم خوزستان سقوط می‌کرد که عقب راندن نیروهای متجاوز را در آینده بسیار مشکل‌تر می‌نمود.

از روز ششم مهرماه خطر عبور نیروهای دشمن از رودخانه کارون و قطع جاده، اهواز به آبادان احساس شد. در ساعت ۱۶/۵ هواپیماهای عراقی پاسگاه دارخوین را بمباران کردند. با توجه به کمبودها، هیچ‌گونه اقدام بازدارنده‌ای برای دفاع از کرانه شرق کارون عملی نبود و یگانی برای پوشش کرانه کارون اعزام نگردید. در نتیجه شب ۱۹ به ۲۰ مهرماه در نقطه‌ای به نام مارد در ۲۰ کیلومتری شمال آبادان دشمن از کارون گذشت و با اسیر گرفتن مردمی که در جاده در حرکت بودند،

چگونگی عبور دشمن از کارون آشکار شد.

در این روز در منطقه بوشهر و جزیره خارک، توسط هواپیماهای اف-۱۴ نیروی هوایی، ۳ فروند از هواپیماهای عراق سرنگون شدند و یک فروند نیز توسط ناو میلانین نیروی دریایی سقوط نمود. دشمن در این روز، در سایر جبهه‌های نبرد به تهاجم و تجاوز خود ادامه داد و به سوسنگرد، اهواز، غرب رودخانه کرخه در مسیر دزفول و اندیمشک، شوش، پادگان حمید، تپه‌های الله اکبر نزدیک تر شد. در این مناطق، نیروهای مدافع که بسیار کمتر از نیروهای مهاجم بودند، توانسته بودند در این چند روز همچنان دشمن را درگیر نموده و با تحمل تلفات زیاد، سبب ناکامی و تأخیر در پیشروی وی در نزدیک‌تر شدن به هدف‌های تعیین شده گردند. با سقوط هر خط یا موضع دفاعی، خط یا موضع دفاعی دیگری انتخاب و درگیری ادامه می‌یافت.

در این روز قطعنامه شماره ۴۷۹ شورای امنیت درباره جنگ عراق و ایران به تصویب رسید و از طرفین خواست، اختلافات خود را از راه‌های مسالمت آمیز حل نمایند. (۲۵)

روز هفتم مهرماه: تلاش برای تصرف اهواز، خرمشهر و آبادان، صدور قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت:

در این روز حمله هوایی به جزیره خارک، مانند روزهای قبلی چند بار انجام گرفت. به نظر می‌رسد در این روز، دشمن تلاش اصلی خود را به سمت اهواز هدایت نمود تا با سقوط اهواز، سقوط خرمشهر و آبادان نیز آسان‌تر شود. هر چند دشمن به اهداف مهم دست نیافته بود، اما منطقه وسیعی از خاک ایران را در حدود ۱۵ هزار کیلومتر مربع اشغال نموده بود.

در پایان روز ششم مهرماه، صدام حسین اعلام کرد که عراق به اهداف نظامی خود دست یافته و آماده است در صورتی که ایران شرایط عراق را قبول کند، ترک مخاصمه نماید. عراق از تمام میانجی‌گری‌ها و وساطت‌ها نیز برای برقراری صلح استقبال می‌کند. به نظر می‌رسد در این مرحله، دشمن از ادامه جنگ نظامی دلسرد شده و تصمیم گرفته بود جنگ سیاسی راه اندازد.

در روز هفتم مهرماه، سوسنگرد به اشغال کامل دشمن درآمد.

ساعت ۱۳:۰۰ روز هفتم، نیروی هوایی دشمن به نیروگاه اتمی بوشهر حمله نمود، اما آسیبی وارد نشد.

در ساعات اولیه شب آتشباری محدود به آبادان توسط دشمن اجرا شد. با این حال آرامش نسبی

در جبهه‌های جنوب و غرب محسوس بود.

از روز سوم جنگ، سازمان‌های بین‌المللی و شخصیت‌های سیاسی تعدادی از کشورهای جهان برای برقراری آتش بس فعالیت خود را آغاز کردند.

در روز ششم مهرماه شورای امنیت سازمان ملل بدون حضور نماینده ایران تشکیل جلسه داد و با صدور قطعنامه ۴۷۹ خواستار توقف جنگ و حل اختلاف از طریق مذاکره شد. عراق که قسمتی از خاک کشور جمهوری اسلامی ایران را به اشغال درآورده بود، آن را پذیرفت، اما مقامات ایرانی اعلام داشتند تا یک سرباز عراقی در خاک ایران اسلامی است، مذاکره انجام نمی‌گیرد. در آن شرایط قبول مذاکره به مفهوم قبول شرایط اعلام شده صدام بود که برای ایران غیر قابل قبول بود. (۲۶)

در مصاحبه‌ای، سرهنگ فکوری، وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی ارتش گفت:

«رزمندگان نیروی هوایی ایران توانسته‌اند صنایع نفت عراق را تقریباً فلج کنند و صدور نفت این کشور را قطع نمایند. نیروی هوایی توانسته تاکنون نزدیک به ۹۰ فرود از جنگنده‌های عراقی را سرنگون کند.» (۲۷)

در روز ۷ مهر، اطلاعیه شماره ۹۳ ستاد مشترک ارتش همراه با چند اطلاعیه دیگر صادر شد: «به دنبال تجاوز میگ‌های عراقی، در ساعت ۲۳ شب گذشته، ۳ میگ عراقی که قصد حمله به بوشهر را داشتند، توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرنگون شدند. هم‌چنین امروز سه میگ از آسمان آبادان به سوی بوشهر در پرواز بودند که رزمندگان نیروی هوایی هر سه را سرنگون ساختند.» (۲۸)

روز هشتم مهرماه: شکست اقدامات سیاسی و تشدید عملیات نظامی

با شکست اقدامات سیاسی عراق به منظور عوام فریبی و فرصت‌طلبی، عملیات نظامی مجدداً شدت یافت. ساعت ۱۰:۰۰ دشمن به یک کیلومتری خرمشهر رسیده بود و پادگان دژ در خطر سقوط قرار داشت. ساعت ۱۱:۵۰ فرودگاه آبادان توسط هواپیماهای دشمن به شدت بمباران شد. دشمن لشکر ۳ زرهی را نیز برای تقویت لشکر ۵ مکانیزه به بصره انتقال داد.

ساعت ۱۶:۵۰ حدود ۱۳۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی دشمن به ۳ کیلومتری حاشیه شهر خرمشهر رسیدند. ساعت ۱۷:۵۰ هشتم مهرماه نیروهای عراقی به حوالی پلیس راه و سردخانه و ۳۰۰ متری پادگان دژ رسیدند.

در همین روز تهدید اساسی متوجه اهواز در محور حمیدیه و سوسنگرد بود و شهر اهواز ساعات بسیار بحرانی را می‌گذراند. بنابراین تلاش بیش از حد رزمندگان نیروهای خودی فقط در منطقه خرمشهر و آبادان نبود، بلکه نقطه اصلی بحران در اهواز قرار داشت، در سایر جبهه‌ها نیز وضع به همین ترتیب بود.

در روز هشتم مهرماه، شهر آبادان زیر ضربات سهمگین آتش توپخانه و خمپاره‌انداز دشمن قرار داشت که نسبت به روزهای گذشته شدیدتر بود. آب و برق شهر قطع و ایستگاه رادیو آبادان از کار افتاد و آسیب پالایشگاه نیز تشدید شد.

در آبادان تمام اهداف ویران شده یا آسیب دیده مناطق مسکونی غیرنظامی بود. برابر اعلام شهرداری آبادان، تا ساعت ۲۱:۰۰ تعداد ۲۳ نفر شهید و ۸۲ نفر مجروح گردیدند. مبارزه قهرمانانه و در عین حال توان‌فرسای روز هشتم مهرماه، قسمت مهمی از اندک توان باقیمانده مدافعان میهن اسلامی را در کام خود بلعید. (۲۹)

روز نهم مهر ماه: آغاز نبرد شهری

در ساعت ۱۰:۳۰، یک گردان تقویت شده تانک دشمن با نیروهای پیاده و با پشتیبانی توپخانه از پلیس راه گذشت و وارد دیزل‌آباد شده و به خرمشهر نزدیک گردید. در همان حال پاسگاه‌های کرانه اروندرود زیر آتش شدید دشمن قرار داشتند.

در ساعت ۱۰:۵۰، نیروهای دشمن از درب سیلو وارد اداره بندر خرمشهر شدند و تا سازمان پیش‌آهنگی پیش آمدند، پلیس راه خرمشهر سقوط کرد و عناصری از دشمن تا پشت پادگان دژ رسیدند. در داخل بندر و کشتارگاه، نیروهای خودی با نیروهای متجاوز درگیر شدند. در همان حال تکاوران دریایی و افراد نیروی زمینی و نیروهای مردمی و سپاه پاسداران در جنگ خیابانی با دشمن درگیر بودند.

بدین ترتیب، روز نهم مهرماه دشمن موفق شد در غرب و شمال خرمشهر نیروهای جمهوری اسلامی را به داخل شهر عقب براند و به حاشیه شهر و بعضی ساختمان‌ها نفوذ کند. در نتیجه، نبرد شهری در داخل مناطق مسکونی از آن روز آغاز گردید. از جمله مناطقی که در حاشیه شمال غربی خرمشهر و میدان نبرد رزمندگان اسلام و نیروهای متجاوز عراق محسوب می‌شد، ترمینال نظامی خرمشهر بود.

نیروهای دشمن، روز نهم مهرماه، وارد این ترمینال شدند و نبرد نزدیک بین محافظان ترمینال و نیروهای عراقی درگرفت. این نبرد تا ساعت ۱۵:۰۰ ادامه داشت. تا این‌که نیروهای کمکی برای

نگهبانان ترمینال رسیدند و در نتیجه، نیروهای مهاجم عراقی عقب رانده شدند و تعدادی از افراد دشمن به اسارت درآمدند. از نگهبانان ترمینال، یک نفر درجه‌دار شهید و یک نفر سرباز مجروح شدند و به انبارهای ترمینال نیز خسارات قابل ملاحظه‌ای وارد گردید. تلفات نیروهای ایرانی در روز نهم مهرماه، ۱۸ نفر شهید و ۱۱۷ نفر مجروح بود. در این نبرد دشمن با به‌جا گذاشتن ۱۵ کشته و ۳۹ اسیر و تعدادی زیادی تانک منهدم شده، مجبور به ۵ کیلومتر عقب‌نشینی گردید. (۳۰)

صدام حسین در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۰ (نهم مهر ۱۳۵۹) پیشنهاد آتش بس داد. ولی دولت ایران آن را قبول نکرد و این پیشنهاد رکودی نسبی در جبهه ایجاد کرد که در مجموع به نفع نیروهای اسلام بود که توانستند در منطقه عملیات اهواز و غرب موفق به تجدید سازمان گردیده و به وضعیت دفاعی منطقه سر و سامانی بدهند. (۳۱)

در این روز فعالیت پروازی هواپیماهای جنگی نیروی هوایی تا ساعت ۱۸:۰۰ تعداد ۹۲ سورتی گزارش شده که ۲ سورتی آن شامل پرواز شناسایی و عکس‌هوایی با هواپیمای آر-اف-۴ بوده است. (۳۲)

ستاد مشترک ارتش در اطلاعیه شماره ۱۰۸ اعلام نمود:

«ظرف روز جاری، نیروهای ژاندارمری، یک فروند کشتی لایروبی عراقی را که حامل چند قبضه توپ و مهمات بود، در دهانه اروندرود با آتش یک قبضه تفنگ ۱۰۶ م م منهدم و غرق نمودند.» (۳۳)

روز دهم مهرماه: نبرد داخل شهر خرمشهر و آتشباری بر روی خرمشهر و آبادان

در شب ۱۳۵۹/۷/۱۰، نیروهای دشمن تا نزدیک میدان زندان خرمشهر پیشروی نمودند که با مقاومت مردم و سپاهیان و تکاوران روبه‌رو شده و در نتیجه به پشت راه‌آهن عقب‌نشینی کردند. در این درگیری دو نفر افسر پلیس و ۱۵ نفر گارد گمرک و تعدادی غیر نظامی به شهادت رسیدند. در این روز، نبرد در مناطق مسکونی خرمشهر، بین رزمندگان ارتش اسلام و نیروهای متجاوز عراق ادامه یافت و از بین نیروهای ارتشی، تنها عنصر رزمی که هنوز سازمان خود را تا حدودی حفظ کرده بود و توسط فرماندهان مربوطه کنترل و هدایت می‌شد، یگان تکاوران دریایی بود. زیرا گردان‌های اعزامی از لشکر ۹۲ زرهی تلفات زیادی متحمل شده بودند.

همان‌طور که انتظار می‌رفت، فشار نیروهای عراقی ساعت به ساعت برای وارد شدن به داخل خرمشهر شدیدتر می‌شد و آنان برای در هم شکستن قدرت مقاومت رزمندگان خودی حداکثر

آتش‌های پشتیبانی در دسترس را بر سر مردم بی‌گناه خرمشهر فرو می‌ریختند تا مردم شهر را ترک کنند و به دنبال آنها نیز رزمندگان جمهوری اسلامی مجبور به عقب‌نشینی گردند.

به سبب نبردهای سخت منطقه خرمشهر، اقدام جدی برای تخلیه ۳۰۰ هزار تن کالای انبارهای گمرک میسر نگردید و در نتیجه، تمام آن‌ها یا به آتش کشیده شده و نابود شدند یا به دست نیروهای متجاوز عراقی افتادند.

بررسی حوادث جنگ در این روز نشان می‌دهد که اصولاً دشمن به سبب عدم موفقیت در اشغال شهرهای سوسنگرد و حمیدیه و اهواز که از روز هشتم مهر آغاز کرده بود، بار دیگر طرح خود را تغییر داد و تصمیم گرفت تلاش اصلی را برای تصرف خرمشهر و آبادان به کار ببرد. برای وصول به این هدف بود که از روز دهم مجدداً منطقه عملیاتی خرمشهر و آبادان شاهد خونین‌ترین مبارزات مدافعان میهن اسلامی با نیروهای اشغالگر عراقی گردید و نبرد تن به تن در خانه‌ها و خیابان‌های شهر آغاز شد.

نیروهای دشمن حدود ساعت ۱۳:۵۰، شرق پل نو و نهر عریض را در اشغال داشتند و موضع دفاعی بسیار مناسب رزمندگان اسلام در غرب خرمشهر که کرانه شرقی نهر عریض بود، به دست آنان افتاده بود. عناصر متجاوز موفق شدند تا ساعت ۱۴:۳۰ به نزدیکی اداره بندر خرمشهر برسند و آن را محاصره کنند. بدین ترتیب، قسمتی از تأسیسات غرب خرمشهر اشغال گردید و حلقه محاصره شهر تنگ‌تر شد.

سرانجام آفتاب روز دهم مهرماه نیز در منطقه نبرد خرمشهر افول کرد و تاریکی شب فرا رسید. عناصر دشمن برخلاف روزهای گذشته با آغاز تاریکی، دست از ادامه عملیات در خرمشهر نکشیدند، زیرا برای نفوذ به داخل شهر، تاریکی شب کمک مؤثری بود، لذا در شب نیز نبرد خرمشهر همچنان ادامه یافت و گلوله باران شهر قطع نشد و افراد پیاده عراقی که از یگان‌های نیروی مخصوص بودند، تلاش می‌کردند با حمله‌ی شبانه، مواضعی را در حاشیه شهر اشغال کنند، اما مدافعان خرمشهر، شامل نیروهای مسلح و نیروهای مردمی دست از مبارزه برنداشتند و موفق شدند تعدادی از افراد نیروی مخصوص عراق را کشته یا مجروح سازند و آن‌ها را عقب برانند. در ضمن، یادآوری این نکته ضروری است که نحوه پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز، در روز پیشین بسیار مؤثر بود و تا حدودی سبب آرامش خاطر رزمندگان خودی شده بود.

در ساعات تاریکی شب، تلاش فرعی دیگری نیز از نیروهای دشمن در اروندرود مشاهده شد.

تعدادی عوامل نفوذی عراق تلاش کردند با قایق از اروندرود عبورکنند و وارد جزیره آبادان شوند و جبهه دیگری را در این منطقه‌ی نبرد باز نمایند، اما مدافعان پاسگاه‌های کرانه‌ی اروندرود متوجه فعالیت دشمن شدند و با از جان گذشتگی مانع تحقق اهداف دشمن گردیدند.

از این روز تا ۴ آبان یعنی مدت ۲۴ روز، نبرد در داخل شهر خرمشهر به صورت محله به محله و کوی به کوی و خانه به خانه بین رزمندگان اسلام و نیروهای مهاجم عراقی ادامه یافت. در واقع دهم مهرماه، سرآغاز مرحله جدیدی از نبرد در منطقه خرمشهر بود که در صفحه‌های آتی چگونگی این نبردها بیان خواهد شد.

برابر گزارش شهربانی، در این روز دشمن تعدادی تانک و نفربر در غرب کارون مستقرنمود تا در فرصت مناسب با استفاده از قایق، آنها را به شرق رودخانه منتقل و مناطق آبادان و اروندرود را تصرف نماید. (۳۴)

روز یازدهم مهرماه: نسبتاً آرام

روز ۱۱ مهرماه منطقه نبرد نسبتاً آرام بود، البته تبادل آتش طبق معمول وجود داشت، ولی آرامش نسبی جبهه این تصور را به وجود آورد که نیروهای متجاوز عراق شب قبل به مواضع مناسبی عقب نشینی کرده و مشغول تجدید سازمان شده‌اند.

لازم به ذکر است که شب قبل نیروهای دشمن تا نزدیکی میدان زندان خرمشهر پیشروی کرد، اما با مقاومت مردم و سپاه پاسداران و تکاوران دریایی مواجه شده و به شمال ایستگاه راه آهن عقب نشینی کرده بودند. در این درگیری دو نفر افسر پلیس و ۱۵ نفر گارد گمرک و تعدادی از مردم شهر شهید شدند.

تکاوران دریایی توانسته بودند دشمن را به ۶ کیلومتری شمالغرب خرمشهر عقب رانده و ۲ دستگاه تانک را به غنیمت گرفته و ۴ نفر از افراد دشمن را اسیر نمایند. (۳۵)

نیروی هوایی در روز ۱۱ مهرماه، مأموریت‌های کلی زیر را انجام داده است:

«پاسور هوایی، ۵۵ سورتی؛ پشتیبانی نزدیک هوایی، ۲۲ سورتی؛ سرنگونی ۳ فروند هواپیمای متجاوز عراقی» (۳۶)

روز دوازدهم مهرماه: نسبتاً آرام

در این روز منطقه نبرد نسبتاً آرام بود و قرائن حاکی از آن بود که دشمن مشغول تجدید سازمان است.

در پایان این روز نبرد نامنظم بین تکاوران نیروی دریایی با نیروهای متجاوز در نخلستان‌های غرب خرمشهر تا پل نو جریان یافت.

در این روز، کادر فرماندهی بعد از ۱۲ روز به طور اصولی تغییر یافت و بنا به دستور ستاد مشترک ارتش، یک فرماندهی مشترک در خرمشهر تشکیل شد.

در روز ۱۲ مهرماه، چند فروند هواپیمای عراقی به خارک و بوشهر حمله کردند، ولی موفق به وارد کردن خساراتی نشدند. بر اثر آتش پدافند هوایی خودی، منطقه را ترک کردند.

براساس اطلاعات دریافت شده از یک اسیر عراقی، وضعیت نیروهای متجاوز در آن موقع چنین بوده است:

- تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ با ۳ گردان تانک و یک گردان توپخانه ۱۳۰ م در خرمشهر

- تیپ ۴۹ پیاده در خرمشهر

- تیپ ۳۳ نیروی مخصوص با ۳ گردان در پادگان دژ و ابوالخصیب

- عناصری از تیپ ۲۶ لشکر ۵ در تقویت تیپ ۶ زرهی

به اظهار اسیر دستگیر شده، در نبردهای شب دهم مهرماه، ضربات سنگینی به نیروهای عراقی در خرمشهر وارد شده بود.

روز سیزدهم مهرماه: ادامه نبرد و اجرای آتش

رئیس جمهوری عراق در اول اکتبر (۹ مهرماه) پیشنهاد آتش بس داد! در این پیشنهاد که یک نوع تاکتیک دشمن بود، شروع آتش بس و اجرای کامل آن از ۵ تا ۸ اکتبر (۱۳ تا ۱۶ مهرماه) پیشنهاد گردید.

در نتیجه این پیشنهاد، فعالیت نیروهای عراقی از دهم مهرماه به طور محسوس کمتر شد.

در ۱۳ مهرماه که بنا به پیشنهاد عراق اولین روز آغاز آتش بس بود، در ساعات اول، به طور نسبی

فعالیت نیروهای عراق کمتر بود.

طبیعی بود که جمهوری اسلامی ایران با وجود اشغال قریب ۱۵ هزار کیلومتر مربع از خاک خود توسط

نیروهای متجاوز عراقی چنین آتش بسی را نمی‌پذیرفت. به همین علت اقدام یک جانبه عراق چندان به طول نینجامید و از حدود ساعت ۱۲:۰۰ آتش بس اعلام شده عراق شکسته شد و هواپیماهای عراقی تجاوزات خود را به شهرهای ایران از جمله: بوشهر، باختران، تبریز و تهران آغاز کردند و نیروهای دوطرف مجدداً درگیر نبرد شدند.

در اثر تیراندازی پراکنده توپخانه دشمن به مناطق مسکونی و تأسیسات اقتصادی در روزهای ۱۲ و ۱۳ مهر جمعاً ۲۶ نفر شهید و ۱۲۰ نفر مجروح گردیدند. (۳۷)

نخست وزیر اسرائیل اظهارداشت:

«صدام درباره قدرت ارتش ایران دچار اشتباه شد. او فکر می‌کرد با یک حمله برق آسا می‌تواند ارتش ایران را درهم شکند؛ در حالی که اصلاً چنین امکانی وجود نداشت. نیروهای عراقی در ایران با شکست روبه‌رو شده‌اند و نیروی هوایی ایران ثابت کرد که قوی‌تر از آن است که حتی غرب تصور می‌کرد. اسرائیل از بروز جنگ بین دو کشوری که از ما تنفر دارند، خوشحال نیست. عراقی‌ها مهاجم محسوب می‌شوند، زیرا آن‌ها آغازگر جنگ بوده‌اند و اکنون با شکستی بزرگ مواجه شده‌اند. (۳۸)

راديو باکو: «آمریکا از تلاش برای وارد کردن اعضای ناتو در جنگ ایران و عراق دست بر نمی‌دارد و منظورش آن است که به مداخله خود جنبه بین‌المللی بدهد. برای رسیدن به این هدف شایع می‌کند که تنگه هرمز در معرض خطر است و برای تأمین کشتیرانی آزاد باید یک ناوگان بین‌المللی تشکیل گردد. حال آن که همه می‌دانند در حال حاضر عبور کشتی‌ها را چیزی تهدید نمی‌کند. ایجاد ناوگان بین‌المللی برای خطری که اصلاً وجود ندارد، عمل خطرناکی است که باید از آن پرهیز کرد.» (۳۹)

خبرگزاری آسوشیتد پرس:

«دولت‌های غربی که در آغاز جنگ عراق علیه ایران، درباره بقای جمهوری اسلامی ایران شک کرده بودند، اکنون در پایان دومین هفته جنگ و توقف پیشرفت‌های ظاهری عراق و استراتژی و قضاوت‌های غلط خود، باقی ماندن صدام را مورد تردید قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد جنگ در یک جبهه‌ی ۴۰۰ کیلومتری به بن بست کشیده شده و تلاش عراق برای تصرف خوزستان متوقف شده است. از لحاظ استراتژی، صدام ظاهراً ادعای خود را مبنی بر نابود کردن نیروی هوایی ایران باور کرده بود. در حالی که فانتوم‌های اف-۴ ایران روزانه با ۱۵۰ پرواز به اهداف داخل عراق حمله می‌کنند.»

واشنگتن پست:

«فرماندهان عالی‌رتبه عراقی که رهبری هجوم به خرمشهر را به عهده دارند و در فاصله چند مایلی ساحل چپ رودخانه در یک موضع زمینی مستقر شده‌اند، در عین عصبانیت از قاطعیت و سرسختی مدافعان ایرانی که دست به مقاومت شدیدی زده‌اند، صحبت می‌کنند. آنان می‌گویند: نیروی هوایی ایران نقش بسیار مؤثری علیه آنها ایفا کرده است. (این فرمان رهبر انقلاب بوده است.) دست زدن صدام به جنگ علیه ایران یک قمار خطرناک بود. وی با توجه به تصفیه‌های مداوم نیروهای مسلح ایران که آن را از کار انداخته- مطمئن بود پیروزی سریع و آسانی به دست خواهد آورد، ولی ۱۳ روز بعد از آغاز جنگ هنوز عراق برای تسخیر بندر خرمشهر می‌جنگد.» (۴۰)

روز چهاردهم مهرماه: سرنگونی دو هواپیمای دشمن و ادامه نبرد

توپخانه ایران در ساعات اولیه روز ۱۴ مهر توانست مواضع یک گردان عراقی از لشکر ۵ مکانیزه در منطقه شلمچه را زیر آتش بگیرد و تلفات و خساراتی به آن گردان وارد سازد. در ساعت ۱۴:۰۰ دو فروند هواپیمای دشمن به آبادان حمله کردند اما هر دو فروند با آتش پدافند هوایی منطقه سرنگون شدند.

در پایان روز ۱۴ مهرماه، قرارگاه لشکر ۳ زرهی عراق به منطقه شلمچه تغییر مکان یافت و تیپ ۱۵ مکانیزه لشکر ۵ مکانیزه عراق نیز از منطقه هویزه به منطقه خرمشهر اعزام شد. این جابه‌جایی نشان‌گر آن بود که ارتش عراق در نظر دارد تلاش اصلی آفندی خود را در منطقه خرمشهر به کار برد و در منطقه عملیاتی اهواز و سوسنگرد به پدافند اکتفا نماید. در این روز حدود ۱۵ حمله هوایی به خارک اجرا گردید که همه آنها با آتش پدافند زمین به هوا دفع شد و دو فروند هواپیمای دشمن نیز سرنگون گردید، ولی تلفات و خساراتی به تأسیسات خارک وارد نشد.

۱۴ مهرماه تلاش اصلی نیروی جمهوری اسلامی در خرمشهر برای عقب راندن نیروهای دشمن از غرب خرمشهر به کار گرفته شد. ستاد عملیاتی خرمشهر به تکاوران دریایی مأموریت داد که گمرک خرمشهر را از اشغال نیروهای دشمن خارج سازد. در اجرای این مأموریت، نبرد نزدیک بین تکاوران دریایی ایران و نیروهای متجاوز عراقی در منطقه دوربند واقع در محور شلمچه جریان یافت و نیروهای مدافع خرمشهر موفق شدند عناصر دشمن را حدود ۲ کیلومتر به عقب برانند و بندرگاه را پاکسازی کنند.

در حملات هوایی و آتشباری توپخانه دشمن به خرمشهر و آبادان در روز ۱۴ مهرماه منطقه کوهدشت، پایگاه دریایی، اسکله ۱۱ و ۱۲، باشگاه گلستان و ساختمان دژبان آسیب دید. در این روز نیروهای دشمن در غرب و شمال پل دوربند محور شلمچه به صورت نیم دایره به شعاع ۴ تا ۸ کیلومتر، اطراف خرمشهر را محاصره کرده و موضع دفاعی گرفتند. (۴۱)

نشریه تایمز مالی لندن:

«توپخانه ایران در جنوب شرقی آبادان با گلوله باران شهر فاو و دردهانه خلیج فارس، آن را به شهر ارواح تبدیل کرده است. اهالی شهر با هر وسیله‌ای در حال فرار به طرف بصره هستند. آنچه درباره فاو در دراز مدت حائز اهمیت است، قدرت توپخانه ایرانیان و استمرار آن است نه متروکه شدن شهر.» (۴۲)

برابر اطلاع:

اخیراً ۳ فروند کشتی روسی حامل مهمات که قادر نبودند به علت درگیری ایران و عراق از اروندرود عبور کنند، وارد بحر احمر شدند تا از طریق بندر عقبه، مهمات مورد بحث را تحویل عراقی‌ها نمایند. (۴۳)

در اردن تانک‌های بنزین را مصادره کرده و به عراق می‌فرستند. سه هواپیما در حال تخلیه مجروحان عراقی به اردن دیده می‌شد. از موقعی که هواپیماهای آواکس به عربستان واگذار شده است، پدافند هوایی عراق از فعالیت نیروی هوایی ایران مطلع می‌شود. (۴۴)

روز پانزدهم مهرماه: آرامش نسبی و درگیری‌های پراکنده

روز ۱۵ مهرماه نیز آرامش نسبی توأم با درگیری‌های پراکنده برقرار بود و تلاشی از دشمن برای اجرای عملیات آفندی مشاهده نگردید. دشمن از روز ۱۳ تا ۱۵ مهرماه، مشغول تجدید سازمان و تجدید تدارکات و بازنگری در طرح‌های عملیاتی بوده است.

عناصری از گردان یکم تکاوران دریایی در شب ۱۵ مهرماه در اداره بندر خرمشهر با دشمن درگیر و موفق شدند نیروی مهاجم را از ساختمان این اداره بیرون برانند. تیم دیگر تکاوران در محور دوربند و پل نو با دشمن درگیر و موفق شدند تا مسافتی دشمن را به عقب برانند تا کنترل غرب خرمشهر تا نزدیکی پل نو در اختیار نیروهای ایران قرار گیرد. این عملیات شبانه از ساعت ۱۲

تا ۲۴ اجرا گردید و از تکاوران فقط ۲ نفر مجروح شدند.

ساعت ۱۰:۰۰ بار دیگر حملات هوایی عراق به آبادان اجرا گردید که هدف اصلی بمباران پالایشگاه بود.

هواییمهای دشمن در اروند و خلیج فارس کشتی‌های ایران هجرت، ایران پیام و ایران بحر را مورد هدف قرار دادند.

در پایان این روز آبادان مورد هدف آتش توپخانه عراق قرار گرفت. چند گلوله به مسجد صاحب‌الزمان (عج) که محل استقرار کمیته مردمی در نقش یک پست امدادی برای اهالی محل و رزمندگان بود، اصابت نمود. ۳ نفر شهید و ۱۵ نفر زخمی شدند. این اقدام دشمن حکایت از دادن اطلاعات توسط عوامل نفوذی بود و اطلاعات قبلی را نیز در این باره تایید می‌کرد. (۴۵)

روز شانزدهم مهرماه؛ تلاش مجدد برای اشغال خرمشهر و آبادان

از روز ۱۶ مهرماه، آن آرامش نسبی که در ۵ روز گذشته در جبهه خرمشهر وجود داشت، کم‌کم از بین رفت. نیروهای متجاوز عراق تلاش خود را برای اشغال خرمشهر و به دنبال آن، آبادان از سرگرفتند. اولین حرکت چشمگیر نیروهای عراقی وارد کردن وسایل پل سازی به منطقه شمال شرقی خرمشهر و کنار رودخانه کارون بود. گرچه از روزهای اول جنگ در منطقه خرمشهر احتمال این خطر به تناوب احساس می‌شد، ولی در روز ۱۶ مهرماه عناصر اطلاعاتی وجود واحد پل ساز را در غرب کارون تأیید کردند و با توجه به این‌که اصولاً واحد پل، آسیب‌پذیری شدیدی دارد، فقط زمانی به خط مقدم جبهه حمل می‌شود که استفاده قطعی از آن برای احداث پل وجود داشته باشد. خبر وجود این واحد پل در غرب کارون هیچ تردیدی باقی نمی‌گذاشت که نیروهای عراقی قصد عبور از رودخانه کارون را دارند و به همین دلیل فرمانده لشکر ۹۲ زرهی این خبر را با ارجحیت «آنی» به نیروی زمینی اعلام کرد.

یگان‌های لشکر ۹۲ زرهی در ۳ منطقه اصلی متمرکز و با دشمن از سال ۵۸ تا مهر ۵۹ در رزم بودند:

منطقه عملیاتی غرب دزفول و شوش، منطقه عملیاتی غرب اهواز شامل: منطقه عملیاتی سوسنگرد و بستان و بالاخره منطقه عملیاتی خرمشهر.

تیپ ۲ زرهی و یک گردان سوار زرهی با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ مرکز زرهی شیراز و گردانهای ۱۳۸ و ۱۴۱ لشکر ۲۱ پیاده و گردان‌های توپخانه پشتیبانی کننده در غرب دزفول و شوش.

تیپ ۳ زرهی در منطقه سوسنگرد و بستان

تیپ ۱ زرهی (-) با یک گروه رزمی از تیپ ۳۷ زرهی در جنوب غربی اهواز یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه و گردان دژ در خرمشهر

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعداد گردان‌های رزمی تیپ‌های یاد شده مجموعاً به ۱۲-۱۴ گردان می‌رسد که این گردان‌ها با توجه به کسری زمان پرسنلی و تجهیزات که قبل از جنگ داشتند و در حین جنگ نیز با دادن تلفات و ضایعات فوق‌العاده در مقایسه با گردان‌های دشمن هر کدام در توان رزمی کمتری و حداکثر ۶۰ درصد سازمانی برخوردار بودند.

از طرفی در برابر هر کدام از این گردان‌ها حداقل ۴ گردان رزمی دشمن با ۹۰ تا ۱۰۰ درصد سازمانی قرار داشت. پس با این حال با چنین توان نابرابر، نیروهای خودی توانستند پیشروی دشمن را در ابتدا با عملیات تأخیری کند و پس از مدتی با افزایش نیروهای تقویتی و پشتیبانی از نزاچا، نهاجا و نداجا، نیروهای داوطلب محلی و غیر بومی و همچنین نیروهای محلی و سپاه پاسداران اعزامی از سایر نقاط کشور با اجرای عملیات پدافندی دشمن را زمین گیر و متوقف و از وصول به اهداف برآورد شده ناکام گذارند.

با این توضیحات مشخص می‌شود که لشکر ۹۲، قادر به اعزام نیرو برای پدافند از شرق کارون در محور اهواز-آبادان نبود. همین پراکندگی و گسترش را نیز نزاچا در سرتاسر جبهه داشته است، ضمن آن‌که تقدم پدافند از اهواز و غرب دزفول نیز برای جلوگیری از سقوط مهمترین و بیشترین شهرهای خوزستان و مسدود شدن راه وصولی به خوزستان از استان لرستان مورد توجه بوده است.

چند ماه پس از جنگ و تثبیت دشمن نیز مشخص شد که چنین اندیشه نظامی در مدیریت نظامی آغاز جنگ، صحیح و منطقی بوده است.

تکاوران دریایی در ساعت ۹:۳۰ روز ۱۶ مهرماه اقدام به پیشروی به سوی مواضع دشمن در منطقه گمرک خرمشهر و پل نو کردند، ولی نیروهای دشمن با اجرای آتش سنگین مانع پیشروی آنها شدند.

در اروندرود نبردی بین ناوچه پیکان ایران با سه ناوچه عراقی در گرفت که طبق گزارش فرمانده ناوچه ایرانی دو ناوچه عراق غرق شد و ناوچه سوم موفق به فرار گردید.

به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که از دهه دوم مهرماه، میدان‌های نبرد حرارت اولیه خود را از دست داده بودند و فعالیت نیروها به صورت مقطعی و موضعی درآمد بود. به‌عنوان مثال نیروی هوایی ایران برای روز ۱۷ مهرماه فقط ۱۶ سورتی پشتیبانی نزدیک هوایی پیش بینی کرد که ۸ سورتی آن در منطقه جنوب بود و این کاهش پشتیبانی هوایی، دو علت می‌توانست داشته باشد: اول غیر فعال شدن جبهه‌ها، دوم تلفات و ضایعات هوایی که به هواپیماهای ایرانی در روزهای اول نبرد

وارد شده بود.

رکود نسبی در جبهه‌ها به نفع نیروهای ایرانی بود، زیرا بررسیها نشان می‌داد که ارتش عراق قدرت تهاجمی اولیه خود را از دست داده و فرصتی برای نیروهای مسلح ایران به وجود آمد تا خود را آماده اجرای مرحله دوم جنگ یعنی آفند متقابل به منظور عقب راندن نیروهای متجاوز از مناطق اشغالی نماید. به همین دلیل بود که در روز ۱۶ مهرماه تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی یک حمله محدود در دب حردان واقع در حدود ۱۵ کیلومتری جنوب غربی اهواز اجرا کرد و اگرچه تیپ موفقیتی به دست نیاورد، ولی اثر روانی آن در نیروهای خودی و دشمن شایان توجه بود. (۴۶)

قرارگاه تاکتیکی نزاجا شامل: عناصر اطلاعاتی، عملیاتی، پرسنلی، لجستیکی و دیگر عناصر مورد نیاز از ساعت ۱۸:۰۰ روز ۱۶ مهرماه به طور رسمی عملیاتی و فعال گردید. سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی به سمت جانشین فرمانده نیروی زمینی در امور عملیات تعیین و منصوب گردید. محل این قرارگاه در دزفول در موقعیت کارخانه لاستیک‌سازی در نظر گرفته شد. (۴۷)

امروز در اثر بمباران هوایی شهرستان آبادان، توسط جنگنده‌های عراقی، ۴ نفر شهید و ۱۱ نفر مجروح شدند. (۴۸)

نیروی هوایی در این روز، در مجموع ۷۲ سورتی پرواز پشتیبانی و برون مرزی اجرا نمود. (۴۹)

روز هفدهم مهرماه: خسارات و تلفات بیشتر به مردم دو شهر خرمشهر و آبادان

در این روز فعالیت توپخانه و نیروی هوایی دشمن نسبتاً شدید شد و خسارات و تلفات به شهرهای خرمشهر و آبادان، نیروها و مردم وارد نمود. کلیه بیمارستانهای این دو شهر آسیب دیدند. تعداد مجروحان نیز زیاد بود. برای جابه‌جایی، خودروهای بیشتری مورد نیاز بود. گردان ۱۵۱ دژ از لشکر ۹۲ در ظرف این چند روز تعداد ۱۲۰ نفر شهید و تعدادی مجروح و مفقودالاضر داده بود. ضرورت داشت با یک گردان تازه نفس عوض شود، اما در شرایط سخت آن روز، امکان جابه‌جایی و یا تعویض یگان‌ها وجود نداشت. این وضع در حالی بود که یگان‌های عراقی با پشتیبانی و تدارکات مستمر و مداوم، اقدامات خود را منظم‌تر و هماهنگ‌تر می‌کردند. (۵۰)

تکاوران دریایی در خرمشهر، امروز با اعزام دو گروه شناسایی از مواضع دشمن و عقبه آنها در منطقه عملیات شناسایی کردند و در پاکسازی گمرک خرمشهر و شرکت در اجرای آتش‌های سنگین بر روی مواضع تانک‌های دشمن فعالیت چشمگیری داشتند. (۵۱)

روز هجدهم مهرماه: تهاجم بالگردهای هوانیروز

دشمن در این روز عملیات تهاجمی وسیعی را آغاز کرد. حدود ساعت ۱۱:۰۰ روز ۱۸ مهرماه، رزمندگان مستقر در خرمشهر توانستند در یک تهاجم دلاورانه با یاری بالگردهای هوانیروز، ضمن به اسارت درآوردن ۹ نفر از سربازان دشمن، تعدادی از خودروهای مهندسی، رزمی و چرخدار دشمن را منهدم نمایند.

واحد هوانیروز، بار دیگر در ساعت ۱۷:۰۰ به عده‌های دشمن حمله و ۱۰ نفر دیگر اسیر گرفتند. علاوه بر آن تلفات و خسارات به دشمن وارد نمودند. در این زمان منطقه خرمشهر، تقریباً از سکنه خالی و کسی از افراد در محل باقی نمانده بود تا درکنار نظامیان بجنگد. خطر سقوط خرمشهر بیشتر شده بود. (۵۲)

برابر اعلام شهربانی، در ساعت ۱۱:۰۰، آبادان زیر آتش خمپاره‌انداز، توپخانه و میگ‌های عراقی قرار گرفت. در نتیجه، ۸ نفر شهید، ۵۳ نفر زخمی و تعدادی از خانه‌های مسکونی در نقاط مختلف شهر منهدم گردید. در ساعت ۲۳:۳۰، مأموران ژاندارمری، پاسگاه بهمینار (اروند رود)، یک افسر و یک تکنسین عراقی را در حال نفوذ به خاک ایران دستگیر کردند. (۵۳)

روز نوزدهم مهرماه: عبور دشمن از کارون

سرانجام یکی از روزهای تلخ جنگ در این روز فرا رسید. نیروهای متجاوز در تاریکی شب ۱۸ به ۱۹ مهرماه در محلی به نام مارد که در حدود ۲۰ کیلومتری شمال آبادان قرار دارد، موفق به احداث پل بر روی رودخانه کارون شدند. علت انتخاب این امر آن بود که این محل در نزدیک‌ترین نقطه جاده اهواز-آبادان به رودخانه قرار داشت و نیروهای عبورکننده پس از عبور از رودخانه در مدت چند دقیقه به جاده می‌رسیدند، در نتیجه نیازی به جاده‌سازی در کرانه شرق رودخانه تا جاده نبود. ضمن این‌که جاده خاکی آبادی مارد در کنار رودخانه قرار داشت که به جاده اصلی وصل می‌شد. بررسی نقشه منطقه عملیات نشان می‌داد که این محل مناسب‌ترین نقطه برای عبور است.

نکته دیگری نیز در انتخاب این محل ممکن است مؤثر بوده باشد و آن، دادن اطلاعات توسط عوامل نفوذی و ستون پنجم از وضعیت رودخانه و منطقه اطراف آن به دشمن بود، زیرا در سال ۱۳۴۹ تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی که در پادگان هفتگل واقع در ۹۰ کیلومتری شرق اهواز مستقر بود، برای اولین بار در اجرای مانور سالیانه از این نقطه، تمرین عبور از رودخانه را اجرا کرد. در دهه

۱۳۵۰ تا قبل از پیروزی انقلاب نیز چند بار یگان پل لشکر ۹۲ زرهی در این محل تمرینات برقراری پل شناور و طراده را انجام داد. به طور کلی تشخیص داده شده بود، بهترین نقطه‌ای که امکان احداث پل و عبور سریع از رودخانه کارون وجود دارد این منطقه است.

در حوالی نیمه شب، نیروی زمینی جریان عبور عراقی‌ها را از رود کارون به ستاد مشترک اعلام نمود. گرچه ساعت دقیق احداث پل و عبور نیروهای دشمن مشخص نبود، ولی به نظر می‌رسد نیروهای دشمن (حدود ۸۰ تانک) در تاریکی شب ۱۸ به ۱۹ مهرماه از رودخانه کارون عبور داده و سرپلی را در شرق کارون به مساحت ۱۵۰ کیلومتر مربع در شمال آبادان تصرف و جاده‌های بسیار مهم اهواز-آبادان، آبادان-ماهشهر را قطع نمودند.

بدین ترتیب با عبور عناصر نیروی زمینی عراق از رودخانه کارون مرحله جدیدی در جنگ ایران و عراق آغاز گردید و آن تلاش نیروهای متجاوز عراق برای اشغال جزیره آبادان و تهدید بندر امام خمینی و ماهشهر بود.

با عبور نیروهای دشمن از کارون، نبرد در این منطقه و همچنین شمال خلیج فارس شدت بیشتری یافت.

هم‌زمان با عبور واحدهای زرهی عراق از روی پل احداثی به شرق کارون، حملات هوایی عراق در خلیج فارس نیز شدیدتر شد. هواپیماهای دشمن از ساعت ۲۲:۰۰ روز ۱۸ متوالیاً به تأسیسات اقتصادی و نظامی ایران در خلیج فارس حمله کردند و در مراحل اولیه نیز موفق شدند به تأسیسات جزیره خارک خساراتی وارد سازند و ایجاد آتش‌سوزی نمایند.

به‌علت کمبود نیرو و فراهم نبودن امکانات برای جلوگیری از عبور دشمن از رودخانه کارون و یا متوقف ساختن عملیات عبور وی، واکنش قابل ملاحظه‌ای در ساعات اولیه از طرف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نشان داده نشد. به هر حال چون نیروی نظامی در محل عبور عراقیها از رودخانه وجود نداشت، اطلاعاتی که به دست مقامات مسئول رسید، توسط افراد محلی انجام گرفت که توانسته بودند از منطقه اشغالی دشمن فرار نمایند. گفتنی است که در عملیات عبور از رودخانه کارون، کلیه مردان وارد و اطراف آن توسط عراقی‌ها به اسارت گرفته شدند.

اطلاعات بعدی که به ستاد مشترک اعلام شد، حاکی از آن بود که واحدهای زرهی و مکانیزه عراق با پشتیبانی پدافند هوایی از منطقه‌ای در ۳ کیلومتری جنوب سلیمانیه (مردم محلی سلمانیه نیز می‌گویند) از رودخانه کارون عبور کرده و به سمت آبادان و ماهشهر در حال پیشروی هستند.

ضمناً گزارش گردید که عناصر نیروهای زمینی عراق در محور شلمچه نیز به حرکت درآمده‌اند و بدین ترتیب خرمشهر و آبادان در خطر قطعی اشغال قرار گرفته است.

هم‌زمان با تلاش نیروهای دشمن برای توسعه سرپل در شرق کارون، آتشهای پشتیبانی دشمن روی آبادان تقریباً در تمام مدت روز ادامه داشت که موجب خسارات عمده‌ای گردید.

از سوی دیگر عناصر اطلاعاتی گزارش دادند که فعالیت نیروهای دشمن در کرانه جنوبی اروندرود نیز زیادتر شده و ظاهراً دشمن آماده می‌شود از اروندرود عبور کند و آبادان را از جنوب اشغال نماید. از طرفی با عبور عناصری از دشمن در حوالی ایستگاه آب تیمور به سمت شرق و کرانه غربی رودخانه کارون احتمال می‌رفت که نیروهای دشمن در نظر داشتند در جنوب اهواز نیز از رودخانه کارون بگذرند و اهواز را از جنوب شرق مورد تهدید قرار دهند.

سرانجام اطلاعات مطمئن‌تر از چگونگی عبور نیروهای دشمن از رودخانه کارون در حوالی روستای مارد، توسط یک سروان عراقی که در منطقه نبرد پادگان دژ خرمشهر به اسارت رزمندگان اسلام در آمده بود، در اختیار مقامات ایران قرار گرفت.

او گفت در شب ۱۸ به ۱۹ مهرماه، گردان مهندسی لشکر ۳ زرهی عراق مأموریت داشت بر روی رودخانه کارون پل شناور احداث کند. طرح عبور این بود که ابتدا یک گردان تانک از تیپ ۶ زرهی و یک گروهان کماندو از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و یک گروهان مکانیزه از رودخانه عبور کنند و پس از تصرف و تأمین سرپل، تمام عناصر تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ زرهی از رودخانه بگذرند و راه ارتباطی اهواز-آبادان را قطع نمایند. این افسر عراقی افزود:

«قرارگاه لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و یک گردان مکانیزه از تیپ ۱۵ مکانیزه لشکر ۵ مکانیزه زیرامر تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ زرهی در منطقه عملیاتی خرمشهر مستقر هستند و علاوه بر این واحدها یک واحد موشکی زمین به هوا و یک آتشبار موشکی زمین به زمین از نوع میلان فرانسوی، یک آتشبار توپخانه ۵۷ مم پدافند هوایی، در محور خرمشهر- شلمچه مستقر می‌باشند.»

این اظهارات اسیر عراقی نشان می‌دهد که در ۱۹ مهرماه ارتش عراق یک لشکر زرهی تقویت شده با یک تیپ زرهی و چند واحد توپخانه در منطقه خرمشهر و آبادان مستقر کرده بود. درحالی که در آن موقع جمع کل نیروهای جمهوری اسلامی ایران عبارت بودند از:

باقی‌مانده: یک گردان تانک با حدود ۵ دستگاه تانک، یک گردان پیاده زرهی، گردان ۱۵۱ دژ و

یک گردان تقویت شده پیاده زرهی، گردان دانشجویان دانشکده افسری و نیروهای مردمی و سپاه پاسداران که جملگی ۲۰ شبانه روز درگیر رزم و مقاومت بی‌امان بودند. بنابراین از نظر مقایسه توان رزمی استعداد نیروهای دشمن بیش از ۱۵ برابر نیروهای مدافع ایرانی در خرمشهر بود و شگفتی در این است که همین نیروهای خسته فرسوده ۱۵ روز دیگر در برابر دشمن مقاومت کردند.

گفتنی است پلی که نیروهای متجاوز عراق بر روی کارون برقرار کردند، از نوع پل شناور پی‌ام‌پی ساخت شوروی سابق بود که ارتش ایران در یگان‌های مهندسی خود از همان نوع پل استفاده می‌کرد. احداث این نوع پل بسیار سریع و آسان است، چنان‌چه کرانه رودخانه نیاز چندانی به عملیات ساحل‌سازی نداشته باشد، هر یک گروهان از یک واحد پل که ۲۲۷ متر سطح شناور، محمول بر خودرو دارد، می‌تواند در مدت نیم ساعت پلی به همان اندازه برقرار کند. با توجه به این‌که عرض رودخانه کارون در محل عبور، احتمالاً حدود ۱۰۰ متر بود و قبلاً نیز در آن محل، ارتش ایران تمرینات پلی‌زنی و عبور از رودخانه انجام داده بود و کرانه‌های رودخانه به طور طبیعی برای استقرار پل مناسب بودند، احتمالاً برقراری پل با عملیات ساحل‌سازی و آماده کردن کرانه‌ها، بیش از یک تا دو ساعت طول نکشیده و نیروهای عراقی به سادگی توانسته بودند عملیات استقرار و عبور از رودخانه را انجام دهند.

بدین ترتیب با احداث پل در ۲۴ کیلومتر، قریه مارد که در حدود ۲۰ کیلومتری شمال آبادان است به تصرف دشمن درآمد و نیروهای او به سمت جنوب برای وصول به کرانه بهمن‌شیر سرازیر شدند. آبادی سلیمانیه نیز توسط دشمن اشغال شد و اهالی آن به اسارت درآمدند.

با توسعه سرپل اشغال شده از آبادی سلیمانیه تا نزدیکی جاده آبادان - ماهشهر به عرض حدود ۲۰ کیلومتر و عمق ۱۰ کیلومتر نیروهای دشمن شروع به اشغال و استحکام مواضع جدید نمودند.

بدینسان نظامیان عراقی یکی از خطرناکترین مراحل نبرد را عملاً بدون برخورد با خطر اجرا کردند و بعد از فراهم آوردن تهدید اشغال اندیمشک و اهواز، سومین خطر عمده را که اشغال جزیره آبادان بود، برای نیروهای مسلح ایران فراهم ساختند.

از جمله اقدامات موفق و مؤثر یگان‌های عراقی در طول سالهای جنگ، عملیات پشتیبانی مهندسی آن بود، زیرا برای هر گردان رزمی و پشتیبانی رزمی یک واحد مهندسی مجهز به وسایل سنگین جاده سازی مانند بلدوزر و لودر پیش‌بینی شده بود و به محض توقف هر واحد در یک موضع پدافندی یا موضع آتش و یا حتی قبل از آن، واحد مهندسی حرکت می‌کرد و سریعاً در دشت باز با چند حرکت بلدوزر و لودر یک خاکریز مناسب ایجاد می‌نمود.

در حالی که در اوایل جنگ، نیروهای ایرانی به کلی فاقد چنین تسهیلاتی بودند و در جبهه خرمشهر و آبادان حتی یک دستگاه وسیله سنگین مهندسی نظامی وجود نداشت و بسیج نیروهای مردمی و جهاد سازندگی نیز هنوز به صورت مؤثر فعال نشده بود؛ لذا نیروهای عراقی با استفاده از پشتیبانی مهندسی رزمی سریعاً موفق شدند مواضع پدافندی مناسب در امتداد خط سرپل تهیه کنند و نیروی مدافع لازم را در سرپل مستقر نمایند. (۵۴)

نیروهای دشمن هم‌چنین پس از قطع جاده ارتباطی آبادان- اهواز، ۳۰۰ نفر غیر نظامی را گروگان گرفتند و تعدادی از نفرات نظامی و سپاه پاسداران نیز به اسارت درآمدند. روز ۱۹ مهرماه از ساعت ۶:۰۰ صبح الی ۱۱:۵۵، پالایشگاه و نقاط مختلف آبادان زیر آتش توپخانه ارتش عراق قرار گرفت. در نتیجه یک مدرسه و چهار باب خانه منهدم و قسمتی از پالایشگاه طعمه حریق گردید و عده‌ای شهید یا مجروح شدند. (۵۵)

برابر اعلام گروه هوانیروز مستقر در لشکر ۹۲ زرهی، در ساعت ۱۲:۰۰ امروز ۳ فروند بالگرد کبری به منظور انهدام تانک‌های دشمن در حوالی دارخوین به پرواز درآمدند که پس از اجرای آتش به روی تانک‌های دشمن، یک فروند بالگرد بر اثر آتش توپخانه آنان در رودخانه کارون سقوط کرد، اما خلبان آن نجات یافت. (۵۶)

روز بیستم مهرماه: ادامه خطر سقوط خرمشهر و آبادان

پس از عبور نیروهای دشمن از رودخانه کارون، نخستین واکنش برای عقب راندن یا محدود کردن تهاجم آنها در منطقه سرپل شرق کارون توسط تکاوران دریایی انجام گرفت و در ساعت ۴:۰۰ صبح امروز یک تیم شناسایی تکاوران به منطقه سرپل اعزام شد. این تیم از طریق شادگان به منطقه سرپل نزدیک گردید و وضعیت را بررسی کرد و گزارش داد که در محور شادگان فعالیتی از دشمن مشاهده نمی‌شود، اما نیروهای دشمن به سمت جنوب و کرانه بهمین‌شیر در حرکت‌اند. امروز اولین واحد تقویتی که یک یگان تکاور دریایی بود، از پادگان منجیل به خوزستان رسید و در ساعت ۱۲:۰۰ به مدافعان خرمشهر ملحق گردید.

امروز یک ستاد عملیات جدید در بندر امام خمینی تشکیل گردید. این ستاد دوتیم شناسایی را که هر تیم متشکل از ۲ نفر بود، برای شناسایی منطقه‌ی سرپل دشمن به محل اعزام کرد. نتیجه شناسایی آنها چنین بود که جاده ماهشهر- آبادان تا ساعت ۲۱:۰۰ دیروز (هنگام شناسایی) باز بوده

و جاده آبادان- اهواز در کنترل کامل دشمن قرار داشته است و حدود یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه دشمن وارد منطقه سرپل شده است. در ضمن، نیروهای عراقی سرگرم تقویت خود در منطقه سرپل می‌باشند.

اولین واکنش جدی ستاد مشترک ارتش این بود که از نیروی زمینی خواست به لشکر ۹۲ زرهی دستور دهد با پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز به سرعت در منطقه سرپل به دشمن حمله کند و نیروهای دشمن را از شرق کارون عقب براند، اما این لشکر در وضعیتی قرار داشت که در خلال ۲۰ روز گذشته نتوانسته بود حتی یگان کوچکی را به خارج از منطقه اهواز اعزام کند و مسافت زیادی نیز از خط مرز عقب نشینی کرده بود.

در این مدت ضمن رزم نابرابر بخش مهمی از توان رزمی اولیه خود را نیز از دست داده بود، در چنین موقعیتی چگونه می‌توانست حتی یک دسته رزمی با یک قبضه توپ از منطقه نبرد حساس اهواز برداشت کند. در ضمن، با وجود تهدید، عبور واحد دیگری از دشمن در جنوب اهواز از رودخانه کارون که قریب الوقوع به نظر می‌رسید، امکان نداشت که حتی یک دسته پیاده برای دیده‌بانی به شرق کارون اعزام کند.

واقع امر این بود که افرادی از میان مسئولان امور جنگ هنوز قدرت برتر عراق را احساس نکرده و تصور می‌کردند که یگان‌های موجود در جنوب می‌توانند از عهده تهاجم ارتش عراق برآیند. براساس همین تصور بود که حمله لشکر ۲۱ پیاده در ۲۳ مهرماه در غرب دزفول برنامه‌ریزی و اجرا گردید که منجر به موفقیت نشد، با این حال سرپل همچنان محفوظ ماند و به تدریج توسعه یافت.

جریان عبور نیروهای دشمن از کارون و محاصره آبادان نگرانی و اضراب ویژه‌ای در میان مقامات مسئول و ملت ایران ایجاد کرد. حجت‌الاسلام جمی امام جمعه آبادان به دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی تلگراف زد و وضعیت بحرانی خرمشهر و آبادان را به اطلاع ایشان رساند.

در ساعت ۱۰:۳۵ امروز، بالگردهای هجومی هوانیروز به منطقه سرپل حمله کردند، ولی نتیجه مؤثری حاصل نشد. بنابراین، نیروهای زمینی دشمن به سمت آبادان پیشروی خود را ادامه دادند. در این روز آتش‌های پشتیبانی دشمن از ۳ جهت (شمال، جنوب و غرب) روی خرمشهر و آبادان اجرا گردید و تلفات و خسارات سنگینی وارد کرد.

نیروهای مدافع با تلاش کم‌نظیر نبرد را ادامه دادند و حتی مواقعی نیز در حدود مقدرات خود در نقاطی از منطقه نبرد به نیروهای دشمن یورش بردند و تلفاتی بر آنها وارد کردند و گاه موفق به گرفتن

اسیر هم شدند، اما این اقدامات ضعیف‌تر از آن بود که بتواند دشمن را عقب براند یا نابود سازد. اولین یگان تقویتی که از لشکر ۹۲ زرهی برای منطقه عملیات خرمشهر اعزام شد، یک دسته خمپاره انداز ۱۲۰ م م و ۵۰ نفر خدمه آریبی جی ۷ بود که از طریق جاده اهواز- سربندر ماهشهر به آبادان و خرمشهر اعزام گردید.

قرارگاه مقدم جنوب به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد با همکاری سپاه پاسداران، نیروهای مردمی را بسیج کند و برای پوشش کرانه شرقی کارون به جنوب اهواز از آنان استفاده نماید تا از تکرار واقعه شمال آبادان جلوگیری شود.

در حالی که ساعت به ساعت خطر اشغال قسمت‌های وسیعی از خوزستان احساس می‌شد و در منطقه دزفول احتمال عبور یگان‌های دشمن از رودخانه کرخه و اشغال اندیمشک زیاد شده بود، فعالیت‌های دشمنان داخلی ایران نیز تشدید شده و جنگ داخلی در کردستان همچنان ادامه داشت و مانع از آن بود که نیروی زمینی ارتش بتواند نیروهای درگیر در کردستان را به خوزستان روانه کند.

اولین یگان تقویتی نیروی زمینی که یک آتشبار ۱۰۵ م م بود، امروز با هواپیما از مشهد به اهواز حمل شد تا از طریق اهواز- سربندر به آبادان یا ماهشهر اعزام گردد. امروز یگان‌های دشمن موفق شدند در غرب خرمشهر منطقه پل نو را تصرف کنند و یا توجه به تقویت مستمر نیروهای دشمن که سرپل شرق کارون را اشغال کرده بودند، نگرانی درباره این منطقه ساعت به ساعت افزایش می‌یافت.

تحت شرایطی که نیروهای دشمن به پیش‌روی به سمت جنوب برای وصول به کرانه شمالی رودخانه بهمن‌شیر و قطع تنها محور مواصلاتی باقی مانده ماهشهر- آبادان ادامه می‌دادند و لحظه به لحظه مسئله اشغال آبادان، که خود به خود امکان سقوط خرمشهر را نیز فراهم می‌کرد، نزدیک‌تر می‌شد. (۵۷)

با یورش هوانیروز و نیروهای خودی به دشمن در شرق کارون از ۳۲ دستگاه تانک دشمن که از رودخانه کارون عبور کرده بودند، ۱۷ دستگاه آن منهدم و همچنین یک دستگاه کامیون حامل مهمات دشمن به آتش کشیده شد و با تلاش نیروهای خودی در منطقه سلمانیه دشمن به عقب رانده شد.

برابر اعلام نیروی دریایی:

«- نقل و انتقالات دشمن روبه‌روی خسروآباد آبادان در جنوب اروند ادامه داشت.

- گلوله باران خرمشهر و آبادان تا ساعت گزارش، ادامه داشت.

- جاده آبادان- بندر امام خمینی در اختیار قوای خودی است.» (۵۸)

برابر اعلام هوانیروز، امروز یک فروند بالگرد کبری در آبادان مورد اصابت گلوله دشمن واقع و سقوط نمود، ولی خلبانان آن سالم هستند. (۵۹)

در ساعت ۶:۰۰ امروز، ۳ فروند هواپیمای فانتوم به منظور انهدام نیروهای دشمن به منطقه سلمانیه دارخوین اعزام گردیدند. (۶۰)

اطلاعیه شماره ۱۷۹ ستاد مشترک ارتش؛ از مردم خواست تجهیزات نظامی تصرف شده از پادگان‌ها، در روزهای پیروزی انقلاب را تحویل دهند. (۶۱)

پیام حضرت امام در خصوص وظایف و اختیارات شورای عالی دفاع امروز صادر شد. (۶۲)

راديو آمریکا، نیویورک تایمز:

«گرچه به نظر می‌رسد نیروهای عراق در جنگ با ایران به پیروزی‌هایی دست یافته‌اند، اما جنگی که در اطراف شهر بندری خرمشهر و شط العرب جریان دارد، نشان می‌دهد که ایرانیان با وجود بی‌نظمی در سازماندهی، برای هر وجب خاک‌شان به مبارزه برخاسته‌اند. حتی اگر عراقی‌ها کنترل خرمشهر را به دست آورند، تا زمانی که جنگ ادامه دارد، ایرانیان نخواهند گذاشت عراق از شط‌العرب به‌عنوان راهی برای دسترسی به خلیج فارس استفاده کند.» (۶۳)

خبرگزاری رویتر به نقل از روزنامه گاردین:

«در حالی که غرب نگران آینده‌ی عرضه نفت است، در جمهوری اسلامی ایران «مکتب شهادت» ارج نهاده می‌شود. شهادت عامل مؤثری در خنثی کردن حملات عراق بوده است. جنگ ظرفیت منضبط بودن را در ایرانی‌ها آشکار کرد و مدافعان خرمشهر، صحت شعار «توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد» را که در زمان شاه فریاد می‌زدند، ثابت کرده‌اند. (۶۴)

راديو کلن:

۱۹ نفر از نیروهای دشمن در مرز شلمچه اسیر شدند. (۶۵)

روز بیست و یکم مهرماه: توسعه سرپل و اعزام نیروهای تقویتی خودی

در این روز، تیپ ۶ زرهی دشمن با افزایش نیرو در سرپل شرق کارون، حرکت خود را به سمت رودخانه بهمن شیر و سهراهی ادامه داد.

در میدان نبرد خرمشهر نیز نیروهای دشمن در حاشیه شهر به کشتارگاه و پل پادگان دژ رسیدند و توانستند رزمندگان خودی را از گمرک عقب برانند و به داخل محدوده شهر وارد شوند. در این زمان استعداد رزمی تیپ‌های رزمنده لشکر ۹۲ زرهی تا یک ششم تقلیل یافته بود، با این وجود همین یگان‌ها در چهار جبهه با دشمن درگیر بودند.

هوایم‌های عراق آزادانه شهرهای خوزستان و مناطق حساس خلیج فارس را بمباران می‌کردند. با آن‌که گزارش شده بود که پنج هوایم‌های دشمن در حمله به جزیره خارک سرنگون شده‌اند، بنابراین بایستی دهها فروند هوایم‌های دشمن به خارک حمله کرده باشند. پدافند هوایی خودی به نسبت تعداد زیاد حملات هوایی دشمن در سرتاسر منطقه کافی نبود.

با توجه به مسئولیتی که درباره منطقه عملیات خرمشهر و آبادان به عهده لشکر ۹۲ زرهی قرار داشت، فرمانده لشکر تصمیم گرفت با استفاده از آخرین مقدرات، نیرویی به آبادان اعزام کند. در آن موقع تنها واحد در دسترس، بقیه دانشجویان دانشکده افسری بودند که در جبهه مشخصی درگیر نبودند. فرمانده لشکر با یک ابلاغ کتبی به سرهنگ نامجو- فرمانده دانشکده افسری- که در خوزستان حضور فعال داشت، مأموریت داد ۸۰ نفر از افسران و دانشجویان دانشکده افسری و ۳۲۰ نفر سربازان لشکر جمعاً ۴۰۰ نفر را در اختیار بگیرد و به ماهشهر حرکت و به یاری رزمندگان خرمشهر و آبادان بشتابد. بدین سان اولین نیروی کمکی بعد از گذشت ۳ روز که دشمن از کارون عبور و به شرق آن وارد شده بود، به منطقه عملیاتی آبادان اعزام شد و متعاقب آن آتشبار ۱۰۵ م م از لشکر ۷۷ پیاده مشهد به منطقه رسید و به ماهشهر اعزام گردید.

در این روز هوایم‌های دشمن بیش از ۱۰ بار به آبادان حمله کردند.

در محور اصلی خرمشهر- اهواز که گردان ۱۶۵ پیاده زرهی مستقر بود، فقط ۴ دستگاه تانک و حدود یکصد نفر سرباز باقی مانده بود، فرمانده آنان، سرگرد دانشور مفقودالثر شده بود. گردان ۱۵۱ دژ فرمانده آنان زخمی گردیده و نیروهای باقی مانده در شهر با دشمن درگیر بودند. (۶۶)

در اثر آتش سنگین دشمن، امروز بخشهای زیادی از خرمشهر ویران و هتل آن‌اهیتای این شهر به طور کامل تخریب می‌شود. (۶۷)

برابر اسناد و مدارک موجود در هفته اول جنگ، فرماندهی نیروهای مسلح در خرمشهر و آبادان

به فرمانده ناحیه ژاندارمری خوزستان محول گردید و عناصری که برای پدافند از منطقه، تشخیص داده شده بود، عبارت بود از: ۳ گردان مستقل لشکر ۹۲ شامل گردان ۱۵۱ دژ، گردان ۱۶۵ مکانیزه و گردان ۲۳۲ تانک، ناحیه ژاندارمری خوزستان، گردان تکاور دریایی، نیروهای سپاه پاسداران، نیروهای مردمی، دانشجویان دانشگاه افسری که مسئولیت پدافند از خرمشهر و آبادان را به عهده گرفتند. این نیروها در طول ۲۰ روز نبرد مداوم، تلفات و ضایعات بسیار زیادی دیدند. به تدریج قرارگاهی به نام «قرارگاه اروند» در آبادان تشکیل شد. به خصوص پس از عبور نیروهای دشمن از کارون این قرارگاه با در کنترل گرفتن نیروهای موجود و نیروهای تقویتی اعزامی در برابر دشمن، دفاع بسیار مؤثری را به مرحله عمل درآوردند. (لازم به ذکر است که فرماندهی اروند از ستاد مشترک دستور می گرفت).

بر اساس گزارش قرارگاه عملیاتی اروند، دشمن در بین روزهای ۱۹ الی ۲۱ مهرماه، موفق گردید در آبادی مارد، ۱۵ کیلومتری شمال خرمشهر، پل شناوری بر روی رودخانه کارون جایی که هیچ نیرو یا مدافعی وجود نداشت، مستقر کند و یگان‌های خود را از آن عبور داده و به سمت شرق برای قطع جاده آبادان- اهواز گسیل دارد، این در حالی بود که هنوز نیروهای ما در بیشتر قسمت‌های محاصره شده خرمشهر، در حال نبرد تن به تن بودند.

پس از عبور نیروهای دشمن به شرق کارون، تلاش اصلی دشمن در محور دارخوین- بهمن‌شیر- آبادان به کار گرفته شد و دشمن برای وصول به کرانه بهمن‌شیر و جاده ماهشهر-آبادان تغییر جهت داد تا به تصرف کرانه بهمن‌شیر محور مواصلاتی ماهشهر- آبادان را قطع و جزیره آبادان و خرمشهر را از راه زمینی کاملاً محاصره نماید.

در ۲۱ مهرماه، تلاش دشمن در منطقه شرق کارون برای قطع محور آبادان- ماهشهر با مقاومت سرسختانه نیروهای اندک ما، کند گردید و همین امر باعث شد که دشمن با احتیاط و برآورد دقیق‌تری به پیشروی خود ادامه دهد. (۶۸)

در ساعت ۱۸:۵۰ امروز، جزیره خارک مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت، در این حملات، ۶ فروند میگ عراقی (دو فروند به وسیله اف- ۱۴ و دو فروند به وسیله ضد هوایی خارک و دو فروند توسط ناو میلانیا و کهنمویی) سرنگون گردید. در ضمن، هیچ‌گونه خسارتی به جزیره خارک وارد نیامده است. (۶۹)

روز بیست و دوم مهرماه: تشدید فشار دشمن برای اشغال دو شهر مورد نظر

در روز ۲۲ مهرماه، فشار دشمن برای اشغال خرمشهر فوق‌العاده شدید بود. نیروهای او در محور اهواز-آبادان نیز پیشروی و به ۶ کیلومتری بهمنشیر رسیدند. تا ساعت ۱۴:۰۰ از واحد تکاور ۵ نفر شهید و ۱۸ نفر مجروح شدند. نیروهای دشمن از طریق کشتارگاه وارد محدوده شهر گردیدند، اما در منطقه گمرک هنوز مقاومت ادامه داشت.

برای اطلاع از وخامت اوضاع در تمام صحنه عملیات خوزستان بیان همین نمونه کافی است که فرمانده آماد مهمات دزفول در روز ۲۲ مهرماه به فرارگاه مقدم جنوب اطلاع داد، حتی یک گلوله توپ ۱۳۰ م در آمادگاه دزفول موجود نیست. این وضع درحالی بود که در فردای این روز، قرار بود لشکر ۲۱ پیاده یک حمله عمومی و هماهنگ شده درغرب دزفول انجام دهد.

در همین زمان خرمشهر سخت‌ترین روزهای خود را می‌گذراند و آبادان هم درشرف محاصره کامل بود. نیروهای دشمن از تمام معابر وصولی برای اشغال خرمشهر و آبادان به حرکت درآمده بودند.

حقیقت امر این بود که در مقابل تانک و توپ و برتری هوایی دشمن، رزمندگان خودی فقط با اسلحه سبک و ۷ دستگاه تانک مقاومت می‌کردند.

در شمال آبادان، دشمن به سه راهی آبادان- ماهشهر نزدیک شده بود. به‌علت تفرقه رزمندگان درخیابانها و کوچه‌های شهر و نبودن بی‌سیم کافی، ارتباط نیروهای رزمنده از هم گسسته بود و در نتیجه کنترل فرماندهی بسیار ضعیف بود.

بعدازظهر روز ۲۲ مهرماه نیروهای دشمن به دو کیلومتری شمال آبادان رسیدند. محاصره خرمشهر کامل شده بود و سقوط هر دو شهر بسیار نزدیک بود. در آن شرایط حساس و خطرناک برای خرمشهر و آبادان، نیروی زمینی ارتش آماده می‌شد که روز بعد درغرب دزفول به وسیله لشکر ۲۱ پیاده به دشمن یورش برد. برآورد می‌شد با اجرای آن، ضمن جلوگیری از سقوط شمال و گلوگاه خوزستان، فشار دشمن در خرمشهر و آبادان نیز کاهش یابد.

سرانجام نیروی زمینی تصمیم گرفت برای مقابله با دشمن در شمال آبادان از لشکر ۷۷ استفاده کند. به آن لشکر دستور داد یک گردان پیاده با یک آتشبار توپخانه و باقی‌مانده گردان ۲۴۶ تانک را سریعاً آماده کند و به اهواز اعزام دارد. این گردان همان گردانی است که در نجات آبادان، سرنوشت سازترین نقش را ایفا کرد که شرح آن بیان خواهد شد.

در همین روز لشکر ۹۲ زرهی یک گروهان پیاده و یک آتشبار توپخانه از طریق جاده ماهشهر به

آبادان اعزام نمود. نیروهای اعزامی با کمک نیروهای موجود و پشتیبانی هوانیروز موفق شدند پیشروی نیروهای دشمن را در شمال آبادان متوقف کنند. حتی عراقی‌ها را تا مسافتی به عقب نشانند و در مواضع مناسب حالت دفاعی گرفتند. بدین طریق یکی دیگر از بحرانی‌ترین روزهای خرمشهر و آبادان سپری شد، در حالی که امید به نگهداری و حفظ خرمشهر بسیار ضعیف بود. (۷۰)

در ساعت ۸:۴۶ شش فروند از جنگنده‌های نیروهای هوایی، به منظور پشتیبانی نیروهای مدافع آبادان و انهدام کامل نیروهای دشمن، حملات سنگینی به آنان در شمال آبادان انجام و تلفات و ضایعات زیادی به آنها وارد نمودند.

امروز یک فروند بالگرد کبری در آبادان، مورد اصابت گلوله دشمن واقع شد و سقوط کرد و یک نفر از خلبانان آن شهید شد.

برابر اعلام سازمان هلال احمر، در درگیری‌های امروز آبادان، ۱۵ نفر شهید و ۱۴۲ نفر مجروح گردیدند که ۷۳ نفر آنها نظامی بودند که این امر نشان دهنده تلفات و ضایعات زیاد نیروهای مدافع است، در ضمن، از مأموران شهربانی آبادان نیز ۵ نفر مجروح شدند.

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش، تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ زرهی عراق در شمال آبادان، بر اثر بمباران هوایی و هجوم نیروهای خودی، چندین کیلومتر از بهمن‌شیر عقب نشینی کرده است. همین نیروهای موجود ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای مردمی و تکاوران دریایی، سرسختانه مقاومت می‌کنند و فرماندار آبادان، تقاضای اعزام نیروی کمکی نموده است. (۷۱)

برابر اعلام ستاد عملیات جنوب، امروز سه فروند میگ مهاجم عراق به وسیله پدافند زمین به هوای آبادان سرنگون گردیده است. (۷۲)

رادیو آمریکا: «عراق که تاکنون به علت پیروی از یک تاکتیک محافظه کارانه جنگی در برابر مقاومت مصممانه ایرانیان از یک پیروزی قاطع در جنوب ایران محروم مانده، می‌کوشد با تغییر تاکتیک و دست زدن به مانور همه جانبه، گذشته را جبران کند. نیروهای عراقی که پس از سه هفته محاصره خرمشهر، هنوز نتوانسته‌اند تمام آن را در اختیار بگیرند، می‌کوشند با عبور از کارون، شهر را دور بزنند و آن را با قطع ارتباط مدافعی در محاصره خود بگیرند و آبادان را هم محاصره کنند. اگر عراقی‌ها در تصرف کامل آبادان در بمانند، همچنان که تاکنون از تصرف نقاط استراتژیک ایران عاجز مانده‌اند، در اینصورت دو طرف، محکوم به ادامه یک جنگ طولانی و فرسایشی و خسارت بار خواهند بود و در جنگی چنین، غالب و مغلوب مشخص نخواهد بود. عراق آمادگی

تحمل شش ماه تا یک سال جنگ را دارد. در حالی که ایران از این آمادگی برخوردار نیست. عراق در ارزیابی نیروهای ایران که در زمان شاه تعلیم دیده و مجهز شده بودند، سخت اشتباه کرد و این اشتباه و عدم پیش بینی صدام برای سرنگونی رژیم او کفایت می‌کند.» (۷۳)

خبرگزاری آلمان: «عراقی‌ها هنوز نتوانسته‌اند شهر دزفول را تصرف کنند. سخنگوی دولت عراق به خبرنگار اسپیکل گفته است اگر دزفول سقوط نماید، جنگ خاتمه یافته است، شایع است که نیروهای عراقی از اهواز و دزفول عقب رانده شده‌اند.» (۷۴)

روز بیست و سوم مهرماه: ادامهٔ تشدید برای اشغال دو شهر

تلاشی که دشمن در روز گذشته، برای اشغال خرمشهر و آبادان آغاز کرده بود، امروز هم ادامه یافت. رژیم متجاوز عراق که از پذیرش پیشنهاد آتش بس ناامید شده بود، به نیروهای خود دستور داد به هر قیمتی که شده باید خرمشهر و آبادان را اشغال کنند تا کرانهٔ شمالی اروندرود کاملاً در کنترل دولت عراق قرار گیرد. بر این اساس، نیروهای عراقی با وجود مقاومت سرسختانهٔ رزمندگان اندک خودی در خرمشهر و شمال آبادان، با تحمل تلفات سنگین، تلاش خود را برای اجرای مأموریت یاد شده ادامه دادند. در ساعت ۵:۳۰ امروز موفق شدند در خرمشهر تا خیابان طالقانی نفوذ کنند و در شمال آبادان نیز به کرانهٔ بهمن‌شیر نزدیک شوند و کنترل کامل محور آبادان - ماهشهر را در دست بگیرند. بدین ترتیب تا ظهر امروز، گمرک خرمشهر در کنترل کامل دشمن قرار گرفت. (۷۶)

همچنین امروز، حدود ۲۵ دستگاه تانک دشمن که از شمال رودخانهٔ بهمن‌شیر قصد ورود به آبادان را داشتند و تا ۵۰۰ متری آبادان نیز پیشروی کرده بودند، مورد حملات سنگین هوایی هواپیماهای نیروهای هوایی قرار گرفتند و ضربهٔ مهلکی به آنان وارد شد و سازمان و انسجام آنها از هم گسست و قادر به ادامهٔ مأموریت نشدند. (۷۷)

بالاخره در اثر قهرمانی‌های رزمندگان اسلام، به ویژه دل‌آوری‌های تکاوران دریایی، دشمن نه تنها موفق به عبور از بهمن‌شیر و ورود به آبادان نشد، بلکه در اواخر شب نیز رزمندگان اسلام ضمن یک یورش ایثارگرانه توانستند با ضربات مهلکی که بر دشمن وارد نمودند، عراقی‌ها را به شمال محور آبادان - ماهشهر عقب برانند و این محور را آزاد سازند.

امروز ژاندارمری کل کشور، مصمم شد از مقدرات ژاندارمری برای تقویت منطقهٔ آبادان - خرمشهر استفاده کند، لذا ۶۰۰ نفر ژاندارم با ۸ فروند هواپیمای سی-۱۳۰ نیروی هوایی ارتش، به

اهواز اعزام شدند و ۲۰۰ نفر نیز در اصفهان آماده شدند تا به خوزستان اعزام گردند. از حوادث دیگر در این منطقه این بود که دیشب، یدک‌کش پیام و کشتی نوید با دو فروند بارج و ۲۱ سرنشین که از خورموسی عازم بندرعباس بودند، مورد حملهٔ دو فروند میگ عراقی قرار گرفتند. در اثر این حمله، یدک‌کش پیام و کشتی نوید غرق شدند و ناو نقدی برای نجات سرنشین آن‌ها اعزام شد، در نتیجه ۹ نفر نجات یافتند، ولی ۱۱ نفر مفقود شدند و یک نفر نیز قبلاً به شهادت رسیده بود. برابر گزارش‌های واصله، موقعیت خسروآباد در ساعت ۹:۴۰ امروز به شرح ذیل بود و عراقی‌ها تصمیم به نفوذ به آبادان از طریق اروندرود داشتند:

- سرتاسر ساحل شط در خاک عراق، واحدهای زرهی مستقر شده‌اند.
 - نفربرهایی که قادرند از آب عبور کنند، آمادهٔ عبورند.
 - با استفاده از بلدوزر، معبرهای مناسب در حال تهیه است.
 - سلاح پشتیبانی نیروهای خودی، شامل توپخانه ۱۳۰ م م و کاتیوشا روی محور ماهشهر مستقر و آماده اجرای ماموریت گردیده‌اند.
- امروز یک افسر پناهندهٔ عراقی اظهار نمود که در منطقه‌ی سلمانیه در شمال آبادان، ۴۲ دستگاه تانک مستقر و ۳۰۰ دستگاه نیز به محل مزبور در حرکت می‌باشند.
- برابر اعلام سپاه پاسداران:

الف- امروز اداره‌ی گمرک، سربندر، کشتارگاه، ساختمان پلیس راه خرمشهر در دست قوای دشمن است و جنگ تن به تن در داخل شهر ادامه دارد.

ب- نیروهای عراقی با پشتیبانی آتش توپخانه به داخل دهلران وارد و حدود ۳۴ دستگاه تانک و عده‌ای افراد پیاده در شهر مستقر گردیدند. در ضمن پاسگاه نصریان تخلیه شده است. در ساعت ۲۱:۵۰ امروز دشمن از گازهای شیمیایی دارای بوی نامطبوع که دهان انسان را تلخ می‌نماید، علیه عده‌ی معدودی از نیروهای خودی در منطقهٔ خرمشهر استفاده نمود. امروز ۲ فروند بالگرد به منظور کمک به جابه‌جایی توپ ۱۰۵ به خرمشهر به اهواز اعزام گردید. (۷۸)

رادیو لندن

«عراقی‌ها مصمم به تصرف آبادان هستند. تنها راه گریز از آبادان اکنون در جهت جنوب است، چون راه اصلی به اهواز را عراقی‌ها سد کرده‌اند. قطع جادهٔ آبادان- اهواز هنگامی رخ داد که سربازان عراقی موفق شدند از رود کارون عبور کنند. از آن زمان تاکنون، عراقی‌ها مشغول انتقال توپخانه و ادوات زرهی

برای حمله‌ی بزرگ به آبادان هستند. تصرف آبادان، عراقی‌ها را به مرکز عمده‌ی نفت رسانی ایران، مسلط خواهد کرد. به این ترتیب، عراقی‌ها امیدوارند، مذاکرات صلح تسهیل شود، اما تضمینی وجود ندارد؛ زیرا مقامات ایران گفته‌اند تا وقتی نیروهای عراقی از ایران عقب نشینی نکنند، مذاکره‌ای انجام نخواهد گرفت.» (۷۹)

هفته نامه اشپیگل (چاپ آلمان)

«به ظن قوی، حساب‌های رئیس جمهوری عراق که تصور می‌کرد ارتش ایران به علت انقلاب ضعیف شده، اشتباه بوده است. رئیس جمهوری عراق، بیش از حد به افسران سابق شاه که به عراق پناهنده شده‌اند، اطمینان کرده است.»

راديو كلن

«رژیم صدام برخلاف اصول بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران به جنگ پرداخت و برخلاف آن چه در ابتدا به نظر می‌رسید، این جنگی نبود که به زعم صدام، ایران را در همان سه روز اول به زانو درآورد و خود به قدرت درجه‌ اول منطقه تبدیل شود.» (۸۰)

در این روز تک لشکر ۲۱ پیاده حمزه در سرپل غرب رودخانه کرخه در محور اندیمشک، شوش موفق نبود. برآورد شده بود که در صورت موفقیت این تک، فشار دشمن به خرمشهر و آبادان کاهش یابد و خطر عبور دشمن از کرخه و قطع راه خرم‌آباد- خوزستان و سقوط شهرهای اندیمشک، دزفول، شوش و سایر شهرهای غربی و مرکزی خوزستان نیز از بین رود. با این حال دشمن با تمام تلاشی که چند بار از ابتدای جنگ سراسری تا این روز و بار دیگر در ۹ آبان ۱۳۵۹ انجام داد، در اثر مقاومت و دفاع جانانه زمینی و هوایی نیروهای خودی، هیچگاه موفق به عبور از کرخه برای وصول به چنین هدفی نشد.

روز بیست و چهارم مهرماه: نزدیک شدن دشمن به سه راهی ماهشهر-آبادان

در خرمشهر نیروهای عراقی ضمن پیشروی خود، با بلدوزر و سایر وسایل مهندسی سریعاً مواضع دفاعی برقرار می‌ساختند و با توجه به این که گمرک خرمشهر به اشغال دشمن درآمده بود، از اسکله گمرک برای پشتیبانی و تدارکات نیروهای عراقی از طریق آب (رودخانه اروندرود) استفاده می‌شد.

در اوایل روز ۲۴ مهرماه نیروهای دشمن در شمال به نزدیکی سه راه ماهشهر-آبادان رسیدند. بهمنشیر در زیر آتش دشمن قرار گرفت، اما نیروهای ایرانی موفق شدند دشمن را تا ۵ کیلومتری

شمال بهمن شیر عقب برانند.

در ساعت ۸:۳۰ عراقی‌ها توانستند در حوالی کارخانه شیر پاستوریزه موضع پدافندی ایجاد نمایند. از ساعت ۹:۰۰ صبح به دنبال تسلط کامل دشمن بر گمرک خرمشهر، نبرد به داخل خیابانهای شهر کشیده شد. با توجه به تهدید بسته شدن راههای مواصلاتی زمینی به آبادان، اقدامات اولیه برای پشتیبانی نیروهای مستقر در آبادان از طریق هوا به عمل آمد و دو فروند بالگرد شنوک برای رساندن تدارکات از اهواز به ماهشهر اعزام گردید که در مسیر راه، این بالگردها مورد حمله هواپیماهای دشمن قرار گرفتند، یک بالگرد آسیب دید و فرود اضطراری کرد. بالگرد دیگر توانست در ماهشهر به زمین بنشیند.

ضمناً در عملیات روز ۲۳ مهرماه یگان هوانیروز در منطقه سرپل دشمن، یک فروند بالگرد کبری مورد اصابت آتش دشمن قرار گرفت و سرنگون شد و ۲ نفر سرنشینان آن به شرف شهادت رسیدند. تا ظهر آن روز حدوداً یک سوم شهر خرمشهر به اشغال نیروهای عراقی درآمد بود و سرانجام نیز دشمن موفق شد در روز ۲۴ مهرماه قسمت قابل ملاحظه‌ای از خرمشهر را در کنترل خود بگیرد و از این روز تا زمان سقوط خرمشهر به مدت ۱۰ روز حماسی‌ترین و سخت‌ترین نبردهای شهری جنگ ایران و عراق در خرمشهر جریان یافت و مدافعان میهن اسلامی با ایثار و فداکاری فوق‌العاده و در برابر تجاوز دشمن به حریم استقلال و آزادی ایران مقاومت کردند و با نثار خون مطهر و پاک خود تا حدی که در توان داشتند کوشیدند.

در پایان روز ۲۴ مهرماه وضعیت خرمشهر به قدری بحرانی بود که اعلام شد خرمشهر سقوط کرده و نیروهای دشمن پل را در دست گرفته و با تیربار از پل دفاع می‌کنند. با این وجود نیروهای باقی‌مانده در خرمشهر در خیابانها و کوچه‌ها و خانه‌ها از وجب به وجب شهر دفاع می‌کردند و خون مقدس خود را برای تداوم شجره طیبه استقلال و آزادی بر خاک مطهر میهن اسلامی می‌ریختند. به همین علت خرمشهر از آن روز «خونین شهر» نامیده شد.

با توجه به این که راه‌های وصولی به خرمشهر کاملاً مسدود شده بود، دشمن می‌توانست مناطق اشغال نشده را کاملاً با آتش شدید خود بپوشاند.

با وجود برتری مطلق دشمن و تزايد تعداد شهداء و مجروحان مقاومت شرافتمندانه رزمندگان اسلام در نزدیکی پل خرمشهر ادامه داشت. برای کنترل و سازماندهی مقاومت تحت شرایطی که استعداد رزمی لشکر ۹۲ به شدت کاهش یافته بود، فرماندهی ارونند موفق شد تا ساعت ۲۲:۰۰ روز

۲۴ مهرماه با کمک فرماندهان، نیروهای پراکنده را جمع‌آوری نماید و آنان را برای ادامهٔ مقاومت ترغیب سازد تا موقتاً از اشغال کامل خرمشهر جلوگیری شود.

همانطور که بیان شد در منطقهٔ دزفول، حملهٔ لشکر ۲۱ پیاده با عدم موفقیت مواجه شد و آن لشکر که تکیه‌گاه نیروی زمینی برای نگهداری منطقه دزفول بود، تلفات زیادی را متحمل گردید. در جبهه سوسنگرد و بستان نیز نیروهای دشمن به نزدیکی بستان رسیدند و این شهر در موقعیت سقوط قرار گرفت. در نتیجه در هر ۴ جبههٔ اصلی خوزستان یعنی جبههٔ غرب دزفول، جبههٔ اهواز، جبههٔ سوسنگرد و جبههٔ خرمشهر و آبادان، نیروهای جمهوری اسلامی ایران وضعیت بسیار سخت و نامطلوبی داشتند.

در جبههٔ آبادان- ماهشهر نیروهای طرفین به شدت درگیر بودند و با توجه به این‌که تمام تأسیسات بندری غرب خرمشهر به اشغال دشمن درآمده بود، دشمن از جبههٔ جنوب نیز می‌توانست از طریق آبراه اروندرود در جزیرهٔ مینو نیرو پیاده کند و جزیره آبادان را از طریق آن جزیره که با یک پل به هم ارتباط داشتند، تهدید نماید. (۸۱)

در ساعت ۱۰:۰۰ نقل و انتقال‌های زیادی از دشمن، روبه‌روی خسروآباد آبادان دیده شد. ستون پنجم عراق در آبادان و خرمشهر، در پی مقاومت‌های پایدار و ایثارگرانهٔ مدافعان با ایجاد شایعه، ترس و وحشت در بین مردم، آنان را به فرار تشویق می‌کردند. (۸۲)

برابر گزارش نیروی دریایی، در ساعت ۵:۳۰ پنج فروند میگ عراقی به جزیرهٔ خارک و بندر بوشهر حمله کردند که یک فروند آنها توسط هواپیمای اف-۱۴ منهدم گردید. (۸۳)

حضرت امام خمینی امروز در ۳ صفحه خطاب به ملت و ارتش عراق پیامی صادر فرمودند. (۸۴)

برابر اعلام ادارهٔ دوم ستاد مشترک ارتش، نیروهای عراقی در منطقهٔ مقابل قُصبه آبادان با بولدوزر، نخل‌ها را کنده و مشغول صاف کردن و آسفالت می‌باشند. تصور می‌رود از این منطقه، قصد حمله به قُصبه آبادان را با ایجاد پل‌های متحرک دارند. (۸۵)

حجت‌الاسلام و المسلمین شریف قنوتی در روز ۲۴ مهرماه شهید شد. این روحانی بزرگوار، هم می‌جنگید و هم تدارکات و نیازمندی‌های رزمندگان را انجام می‌داد. با سخنان خود مردم را برای مقاومت و مقابله با دشمن متجاوز تشویق می‌کرد. وقتی عراقی‌ها او را به شهادت رساندند، دور جنازه او جمع شدند و عکس گرفتند و یکی از آنان اعلام کرد: من یک خمینی را کشتم و این عکس در مطبوعات عراق منتشر شد. (۸۶)

از یادداشتهای روزانه ۵۹/۷/۲۴ آیت‌الله جمی، امام جمعه آبادان

در خرمشهر اغلب خانه‌ها نیمه مخروبه و آسیب دیده است. در آبادان که از نظر سکونت در این شهر تا اندازه‌ای بیشتر اطلاع دارم، تا این تاریخ - ۵۹/ ۷/۲۴ - وضع شهر تقریباً از نظر حمله هوایی و اصابت خمپاره از این قرار است:

۱- مساجد هدف خمپاره قرار گرفته: مسجد معروف به دشتستانی‌ها که خودم در آنجا اقامه جماعت می‌کنم، هدف قرار گرفت و گلوله خمپاره، دیوار مسجد را شکافته، به دیوارخانه همسایه اصابت کرده و آنجا را هم شکافته، ولی عمل نکرده؛ که اگر منفجر می‌شد، فاجعه به بار می‌آورد و مسجد و تمام خانه‌های اطراف و ساکنین آنها را از بین می‌برد.

۲- مسجد معروف به صاحب الزمان در آبادان که حجت‌الاسلام عبدالستار اسلامی امام جماعت آنجاست، مورد اصابت گلوله خمپاره قرار گرفت، در نتیجه دو نفر شهید و حدود ۱۲ نفر مجروح شدند.

۳- بیمارستان نفت، خمپاره باران شده که بعضی از پرستاران شهید و عده‌ای مجروح شدند. آمار دقیق ندارم.

۴- مراکز فرهنگی: الف- اداره آموزش و پرورش آبادان مورد حمله هوایی قرار گرفت که در اثر آن، ساختمان اداره منهدم و حدود بیست نفر شهید شدند. از جمله رئیس آموزش و پرورش، مرحوم شهید صالحی و جمعی از معلمان و کارمندان. حدود ۳۰ نفر هم مجروح شدند که از جمله مجروحان، فرزندم احمد با همسرش بودند که سطحی بود.

ب- خوابگاه دانشکده نفت که در اثر حمله هوایی دو نفر دانشجو شهید و جمعی مجروح شدند.

۵- خانه‌های مردم.... حدود ۱۰۰ خانه منهدم یا نیمه ویران و بیش از ۲۰۰ خانه طوری آسیب دیده که قابل سکونت نیست. حدود دو شب قبل..... کوی ذوالفقاری- از محله‌های فقیرنشین آبادان- به وسیله خمپاره گلوله باران شد، خانه‌ای ویران و حدود ۲۰ نفر از پیرمرد و پیر زن و اطفال صغیر با وضع فجیعی شهید شدند. دست و پای بعضی‌ها قطع شده بود. بعضی‌ها سرشان با خمپاره از تن بریده بود..... شهدای شهر..... حتی زنان باردار که خود و جنین‌شان به ضرب خمپاره ریزش شدند.

پالایشگاه عظیم آبادان، زیر آتش قرار گرفته و شهر در زیر کوهی از دود و بخار قرار گرفته.... (۸۷)

.... در جریان این چند روز..... بار دوم..... به گارد ساحلی رفتیم.... فرمانده عملیات، سرگرد بهرام‌پور بود..... روحیه‌ها را خوب دیدم.... جمعی از عشاير گه‌گیلویه برای شرکت در عملیات داوطلبانه آمده بودند... به شدت ابراز احساسات می‌کردند..... چند کلمه‌ای برای آنان صحبت کردم.... سپس به طرف

توپخانه مستقر در نزدیکی چوئبیده رفتیم. بین راه ماشین ما پنچر شد. با زحمت با ماشین دیگری به مقصد توپخانه حرکت کردیم.... با یک یک آنان صحبت و قدردانی کردم. این جا هم با روحیه‌های خوبی مواجه شدم. (۸۸)

....در طول این چند روز، یک روز به قبرستان برای زیارت شهدا رفتیم.چند نفر غیرنظامی آورده بودند که با خمپاره به شهادت رسیده بودند.آماری از قبور شهدا گرفتیم، تا آن روز به ۱۶۶ قبر رسیده بود. (۸۹)

.... صبح زود تلفن شد که وضع جبهه خرمشهر فوق‌العاده خطرناک است. اکیداً از من خواستند جریان را به اطلاع مقامات بالا برسانم. فوراً به دفتر امام تلفن و تاکید کردم که وضع وخیم است. سپس به هنگ ژاندارمری و اتاق جنگ رفتیم. آن جا همه نگران بودند.....بعد به رادیو برای پیام روزانه رفتیم و پیامی چون روزهای گذشته به رزمندگان و مردم خوزستان دادم. نزدیکی‌های ظهر به منزل آمدم که نه آب داشتیم و نه غذای نهار- برای رفع تشنگی، اناری را مکیدم و بعد به زحمت مقداری سیب زمینی و تخم‌مرغ آب‌پز پیدا کردیم. (۹۰)

روز بیست و پنجم مهرماه: روزهای سرنوشت ساز

از سحرگاه امروز، فعالیت هوایی دشمن در خلیج فارس باز هم افزایش یافت و از جمله اهداف عمده هوایی دشمن، تأسیسات بندر ماهشهر و مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی بود. در این حملات، هواپیماهای دشمن، موفق شدند خساراتی به تأسیسات بندر ماهشهر وارد سازند. در خرمشهر در حالی که برتری کامل با نیروهای دشمن بود، نبرد تن به تن ادامه یافت. تکاوران دریایی، همراه با بقیه نیروهای باقی‌مانده از یگان‌های نزاچا، با شجاعت فوق‌العاده‌ای در کنار نیروهای سپاه و مردمی باقی مانده در خرمشهر می‌جنگیدند.

در آبادان، خطوط مواصلاتی در کنترل دشمن قرار داشت و آتش توپخانه خودی آن‌چنان نبود که مانع فعالیت‌های دشمن گردد.

روزهای سرنوشت ساز خرمشهر و آبادان یکی پس از دیگری سپری می‌شد و نیروهای جان برکف ایران اسلامی، فقط با نثار خون خود اجازه نمی‌دادند که موفقیت‌های پی‌درپی دشمن، ارزان نصیب وی گردد. (۹۱)

نیروی دریایی و اداره دوم ستاد مشترک ارتش اعلام نمودند، آخرین خبر تا ساعت ۱۰:۴۰ امروز از

آبادان و خرمشهر، حاکی است که کلیه‌ی راه‌های آبادان و خرمشهر در دست دشمن می‌باشد و تعداد شهدا و مجروحان زیاد و امکان تخلیه وجود ندارد، سردخانه‌ها از کار افتاده، آب و برق و دارو وجود ندارد، جمع‌آوری شهدا و مجروحان در محوطه، باز، بی‌اندازه روحیه نفرات را پایین آورده و کلیه فرماندهان نیز شهید شده‌اند و اوضاع متشنج است. (۹۲)

هم‌چنین در ساعت ۱۹:۰۰، نقاط مختلف شهر و بیمارستان هلال‌احمر آبادان، زیر آتش توپخانه عراق قرار گرفت و چند اطاق بیمارستان و تعدادی ساختمان تخریب و ۱۱ نفر شهید و ۴۵ نفر مجروح و ۸ خودرو و یک منبع آب منهدم گردید. از مأموران شهربانی، ۱ نفر شهید و ۱۶ نفر زخمی شدند. در اثر ادامه نبرد و اجرای آتش و بمباران دشمن در سطح شهر خرمشهر، صدها شهید پراکنده است و امکاناتی برای تخلیه آن‌ها وجود ندارد.

هم‌چنین پمپ بنزین فلکه کوه دشت خرمشهر توسط نیروهای دشمن منهدم گردیده است. لشکر ۹۲ زرهی اهواز، برابر اعلام سازمان هلال‌احمر، گزارش نمود در ۲۴ ساعت گذشته، تلفات آبادان ۲۱۶ نفر زخمی و ۱۹ نفر شهید است که از این عده ۱۱۰ نفر نظامی بوده‌اند. در اثر مقاومت سرسختانه نیروهای ژاندارمری، سپاه پاسداران، تکاوران و نیروهای مردمی در منطقه آبادان و خرمشهر حدود ۸۰ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیده و آن‌ها از دارخوین و آبادان و خرمشهر در حال عقب نشینی هستند.

برابر اطلاع واصله، تیپ ۱۵ مکانیزه ارتش عراق با پشتیبانی یک گردان توپخانه صحرایی از شلمچه به منطقه بین پل نو و خرمشهر انتقال یافته و گردان ۶۹ ضدهوایی سبک در پشتیبانی این تیپ قرار دارد. (۹۳)

در ساعت ۱۸:۳۵ سریال اول گروه رزمی ۱۵۳ و گردان ۲۴۶ تانک با قطار از مشهد به اهواز اعزام شد. در ساعت ۲۱:۴۰ سریال دوم گروه رزمی ۱۵۳ از مشهد به اهواز اعزام گردید. (۹۴)

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، برای شرکت در جلسه شورای امنیت، امروز وارد نیویورک شد. آقای محمد علی رجایی، طی سخنرانی مفصلی، حمله سازماندهی شده عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران را نقض حقوق انسانی خواند. کمک‌های شرق و غرب به دولت عراق را تشریح کرد و افزود که زیر چکمه‌ها و رگبارهای دشمن، نمی‌توان و نباید به آتش بس موافقت کرد. (۹۵)

از یادداشت‌های روزانه آیت‌الله جمعی در ۲۵ / ۷ / ۵۹

صبح زود بعد از کسب خبر به وسیله تلفن، به ستاد عملیات مستقر در ژاندارمری می‌رفتم. معلوم شد با از خود گذشتگی دسته جمعی برادران سپاه، جنگ‌آوران و افراد ژاندارمری و نظامیان عزیز و همچنین جوانان غیور و جان برکف آبادان، نیروی دشمن عقب رانده شده؛ اما جمعی از عزیزان رزمنده ما شب گذشته جان عزیز خود را از دست داده و به مقام شهادت نایل شده‌اند؛ که دو نفر افسر دانشکده افسری و یک سرگرد فرمانده تانک از این جمله‌اند؛ همچنین عده‌ای از جوانان عزیز و داوطلب که سرکوبی و عقب راندن دشمن، به قیمت خون آنها تمام شد.

...نزدیکی‌های غروب، طبق عادت هر روزه، برای نماز مغرب و عشاء به مسجد رفتیم. باید بگویم که از بدو درگیری تقریباً نماز جمعه و جماعت تعطیل است. فقط احیاناً شبها به مسجد می‌روم که افرادی معدود می‌آیند. به ۲۰ نفر نمی‌رسد. چون خیلی تشنه بودیم، قبل از رفتن به مسجد، برای تحویل آب به ستاد فرماندهی رفتیم. معلوم شد کمی آب خنک دارند. هر کدام لیوانی سرکشیدیم و به مسجد رفتیم. در تمام آن ساعات، غرش توپ و شلیک خمپاره‌ها، شهر را آرام نمی‌گذارد و در طول روز، خرابی‌ها و خساراتی به شهر وارد شد. (۹۶)

روز بیست و ششم مهرماه: شرایط سخت میدان نبرد و مسئله فرماندهی عملیات

تلاش فوق‌العاده عراقی‌ها برای اشغال خرمشهر و محاصره کامل آبادان در روز ۲۶ مهرماه نیز ادامه یافت. در این روز عراقیها به صورت همه جانبه به مواضع نیروهای پدافندی در خرمشهر و شمال آبادان حمله کردند. تانک‌ها و نفربرهای زرهی دشمن، خیابانهای خرمشهر را جولانگاه تاخت و تاز خود قرار داده بودند. پس از آن دیوار دفاعی رزمندگان ایران اسلامی را با شهادت و یا مجروح شدن آنان می‌شکستند، قدم به قدم پیشروی می‌کردند.

جنگ خانه به خانه و کوچه به کوچه ادامه داشت. تحت شرایط یاد شده، مسئله فرماندهی عملیات جنوب وضعیت پیچیده و خاصی پیدا کرده بود. در واقع جانشین ریاست ستاد مشترک، فرماندهی ژاندارمری، استاندار خوزستان و شهید دکتر چمران به طور مشترک در آن حضور داشتند.

بنابراین فرمانده نیروی زمینی در این مناطق نمی‌توانست اعمال فرماندهی نماید. با این وجود مقامات یاد شده مستمراً از نیروی زمینی می‌خواستند که حداکثر مقدرات آن نیرو را به اهواز و خرمشهر و آبادان اختصاص دهد، درحالی که فرمانده نیروی زمینی نگران یکی از حیاتی‌ترین نقاط خوزستان یعنی

مسئله دزفول بود.

شرایط سخت میدان نبرد روز به روز بر رزمندگان خرمشهر اثرات منفی می‌گذاشت. خستگی و فرسودگی بیشتر می‌شد و کنترل و فرماندهی سخت‌تر می‌گردید. دشمن از برتری کامل خود در زمین و دریا و هوا حداکثر استفاده را می‌کرد و نیروهای جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار داده بود.

نیروی دریایی تلفات روز ۲۵ مهرماه را ۱۹۵ نفر اعلام و اظهار نمود که تکاوران دریایی و عناصر ژاندارمری با سلاح سبک در برابر تانک‌های دشمن مقاومت می‌کنند.

وضعیت گسترش نیروهای دشمن در ساعت ۱۵:۴۵ روز ۲۶ مهرماه بدین ترتیب بود که قسمت عمده شهر خرمشهر در کنترل دشمن قرار داشت، در محور آبادان نیروهای دشمن در ۲ کیلومتری سه راهی آبادان- ماهشهر مستقر بودند و سراسر کرانه شمال بهمن‌شیر در کنترل دشمن قرار داشت. فشار دشمن در روز ۲۶ مهرماه آنچنان بود که کم‌کم از نجات خرمشهر قطع امید شد و حتی خبرنگار خبرگزاری پارس به سازمان مربوطه اطلاع داد خرمشهر کاملاً سقوط کرده است. بنا به گزارش ارسالی، وی در آن روز در بیمارستان‌های منطقه، پیکر مطهر حدود ۲۰۰ شهید را شخصاً مشاهده کرده بود.

لازم به یادآوری است که در نبردهای شهری خرمشهر و آبادان نیروهای مردمی نسبتاً قابل ملاحظه‌ای وارد میدان نبرد می‌شدند، اما به‌علت عدم سازماندهی، امکان کاربرد آنان در عملیات هماهنگ وجود نداشت. به نحوی که عده‌های اعزامی هر شهر یا منطقه‌ای به طور مستقل عمل می‌کردند، بدین جهت عملیات ایثارگرانه این عده اثرات چندانی در عملیات هماهنگ شده نداشت. نظر به این‌که چگونگی ورود و خروج این عده‌ها به صحنه‌های عملیات و چگونگی عملیات آنان در اسناد و مدارک رسمی ثبت نشده است، نمی‌توان دقیقاً وضعیت آنان را تشریح کرد. (۹۷)

قرارگاه تاکتیکی عملیات منطقه جنوب، مستند به گزارش لشکر ۹۲، وضعیت آبادان و خرمشهر را چنین گزارش نمود:

امروز در خرمشهر، درگیری شدید بود و دشمن به‌علت دادن تلفات زیاد، عقب نشینی کرد، اما مقداری از جاده کمربندی در دست دشمن باقی مانده، لیکن پل خرمشهر هنوز باز است. آبادان از صبح زیر آتش شدید توپخانه دشمن بوده و تلفات نسبتاً زیادی به نیروهای خودی وارد شده است و نیروهای خودی با تفنگ‌های ۱۰۶م دشمن را ۵ کیلومتر عقب راندند. (۹۸)

در ساعت ۹:۳۵ تانک‌های دشمن مجدداً با اجرای تیراندازی شدید، وارد خرمشهر شدند که با مقاومت شدید نیروهای نظامی و مردم روبه‌رو شدند. ضمن انهدام تعدادی از تانک‌هایشان، مجبور به عقب نشینی گردیدند.

از ساعت ۲۲:۲۵ امروز ارتباط بی‌سیم و تله تایپ خرمشهر قطع گردید. طبق اظهار یک نفر اسیر جنگی، لشکر ۹ عراق به اضافهٔ یگان‌هایی از نیروی مخصوص، در خرمشهر مستقر هستند. برابر اعلام ستاد عملیاتی ارونند:

دشمن تمام تلاش خود را برای تصرف خرمشهر با استفاده از تانک و توپ و نفرات پیاده به کار بسته، لیکن با مقاومت شدید نیروهای مدافع شهر مواجه و تلفات سنگینی به آنان وارد آمده است. یک چهارم شهر و قسمتی از گمرک خرمشهر در تصرف آن‌ها است.

در آبادان، با توجه به پشتیبانی آتش توپخانه، هنوز دشمن قادر به نفوذ در شهر نشده، لیکن گلوله‌باران مداوم هم‌چنان ادامه دارد و راه‌های مواصلاتی در دست دشمن است. ستاد عملیاتی ماهشهر تشکیل شده و امید است راه تدارکاتی آبادان و خرمشهر را باز و نیروهای مدافع را از محاصره نجات دهد.

دشمن در گمرک خرمشهر، مشغول کندن سنگر و استقرار تانک‌های خود می‌باشد تا در فرصت مناسب پایگاه دریایی و شهر را زیر آتش بگیرد.

نیروی دریایی امروز اعلام کرد، ظرف ۴۸ ساعت اخیر ۲۹۵ نفر شهید و زخمی از منطقهٔ خرمشهر و آبادان به وسیلهٔ هواناوها به بوشهر اعزام گردیده است. (۹۹)

از جمله اقداماتی که در منطقه جنوب برای متوقف کردن و تثبیت دشمن در نیمهٔ دوم مهرماه، در منطقهٔ عمومی سوسنگرد- اهواز انجام شد، طرح ایجاد آبگرفتگی در منطقهٔ مذکور بود طراح و مجری این طرح که از ماه اول جنگ به مرحله اجرا درآمد، شهید دکتر چمران بود.

با توجه به این‌که عرض نهر کرخه کور حدود ۱۰ تا ۲۰ متر است، لذا با انداختن لوله‌های قطور در منطقه‌ای کم عرض و ریختن خاک بر روی لوله‌ها، در مدت نسبتاً کوتاه، یک سد تعجیلی ایجاد شد و آب کرخه کور در پشت سد تعجیلی جمع گردید. سپس با ایجاد یک آبراه در شمال سد تعجیلی، آب‌های جمع شده و ادامهٔ جریان آب به زمین‌های پست شرق و جنوب کرخه کور سرازیر گردید. این سد تعجیلی در جنوب آبادی جریحه، احداث شد و آب وارد آبراه و مسیل جنوب آن گردید و به سمت روستای دب حردان و جنوب آن جریان یافت و منطقهٔ وسیعی را در جنوب

دب حردان تا حوالی امامزاده طاهر، واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی اهواز را فرا گرفت. (۱۰۰) پس از آن که مقدار قابل توجهی آب در شمال شرقی مواضع دشمن جمع شد و قسمتی از منطقه به صورت دریاچه‌ای درآمد، یگان‌های ارتش و گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران، تلاش کردند سد خاکی دشمن را که در تمام طول جبهه، در این منطقه احداث کرده بود، بشکنند و آب را به داخل منطقه دشمن سرازیر نمایند. به این منظور، ابتدا سعی شد با گلوله باران کردن منطقه‌ای از سد خاکی دشمن، به وسیله توپخانه ۲۰۳م، در آن شکاف ایجاد نمایند، ولی این کار عملاً نتیجه‌ای نداشت. همچنین عناصری از گروه شهید چمران، تلاش کردند با نزدیک شدن به سد خاکی و قرار دادن مواد منفجره به مقدار زیاد، سد را بشکنند که این تلاش هم با عدم موفقیت روبه‌رو شد. (۱۰۰)

رادبو مسکو:

«محافل میلیتاریستی آمریکا قصد دارند علناً از جنگ ایران و عراق به نفع خود استفاده کنند. واشنگتن به بهانه به خطر افتادن کشتی‌رانی آزاد در تنگه هرمز، نیروهای مسلح خود را در این منطقه متمرکز ساخته است و سعی دارد متحدان خود در ناتو و هم‌دستان خود در خاور نزدیک، از جمله مصر را وارد ماجراجویی خویش کند. (اعزام ۱۴۰۰ نیروی واکنش سریع به مصر و اعزام ۶۰ ناو جنگی به خلیج فارس، از جمله این توطئه‌هاست.» (۱۰۱)

امروز یک فروند ناوچه نیروی دریایی (به نام مهران) به وسیله ناوچه‌های موشک‌انداز عراق در حوالی خورموسی غرق گردید و برابر اطلاع، کلیه نیروهای آن غرق شده‌اند. در ضمن، ناوچه تیران نیز مورد اصابت موشک هواپیماهای خودی قرار گرفته و غرق گردیده است. (۱۰۲)

روز بیست و هفتم مهرماه: مقایسه نابرابری نیروهای طرفین

با وجود این که ۸ روز بود که نیروهای دشمن از کارون عبور کرده و مسافت بین محل عبور تا رودخانه بهمن‌شیر حدود ۱۵ کیلومتر بود، نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن هنوز نتوانسته بودند این ۱۵ کیلومتر را در این مدت طی کنند. این در حالی بود که مقاومت برابر آن‌ها بسیار سبک بود. از نظر برآوردهای نظامی، عراقی‌ها، حداکثر در ظرف ۲ روز این مسافت را طی می‌کردند. این امر نشان می‌دهد که نیروهای متجاوز عراق دارای روحیه تهاجمی نبودند و فقط به سبب ضعف توان رزمی نیروهای ایرانی نتوانسته بودند، تا آن مقدار پیشروی کنند.

خوشبختانه واحدهای توپخانه ایران با استعداد بسیار کم خود که از سه آتشبار تجاوز نمی‌کرد، حداقل در محور اهواز-آبادان موفق شدند مانع پیشروی سریع نیروهای دشمن گردند.

نیروهای مقاومت از تکاوران دریایی، نیروهای ژاندارمری، افراد سپاه پاسداران و نیروهای مردمی و نفرات باقی‌مانده از یگان‌های نزاجا بودند که تا این روز به علت تلفات زیاد توان رزمی یگانی خود را از دست داده بودند. این نیروها که با اجرای عملیات گشتی نفوذی و عملیات ایذایی موفق شدند در نیروهای دشمن ایجاد وحشت کنند. بدیهی است این نیروهای معدود در آن شرایط نمی‌توانستند یک خط پدافندی منظم در برابر خط سرپل دشمن که رو به گسترش بود تشکیل دهند، زیرا این خط سرپل، نیم دایره‌ای به شعاع تقریبی ۱۰ کیلومتر بود و در ۳ محور شمال و شرق و جنوب سمت اهواز و شادگان و آبادان در حال گسترش بود.

برای برقراری یک خط دفاعی در مقابل سرپل دشمن که حدود دو تیپ زرهی آن را اشغال کرده بود و از حاشیه غربی رودخانه کارون نیز از دارخوین تا سه راهی آبادان-ماهشهر در طول قریب ۳۰ کیلومتر به وسیله توپخانه و خمپاره‌انداز و حتی توپ و تانک پشتیبانی می‌شد، حداقل سه گردان تقویت شده مکانیزه (برای هر محور یک گردان) برای اشغال مواضع پدافندی مورد نیاز بود. در آن موقع اصولاً چنین یگان‌هایی در منطقه وجود نداشت و به عبارت بهتر استعداد رزمی تمام نیروهای مدافع در منطقه عملیات خرمشهر-آبادان که باید ماهشهر و شادگان و دارخوین را نیز به آن اضافه کنیم، به اندازه استعداد رزمی یک تیپ پیاده نبود.

در این زمان، نیروهای ایرانی به صورت پیاده مطلق با پشتیبانی توپخانه و سلاح سبک و معدودی تفنگ ۱۰۶م و خمپاره‌انداز با نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن در دشت باز و بدون حفاظ و جان‌پناه خوزستان می‌جنگیدند و با همین وضع پیروزی‌های درخشانی نیز داشتند. چنان‌که در نبردهای روز ۲۶ و ۲۷ در خرمشهر موفق شدند نیروهای دشمن را تا حدودی عقب برانند و حلقه محاصره خرمشهر را که به نزدیک پل رسیده بود، در هم بشکنند و حوزه مقاومت خود را در داخل شهر گسترش دهند. حتی در روز ۲۷ مهرماه نیروهای ایرانی موفق شدند حدود نصف خرمشهر را از اشغال دشمن خارج سازند و آنها را تا حوالی کنار شهر فراری دهند و در منطقه آبادان نیز آتشبارهای خودی موفق شدند با اجرای آتش مؤثر بر مواضع دشمن، از پیشروی بیشتر آنها جلوگیری نمایند.

در جریان عملیات روز ۲۷ مهرماه نیروهای دشمن تا نزدیکی سه راهی آبادان-ماهشهر رسیدند،

به نحوی که تعدادی از اهالی آبادان که در شمال بهمن‌شیر در حرکت بودند، به اسارت دشمن درآمدند.

در این روز فرودگاه آبادان بار دیگر مورد گلوله‌باران دشمن قرار گرفت که بر اثر آن ۴ نفر شهید و ۷ نفر مجروح شدند و هواپیماهای دشمن نیز سه بار به آبادان حمله کردند. منطقه نبرد از بعدازظهر روز ۲۷ مهرماه فعال‌تر شد، توپخانه دشمن، خرمشهر و آبادان را به شدت گلوله باران کرد. (۱۰۳)

لازم به یادآوری است که از زمان عبور نیروهای دشمن از کارون، قرارگاه یدکی توسط نیروهای دریایی در بندر ماهشهر تشکیل شد که فعالیت پشتیبانی تدارکاتی را هدایت می‌کرد، این ستاد از روز ۲۷ مهرماه تحت عنوان «فرماندهی اروند» نام‌گذاری گردید که فرماندهی آن را فرمانده ژاندارمری کشور به عهده داشت.

برابر اعلام لشکر ۹۲ زرهی، خدمه ده دستگاه تانک و ۱۰ دستگاه نفربر از آن لشکر و تعدادی تانک تعمیر شده از کارخانجات مسجد سلیمان و گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱، امروز به ماهشهر اعزام شدند. همچنین نیروی زمینی اعلام کرد: یک گروه رزمی شامل یک گروهان تانک (از شیراز)، یک آتشبار توپخانه از تهران و یک گردان پیاده از مشهد به ماهشهر اعزام می‌شوند تا برای در هم شکستن محاصره آبادان به کار روند.

در همین روز، اولین دستور عملیاتی فرماندهی اروند تهیه و منتشر گردید (لازم به ذکر است که فرماندهی اروند از ستاد مشترک دستور می‌گرفت).

یگان‌های شرکت کننده در این دستور عملیاتی عبارت بود از: گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱، گروهان ۲۰۱ امداد ژاندارمری، یک گروه رزمی مرکب از دانشجویان دانشکده افسری، بخشی از ژاندارمری مستقر در ستاد اروند، سپاه پاسداران مستقر در منطقه استحفاظی اروند، عناصر باقیمانده گردان‌های ۱۵۱ دژ و ۱۶۵ مکانیزه و ۲۳۲ تانک و تکاوران دریایی مستقر در منطقه.

شهر و فرودگاه آبادان زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت. در ضمن، در ۲۴ ساعت گذشته جمعاً ۱۷۲ نفر مجروح و ۱۳ نفر شهید شدند.

در ساعت ۱۰:۴۰ حدود ۳۰ دستگاه تانک دشمن، مقابل پادگان خسروآباد در حال حرکت مشاهده شده که درخواست پشتیبانی هوایی برای انهدام تانک‌ها گردید.

یک فروند هاورکرافت نیروی دریایی به منظور حمل نیروهای کمکی به ماهشهر به آبادان اعزام

گردید.

برابر گزارش ستاد عملیات اروند، نیروهای خودی در خرمشهر با وجودی که از پشتیبانی توپخانه محروم هستند، با دادن تعداد زیادی شهید و مجروح، تلفات و ضایعات سنگینی به دشمن وارد کرده و موفق شده‌اند بیشتر ساختمان‌های شهر را از وجود دشمن پاک کنند، ولی هنوز قسمتی از ساختمان‌ها و یک چهارم شهر در تصرف دشمن است. با وجودی که اغلب فرماندهان به شهادت رسیده‌اند، باز هم با شجاعت و سرسختی مقاومت می‌کنند. ستاد مزبور اظهار نموده که امکانات بسیار کم، تخلیه مجروح و شهدا مشکل و راه‌ها بسته شده است. امروز سپاه پاسداران اعلام کرد:

«در خرمشهر اکثر نقاط شهر به‌جز کشتارگاه، پلیس راه و راه‌آهن در دست نیروهای خودی است و درگیری به شدت در شهر ادامه دارد.»

امروز نیروی دریایی ارتش با تلاش فراوان و به سختی، مجروحان آبادان و خرمشهر را منتقل کرد و تعدادی رزمنده مسلح و مقادیری مهمات به خرمشهر و آبادان نفوذ داد. هوانیروز اعلام نمود بالگردهای کبرای آن نیرو، ۶ دستگاه تانک و ۵ دستگاه خودرو و ۴ سنگر دشمن را در اطراف آبادان منهدم نموده است. هم‌چنین امروز یک فروند بالگرد شنوک، برای تخلیه عده‌ای مجروح از بندر امام خمینی به شیراز اعزام گردید. (۱۰۵)

برابر اعلام نیروی هوایی در ساعت ۹:۱۵ امروز، به منظور پشتیبانی نزدیک هوایی، ۲ فروند هواپیمای اف-۴، به منطقه خرمشهر اعزام شد و مأموریت مربوطه را انجام دادند. امروز ۳ فروند هواپیمای عراقی به آبادان حمله کردند و هم‌چنین ۱۴ نفر در پل بهمن‌شیر به اسارت دشمن درآمدند. (۱۰۶)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در ۲۷ / ۷ / ۵۹

... نیروهای مهاجم دشمن، آبادان را محاصره کرده و قوای تازه نفس آورده، قصد هجوم ناگهانی و تصرف آبادان را دارد و اصرار دارد که با ارباب و ایجاد خوف و وحشت، مردم، شهر را تخلیه کنند تا راه برای او باز شود؛ اما روحیه جوان‌ها و نیروهای رزمنده، خوب و عالی است. مردمی هم که مانده‌اند، بسیار روحیه‌شان خوب است و مصمم هستند. (۱۰۷)

روز بیست و هشتم مهرماه: ورود یگان‌های تازه نفس

در ساعت ۱۰:۰۰ روز ۲۸ مهرماه دشمن بار دیگر به سمت پل خرمشهر پیشروی کرد، ولی با مقاومت دلیرمردان مدافع خرمشهر مواجه گردید. نبردهای نزدیک خیابانی بین رزمندگان فداکار و نیروهای اشغالگر و متجاوز عراق به شدت ادامه داشت. هم‌زمان با تلاش دشمن در خرمشهر و آبادان، نیروهای دشمن در جنوب اروندرود نیز فعالیت‌های فریبنده انجام می‌دادند. اقداماتی برای قطع کردن نخلها و احداث جاده و تهیه مواضع در کرانه جنوبی اروندرود و در سرزمین عراق به عمل می‌آورد.

تا ساعت ۱۳:۴۵ روز ۲۸ مهرماه نیروهای دشمن تا ۵۰۰ متری مسجد جامع خرمشهر پیشروی کردند و مسجد و اطراف آن را به زیر آتش خمپاره گرفتند.

در شمال آبادان نیروهای دشمن در منطقه اشغالی مواضع خود را تحکیم نمودند. پیشروی دشمن به کندی ادامه داشت تا آن ساعت هنوز نیروهای مقدم دشمن در ۲ کیلومتری شمال بهمن‌شیر قرار داشتند و در جاده ماهشهر نیز تا ۵ کیلومتری شرق سه راهی آبادان در کنترل نیروهای دشمن بود.

در اثر مقاومت و پایداری مردانه رزمندگان اسلام در خرمشهر، تلفات سنگینی به نیروهای دشمن وارد شده بود، به همین علت سرفرماندهی نیروهای عراق برای ورود نیروهایش به شهر آبادان و درگیر شدن در یک نبرد دیگر شهری دچار شک و تردید بود. ظاهراً می‌خواست نخست کار خرمشهر یکسره شود و پل خرمشهر - آبادان سالم به دست نیروهای متجاوز بیفتند تا با تلفات کمتر و سرعت بیشتر، آبادان از دو سمت غرب و شمال و حتی جنوب با عبور از اروندرود مورد حمله قرار گیرد.

خوشبختانه این وضعیت فرصتی فراهم آورد که نیروهای تازه نفس لشکر ۷۷ خراسان، نیروهای سپاه پاسداران، نیروهای مردمی و فدائیان اسلام وارد نبرد شوند تا با دلاوریهای خود مانع سقوط آبادان گردند. همین امر از مسائل بسیار مهم و سرنوشت ساز جنگ ایران و عراق بود. شکست ارتش عراق در اشغال آبادان، تغییر جهت فوق‌العاده‌ای بر روند جنگ داد، به نحوی که نیروهای عراقی در تمام جبهه‌های جنگ دست از عملیات آفندی قابل ملاحظه کشیدند و به حالت پدافندی درآمدند.

در نبردهای این روز، نیروهای ایرانی وضعیت نسبتاً بهتری داشتند و توانستند مواضع خود را در خرمشهر و شمال آبادان حفظ کنند. اما تلفات و ضایعات همچنان بر اثر آتش سلاح سنگین دشمن در هر دو شهر رو به تزاید بود. دشمن سرسختانه تلاش می‌کرد نیروهای مدافع خرمشهر را به

جنوب کارون و جزیره آبادان عقب براند. با این‌که با در اختیار گرفتن کامل پل خرمشهر، مدافعان را در داخل محدوده شهر به محاصره درآورد.

ضمناً یک تیم هوانیروز که برای پشتیبانی از رزمندگان منطقه عملیات خرمشهر- آبادان در ماهشهر مستقر شده بود، در عملیات روز ۲۸ مهرماه توانست ضرباتی مهلک بر خودروهای زرهی دشمن وارد آورد.

گردان ۱۴۴ پیاده که از لشکر ۲۱ پیاده در ۲۶ مهرماه به اهواز اعزام شده بود، در ۲۷ مهرماه به ماهشهر حرکت کرد و در ساعت ۱۶:۳۰ همان روز به ماهشهر رسید.

بنابراین ضمن آن‌که عناصری از ژاندارمری، تکاوران دریایی و نیروهای مردمی نیز وارد این منطقه شدند، در برخی از محورهای مهم، نیروی پوشش مستقر شد. به نحوی که دیگر، مانند زمان آغاز پیشروی دشمن، این منطقه خالی از مدافع نباشد. همین اقدامات اولیه اثرات بسیار گران‌بهایی برای نیروهای مسلح کشور داشت، زیرا حداقل از تهدید اهواز و شادگان و ماهشهر کاسته شد و برای مقابله با تهدید آبادان نیز نیرو وارد عمل گردید. (۱۰۸)

برابر گزارش ژاندارمری از ساعت ۱۲:۰۰ امروز به مدت ۴ ساعت، ۹ پاسگاه دشمن در ساحل غربی اروندرود، توسط گارد ساحلی ژاندارمری زیرآتش قرار گرفت و ضربات مهلکی به دشمن وارد شد؛ متقابلاً قرارگاه گارد ساحلی به مدت ۲ ساعت از طرف دشمن زیر آتش قرار گرفت و در نتیجه مقداری از مهمات ناو تیپ ۸ خرمشهر طعمه حریق گردید.

گارد ساحلی، مدت ۳۱ روز با توان رزمی قلیل خود، منطقه مربوطه را حفظ و ضربات مهلکی به دشمن وارد کرده است، لیکن تهاجم اخیر و گسترش و استقرار سلاح‌های سنگین (توپخانه و تانک) در منطقه‌ی اروندرود و بهمن‌شیر، تهدید جدی علیه گارد ساحلی محسوب می‌شد و به منظور حفاظت از منطقه محوله، نیاز به ۲ آتشبار توپخانه داشت.

برابر اعلام نیروی دریایی، در ساعت ۱۰:۰۲ امروز نیروهای دشمن به طرف پل خرمشهر- آبادان در حرکت هستند. همچنین در ساعت ۱۰:۴۳ امروز تانکهای دشمن در شرق کارون، مشغول عبور از جاده خرمشهر به طرف رودخانه بهمن‌شیر بوده و نفرات دشمن تا ۲ کیلومتری پل بهمن‌شیر پیشروی کرده‌اند.

برابر اعلام نیروی دریایی:

«به علت محاصره‌ی شدید خرمشهر و آبادان، تنها وسیله تدارک و پشتیبانی محاصره‌شدگان، هواناوها

می‌باشند و به منظور انتقال نیروهای کمکی، باید از موتور لنج‌های محلی از بندر امام خمینی به آبادان و خرمشهر استفاده نمود.

نیروهای دشمن در ۲ کیلومتری آبادان مستقر هستند و در جاده آبادان - ماهشهر تعدادی تانک و ضدهوایی وجود دارد.

در بعدازظهر امروز، جاده قدیم آبادان - اهواز آرام بود و مردم با ماشین و پای پیاده شروع به ترک آبادان نمودند.

تیپ ۶ زرهی و ۲۶ عراق در شمال آبادان و خرمشهر مستقرند و تانک‌ها ضمن استقرار کامل در سنگر فرو رفته و مزاحمت‌هایی علیه بالگردهای هوانیروز فراهم می‌کنند.

امروز یک دستگاه جیب موشک‌انداز در محور بندر امام خمینی - آبادان واژگون و در نتیجه دو نفر تکاور شهید و یک نفر دیگر مجروح گردید.

لشکر ۹۲ زرهی اهواز امروز اعلام نمود در ۲۴ ساعت گذشته در آبادان ۴۵ نفر شهید و ۱۵۵ نفر مجروح شده‌اند. در ضمن نیروهای خودی دشمن را وادار به عقب نشینی کرده‌اند. (۱۰۹)

ستاد مشترک ارتش، فعالیت امروز نیروی هوایی ارتش را در محدوده آبادان به شرح زیر اعلام نمود:

انهدام قسمتی از نیروهای عراقی در نوار مرزی غرب اهواز و حوالی خونین شهر؛

انهدام قسمتی از توپخانه دشمن، مستقر در خونین شهر؛

انهدام قسمتی از توپخانه ضد هوایی در حوالی پادگان و جاده اهواز - آبادان. (۱۱۰)

نیروی دریایی

هواناو شماره ۱۰۲ در ساعت ۱۸:۲۴ دیروز، برای حمل مهمات از بندر امام خمینی به طرف آبادان عزیمت کرد و پس از انجام مأموریت در ساعت ۲۲:۴۵ به بندر امام خمینی مراجعت نمود.

هواناو شماره ۱۰۵ در ساعت ۱۹:۰۰ دیروز برای حمل مهمات از بندر امام خمینی به صوب آبادان عزیمت کرد و پس از انجام مأموریت و تخلیه مهمات در ساعت ۰۱:۱۰ امروز به بندر امام

خمینی مراجعت نمود. (۱۱۱)

رادبو آمریکا:

از شروع منازعات ایران و عراق، یک سری مبادله و تبادل نظر پشت پرده میان هم‌پیمانان آمریکا و کشورهای خلیج فارس به عمل آمده است. در نتیجه این تماس‌ها اینک ناوگانی مرکب از حداقل ۶۰ فروند از کشتی‌های جنگی آمریکا، انگلستان، فرانسه و استرالیا برای حفاظت از

نفتکش‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف دیگر این است که ایران و عراق از گسترش جنگ بر حذر داشته شوند. (۱۱۲)

تهران، خبرگزاری پارس:

رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مردمی با اجرای آتش متقابل به آتش دشمن پاسخ داده و از پیشروی مزدوران بعث عراق به طرف شهر آبادان جلوگیری کردند. هم‌چنین نیروهای رزمنده و شجاع هوانیروز توانستند با یک عملیات دلیرانه، ۶ دستگاه تانک، ۵ دستگاه خودرو و ۴ سنگر دشمن را در منطقه آبادان منهدم و نابود نمایند. (۱۱۳)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی، در روز ۵۹/۷/۲۸

... به ستاد رفتیم. آقای دکتر عباس شیبانی، چند روز است که به کمر درد مبتلا شده، در ستاد تشکی انداخته و روی همان تشک با تلفن‌ها ور می‌رود. دیدم تلفن دستش است و با تهران صحبت می‌کند و مصرأ تقاضای نیروی کمکی و اسلحه سنگین از قبیل توپ و تانک و همچنین حمله هوایی به مواضع دشمن می‌کند. من فعلاً تشنه‌ام و جوای آب. از او سؤال کردم، گفتند فعلاً آب یخ نداریم. آب گرم موجود است که خانه خودم هم بود. من برای آب خنک این‌جا آمده‌ام. یکی از برادران (آقای کارگر فرد) را که روز قبل همین‌جا آب سرد به من داده بود، دیدم. گفتم: برادر، العطش؛ آیا لیوان آب خنکی داری؟ که محبت کرد، رفت و آب خنک آورد. هم یه لیوان به من داد و هم به سایر برادران. ما او را دعا کردیم و معنای «تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی» را دانستیم. (۱۱۴)

روز بیست و نهم مهر ماه: استقرار نیروهای سپاه در دارخوین

پس از عبور نیروهای دشمن از کارون و اشغال سر پل در شرق آن، در سپاه پاسداران نیز همانند ارتش فعالیت بیشتری برای عقب راندن نیروهای دشمن به غرب کارون آغاز شد. یک واحد از سپاه پاسداران در دارخوین مستقر گردید و جلو پیشروی دشمن را به سمت شمال و اهواز متوقف کرد. فرماندهی این عده با برادر رحیم صفوی بود. در روز ۲۹ مهر ماه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان به عنوان نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع در جبهه‌ها حضور داشتند، وی را رسماً به «فرمانده اروندرود» معرفی نمودند تا بین رزمندگان ارتش و سپاه هماهنگی بیشتری ایجاد شود.

به طوری که مدارک در دسترس نشان می‌دهد این معرفی نخستین گام برای همکاری رسمی بین

یگان‌های ارتش و سپاه پاسداران بود، زیرا تا آن زمان عناصر سپاه پاسداران به طور مستقل وارد مناطق عملیاتی می‌شدند و مستقل عمل می‌کردند و با صلاحدید خود طرح‌های عملیاتی را تهیه و اجرا می‌نمودند. گرچه روش یاد شده تا مدتی در مناطق نبرد ادامه یافت، ولی کم‌کم لزوم همکاری و هماهنگی واقعی بین ارتش و سپاه بین فرماندهان هر دو بازوی مسلح نظام احساس شد و به تدریج ناهماهنگی‌ها از میان برداشته شد و جبهه‌ها با استواری وحدت فرماندهی شرایط مطلوبتری یافتند.

از جمله حوادث ناگواری که در حاشیه نبردهای منطقه رخ داد این بود که در ۲۹ مهرماه یک فروند هواپیمای عراقی در نزدیکی بندر امام خمینی سرنگون شد، مردم محلی سریعاً در منطقه سقوط آن، به دور لاشه هواپیمای عراقی جمع شدند، اما ناگهان هواپیمای مذکور منفجر شد و در نتیجه عده‌ای شهید و مجروح شدند.

در روز ۲۹ مهر ماه نبردهای خیابانی بین رزمندگان اسلام و نیروهای اشغالگر خرمشهر به شدت ادامه داشت. نیروهای دشمن با برتری کامل خود تلاش می‌کردند نیروهای ایرانی را از باقیمانده شهر خرمشهر عقب برانند یا آنان را محاصره و به شهادت برسانند.

در جبهه‌ی شمال آبادان، حرکت عده‌های دشمن که در سه کیلومتری شمال ایستگاه ۷ و ۱۲ قرار داشتند همچنان آرام بود ولی شدت آتشباری به داخل شهر کاهشی نداشت. تلفات نیروهای ایرانی در آن روز خیلی زیاد بود، اما با این وجود مقاومت همچنان ادامه داشت و از نزدیک شدن دشمن به آبادان جلوگیری می‌شد.

«فرماندهی اروند» که از روز ۲۷ مهر ماه موجودیت یافته بود، دو روز بعد یعنی در روز ۲۹ مهر ماه ستاد مربوطه را سازماندهی نمود و شروع فعالیت آن به ستاد مشترک، نیروهای زمینی، دریایی و هوایی اعلام شد. این ستاد با ۱۳ افسر تشکیل گردید و همانطور که قبلاً نیز اشاره شد فرماندهی آن به عهده سرهنگ حسنعلی فروزان فرمانده ژاندارمری کشور بود. بقیه افسران ستاد از افسران نیروی زمینی حاضر در صحن، نبرد اروند انتخاب شدند.

حالا شهر خرم و زیبای خرمشهر واقعاً تبدیل به «خونین شهر» شده و وجب به وجب آن به خون دلاوران کفر ستیز ایران اسلامی تطهیر شده بود و هر ساعت که سپری می‌شد، تقدس آن با خون عزیزترین فرزندان این آب و خاک جاودانگی بیشتری می‌یافت. بوی این خون‌های پاک و مقدس با نسیم دل انگیز پرواز فرشتگان همراه شده و با گسترش همه جانبه از جهان خاکی تا ملکوت علی را معطر می‌ساخت.

در حالی که مقاومت و پایداری رزمندگان اسلام در خرمشهر ادامه داشت، در شمال آبادان نیز دلاور مردان ارتش به همراه سایر نیروهای سپاه و مردمی، مانع وصول نیروی دشمن به کرانه شمالی رودخانه بهمنشیر می‌شدند.

در روز ۲۹ مهرماه آتشهای سنگین دشمن به کوی بازرگان، ایستگاه ۱۱، تانکی فارم و سایر نقاط شهر متمرکز شده و خسارتهای سنگینی به بار آورد، در ساعت ۱۵:۲۰ مسجد امام حسن (ع) و اطراف آن گلوله باران گردید. روز بعد یعنی در ۳۰ مهرماه جنگهای خیابانی خرمشهر همچنان ادامه یافت و در جبهه آبادان نیز نیروهای دشمن توانستند گامی جلوتر از سه راهی آبادان - ماهشهر بردارند.

لازم به ذکر است که عراق مجدداً در روز ۲۹ مهر درخواست اعلام آتش بس محدود کرد که مورد موافقت جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفت. (۱۱۵)

برابر اعلام نیروی هوایی، وضعیت آبادان و خرمشهر تا ساعت ۶:۲۰ امروز به شرح زیر می‌باشد: «در خرمشهر، دشمن در ساختمان‌های خیابان ۴۰ متری مستقر و با قوای خودی مشغول جنگ خیابانی می‌باشد. تلفات خودی و زخمی‌ها بسیار زیاد است، ولی به علت مقاومت نیروی خودی و مردم، از نفوذ دشمن به روی پل جلوگیری گردیده است.

تانک‌های دشمن، در محور ایستگاه ۷ و ۱۲، کماکان در فاصله حدود ۳ کیلومتری شهر آبادان مستقر و مواضع خود را تحکیم نموده اند.»

برابر اعلام شهربانی آبادان، در ساعت ۱۵:۲۰ امروز دشمن با راکت مسجد امام حسن عسکری (ع) در آبادان را مورد اصابت قرار داد که خساراتی به آن وارد گردید. همچنین در ساعت ۲۲:۳۰ در اثر گلوله باران دشمن در آبادان، ۹ نفر شهید و ۷۹ نفر مجروح شده و تعدادی خانه در خیابان عروسیه و بلوار و کوی فاطمی منهدم و به استادیوم تختی و خانه‌های اطراف آن نیز خساراتی وارد گردید.

در ساعت ۲۳:۳۰ امروز در اثر تیراندازی نیروهای ایران به بندر فاو عراق، تأسیسات آن بندر دچار حریق گردید که شعله‌های آتش و دود تا ساعت‌ها در آسمان مشاهده می‌شد.

برابر اعلام سپاه پاسداران:

«نیروهای عراقی در بی‌سیم، تلفات خود را در منطقه خونین شهر ۵۰۰ نفر ذکر کرده و درخواست عقب نشینی نمودند که به آن‌ها اجازه داده نشد.»

طبق برآوردها، نیروهای متجاوز پیاده عراقی در منطقه خونین شهر بیشتر از ۱۰۰۰ نفر می‌باشد. امروز بر اثر تیراندازی توپخانه و خمپاره‌اندازهای ارتش عراق به خونین شهر ۶ نفر شهید شدند.» (۱۱۶)

در ساعت ۱۱ بامداد امروز، ۵ فروند میگ عراقی به آسمان ماهشهر تجاوز کرده و به بمباران تأسیسات اقتصادی و پتروشیمی پرداختند که پس از حمله میگ‌های عراقی، آتشبارهای پدافند، فعالیت کرده که در اثر شلیک نیروهای خودی دو فروند میگ متجاوز عراقی سرنگون شد. در ضمن، در اثر این حمله، خسارات سنگینی به تأسیسات وارد شده و قسمت‌هایی از آن منهدم گردیده است. (۱۱۷)

راديو آلمان

بالگردهای کبرای ایرانی پس از تأخیر بسیار، موفق شدند ضربات شدیدی به عراق وارد کنند. بدون تردید، اقدامات چریک‌ها و ضربات بالگردهای ایرانی در روحیه سربازان عراقی، اثرات منفی به جای خواهد گذاشت. اینک روشن شده که جنگ فعلی ایران و عراق قبل از ضربه زدن به رژیم (امام) خمینی، رژیم خود صدام را به خطر انداخته، زیرا حمله به ایران با آن ابعاد وسیع، نه تنها ضربه ای قاطع و غافلگیرکننده به این کشور نزده، بلکه بمباران متقابل منابع نفتی، تأسیسات نظامی و رادارها و منابع اقتصادی عراق توسط هواپیماهای ایرانی که از کارایی بیشتری برخوردار هستند، مقامات نظامی عراق را غافل‌گیر کرد. (۱۱۸)

راديو مونت کارلو:

«یک ماه از جنگ عراق و ایران می‌گذرد و هنوز هیچ عامل خوشبینی برای متوقف شدن این جنگ به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد درگیری‌های شدید، هنوز در دو منطقه آبادان و خرمشهر جریان دارد. درگیری‌هایی در خیابان‌های شهر صورت می‌گیرد. در آبادان، نیروهای عراقی به جز یک گذرگاه که حملات از آن کاملاً مطمئن نیست، شهر را در محاصره دارند.» (۱۱۹)

برابر اعلام نیروی دریایی

«عملیات امداد و پشتیبانی شامل (نقل و انتقالات مجروحان، پرسنل و حمل مهمات و تجهیزات) به وسیله سه فروند هواناو و ۸ فروند از انواع بالگرد از بندر امام خمینی به آبادان و بالعکس انجام گرفته است.» (۱۲۰)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۷/۲۹

... حدود ساعت ۹ صبح به اتفاق آقایان موسوی ، صداقت و سید قاسم با برادرم رسول به هنگ ژاندارمری و دیدار فرمانده جدید رفتیم . سرهنگ حسنی سعدی - فرمانده جدید - را ملاقات کردیم. روحیه پرسنل و افراد مسلح را خوب و قوی دیدیم . فرمانده جدید را نیز با روحیه‌ای خوب و عالی دیدیم. سرهنگ فرمانده به منظور سر و صورت دادن و بازدید واحدهایش بیرون رفتند نزدیک ظهر ... به سوی مسجد حرکت کردیم وارد مسجد شدم ، دیدم یکی از خواهران گوشه‌ای نشسته. گفتم با من کاری دارید؟ گریه‌اش گرفت. به شدت گریست ... با حالت گریه گفت: چند روز قبل به اتفاق شوهرم از راه دارخوین قصد اهواز داشتیم که در بین راه به اتفاق جمع کثیری از همشهریان زن و مرد به اسارت بعضی‌ها در آمدیم. زن‌ها را آزاد کردند و مردها را به اسارت بردند. من به زحمت فراوان خود را به آبادان رساندم ، ما یک مرغداری داریم ، الان مرغها روی دستم مانده، زندگی‌ام متلاشی شده، سرنوشت شوهرم در دست بعضی‌ها نامعلوم است . از من کمک می‌خواست، مخصوصاً راجع به مرغهایش، مطالبش را یادداشت کردم ... از جاهایی استمداد کنم. پانصد تومان که همراه داشتم، برای مخارجش بهش دادم . (۱۲۱)

روز سی ام مهرماه: فعالیت چشمگیر نیروی هوایی ارتش

امروز فعالیت جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در صحنه عملیات خوزستان، به‌ویژه در منطقه نبرد اروند نسبتاً چشم‌گیر بود و چندین بار به نیروهای دشمن در این منطقه یورش بردند و خسارات و تلفات سنگینی وادار نمودند . متقابلاً هواپیماهای دشمن نیز به تأسیسات پتروشیمی بندر امام خمینی حمله کردند که یک فروند هواپیمای دشمن سرنگون شد. در ساعت ۱۷:۳۵، مجدداً هواپیماهای دشمن به آبادان حمله کردند. گرچه آبادان و خرمشهر در تیررس کامل توپخانه و خمپاره اندازهای عراقی‌ها بود ، ولی دشمن به منظور نمایش قدرت هوایی خود، ایجاد وحشت در میان مردم به حملات هوایی نیز دست می‌زد.

گفتمنی است که با تشکیل فرماندهی اروند ، تمام امکانات ژاندارمری کشور برای تقویت منطقه عملیات اروند به کار گرفته شد و از نیروی زمینی نیز درخواست گردید یگان‌های تقویتی بیشتری به این منطقه اعزام نماید .

با استفاده از عناصر ژاندارمری و نیروی زمینی و نیروهای سپاه پاسداران که به ماهشهر وارد

می‌شدند، یک نیروی دفاعی در مقابل سرپل دشمن در دارخوین و شادگان و غرب ماهشهر سازمان داده شد و تا حدودی نیرویی در برابر دشمن ابراز وجود کرد.

از جمله یگان‌هایی که از ژاندارمری به ماهشهر وارد شدند، گردان ۲۰۱ امداد بود. فرمانده ژاندارمری کشور، دستور داد نفربرهای این گردان در اختیار فرمانده واحد تانک اعزامی از لشکر ۹۲ زرهی قرار گیرد تا یک گروه رزمی تانک و پیاده زرهی تشکیل شود.

با تشکیل فرماندهی اروند، رابطه فرماندهی سایر سازمان‌ها از جمله نیروی دریایی با عناصر رزمندۀ اعزامی از نیروی مربوطه تا حدودی قطع شد و رابطه فرماندهی اروند با نیروهای مذکور، جایگزین آن گردید، لذا لشکر ۹۲ زرهی و پایگاه دریایی خرمشهر و ستاد عملیات جنوب از شبکه ارتباط فرماندهی این منطقه حذف شدند.

بدین طریق مهرماه ۱۳۵۹ در حالی که خرمشهر، آخرین تلاش خود را برای حفظ آزادی به کار می‌برد و آبادان در آستانۀ محاصره کامل و تهدید اشغال توسط نیروهای متجاوز عراقی قرار داشت، به پایان رسید؛ ولی هر روز که می‌گذشت سایۀ اسارت بر خرمشهر سنگینی می‌کرد و حرکت تانک‌ها و توپ‌ها و نفرات دشمن متجاوز بر روی خاک مقدس آن حکایت از این امر می‌کرد که مدافعان خرمشهر دیگر قادر نخواهند بود با چند قبضه خمپاره انداز و آرپی‌جی ۷ و تفنگ ژ ۳، جلوی گردان‌های زرهی و مکانیزه دشمن را گرفته و به آتش گردان‌های توپخانه آن پاسخ متقابل بدهند؛ چرا که با محاصره آبادان، آتشبارهای توپخانه به منطقه عقب برده شده و خرمشهر عملاً از آتش‌های پشتیبانی محروم گردیده بود، ضمن این‌که در داخل شهر جبهه مشخصی وجود نداشت تا توپخانه بتواند تمرکزات دیده‌بانی شده، اجرا کند؛ تحت آن شرایط حتی پشتیبانی هوایی نیز چندان تأثیری در خط مقدم نبرد نمی‌توانست داشته باشد.

از طرفی، نیروهای دشمن نیز با وجود اشغال حدود ۹۰ درصد از شهر، نمی‌توانستند برای اشغال ۱۰ درصد باقی مانده از برتری آتش خود استفاده کنند، لذا آن‌ها نیز مجبور بودند به نبرد نزدیک پیاده نظام، تن دهند و از تانک‌ها و نفربرها نیز فقط به عنوان یک عامل روانی استفاده کنند. در نتیجه عناصر پیاده نظام و نیروی مخصوص عراق در اشغال خرمشهر، نقش اصلی را ایفا کردند. (۱۲۲)

نیروی دریایی امروز گزارش داد :

تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر مواضع دشمن را به شدت زیر آتش گرفته و از پیشروی

آنان جلوگیری نموده‌اند .

تانک‌های دشمن در جاده آبادان - خرمشهر آرایش جنگی گرفته و به نظر می‌رسد، قصد حمله به آبادان را داشته باشند . (۱۲۳)

نبردهای هوایی در محدوده آبادان :

امروز یک فروند از میگ‌های عراقی مهاجم به آبادان، توسط نیروهای خودی مورد اصابت قرار گرفت و سقوط نمود.

تعدادی تانک و نفربر و خودروی دشمن در اطراف آبادان و خرمشهر مورد حمله قرار گرفت. (۱۲۴)

روز یکم آبان ماه: فرمانده جدید عملیات آبادان

در این اوضاع و احوال بسیار سخت ، رزمندگان اسلام سه روز دیگر مقاومت کردند. نیروهای متجاوز در روز اول آبان ماه مدافعان قلیل خرمشهر را به کرانه جنوبی کارون عقب راندند. عراقی‌ها برای سرعت بخشیدن به تجاوز خود بر شدت جنگ روانی خود افزودند و مستمراً در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی بصره مردم آبادان را دعوت به تسلیم کردند .

در روز اول آبان ماه، یک واحد زرهی دشمن در مقابل دارخوین و در کرانه غربی کارون متمرکز شد. این نیروها می‌توانستند از کرانه غربی کارون مواضع نیروهای ایرانی را در شرق رودخانه به زیر آتش بگیرند و تهدید دیگر برای عبور از کارون ایجاد نمایند، ولی به هر حال روز اول آبان ماه نیز به تبادل آتش بین طرفین درگیر سپری شد .

در اول آبان ماه « فرماندهی اروند» یک دستور آگهی به عناصر غیر ارتشی فعال در صحنه نبرد خرمشهر فرستاد. نیروهایی که هرکدام به نوعی در عملیات رزمی فعال بودند. عناصر نظامی هم در حدود استعداد گروهان و گردان از واحدها و نیروهای مختلف زمینی، دریایی و ژاندارمری به منطقه اعزام شده بودند.

بعد از تشکیل فرماندهی اروند در ماهشهر ، فرمانده عملیات آبادان نیز تعویض شد و سرهنگ حسنی سعدی به فرماندهی منطقه عملیات آبادان - خرمشهر منصوب گردید . گزارش فرمانده جدید از وضعیت آبادان و خرمشهر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز اول آبان ماه به شرح زیر است :

«این دو شهر در محاصره نیروهای دشمن هستند. در خرمشهر جنگ تن به تن ادامه دارد، گلوله‌باران

شهر شدید و تلفات بسیار زیاد است. نیروهای خودی موفق شدند ۶ نفر از افراد عراقی را به اسارت بگیرند. هنوز پل خرمشهر در دست نیروهای خودی است و تا فلکه فرمانداری و خیابان ۴۰ متری، شهر در کنترل نیروهای ما می‌باشد. در شمال آبادان نیروهای ما در مقابل نیروهای دشمن که در مناطق سه راهی ماهشهر تا پل بهمن‌شیر و پل نو و ایستگاه ۱۲ موضع گرفته‌اند نبرد می‌کنند.

نیروی هوایی چند پرواز پشتیبانی انجام داد که یک فروند فانوم مورد اصابت آتش ضد هوایی دشمن قرار گرفت، هواپیما در منطقه تحت کنترل نیروهای خودی سقوط کرد، اما خلبانان آن در منطقه اشغالی دشمن با چتر بیرون پریدند.»

بعد از تشکیل «فرماندهی اروندرود» با توجه به هماهنگی‌های موجود، نیروهای قابل ملاحظه‌ای در منطقه ماهشهر و دارخوین و آبادان متمرکز گردیدند که شامل عناصر نیروی زمینی ارتش، تکاوران نیروی دریایی، ژاندارمری، نیروهای سپاه و بسیج مردمی بودند.

ضمناً فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر این که حصر آبادان باید شکسته شود، هیجان خاصی در ارتش و ملت ایجاد کرد و حرکت داوطلبان غیر نظامی به این منطقه را شتاب بیشتری داد.

به همین انگیزه‌ها در روز اول آبان ماه نیروی رزمنده سازمان یافته‌ای در این منطقه متمرکز گردید که جنگ افزار و مهمات کافی در اختیار داشت؛ اما وضعیت خرمشهر همچنان بحرانی بود. نبرد خانه به خانه و کوچه به کوچه جریان داشت. در شمال آبادان نیز نیروهای دشمن به رودخانه بهمن‌شیر نزدیک شده بودند.

در ماهشهر و بندر امام خمینی ۵۰۰ نفر داوطلب غیر نظامی آماده شدند تا در این منطقه عملیات وارد نبرد شوند.

در آن روز جاده آسفالته آبادان - ماهشهر در کنترل آتش دشمن بود، ولی جاده خاکی هنوز آزاد بود.

باتوجه به این که «فرماندهی اروند» در نظر داشت هر چه سریعتر در محور ماهشهر - آبادان به سمت منطقه سر پل دشمن عملیات آفندی اجرا گردد و نیروهای دشمن از منطقه سر پل به غرب کارون عقب زده شوند، لذا یگان‌هایی که به منطقه وارد می‌شدند، سریعاً سازمان می‌یافتند و آماده برای اجرای حمله می‌گشتند. (۱۲۵)

نیروی هوایی در منطقه عملیاتی آبادان به شرح زیر گزارش نمود:

در ساعت ۱۱:۰۰، به گردان موشکی ۵ عراق مستقر در اطراف خونین شهر دستور داده شده که

از نزدیک شدن هواپیماهای شکاری ایران به منطقه خونین شهر جلوگیری شود. شب گذشته آبادان به نسبت آرام بود و تا ساعت ۱۰:۴۵ اوضاع عادی گزارش شده است. برابر اعلام نیروی زمینی، تعدادی تانک و خودروی دشمن در منطقه دارخوین در فاصله‌ی ۱۰ الی ۱۲ کیلومتری غرب رودخانه کارون در منطقه‌ای به وسعت ۲ تا ۳ کیلومتر مستقر می‌باشند. طبق اطلاعات واصله، به احتمال امروز یک نیروی ویژه متشکل از تانک و افراد نیروی مخصوص دشمن به منظور اشغال برخی از نقاط حساس در منطقه آبادان حمله می‌کنند. در ۴۸ ساعت گذشته، به علت تیراندازی توپخانه عراق به آبادان، ۲۴ نفر شهید و ۱۸۳ نفر مجروح شده‌اند. (۱۲۶)

برابر اعلام نیروی دریایی :

نبرد در جبهه خرمشهر به شدت ادامه دارد و تمام مدت دیشب توپخانه‌های عراق شهر را زیر آتش داشت، در ضمن دشمن تمام تلاش خود را برای تصرف پل به کار می‌برد. در جبهه آبادان وضعیت دشمن تغییر محسوسی نکرده است، اما احتمال نفوذ دشمن لحظه به لحظه بیش تر می‌شود. (۱۲۷)

برابر اعلام اداره دوم در ساعت ۰۹:۳۰ یک فروند هواپیمای اف-۴ بین آبادان و بصره مورد اصابت گلوله‌ی دشمن قرار گرفت و سرنگون گردید و دو نفر خلبان آن مجروح شدند و به بصره انتقال یافتند. (۱۲۸)

در اطراف گمرک خونین شهر و محور شلمچه تعدادی تانک و خودرو و محل دو دیده‌بانی توپخانه دشمن منهدم شد.

در اطراف آبادان به نیروهای دشمن حمله شد و به تعدادی تانک و نیروهای پشتیبانی دشمن و یک کشتی خسارتی وارد آمد. (۱۲۹)

نیروی دریایی درباره منطقه عملیاتی آبادان گزارش داد :

فعالیت بالگردها و هوانا‌های نیروی دریایی برای پشتیبانی مناطق آبادان و خرمشهر ادامه دارد. در ساعت ۰۰:۱۵ صبح و ساعت ۱۴:۴۰ امروز، سه فروند ناوچه موشک انداز (اوزا) و دو فروند اژدرافکن عراقی توسط ناوچه‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران منهدم و غرق گردید.

در ساعت ۱۵:۱۰ امروز، یک فروند بالگرد نیروی دریایی در منطقه آبادان دچار سانحه و مجبور به فرود اضطراری شد، سرنشینان بالگرد همگی سالم هستند .
در ساعت ۱۵:۰۰ امروز، ناوچه جوشن در یک مصاف دریایی با دو ناوچه عراقی از نوع اوزا یکی از آنها را در ۵۰ مایلی جنوب بندر امام خمینی در محلی به نام «خورموسی» غرق کرد و ناوچه دیگر فراری شد . (۱۳۰)

خبرگزاری آسوشیتد پرس :

بنا به گزارش هلال احمر ایران، در نتیجه حملات هوایی و توپخانه عراق تا ۲۹ مهر در اهواز ۵۱۶ غیر نظامی کشته و ۲۱۰۸ نفر زخمی شده اند . طی این مدت ، در آبادان و خرمشهر ۵۶۲ نفر کشته و ۳۰۰۱ نفر مجروح و در نتیجه حملات موشکی به دزفول ۲۱۵ نفر کشته و ۷۳۰ نفر زخمی شده اند . (۱۳۱)

راديو لندن :

«عدنان خیرالله»، وزیر دفاع عراق گفت : ۲۰ هزار کیلو متر مربع از خاک ایران را که دو برابر لبنان است تصرف نموده اند . (۱۳۲)

راديو اسرائيل :

«شاپور بختیار»، نخست وزیر شاه سابق ایران ، طی مصاحبه ای گفت حاضر است برای سرنگونی رژیم ایران با صدام حسین هم کاری نماید. او تأیید کرد که هفته ی گذشته در عراق بوده است . (۱۳۳)

خاطره سرلشکر حسنی سعدی

در روز ۲۴ یا ۲۵ مهر می خواستیم تعدادی دیگر از دانشجویان دانشکده افسری را به آبادان ببریم . در آن ایام جاده اهواز - آبادان در اشغال عراقی ها بود. ما دانشجویان را به طرف ماهشهر هدایت کردیم و در ۲۵ کیلومتری جاده آبادان - ماهشهر خبردار شدیم که آن جاده را هم عراقی ها بسته اند. توپخانه های ما هم در امتداد همان جاده مستقر بودند.

من در اندیشه این بودم که چگونه دانشجویان را به آبادان برسانم که ناگهان با انبوهی از مردم عادی روبرو شدم که با پای پیاده از آبادان تا آن نقطه آمده بودند . یعنی آن همه زن و بچه و پیرمرد و پسرزن ۲۵ کیلومتر طی کرده بودند و به آن نقطه رسیده بودند! علت این کوچ

دسته‌جمعی هم گلوله‌باران و بمباران آبادان از طریق زمینی و هوایی بود که عراق انجام می‌داد. من روی جاده ایستاده بودم و غرق در افکار خودم بودم که خانمی با پای برهنه و با بچه شیرخواره‌ای در بغل خودش را به من رساند و گفت: این بچه روی سینه من هلاک شده است و دارد از تشنگی می‌میرد، اگر می‌توانید کمی آب برای او تهیه کنید. من نگاهی به آن زن با پای برهنه و بچه شیرخواره با لبان خشک آن هم در ساعت ۴ - ۵ بعد از ظهر در گرمای جنوب کردم و قبل از آن که حرفی بزنم یا اقدامی بکنم، بی اختیار سیل اشک از چشمانم جاری شد و در دل گفتم: خدایا کمک کن که انتقام قساوت‌های ارتش بی‌رحم عراق را از این مردم بی‌گناه بگیریم. (۱۳۴)

از یادداشت آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۱

... حالا دیگر وقت نماز ظهر است، به مسجد قدس آمدم. چند نفر از برادران و خواهران، منتظر اقامه جماعت بودند. نمازی را خواندم، ... بعد از ختم صلوات، یکی از برادران نمازگزار آمد و شرح داد که در اثر اصابت راکت، یکی از منازل منطقه بهمن شیر با خاک یکسان شده. در این خانه، خواهری جوان قطعه قطعه و ریز ریز شده است، قطعات بدنش را به زحمت جمع کرده، به قبرستان برده‌اند. لعنت الله علی القوم الظالمین. (۱۳۵)

روز دوم آبان ماه: آخرین تلاش‌ها برای حفظ خرمشهر

در آغاز روز دوم آبان، احساس خطر اشغال کامل خرمشهر بسیار شدید بود، زیرا خبر رسیده بود که نیروهای دشمن به آخرین سنگرهای مدافعان شهر، که در اطراف پل قرار داشتند، نزدیک شده‌اند. ستاد مشترک به نیروی هوایی دستور داد با حداکثر امکانات خود مناطق عقب خط تماس دشمن را بمباران کنند تا شاید فشار دشمن در داخل شهر کم‌تر شود، اما حمله‌های چند فروند هواپیما نمی‌توانست در سرنوشت میدان نبرد تغییر اساسی بدهد.

در این روز شهر و حتی پل خرمشهر به وسیله آتش در دست دشمن بود. نیروهای اعزامی برای پشتیبانی و رساندن تدارکات نمی‌توانستند از پل عبور کنند و برای رساندن آنها از قایق و از راه رودخانه کارون استفاده می‌شد.

از روز گذشته گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ اعزامی به ماهشهر، عملیات گشتی شناسایی را در محور ماهشهر - آبادان آغاز کرد. عناصر گشتی این گردان اطلاع دادند که نیروهای دشمن به حدود ۱۶

کیلومتری شرق کارون در محور آبادان - ماهشهر رسیده اند، لذا اگر قرار بود حمله‌ای انجام گیرد، نیروی تک‌کننده بایستی موفق می‌شد نیروهای دشمن را حدود ۱۶ کیلومتر عقب براند. وضعیت خرمشهر آن‌چنان وخیم و مأیوس‌کننده شده بود که در روز دوم آبان عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، در تماس تلفنی با صدام حسین اشغال کامل خرمشهر را اعلام کرد و این مطلب در رادیو بغداد به اطلاع مردم عراق و دنیا رسید؛ اما این خبر صحت کامل نداشت و مقاومت رزمندگان اسلام هنوز در خرمشهر ادامه داشت. در بعد از ظهر، یگان‌های پیاده و زرهی عراق بر انتهای شمالی پل خرمشهر تسلط یافتند و ارتباط بین رزمندگان داخل شهر با نیروهای پشتیبانی در جزیره آبادان قطع گردید و رساندن مهمات به رزمندگان داخل شهر میسر نشد. به علت خستگی زیاد و عدم توازن نیروهای دوطرف آخرین مقاومتها در حال از بین رفتن بود و با وجود این که بالگردهای هواپیمایی نیروی زمینی (هوانیروز) تلاش فداکارانه ای می‌کردند و تلفات قابل ملاحظه ای به نیروهای دشمن وارد می‌آمد، اما کار سازنده ای در جهت تغییر شرایط میدان نبرد صورت نگرفت. (۱۳۶)

در ساعت ۰۶:۳۰ امروز، در عملیات متهورانه هواپیمایی نیروی زمینی (هوانیروز) در منطقه آبادان و خونین شهر تلفات و خسارات زیر به دشمن وارد آمد:

۱۰ دستگاه تانک با خدمه، ۸ دستگاه خودروی نظامی، یک دستگاه خودروی موشک‌انداز کاتیوشا با مهارت مربوطه، یک دستگاه بلدوزر و یک دستگاه جیپ توپوتا با چند نفر سرنشین، یک دستگاه خودرو آب‌خاکی که به گل نشسته بود و ۵ موضع توپخانه دشمن منهدم گردید.

تعداد ۶۰ نفر از پرسنل نظامی کشته و تعداد ۵ نفر نیز تسلیم نیروهای خودی شدند.

برابر اعلام ژاندارمری، در ساعت ۱۰:۰۰ یک فروند بالگرد ژاندارمری با سه نفر سرنشین (مشخصات معلوم)، که برای انجام مأموریت ویژه از ماهشهر به «خسروآباد» آبادان اعزام شده بود، بر اثر اصابت گلوله دشمن بین «خسروآباد» و «خزئیل آباد» در خاک عراق سقوط کرد و خلبان آن شهید و دو نفر دیگر زخمی شدند و به بندر بصره انتقال یافتند.

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش، نیروهای عراقی مستقر در منطقه مقابل خسروآباد آبادان گزارش نموده‌اند به انگیزه حملات هوایی و بمباران‌های متوالی جنگنده‌های ایرانی قادر به دفاع نمی‌باشند و تقاضای کمک نموده‌اند.

برابر اعلام نیروی دریایی ارتش و شهربانی، امروز شهرهای خونین شهر و آبادان زیر فشار شدید توپخانه‌های خمسه دشمن واقع شده و پل خرمشهر نیز در زیر آتش شدید دشمن است. (۱۳۷)

برابر اطلاعات واصله، استقرار یگان‌های ارتش عراق در مورخه ۵۹/۸/۲ در منطقه عملیاتی خرمشهر - آبادان به شرح زیر می‌باشد:

محور اهواز - خونین شهر :

لشکر ۹ زرهی با دو تیپ زرهی ۳۵ و ۴۳، تیپ ۲۰ مکانیزه از لشکر ۵، تیپ ۸ مکانیزه از لشکر ۳، یک گردان موشکی زمین به زمین و کلیه واحدهای پشتیبانی و سرویس‌های مربوطه.

محور خونین شهر به سمت شرق رودخانه کارون :

تیپ ۶ زرهی از لشکر ۳، یک گردان نیروی مخصوص از تیپ ۳۳، دو گردان توپخانه، یگان‌های پشتیبانی و سرویس .

محور خونین شهر به سمت غرب رودخانه کارون :

تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵، یک گردان نیروی مخصوص از تیپ ۳۳، دو گردان توپخانه و کلیه یگان‌های پشتیبانی و سرویس. (۱۳۸)

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش، از ساعت ۰۸:۰۰ الی ۱۱:۳۰، بمباران نیروی هوایی و گلوله‌باران آتشبارهای توپخانه ایران روی هدف‌های دشمن در منطقه بصره و خونین شهر مؤثر بوده و در روحیه ی افراد عراق اثر بدی به جا گذاشته است. (۱۳۹)

«سعدون حمادی» وزیر امور خارجه رژیم بعث عراق، در سخنان خود در سازمان ملل و شورای امنیت و هم چنین در تبلیغات مکرر خود دلایل حمله نظامی عراق به ایران را این گونه بیان کرده است:

ایران حاضر نشده است سه جزیره در خلیج فارس را به اعراب بازگرداند .

ایران حاضر به اجرای مفاد قرارداد ۱۹۷۵ نیست.

ایران قصد صدور انقلاب خود به عراق را دارد.

برخلاف ادعاهای عراق، این جزایر همیشه جزء جدا نشدنی از ایران بوده است و اعتراض و ادعای کشورهای عربی بی‌مورد و ناشی از تعصبات قومی بوده است. دوم، به فرض، اگر ادعایی بر این جزایر باشد، به عراق چه مربوط است؟ آن چه که تا به حال مطرح شده است از سوی امارات متحده ی عربی است. مگر عراق وکیل و وصی و قیم شیوخ خلیج فارس است؟ درباره بهانه دوم صدام مبنی بر عدم تعهد ایران به قرارداد ۱۹۷۵، اگر عراق چنین شکایتی داشته است چرا و چگونه است که هرگز در طی نزدیک

روز سوم آبان ماه: عملیات گردان ۱۴۴ پیاده در شمال آبادان / ۹۱

به دو سال از انقلاب اسلامی ایران آن را مطرح نساخته است. در ثانی این دولت عراق است که با اعزام خرابکاران مسلح و مزدور به نام «جبهه‌التحریر الاخوان» به داخل ایران مفاد قرارداد ۱۹۷۵ را نقض کرده است نه ایران .

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران امروز اطلاعیه زیر را منتشر کرد:

رژیم بعث عراق علی‌رغم موافقت ایران با خروج کشتی‌های تجارتي خارجی از اروندرود زیر پرچم سازمان ملل، مانع خروج این کشتی‌ها از اروندرود می‌شود. در این زمینه موضوع کشتی‌های تجارتي خارجی گرفتار در اروندرود که دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۵۹/۷/۲۷ موافقت خود را با خروج بی خطر و قانونی آن‌ها به «کورت والدهایم»، دبیرکل سازمان ملل اعلام نمود، مخالفت عراق با این امر وجهه دیگری از ماهیت وحشیانه رژیم بعث عراق را نشان دهد. تصمیم صدام حسین مبنی بر استفاده نیروهای عراقی از کشتی‌های خارجی به صورت سنگری علیه نیروهای ایران صرف نظر از غیر قانونی بودن آن ، بیش از پیش از ماهیت تجاوزکارانه این رژیم پرده برداشته است. (۱۴۰)

روز سوم آبان ماه: عملیات گردان ۱۴۴ پیاده در شمال آبادان

با توجه به این تا اول آبان ماه از عناصر رزمی نیروی زمینی و ژاندارمری در حدود یک تیپ پیاده تقویت شده با یک گروهان تانک و یک گردان توپخانه در مقابل خط سرپل دشمن در شرق کارون در اختیار «فرماندهی اروند» قرار گرفته بود، فرماندهی اروند مصمم شد در سوم آبان ماه حمله متقابل مورد نظر خود را در ۳ محور ماهشهر - آبادان، شادگان - جاده اهواز آبادان و دارخوین - آبادان اجرا کند، لذا سوم آبان ماه یکی از روزهای ویژه این منطقه نبرد بود. به هر حال حمله متقابل نیروهای جمهوری اسلامی ایران در این روز اجرا گردید. ولی موفق نشد و سقوط شهر قهرمان خرمشهر نیز در پایان روز قطعی شد.

بررسی مأموریت و عناصر تحت امر فرماندهی اروند و تک سوم آبان

یگان‌های تحت امر فرماندهی اروند در اولین دستورالعمل تشکیل آن به شرح زیر بودند :

گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱، گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری، گروه رزمی ۲۴۰ نفری مرکب از دانشجویان دانشکده افسری و تعدادی از نیروهای گروه رزمی ۱۴۸ مشهد، یک گردان پیاده

(نامشخص) در شادگان، بخشی از عناصر ژاندارمری مستقر در منطقه ستاد اروند، رزمندگان سپاه پاسداران مستقر در منطقه استحفاظی اروند، عناصر باقیمانده گردانهای ۱۵۱ دژ، ۱۶۵ پیاده زرهی و ۲۳۲ تانک، تکاوران دریایی مستقر در منطقه اروند، آتشبارهای کاتیوشا و ۱۳۰ م از گردان‌های ۳۲۲ و ۳۹۹ توپخانه، آتشبار پدافند هوایی از گردان ۳۰۷ توپخانه و یک آتشبار ۲۳ م از گروه ۲۲ توپخانه و تعدادی توپ ۲۳ م از لشکر ۲۱ پیاده .

مأموریت کلی که در دستور عملیاتی تشکیل فرماندهی اروند برای آن در نظر گرفته شده بود، عبارت از این بود که این فرماندهی منطقه استحفاظی موقت را از وجود عناصر متجاوز عراقی و ضد انقلاب داخلی پاک نموده و از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران از کیلومتر ۲۵ تا دهانه فاو پدافند نماید.

این دستور عملیاتی با توجه به مأموریتی که به فرماندهی اروند واگذار شده بود، اساس طرح آفندی این فرماندهی در سوم آبان ۱۳۵۹ در محور ماهشهر - آبادان گردید .

کلیه یگان‌های تحت امر فرماندهی اروند واحدهای کوچک و بزرگی بودند که از سازمان‌های مختلف جمع‌آوری شده و هیچ‌گونه هماهنگی سازمانی بین عناصر آن وجود نداشت، ضمن این‌که فرماندهی این یگان‌ها نیز هیچ‌گونه آشنایی قبلی با پرسنل و حتی افسران فرماندهی آن نداشتند و از همه مهمتر تمامی این یگان‌ها از تاریخ ۲۷ مهر ماه، یعنی فقط ۵ روز قبل از اجرای آفند متقابل روز سوم آبان ماه از شیراز و اصفهان و تهران و مشهد به ماهشهر اعزام شده بودند و حداقل ۱۰ تا ۱۵ روز زمان لازم بود که به محیط منطقه نبرد و فرماندهی اروند و خصوصیات میدان جنگ آشنا شوند. در صورتی که شاید بعضی از این یگان‌ها کمتر از ۴۸ ساعت قبل از آغاز عملیات وارد این منطقه شده و هنوز عناصر عقیدار آنها به منطقه نرسیده بود .

به هر حال شرایط حاکم بر جنگ به نحوی بود که فرماندهان نظامی را ملزم می‌کرد هرچه سریعتر اقدامی بکنند و واکنشی مناسب در مقابل جسارت دشمن نشان بدهند، تا شاید بتوانند او را از شرق کارون عقب برانند، ولی حقیقت امر این بود که در برابر آنان یک لشکر زرهی تقویت شده دشمن قرار داشت که از پیروزی‌های ماه گذشته مغرور شده بود و حدود ۲ تیپ زرهی از عناصر این لشکر در سر پل شرق کارون مواضع دفاعی مناسبی را در مدت ۱۴ روز گذشته آرایش داده بودند، با این توجه که برتری کامل هوایی نیز با دشمن بود. در حالی‌که نیروهای ایرانی با استعدادی در حدود یک تیپ پیاده بایستی در یک زمین کاملاً باز و بدون کوچک‌ترین عارضه طبیعی و

روز سوم آبان ماه: عملیات گردان ۱۴۴ پیاده در شمال آبادان / ۹۳

مصنوعی برای حفاظ و جان پناه در مقابل مواضع آرایش یافته دشمن قرار می‌گرفتند و به آن‌ها تک می‌کردند. بنابراین به هیچ وجه شرایط زمین و تناسب توان رزمی نسبی نیروهای دو طرف، برای اجرای چنین حمله‌ای مناسب نبود، ضمن آن‌که اطلاعات دقیقی از گسترش دشمن وجود نداشت و مواضع آن نیز شناسایی نشده بود.

عنصر اصلی حمله در فرماندهی اروند، گردان ۱۴۴ پیاده از لشکر ۲۱ پیاده حمزه بود. این گردان در عملیات آفندی روز ۲۳ مهر ماه در غرب شوش شرکت کرده و با از دست دادن قسمتی از توان رزمی خود عقب نشینی نموده بود.

طرح کلی حمله متقابل این بود که این گردان با گروهان تانک سازمان داده شده از تانکهای دریافتی از کارخانجات نوسازی مسجد سلیمان، یک گروه رزمی را تشکیل داده و در نقش تلاش اصلی در محور ماهشهر - آبادان به خط سرپل دشمن حمله می‌کرد و سایر عناصر تحت فرماندهی اروند نیز در محورهای شادگان و دارخوین و بهمن شیر به سمت جنوب و شمال در نقش تلاشهای پشتیبانی عمل می‌نمودند. یگان‌های حمله ور ابتدا موفق شدند پیشرویهایی داشته باشند و به مواضع دشمن نزدیک شوند، اما نیروهای ایرانی هنوز تجربیات کافی و لازم را برای جنگ در بیابان گرم و سوزان نداشتند. در زمان حمله، هوای خوزستان هنوز بسیار گرم بود.

نظر به این‌که حمله در ساعات روز اجرا شد، با بالا آمدن آفتاب و گذشت ساعات بیشتر از زمان روز، گرمای طاقت فرسا یکی از بزرگترین عللی بود که توان رزمی نیروهای ایرانی را فوق‌العاده کاهش داد، به طوری که بعد از ۲ یا ۳ ساعت از روز گذشته، تشنگی فوق‌العاده‌ای بر همه افراد غلبه کرد و حتی فرماندهان از جمله شخص تیمسار فلاحی نزدیک به بی‌حالی و بیهوشی شدند.

این تشنگی طاقت فرسا توأم با آتشیهای سنگین دشمن که مثل باران بر سرزمندگان می‌بارید و با توجه به این‌که زمین کاملاً باز بود و امکان موضع گرفتن و کمی استراحت و حداقل زمان تهیه و نوشیدن آب وجود نداشت، طبیعتاً احتمال موفقیت چنین عملیاتی ضعیف بود. با توجه به دلایل گفته شده، سرانجام عملیات با شکست کامل مواجه گردید و تلفات سنگینی بر نیروهای جمهوری اسلامی ایران وارد شد که طبق گزارش لشکر ۲۱ پیاده فقط از عناصر گردان ۱۴۴ پیاده آن لشکر ۹ نفر شهید، ۵۴ نفر مجروح و ۱۴۷ نفر مفقودالآثر شدند. یعنی این گردان ۲۱۰ نفر تلفات رزمی داشت.

از نظر تجهیزات نیز در حمله سوم آبان از ۱۷ دستگاه تانک که در عملیات شرکت داده شدند ۱۵ دستگاه تانک از بین رفت. بالاخره عناصر باقیمانده با وضعیت نامطلوبی به مواضع اولیه خود در غرب ماهشهر و شادگان و جنوب دارخوین و شمال بهمن شیر عقب نشینی کردند.

اگرچه ضمن این حمله، دشمن حدود ۹ کیلومتر عقب‌نشینی کرد، اما نیروهای خودی نیز به علل مشکلاتی که گفته شد، به مواضع عقب و قبلی خود باز گشتند و عملیات ناموفق ماند.

نیروهای خودی عمل کننده در محور شمال بهمن شیر نیز عبارت بودند از :

(۱) عده ای از تکاوران و افراد بسیجی با استعداد حدود ۱۰۰ نفر مجهز به جنگ افزار ژ ۳ و آرپی جی ۷ و ۲ قبضه تیربار .

(۲) رزمندگان سپاه پاسداران محلی شامل ۳۰ نفر ، مجهز به تفنگ و تیربار ژ ۳ و آرپی جی ۷.

(۳) واحد عملیات شهربانی شامل ۳۶ نفر با تفنگ ژ ۳ و آرپی جی ۷ .

(۴) افراد سپاه پاسداران اعزامی از نقاط دیگر شامل ۴۵ نفر با تفنگ کلاشینکف و آرپی جی ۷ . نیروی احتیاط شامل دو گروهان افراد اعزامی از اصفهان و دانشجویان دانشکده افسری که از ابتدا در منطقه بوده‌اند.

قسمت پشتیبانی رزمی شامل ۴ قبضه تفنگ ۱۰۶ مم و دو قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰ مم. با وجود ۶ کیلومتر پیشروی، پس از ۱۲ ساعت نبرد با دشمن، به ناچار قطع درگیری شد و نیروها مجبور به عقب نشینی به مواضع اولیه گردیدند.

گزارش فرماندهی اروند در سوم آبان ماه گویای وضعیت نهایی خرمشهری است که با تقدس خونهای پاک رزمندگان خودی، «خونین شهر» لقب گرفته بود :

«در خرمشهر نیروهای دشمن تمام شهر را در کنترل خود دارند و پل خرمشهر را نیز با آتش کنترل می‌کنند .

در مناطق مسکونی عناصر نیروی مخصوص دشمن کنترل را به دست گرفته و به نیروهای ما فرصت نشان دادن عکس‌العمل را نمی‌دهند .

در جبهه آبادان (شمال بهمنشیر) نیروهای ما حمله کردند، ابتدا در اثر آتش تهیه مؤثر ، هجوم و پیشروی نیروهای ایرانی به مواضع دشمن خوب بود، ولی از بعدازظهر به علت عدم تدارک و خسته شدن نیروها، واحدهای ما توان رزمی خود را از دست دادند و نه تنها قادر به ادامه پیشروی نشدند، بلکه بر اثر آتش شدید دشمن مجبور به عقب نشینی گردیدند»

در گزارش مطالب زیر نیز درج گردیده بود :

«نیروهای اعزامی از تهران و ارگان‌های مختلف در بدو ورود به منطقه با علاقه‌مندی کامل به

جبهه اعزام ولی فقط می‌توانند ۲۴ ساعت مقاومت کنند و بدون نتیجه جبهه را ترک و تقاضای مراجعت می‌نمایند، فقط تعدادی از تکاوران، افراد ژاندارمری، دانشجویان دانشکده افسری در جبهه‌ها باقی می‌مانند که تعدادی از آنان نیز شهید و مجروح شده‌اند»

روز سوم آبان ماه، گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ مشهد، اعزامی از تیپ قوچان، با یک گروهان تانک و یک آتشبار توپخانه به اهواز رسید. فرمانده لشکر ۹۲ زرهی در نظر داشت این یگان‌ها را به منطقه سوسنگرد اعزام کند، ولی تیمسار فلاحی در پیامی به لشکر ۹۲ زرهی چنین دستور داد:

«در اجرای امر فرماندهی کل نیروهای مسلح ایران، گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ و یک آتشبار ۱۰۵ م اعزامی زیر امر فرماندهی عملیات ارونند قرار می‌گیرد تا در منطقه خرمشهر به کار گرفته شده و مسئولیت تأمین و دفاع شهر را به عهده بگیرد»

سرانجام در پایان روز سوم آبان ماه خرمشهر به اشغال کامل نیروهای دشمن در آمد. باقی‌مانده رزمندگان ایرانی در تاریکی شب سوم به چهارم آبان به کرانه جنوبی کارون یعنی قسمت جنوبی شهر خرمشهر عقب‌نشینی کردند.

حدود ۲۰۰ نفر از رزمندگان دلیر ایرانی اسلامی (افراد سپاه پاسداران) که تا آخرین لحظات در خرمشهر دفاع کرده بودند، در محاصره نیروهای متجاوز عراقی قرار گرفتند، زیرا پل به دست دشمن افتاده و راه عقب‌نشینی در جنوب کارون به کلی بسته شده بود. اما دلاور مردان اسلام با هر وسیله‌ای که امکان داشت از جمله با قایق‌های محلی توانستند توسط تکاوران نیروی دریایی، شبانه از رودخانه عبور کنند و خود را به آبادان برسانند. بدین ترتیب ارتش متجاوز عراق به نخستین هدف استراتژیک خود دست یافت. (۱۴۱)

سرتیپ ستاد فرض الله شاهین راد فرمانده وقت گردان ۱۴۴ (با درجه سرگردی)، درباره عملیات سوم آبان ۵۹، در کتاب گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان، در صفحات ۱۱۸ تا ۱۳۰ به تفصیل سخن گفته و اشاره کرده که پیشروی ما در ابتدا بسیار خوب بود و موفقیت‌هایی کسب نمودیم، اما با شروع روشنایی تلفات ما رو به افزایش گذاشت و زمین عملیات هم به علت مسطح بودن این امکان را به دشمن داده بود که خودروها و نفربرها و تعداد اندک تانک‌های ما را هدف قرار دهد و لذا تلفات ما سنگین بود.

در صفحه ۱۲۹ این کتاب درباره اظهار نظر شهید فلاحي درباره این عملیات چنین نوشته شده است :

حرکت ما سریع تر انجام شد و به مواضع خمپاره اندازهای ۱۲۰ میلی متری، که نزدیک جاده بود، رسیدیم. تعدادی از مسئولان از جمله شهید فلاحي در آنجا حضور داشتند، شهید فلاحي جلو آمد، صورت من را بوسید و فرمود: امروز شما دین خود را نسبت به انقلاب و میهن اسلامی ادا کردید. چاره ای نبود، بایستی برای به دست آوردن زمان، این عملیات انجام می شد، تا قسمتی از لشکر ۷۷، که هم اکنون در منطقه هستید، بتوانند به آبادان اعزام شوند. عملیات شما موفقیت آمیز بود. همانجا دستور فرمودند درجه ستوان سومی را به استوار یکم فراهانی ابلاغ نمایند. سپس اضافه نمودند، ایشان (استوار یکم غلامعباس فراهانی) شایستگی بیش تری دارند و اگر می توانستم درجه خودم را روی دوش استوار فراهانی نصب می کردم. هم چنین، امروز سرهنگ فروزان، فرماندهی ستاد اروند، نیز ما را مورد تفقد قرار دادند. توضیح این که استوار فراهانی فرمانده دسته خمپاره ۱۲۰ مم گردان بوده که با شجاعت و دقت زیاد مأموریت خود را انجام داده بود. در این عملیات تلفات و ضایعات سنگینی نیز به دشمن وارد آمد و حداقل ۱۵ دستگاه تانک دشمن منهدم گردید. (۱۴۲)

برابر اعلام هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) امروز بالگردهای هوانیروز در شمال آبادان موفق شدند ضایعات زیرا را به نیروهای دشمن وارد کنند :

یک دستگاه تانک ، دو دستگاه خودروی نظامی ، سه تخته چادر مهمات و تعدادی سنگر. در ساعت ۱۴:۰۰ امروز، از نیروهای گروه ضربت هوانیروز در منطقه آبادان ۲ تن شهید و ۹ نفر مجروح شدند.

برابر اعلام ستاد اروند ، امروز در یک نبرد قهرمانانه نیروهای ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران با ارتش بعث عراق در منطقه آبادان، تلفات و ضایعاتی به شرح زیر به دشمن وارد آمده است:

سقوط ۲ فروند میگ عراقی؛

انهدام ۵ عراده توپ؛

انهدام ۲۰ دستگاه تانک؛

تعدادی نفربر و خودروی حامل مهمات؛

بیش از ۱۵۰ نفر از نیروهای دشمن کشته شده و تعداد زیادی مجروح شدند.

در ساعت ۱۷:۳۵ پاسگاه فیروز آبادان مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفت و خسارت‌های مالی فراوانی به بار آمد. در ۲۴ ساعت گذشته در آبادان تعداد ۱۲ نفر شهید و ۲۰۷ نفر زخمی گردیدند. در ساعت ۱۷:۴۰ سه نفر از کارکنان راه‌آهن جنوب در ایستگاه راه‌آهن کارون مورد اصابت راکت هواپیماهای دشمن قرار گرفته و زخمی شدند.

برابر اعلام ادارهٔ دوم، امروز یک فروند بالگرد ۲۰۵ ژاندارمری که برای اجرای مأموریت از ماهشهر به خسروآباد اعزام شده بود، به مقصد نرسید و به احتمال سقوط کرده است. برابر اعلام لشکر ۹۲ زرهی اهواز، امروز یک فروند بالگرد شنوک هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) بر اثر اصابت راکت میگ عراقی در منطقهٔ ماهشهر سقوط کرده و یک نفر درجه دار و یک نفر غیر نظامی شهید و دو نفر خلبان آن مجروح گردیدند.

برابر اعلام نیروی دریایی :

در ساعت ۰۹:۱۵ تقاضای پشتیبانی هوایی از یگان‌های تحت محاصره در خرمشهر و آبادان شد. تکاوران دریایی و افراد پاسدار بشدت در خرمشهر مقاومت می‌کنند، آتش توپخانهٔ دشمن قطع نشده و عملیات پاک سازی پل ادامه دارد، در این درگیری‌ها یک نفر درجه‌دار تکاور شهید شد. در ساعت ۰۹:۰۰ در اثر تیراندازی توپخانهٔ دشمن به آبادان یک پاسبان و یک سرباز شهید و دو پاسبان دیگر نیز مجروح شده‌اند. (۱۴۳)

بخشی از خاطرات سرهنگ جانباز علی قمری یکی از فرماندهان گروهان گردان ۱۵۱ دژ خرمشهر

روز ۵۹/۷/۳۰ خبر دادند که همه‌ی مدافعان پادگان دژ شهید شده‌اند. این خبر تأثیر بسیار بدی در روحیهٔ رزمنده‌ها داشت، چرا که خانهٔ ما یعنی پادگان دژ به طور کامل به اشغال عراقی‌ها درآمده بود. خیلی از بچه‌ها با شنیدن این خبر گریه کردند. من هم از شنیدن این خبر به شدت ناراحت شدم، اما نمی‌توانستم باور کنم این خبر حقیقت داشته باشد. به همین جهت یکی از مخبرین را مأمور کردم که از کم و کیف قضیه اطلاعات بدست آورده و مرا در جریان بگذارد. ساعتی بعد، آن مخبر ضمن تأیید این خبر اعلام نمود که تمام شهر غیر از مسجد جامع و کمی از اطراف آن در اختیار عراقی‌هاست. او گفت که هم‌زمان در ۴۰ متری، فلکه شهدا، حزب جمهوری، اطراف گل فروشی‌ها، فلکهٔ کمال‌الملک، سنتاب، آتش نشانی، بازار صفا، فلکه دروازه و

بازار سیف درگیری ادامه دارد و عراقی‌ها از همه طرف در حال پیشروی و تکمیل اشغال شهر هستند.

دودی که حاصل سوختن تانک‌های عراقی بود، تمام فضای شهر را گرفته بود و دود سوختن منازل و ادوات ما هم به آن اضافه می‌شد. در این حال ستوان زارعیان که یکی دیگر از فرماندهان گروهان گردان دژ بود، رادیو عراق هم چند بار او را تهدید و تطمیع نموده بود، با چشمان اشکبار به من نزدیک شد و گفت :

من نمی‌گذارم عراقی‌ها در خیابان‌های این شهر رژه بروند و صدام از آنها سان ببیند. من قلم پای همه‌ی عراقی‌ها را می‌شکنم. خرمشهر بخشی از ایران است و نمی‌گذارم از پیکر ایران جدا شود ... دیگر صدای کرکره باز شدن مغازه‌ها به گوش نمی‌رسد؛ دیگر صدای همه‌ی بچه‌ها در مدرسه‌ها بلند نمی‌شود؛ دیگر بچه‌ها سر کوچه بازی نمی‌کنند ... زارعیان صحبت می‌کرد و اشک می‌ریخت . من او را در آغوش گرفتم و گفتم :

اسماعیل جان صدای گلوله‌ها و انفجار توپ‌ها را می‌شنوی؟ این صدا به جای همه‌ی بچه‌هاست. صدای شنی تانک‌ها به جای کرکره مغازه‌ها در فضا پیچیده است. واقعیت این است که ما مشغول جنگ هستیم و دشمن در حال تصرف و اشغال شهر ماست. جنگ تعارف بر نمی‌دارد. تو یک نظامی هستی، تو فرمانده‌ای، باید به نیروهایت آرامش بدهی، نه این‌که خودت را بخوری و اشک بریزی. جنگ برد و باخت دارد. فعلاً دشمن برده است. ما باید برویم و تجهیزاتمان را تکمیل کنیم. باید برنامه جنگی خوب تدوین کنیم که حتماً این کار را خواهیم کرد و آن وقت شهر را از دشمن اشغالگر پس خواهیم گرفت.

زارعیان با شنیدن صحبت‌های من کمی آرام گرفت. در این حال یکی از بچه‌ها، مقداری هدایای مردمی آورد. یک بسته پسته هم به من دادند. داخل آن بسته یک نامه بود و معلوم بود خط پسر یا دختر بچه‌ای است. قبل از خواندن نامه، اسم نویسنده را خواندم؛ به نام محمد مهربانی بود. شروع به خواندن نامه کردم :

من محمد مهربانی دانش آموز کلاس ۴ ابتدایی در شیراز هستم. من با پول توجیبی یک هفته‌ام این بسته‌ها را خریدم و برای تو رزمنده‌ی عزیز فرستادم. امیدوارم این هدیه ناقابل را از من بپذیری. برادر رزمنده، من می‌دانم که شما در آن هوای گرم در خرمشهر می‌جنگی در حالی که ما در همین شیراز اگر یک ساعت کولر نداشته باشیم نمی‌توانیم گرما را تحمل کنیم. من دست و پای همه شما رزمندگان را می‌بوسم.

امضاء محمد مهربانی

وقتی این نامه را خواندم دو هوایی شدم. یکی این که مثل زارعیان بنشینم و گریه کنم و دیگری گرفتن انگیزه و روحیه برای ادامه جنگ بود. ما در آن لحظات فرصت افسوس خوردن نداشتیم. به همین خاطر به خودم نهیب زدم که از این نامه انگیزه و انرژی بگیرم و بهتر و بهتر بجنگم.

روز ۵۹/۸/۱ تعداد شهدا و مجروحان و مفقودان ما آن قدر زیاد شده بود که دیگر لازم نبود آمار بگیرم. حتی دو نفر از مخبرین ما هم شهید یا مفقود شده بودند. دیگر نه مسائل مهماتی داشتیم نه تدارکچی. ما که تا آن روز به امید رسیدن نیروهای کمکی بودیم، دیگر یقین پیدا کردیم که این اتفاق نخواهد افتاد و ما مدافعان خرمشهر، دیگر بی یار و یاور هستیم. دیگر حتی از سرگرد شریف النسب هم که همیشه امید رسیدن نیروهای کمکی را می داد خبری نداشتیم. حالا دیگر گروه‌های ده پانزده نفری ما تبدیل به گروه‌های ۳ تا ۵ نفری شده بود که آن هم حاصل مثبتی نداشت و حرکات آن‌ها حکم زدن یک سوزن کوچک به تن یک فیل بزرگ را داشت. عراقی‌ها هم در تلاش بودند که مسجد جامع را تصرف کنند، ولی همه نیروهای باقی‌مانده ما در اطراف مسجد جامع بودند و هنوز دفاع می‌کردند.

در این وضعیت ما یک گروه ۴۵ نفره از افسران و درجه داران گردان دژ بودیم که تعدادی سرباز، دانشجو، هوانیروزی و نیروهای مردمی و سپاه پاسداران دیگر هم در کنارمان بودند و تمام توانمان را برای جلوگیری از پیشروی عراقی‌ها به کار گرفته بودیم.

البته از وقتی که پادگان دژ اشغال شده بود، دیگر آمیدی به حفظ بقیه شهر نبود. پادگان دژ ستون حفظ شهر بود و این ستون افتاده بود. دیگر تلفات آن قدر زیاد شده بود که کمک‌های مردمی در اطراف مسجد جامع تلنبار شده بود. بر اثر برخورد گلوله های عراق، شکر، حبوبات، نمک، مایع ظرفشویی و هر چه بود با هم مخلوط شده بودند و قابل استفاده نبود.

روز ۵۹/۸/۲ باز هم تعداد آماری ما کمتر شد. حالا دیگر من، زارعیان، ایازی و سایر فرماندهان دسته‌ها - مثل ستوان علیلو، مقید و جعفری - تفنگ آرپی جی به دست گرفته بودیم و مانند سربازها می‌جنگیدیم. دیگر اگر کسی مجروح و شهید می‌شد، نمی‌توانستیم دنبالش برویم و او را تخلیه کنیم.

روز ۵۹/۸/۳ شایع شد که دستور عقب نشینی داده‌اند. اولاً نمی‌دانستیم این دستور از طرف چه مقامی صادر شده است. ثانیاً نیروهای باقی مانده که در مجموع ۲۰۰ نفر هم نمی‌رسید، نمی‌خواستند عقب‌نشینی کنند. با انتشار این دستور، یک نوع بلا تکلیفی در بین بچه‌ها ایجاد شد.

البته ماندن و جنگیدن در آن وضعیت جایز نبود، چرا که عراق لحظه به لحظه عرصه را بر ما تنگ‌تر می‌کرد و به نزدیکی مسجد جامع رسیده بود. دیگر نه آذوقه داشتیم نه مهمات. اسماعیل زارعیان با گریه پایش را به زمین می‌کوبید و می‌گفت: «چرا باید خرمشهر سقوط کند؟» وقتی به اسماعیل گفتم باید برویم، صدای گریه‌اش بلندتر شد. او را آرام کردم و از او خواستم که منطقی‌تر فکر کند. او لحظه‌ای سکوت کرد و بعد با صدای بلند گفت:

«خرمشهر ما بر می‌گردیم»

اسماعیل از من خواست که بچه‌ها را جمع کنم و به آن سمت رودخانه ببرم. پرسیدم: «تو چه کار می‌کنی؟»

گفت: «من هنوز کار دارم.»

بالاخره ما با اکراه و درعین حال با سختی از پل گذشتیم و به «کوت شیخ» رفتیم. دیگر همه نیروها خرمشهر را تخلیه کرده بودند. هنوز اسماعیل زارعیان برنگشته بود. می‌خواستم از او اطلاعاتی بگیرم. چشمم به یکی از سربازان گردان افتاد. اسمش را پرسیدم. گفت: سرباز علی فرهانی هستم.

پرسیدم: مال کدام گروهانی؟

گفت: گروهان جناب سروان ایازی.

پرسیدم: از ایازی چه خبر؟

گفت: نمی‌دانم

گفتم: چه طور نمی‌دانی فرماندهات کجاست؟

گفت: من مأموریت داشتم یک قایق از سمت کوت شیخ به آن سمت رودخانه ببرم و تعدادی از بچه‌های مبارکه را که گیر کرده بودند و زخمی هم بودند نجات بدهم. من با شنا رفتم و قایق را از پایین شهر به آن سمت بردم. عراقی‌ها مرا دیدند و به گلوله بستند. با این حال من توانستم بچه‌های زخمی را نجات بدهم.

گفتم: زخمی‌ها کجا هستند؟

او اشاره به گوشه‌ای کرد که سربازان کنار دیوار افتاده بودند. رفتم با آن‌ها صحبت کردم. سه نفر مجروح از مبارکه بودند. آنها گفتند که سرباز فرهانی قهرمانانه آنها را نجات داده است. با شنیدن این حرف مجروحان، دستی به پشت سرباز زد و از او تشکر کردم و گفتم: الحق تو

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۳ / ۱۰۱

قهرمانی... سرباز فرهانی در جواب گفت: همه آنهاپی که در خرمشهر جنگیدند قهرمان هستند. از این حرف سرباز گریه‌ام گرفت و بغض گلویم را فشرد و نتوانستم به او جواب بدهم. پس از لحظاتی به او گفتم: سعی کن وسیله‌ای پیدا کنی تا این مجروحان را تخلیه کنیم.

گفت: چشم جناب سروان و رفت تا وسیله‌ای مثل گاری یا فرغون پیدا کند.

دیگر خرمشهر کاملاً تخلیه شده و طبق نظر دوستان، خود سرهنگ صمدی که فرمانده تکاوران نیروی دریایی و ارشدترین نظامی در خرمشهر بود به آن سمت رفته بود که مطمئن شود کسی از نیروهای ما آن‌جا نمانده است. به گفته دوستان باقی نیروها توسط قایق‌های نیروی دریایی تخلیه شده بودند.

عراق بالاخره به پل تسلط پیدا کرد. همه امید ما به بازگشت زارعیان به یأس تبدیل شد. من به جمع و جور کردن نیروهای گردان که دیگر حتی به اندازه یک گروهان هم نبود پرداختم. فرماندهان گروهان‌ها و فرماندهان دسته گردان یکی یکی به جمع ما اضافه می‌شدند. همه افسرده و پریشان بودند و حال صحبت کردن نداشتند. ناگهان اسماعیل زارعیان با لباس خیس در جمع ما دیده شد. به طرف او دویدم. معلوم بود شناکنان رودخانه را طی کرده و به این سمت آمده است. گفتم: اسماعیل چرا با ما نیامدی که این همه به زحمت نیفتی؟

پرسیدم: «رفتم مقداری رنگ پیدا کردم و روی دیوار یکی از خانه‌های خرمشهر نوشتم خرمشهر ما برمی‌گردیم.»

ما بلافاصله در کوت شیخ و این سمت پل سنگر گرفتیم که خدای نکرده عراقی‌ها از پل عبور نکنند. دیگر نگهبانان روی پل و کنار پل ساعت به ساعت عوض می‌شدند و همه با دقت مراقب عراقی‌ها بودند. سرگرد حسنی سعدی به همراه چند نفر آمدند و تعدادی مین روی پل ریختند. سرگرد اقارب پرست هم با تعدادی نیرو در کنار پل بود. بالاخره خبر دادند که یک گروهان از تیپ قوچان از لشکر ۷۷ در کنار پل موضع گرفته‌اند و از ما خواستند که به «کافه پاپا» برگردیم تا تکلیف یگان و وضعیت استقرار ما روشن شود. (۱۴۴)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۳

...ساعت حدود ۱۱ است ... کم کم از ضایعات و تلفات شب گذشته اطلاعاتی به دست می‌آید ... در احمد آباد ... چندین خانه یکجا ویران شده و در سده ... تلفات زیاد ... بعضی قطعه قطعه شده‌اند، بعضی از

کمر دونیم ، بعضی سر آنها پریده و بعضی هم ریز ریز شدند. دیشب هیچ به خواب نرفتم، از غرش توپ و صدای خمپاره ... ساعت ۱۲ اگر توفیقی باشد ، به مسجد قدس بروم . (۱۴۵)

نظریه سرتیپ ۲ سید تراب ذاکری نویسنده کتاب «اطلاعات در جنگ تحمیلی» درباره عملیات روز ۵۹/۸/۳

گردان ۱۴۴ پیاده تقویت شده با یک گروهان تانک که ۳ روز قبل ، از اهواز وارد ماهشهر گردید . در تاریخ ۵۹/۷/۲۳ در منطقه دزفول در یک عملیات تهاجمی علیه دشمن شرکت داشت و تلفاتی را متحمل شد. در این عملیات مأمور اجرای تک اصلی از روبه‌رو به خط پدافندی دشمن می‌باشد . سایر یگان‌ها در جبهه شمال و جنوب سرپل ، تلاش پشتیبانی را عهده دار هستند . نتیجه این طراحی عجولانه و شناسایی نشده و عدم پی بردن به استعداد و گسترش توانایی‌های دشمن، این بود که ۲۰ دستگاه تانک موجود در منطقه منهدم و حداقل ۵۰۰ نفر از رزمندگان خودی شهید ، مجروح و اسیر گردیدند. (۱۴۶)

روز چهارم آبان ماه: اشغال کامل بخش شمالی خرمشهر و بمباران آبادان و ماهشهر

از روز چهارم آبان ۱۳۵۹ بخش غربی خرمشهر به اشغال کامل دشمن درآمد، اما قسمت شرقی شهر، که در کرانه جنوبی شاخه شرقی - غربی کارون قرار دارد و آن را نیز در اصطلاح محلی جزو خرمشهر می‌دانند، در اختیار و کنترل کامل نیروهای ایرانی باقی ماند و شاخه شرقی - غربی رودخانه کارون به صورت خط تماس مشخص بین نیروهای طرفین قرار گرفت و منطقه نبرد آبادان پس از اشغال خرمشهر فعال تر شد .

نیروهای متجاوز عراقی که لذت پیروزی را در خرمشهر چشیده بودند ، تلاش کردند از طریق شرق کارون و شمال بهمن‌شیر وارد آبادان شوند، زیرا عبور از رودخانه بهمن‌شیر برای اشغال آبادان آسان تر از عبور از رودخانه کارون در جنوب خرمشهر بود و نیروهای مدافع خرمشهر که به کرانه جنوبی عقب‌نشینی کرده بودند ، با تصمیم قاطع در کرانه جنوبی دفاع می‌کردند و پل خرمشهر را نیز با آتش سنگین خود از سمت جنوب و شرق در کنترل خود داشتند، اما در منطقه نبرد شمال بهمن‌شیر مقاومت شایان توجهی نداشت و بعد از شکست حمله نیروهای ایرانی در سوم آبان، نیروهای دشمن به ضعف نیروهای خودی پی بردند. بنابراین، فشار خود را از شمال به جنوب در

روز چهارم آبان ماه: اشغال کامل بخش شمالی خرمشهر و بمباران آبادان و ماهشهر / ۱۰۳

کرانه شرقی رودخانه کارون قراردادند و به بهمن شیر نزدیک شدند تا از آن عبور نمایند .
از روز چهارم آبان حمله‌های هوایی و گلوله باران توپخانه دشمن به شهر آبادان و بندر ماهشهر شدت گرفت، زیرا پشتیبانی‌هایی که دشمن برای منطقه خرمشهر اختصاص می‌داد، بعد از سقوط خرمشهر به پشتیبانی آبادان افزوده شده بود. در برخی گزارش‌ها تلفات امروز آبادان - خرمشهر ۸۶ نفر شهید و ۲۹۲ نفر مجروح اعلام گردید. در ساعت ۱۱:۰۰ هواپیماهای دشمن، آبادان را بمباران کردند که یک فروند از آن‌ها توسط پدافند هوایی سرنگون شد.

عراق پیروزی‌های خود را در رسانه‌های گروهی بعضی از کشورهای خارج اعلام کرد و بار دیگر با توسل به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا خواهان میانجی‌گری برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق شد و اعلام کرد که دولت عراق جز کنترل آب راه شط العرب ادعای ارضی دیگری بر ایران ندارد.

با نزدیک شدن نیروهای دشمن به محور مواصلاتی آبادان - ماهشهر، کنترل این محور به دست نیروهای عراقی افتاد و رساندن عناصر و وسایل پشتیبانی از این محور برای رزمندگان جزیره آبادان غیر ممکن شد، لذا به اجبار ارسال تدارکات به وسیله بالگرد از طریق هوا و هواناو از مسیر رودخانه بهمن شیر صورت می‌گرفت. با توجه به محدودیت فعالیت هواناوها و آسیب‌پذیری آنها، بر اساس پیشنهاد نیروی دریایی قرار شد که موتور لنج‌های ژاندارمری یا افراد محلی نیز در تدارکات نیروهای مستقر در جزیره آبادان شرکت نمایند.

در روز چهارم آبان خبر رسید که تیپ ۴۹ لشکر ۱۱ پیاده عراق نیز وارد منطقه عملیات خرمشهر - آبادان شده است. بنابراین، شواهد حاکی از این بود که دشمن در تدارک حمله وسیع‌تری به آبادان است.

وضعیت منطقه عملیاتی خرمشهر و آبادان از روز چهارم آبان حالت جدیدی پیدا کرد و تلاش اصلی متوجه نگهداری جزیره آبادان و تلاش فرعی متوجه محدود ساختن گسترش خط سر پل دشمن در شرق کارون در سمت شمال و شرق و جنوب گردید. با توجه به عدم موفقیت حمله روز سوم آبان، به اجبار نیروهای خودی حالت دفاعی را در مقابل سر پل دشمن و در جزیره آبادان پذیرفتند و فرماندهی ارونند که با تشکیل قرارگاه نسبتاً مناسب و قوی هدایت عملیات این منطقه را به عهده گرفته بود، با دریافت نیروهای تقویتی از نیروی زمینی، سپاه پاسداران و نیروهای مردمی قدرت رزمی مناسب‌تری به دست آورد. (۱۴۷)

ژاندارمری منطقه در ساعت ۰۲:۰۵ امروز گزارش داد تعداد قابل توجهی از تانک‌های دشمن در

روی جاده فاو به طرف خونین شهر در مقابل خسروآباد در حرکت بوده که هدف آن‌ها تقویت نیروی خود در خونین شهر است.

اداره سوم ستاد مشترک ارتش امروز طی گزارش شماره ۲۳۲ چنین نتیجه‌گیری کرد که دشمن با در دست داشتن خونین شهر، تلاش خود را برای تصرف جزیره آبادان و بندر امام خمینی و ماهشهر ادامه خواهد داد. به یقین در صورت تصرف آبادان با استفاده از منابع حیاتی این بندر (مانند سوخت) از تدارکات دیگر یگان‌های خود در منطقه اهواز نیز مطمئن خواهد شد. ضروری است که در این باره از طریق شورای عالی دفاع تصمیم گرفته شود و پیش از سقوط آبادان اقدام عاجل معمول دارند.

امروز قرارگاه عملیاتی نیروی زمینی ارتش در جنوب، به لشکر ۹۲ زرهی ابلاغ کرد: برابر اعلام نیروی دریایی ارتش، امکانات پشتیبانی آذوقه و مهمات یگان‌های مستقر در آبادان و خرمشهر فقط از طریق آب راه بهمن شیر و به وسیله هاور کرافت انجام می‌گیرد. بنابراین هرگونه نقل و انتقال نیروها و نهادهای انقلابی به خرمشهر و آبادان از طریق بوشهر یا بندر امام خمینی و به وسیله موتور لنج‌های محلی انجام شود تا نیروی دریایی ارتش بتواند کماکان به پشتیبانی در صحنه نبرد ادامه دهد. (۱۴۸)

در ساعت ۱۱:۰۰ از دو فروند میگ عراقی که به آسمان آبادان نفوذ کرده بودند، یک فروند آن توسط ضدهوایی خودی سرنگون شد و دیگری مجبور به فرار گردید.

فعالیت هاور کرافت‌ها و بالگردهای نیروی دریایی به منظور پشتیبانی از عملیات منطقه آبادان و خرمشهر ادامه داشت و بیش از ۱۰ سورتی پرواز بالگرد انجام شد و طی آن ۲۰ تن مهمات و ۲۹۵ نفر نیرو به آبادان حمل و ۱۳۷ نفر زخمی به بندر امام خمینی تخلیه گردیدند. (۱۴۹)

ستاد مشترک ارتش، آمار شهدا و مجروحان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در اطلاعیه شماره ۲۳۳ به این شرح اعلام کرد:

از تاریخ ۵۷/۱۱/۲۲ تا تاریخ ۵۹/۸/۳ در درگیری با ضد انقلابیون و ستون پنجم دشمن در داخل خاک پاک ایران زمین تعداد ۸۱۹ نفر افسر، درجه دار و سرباز شهید و ۲۳۷ نفر مجروح؛ از تاریخ ۵۹/۷/۱ تا ۵۹/۸/۳ نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و ژاندارمری و شهربانی در جنگ با نیروهای مزدور و کافر بعث عراق ۱۸۶۶ نفر افسر، درجه‌دار، و سرباز شهید و ۲۴۳۰ نفر افسر، درجه‌دار و سرباز مجروح و ۱۳۷۷ نفر اسیر و مفقودالاندر به شرح زیر تقدیم پیشگاه احدیت و ملت شهید پرور ایران کرده است.

از یادداشت‌های روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۴ / ۱۰۵

نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۷۲۴ نفر افسر، درجه‌دار، و سرباز شهید و ۲۱۳۱ نفر افسر، درجه دار و سرباز زخمی و ۸۳۴ نفر اسیر و مفقودالاثر داشته‌اند. ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران تعداد ۱۲۸ نفر شهید، ۲۸۸ نفر زخمی و ۴۵۹ نفر اسیر و مفقودالاثر داشته است. (۱۵۰)

شهربانی جمهوری اسلامی ایران ۱۴ نفر شهید، ۱۱ نفر مجروح و ۴۸ نفر اسیر و مفقودالاثر داشته است.

اطلاعیه شماره ۲۳۵ ستاد مشترک ارتش :

آمار شهدا، مجروحان و اسرا از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز ۵۹/۸/۳ تا ۰۸:۰۰ صبح روز ۵۹/۸/۴ به این شرح است :

شهید ۵۷ نفر، مجروح ۵۴ نفر و اسیر ۷ نفر. به این ترتیب تا تاریخ ۵۹/۸/۴ نیروهای سه‌گانه ارتش، ژاندارمری و شهربانی جمهوری اسلامی ایران در مجموع ۶۸۴۷ نفر افسر، همافر، درجه دار و سرباز شامل ۲۷۴۲ نفر شهید، ۲۷۲۱ نفر مجروح و ۱۳۸۴ نفر اسیر و مفقودالاثر به اسلام، امام امت و ملت مسلمان ایران تقدیم کرده (۱۵۱).

از یادداشت‌های روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۴

... ساعت ۲ بعدازظهر است. اخبار رادیو تهران را گوش می‌دهم. سخن از جنایت تازه صدام است که دیشب در شهر دزفول رخ داده، پرتاب سه موشک زمین به زمین که یک محله مسکونی شهر را بکلی منهدم کرده و تا ساعت ۶ صبح، جنازه ۶۰ شهید را از آنجا بیرون آورده‌اند. راستی آدمی‌زاد، طرفه معجونی است. گاهی در این جنس، یعنی بشر، افرادی را می‌بینی که چنان اوج گرفته، از ملک هم پرآن می‌شوند. ... گاهی سراپا شر و فساد و مظهر رذالت و خبثت. (۱۵۲)

روز چهارم آبان‌ماه، دو حادثه تلخ و شکننده برای قرارگاه اروند پیش آمد. اول شکست در منطقه سرپل و دوم سقوط خرمشهر که هر دوی این حوادث بسیار ناگوار می‌باشد و ملت شریف ایران در ماتم از دست دادن خرمشهر داغدار گردید.

بدین ترتیب قرارگاه تازه تأسیس، ضربات سختی را پی در پی متحمل گردید. با خروج

نیروهای ایرانی از آخرین سنگرهای مقاومت در خرمشهر، نیروهای عراقی درگیر در منطقه غرب کارون تقریباً از درگیری رها گشته و شدت حملات و تمرکز آنها در سرپل به سمت شمال جزیره آبادان افزایش چشمگیری یافت. در این روز بیشترین بمباران هوایی و گلوله باران توپخانه متوجه جزیره آبادان و حوالی بندر امام بود به گونه‌ای که بیش از ۱۰۰ نفر شهید و حدود ۴۰۰ نفر مجروح و مصدوم از خود بر جای گذاشت.

افزایش نیروهای دشمن در منطقه سرپل، اشغال جاده آبادان - ماهشهر را به دنبال داشت و پشتیبانی از نیروهای مستقر در جزیره آبادان قطع گردید، به جز با قایق‌های کوچک محلی و بعضاً از طریق امکانات هوانیروز.

در پایان روز چهارم آبان‌ماه، عناصر اطلاعاتی گزارش دادند به استناد اعترافات اسرای عراقی دستگیر شده در خرمشهر، قرار است ظرف روز جاری، تیپ ۴۹ پیاده لشکر ۱۱ از خرمشهر وارد منطقه سرپل و شمال جزیره آبادان گردد و عراق قصد اشغال جزیره آبادان را دارد، زیرا آن را جزء سرزمین خود می‌داند.

در ساعت ۱۸:۰۰ دیده بانان یگان‌های مستقر در منطقه سرپل گزارش دادند که ستون‌های خودرویی متعددی از مارد به سمت جنوب از روی جاده آسفالت‌ته، در حرکت مشاهده می‌شوند و بدین‌سان تدارک دشمن برای اشغال جزیره پس از فراغت از درگیری‌های خرمشهر قطعی می‌شود. (۱۵۳)

روز پنجم آبان‌ماه: فعالیت گشتی شناسایی و تعیین فرمانده منطقه نبرد خرمشهر

امروز فعالیت گشتی شناسایی واحدهای فرماندهی اروند برای مشخص کردن مواضع دشمن از سر گرفته شد. گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری، که محور آبادان - ماهشهر موضع گرفته بود، دو گروه گشتی به جلو فرستاد. این گروه‌ها گزارش دادند عده زیادی از اهالی آبادان و حومه آن با هر وسیله مقدور شهر را تخلیه کرده و در محور جاده خاکی به سمت ماهشهر در حرکت هستند. به هر حال این دو گروه تا کیلومتر ۱۱ به پیشروی ادامه دادند، ولی از آن به بعد زیر آتش شدید دشمن قرار گرفتند. بر اساس گزارش یاد شده، در روز پنجم آبان نیروهای دشمن در حدود ۶ تا ۸ کیلومتری شمال رودخانه بهمن‌شیر مستقر بودند.

پیش از این اشاره شد که یک گردان پیاده و یک گروهان تانک و یک آتشبار از لشکر ۷۷ مشهد

به اهواز وارد شده بود و در روز سوم آبان، جانشین رئیس ستاد مشترک دستور داد این واحد، منهای گروهان تانک، به ماهشهر حرکت داده شود.

گردان مذکور در چهارم آبان وارد ماهشهر شد و در پنجم آبان فرماندهی این گردان، سرهنگ دوم کهتری، به فرماندهی منطقه نبرد خرمشهر تعیین گردید و به وی ابلاغ شد با واحد تحت فرماندهی خود به خرمشهر حرکت کند و فرماندهی آن منطقه را به عهده بگیرد و ضمن دفاع از کرانه جنوبی کارون در خرمشهر، نیروهای دشمن را در کرانه شمالی این رودخانه عقب براند. اما واقعیت امر این بود که حدود یک لشکر دشمن خرمشهر را اشغال کرده بود و حال چگونه یک گردان پیاده می‌توانست آن لشکر را از شهر بیرون براند؟

در روز پنجم آبان ماه، هم‌چون روزهای گذشته، تبادل آتش جریان داشت و برتری کامل با دشمن بود. در ضمن در این روز بار دیگر هواپیماهای عراقی فعال شدند و آبادان و «سربندر» را بمباران کردند و خسارت‌هایی وارد آوردند. در مقابل، هواپیماهای ایرانی نیز چندین پرواز مرزی بر مواضع دشمن اجرا کردند و آن‌ها را بمباران کردند. (۱۵۴)

نیروهای دشمن در جبهه خونین‌شهر تقریباً بر تمام شهر مسلط شده‌اند و یگان‌های زرهی آن‌ها در قسمت شمال غربی شهر مستقر هستند و بالگردهای دشمن به طور دسته جمعی از آن سوی نخلستان‌ها (منطقه خونین‌شهر) پرواز کرده و شهر آبادان را به راکت می‌بندند.

شهر آبادان کماکان در زیر آتش توپخانه و بمباران دشمن قرار داشت و در اطراف کلانتری شماره ۱ آبادان و خیابان کشتارگاه آتش دشمن بیش‌تر شده و یکی از انبارهای گمرک آتش گرفته و در حال سوختن گزارش می‌شود.

در ساعت ۱۱:۲۵ چهار فروند بالگرد عراقی که توسط هواپیماهای جنگی اسکورت می‌شدند، در مناطق خرمشهر و آبادان پرواز نموده‌اند، احتمال می‌رود حامل افراد کماندو و مهمات باشند.

در ساعت ۱۳:۱۵ تأسیسات قرارگاه گارد ساحلی در خسروآباد زیر آتش توپخانه نیروهای عراقی قرار گرفت که توسط نیروهای خودی به آن‌ها پاسخ لازم داده شد. (۱۵۵)

برابر اعلام شهربانی، در ساعت ۲۲:۳۰ هواپیماهای دشمن، آبادان را مورد تهاجم قرار دادند که در نتیجه به ۶ باب خانه و یک مسجد خساراتی وارد آمد.

برابر اعلام نیروی دریایی ارتش، در حمله هوایی امروز به سربندر آبادان از نیروهای خودی تعداد ۴ نفر شهید و ۸ نفر مجروح گردیدند.

برابر اعلام سپاه پاسداران، هواپیماهای شکاری خودی چندین بار در منطقه آبادان به نیروهای دشمن حمله بردند و یک آتشبار توپخانه خمسه خمسه و یک آتشبار زمین به هوا و ۱۰ دستگاه کامیون دشمن را منهدم ساخته و به آتش کشیدند. (۱۵۶)

نیروی هوایی درباره منطقه عمومی آبادان به شرح زیر گزارش داد :

به تجمعی از تانک‌ها و خودروها حمله گردید که درصد تخریب مشخص نشد. (شمال آبادان) تعدادی خودرو و تعدادی سنگر در اطراف خونین‌شهر بمباران گردید. تعداد دو ضد هوایی و یک تانکر و یک لودر منهدم شد .

در اطراف سهراهی اهواز، آبادان، خونین شهر به نیروهای زرهی و توپخانه‌ی دشمن حمله شد. همچنین، به نیروهای دشمن که مشغول درست کردن سنگر و جاده سازی در اطراف رودخانه بودند، حمله شد که درصد تخریب مشخص نگردید. (۱۵۷)

نیروی هوایی آمار تلفات نیروهای خود را از شروع جنگ تحمیلی تا به امروز به شرح زیر اعلام کرد:

(۱۵۸)

درجه	شهید	مجروح	اسیر	مفقودالاثار
افسر	۲۳ نفر	۱۲ نفر	۲۵ نفر	۵۹ نفر
همافر	۴ نفر	۵ نفر	—	—
درجه دار	۱۶ نفر	۱۷ نفر	—	۴ نفر
کارمند	۲ نفر	۲ نفر	—	۲ نفر
سرباز	۳۹ نفر	۱۴ نفر	—	۳۹ نفر
جمع	۸۴ نفر	۵۰ نفر	۲۵ نفر	۱۰۴ نفر

هواناوهای نیروی دریایی در ۵ سورتی از بندر امام خمینی به آبادان و بالعکس تعداد ۲۷۴ نفر نیرو، ۹۵ مجروح، شش شهید، پنج تن مهمات و تعدادی وسایل و خودروی نظامی را جابه‌جا کرده‌اند .

بالگردها در ۱۵ سورتی پرواز از بندر امام خمینی به آبادان و بالعکس عملیات جابه‌جایی ۴۵۰ نفر نیرو

و ۱۲ تَن بار را انجام داده‌اند. (۱۵۹)

نشریه «شرق الاوسط» امروز نوشت:

«ادعاها در مالکیت خوزستان نشان می‌دهد که ارتش رژیم عراق برای ماندن آمده است، به طوری که مطبوعات عراق پس از سقوط خرمشهر اعلام کردند: محمره (خرمشهر) سرزمین اجدادی است و نیروهای مسلح عراق آن شهر را برای ابد باز پس گرفته‌اند»
نشریه گاردین:

ارتش رژیم عراق برای در هم کوبیدن مقاومت مردم در شهرهای مرزی خانه‌ها و بیمارستان‌ها و اماکن آموزشی را مورد حملات هوایی و موشکی قرار می‌دهد. کشتن زنان و کودکان درخانه‌ها و یا بیمارستان‌ها یا دانش‌آموزان در مدرسه‌ها برای رژیم عراق مفهوم انسانی ندارد. اگر چه مجامع خبری داخل عراق در آغاز این حمله‌ها را انکار می‌کردند، اما خبرگزاری‌های خارجی از این جنایت صدام که بی‌رحمانه به مناطق مسکونی، درمانی و ... حمله می‌کنند، خبر دادند.
به عنوان مثال گاردین نوشت:

«بر اثر حمله نیروهای عراقی با موشک‌های زمین به زمین به مناطق مسکونی در شهر دزفول، واقع در جنوب غربی ایران، بیش از ۱۰۰ نفر کشته و ۱۷۴ نفر مجروح شدند.» (۱۶۰)

خاطره‌ای از سرهنگ بازنشسته غلامعلی ابریشمیان معاون گردان ۳۶۸ توپخانه لشکر ۷۷ پیاده در عملیات ثامن الائمه (ع):

چند هفته پس از حمله ددمنشانه نیروهای عراقی به کشور عزیزمان، گردان ۱۵۳ پیاده و یک آتشبار از گردان ۳۶۸ توپخانه به فرماندهی سروان بانژاد به منطقه آبادان عزیمت نمود. حدود دو هفته بعد بقیه گردان ۳۶۸ به فرماندهی سرگرد علیجان نوروزی و معاونت این جانب از طریق راه آهن به اهواز حرکت نمودیم، این درحالی بود که کلیه خودروهای حاضر به کار، مهمات بار مبنا^۱ و تجهیزات، تقریباً کامل به منطقه جابه جا گردید. شب هنگام بود که به اهواز رسیدیم، در ایستگاه راه‌آهن، دژبان از حضور ما مطلع گردید. مردم در ایستگاه اهواز حالت غیر عادی داشتند و منتظر قطار بودند که شهر را ترک کنند و می‌گفتند

^۱ - بار مبنا مقدار مهماتی است که همراه سلاح مربوطه باشد، در صورت مصرف اضطراری بلافاصله باید جایگزین گردد.

نیروهای عراقی تا ایستگاه حمید پیش آمده‌اند.

در آنجا دستور دادند که به بندر امام برویم. با همان قطار به بندر امام رفتیم. در آنجا ابلاغ شد که توپ و تجهیزات را برای حمل به آبادان از قطار تخلیه کنیم. من با تمام خودروهای موجود برای حمل مهمات توپ به امیدیه رفته و پس از بارگیری مهمات سریعاً برگشتیم.

تمام گردان را با ۴ فروند بالگرد شنوک و هاورکرافت به بندر چوئیبده در داخل جزیره آبادان جابه‌جا نمودیم. از چوئیبده با یک راهپیمایی تاکتیکی به داخل آبادان تغییر مکان دادیم، دود غلیظی ناشی از آتش‌سوزی «تانک فارم‌ها»^۱ از کیلومترها دورتر قابل رؤیت بود، این آتش‌سوزی با اجرای تیراندازی خمپاره و گلوله توپخانه دشمن ایجاد شده بود. در بدو ورود، فرمانده گردان ۱۵۳^۲ که قبلاً وارد آبادان شده بود ما را دریافت نمود. در پشتیبانی از نیروهای مستقر شده در شمال بهمن‌شیر خواست تا روی گرای داده شده توپها روانه شوند.^۳ با توجه به برد و گرای داده شده متوجه شدم که چه خطری از آبادان دور شده است^۴ و این به‌جز با ایثار و شهادت نیروهای رزمنده ما میسر نبود.

سروان ابراهیم بانژاد را دیدم که در اولین کلام پرسید: مهمات آورده‌اید؟ و بعد ادامه داد که در رویارویی با عبور دشمن از بهمن‌شیر مهمات آنها به نصف رسیده است، با پاسخ مثبت من مثل این‌که همه چیز عوض شد. قیافه خسته‌اش خندان شد و جان گرفت و شروع به تشریح وضعیت منطقه نمود.

لحظات حساس بود و از سه طرف روی نیروهای مستقر شده در جزیره آبادان گلوله می‌بارید. با توجه به مشکل آماد رسانی مهمات، ما سعی در صرفه‌جویی مهمات داشتیم، ولی با توجه به نیاز به بالابردن روحیه نیروهای خودی، بعضاً با تمام سلاحها به اجرای آتش سنگین و پر حجم روی دشمن مبادرت می‌کردیم تا دشمن به کمبود نیرو و مهمات ما پی نبرد. در این راستا فشار روحی و روانی که از سوی مسئولان غیر ارتشی بر ما وارد می‌شد، فراموش نشدنی است، زیرا قادر به درک کمبودها نبودند و می‌خواستند که کوچک‌ترین تحرک دشمن را با انبوهی از آتش پاسخ دهیم.

بعدها که یگان‌ها به منطقه وارد شدند و تا حدی مهمات رسانی آسانتر شد، فشارهای روحی و روانی این مقامات نیز کاهش یافت. با فعال شدن بندر چوئیبده، ملزومات در چارچوب فعالیت‌های

^۱ تانک‌های مخصوص فرآورده‌های نفتی و سوختی

^۲ سرهنگ دوم منوچهر کهتری

^۳ انجام محاسبات ریاضی و قراردادن لوله‌های توپ در جهت دشمن را «روانه شدن» گویند.

^۴ منظور آخرین حضور دشمن می‌باشد.

لجستیکی به داخل جزیره آبادان حمل می‌شد و یگان‌هایی که زجر کمبود مهمات را چشیده بودند تا می‌توانستند مهمات ذخیره کردند تا دچار بدترین معضل توپخانه‌عنی نداشتن مهمات نشوند. بعد از ورود به داخل جزیره آبادان، با استقرار پست‌های دیده‌بانی، اجرای آتش گردان به‌طور مستمر در شبانه‌روز ادامه داشت و من برحسب وظیفه، دیدگاه‌ها را بازدید می‌کردم. شنیده بودم که خط زیر پل خرمشهر، خطرناک‌ترین منطقه است و آتشبار یکم که از قبل در جزیره مستقر شده بود، یک پست دیده‌بانی در آن منطقه دارد. برای سرکشی و آشنایی با منطقه به آنجا رفتیم. روزهای اول ورود ما بود، با گلوله و صدای آن در فاصله دور آشنا شده بودم ولی تا آن روز از دیدگاهی که در داخل خط باشد، بازدید نکرده بودم. تا جایی که امکان داشت با خودرو رفتیم، سپس پیاده شده با خیزهای کوتاه خود را به یکی از پایه‌های پل رسانیدم. صدای نزدیک گلوله کالیبر کوچک و خمپاره و سایر سلاح از هر طرف شنیده می‌شد. در پشت پایه پل پنهان شدم که ناگهان خمپاره‌ای نزدیک و در سمت چپ به زمین اصابت نمود و ترکش کوچکی مرا مجروح کرد و شروع به خونریزی کرد، انگشتان دستم را تکان دادم، دیدم مشکلی ندارم، چون احساس کردم دشمن متوجه اصابت گلوله در نزدیکی من شده و ممکن است دومین گلوله را به طرف من شلیک کند، سریعاً با چند خیز متوالی از پایه به پایه خود را به آخرین پایه عریض پل رسانیده و پشت آن پناه گرفتم.

صدای شلیک نزدیک گلوله و انبوه آتش، هر تازه‌واردی را به هراس می‌انداخت، در همین حال دو گلوله تانک از آنسوی کارون به چپ و راست من اصابت کرد. صدای انفجار آن قدر نزدیک بود که نمی‌دانستم چه کار بکنم، دیدم پایه پل محل مناسبی نیست. مجبور شدم با خیزهای سریع خود را به سنگر نیروهای خودی که با کیسه شنی محفوظ شده بود برسانم. پس از باند پیچی دستم و بازدید از دیده بان و آشنایی به منطقه، متوجه شدم که باید هرگونه حرکت در این قسمت از خط پدافندی، در تاریکی شب صورت گیرد، لذا تا تاریکی ماندم و شب هنگام به گردان ملحق گردیدم. با ورود گردان، مرکز تطبیق آتشها را در داخل جزیره و در ساختمان بانک ملی تشکیل دادیم. به دلیل کمبود یگان آتش، آتشبارها روی چند گرا^۱ روانه شده بودند تا بتوان تمام منطقه را زیر آتش توپخانه قرار داد. مجبور بودیم که شبانه‌روز به طور مستمر آتش مورد نیاز را در تمام سمت‌ها

۱. یک آتشبار توپخانه معمولاً روی یک هدف تیراندازی می‌کند، ولی درحالت اضطراری که دشمن در چند قسمت و فاصله از هم استقرار دارد، می‌توان با ابتکار عمل، هر دو یا سه توپ را روی یک هدف روانه کرد.

اجرا کنیم. منطقه حساس و کم عرض آبادان طوری بود که یگان‌های توپخانه اکثراً در برد خمپاره دشمن قرار داشتند به همین دلیل ما تلفات زیادی را متحمل می‌شدیم و پرسنل با فداکاری و ایثار، مأموریت‌های محوله را اجرا می‌کردند، شهدای زیادی را تقدیم کردیم، به طوری که یادمان هست روانشاد شهید ستونیار تاج محمدی سرگروه‌بان آتشبار دوم در داخل موضع مورد اصابت خمپاره دشمن قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

در مرکز تطبیق آتش، اغلب از فرط بی‌خوابی، روی طرح تیر^۱ خوابمان می‌برد. مداومتکاری به دلیل روزهای اول جنگ و شدت آتش و کمبود پرسنل هنوز شکل نگرفته بود. بعدها که سروان خبازی به عنوان معاون مرکز آمد، ما توانستیم در محلی که در گوشه‌ای از بانک ملی در نظر گرفته شده بود، ساعتی به استراحت بپردازیم. خدا می‌داند که علی‌رغم کار مداوم و خسته کننده از استراحت کوتاه در شبانه روز احساس گناه می‌کردیم، ولی می‌دانستیم که اگر استراحت نکنیم، نمی‌توانیم به کار ادامه دهیم، بدین ترتیب خود را قانع می‌کردیم.

وضعیت آبادان با درگیری دائمی بین ما و دشمن و تبادل آتش سنگین، ماه‌ها بود که به شدت ادامه داشت، اجرای آتش روی مواضع، جاده‌های مواصلاتی و ستون‌های دشمن در شمال آبادان و خرمشهر انجام می‌شد، سعی می‌کردیم کمبود توپخانه‌ها را با نواخت آتش زیاد جبران کنیم، به طوری که دشمن از حجم آتش ما، تصور حضور چندین گردان توپخانه را در داخل جزیره آبادان بنماید. این درحالی بود که مرکز تطبیق سعی می‌کرد از توپخانه‌های جاده ماهشهر-آبادان در انهدام اهداف منطقه مسئولیت خود نیز استفاده کند، به خصوص با فعال شدن بندر چوئیبده در آماد رسانی مهمات، این حجم آتش فزونی یافت و این روند ادامه داشت. یگان‌های جدید توپخانه وارد منطقه آبادان شدند و تعادل نسبی بین توپخانه ما و دشمن در منطقه حساس آبادان ایجاد گردید. (۱۶۱)

تیمسار فلاحی که شخصاً در قرارگاه اروند حضور دارند، دستور دادند نیروهایی که از لشکر ۷۷ پیاده خراسان به اهواز رسیده‌اند، سریعاً به ماهشهر حرکت داده شوند، لذا در تاریخ ۵/۸/۵۹ گردان ۱۵۳ پیاده تیپ ۲ لشکر ۷۷ که به تازگی از اهواز به ماهشهر رسیده بود، از ماهشهر به سمت خرمشهر جنوبی حرکت و به دستور تیمسار فلاحی، فرمانده آن- سرهنگ منوچهر کهتری- به فرماندهی یگان‌های خرمشهر جنوبی منصوب گردید.

۱. ابزاری است برای هدایت آتش.

روز ششم آبان ماه: در شهر آبادان ۱۰ نفر شهید و ۱۲۰ نفر مجروح / ۱۱۳

سرهنگ کهتری در بازدید از باقی‌مانده نیروهای گردان ۲۳۲ تانک و ۱۶۵ مکانیزه و ۱۵۱ دژ لشکر ۹۲ که قبل از حمله عراق در مرز خرمشهر مستقر بودند، از تیمسار فلاحی تقاضا نمود که این نیروها نیاز است که برای بازسازی از منطقه خارج شوند. به همین منظور قبلاً لشکر ۹۲ زرهی اردوگاهی در پادگان دغاغله ایجاد کرده بود تا یگان‌هایی که به شدت آسیب پرسنلی و لجستیکی دیده‌اند، ضمن بازسازی و آموزش، در این محل استراحت نمایند و بدین ترتیب این یگان‌ها به محل یاد شده اعزام گردیدند.

حضور نیروی جدید در جزیره آبادان موجب تقویت روحیه پرسنل گردید و لذا مقتضی است که سایر یگان‌های لشکر ۷۷ پیاده به تدریج از نوار مرز شرق کشور رها و به اهواز حرکت داده شوند. بنابراین پس از چند روز گردان ۱۳۶ پیاده نیز با هواپیما و راه‌آهن به منطقه عملیاتی جنوب وارد گردید. این درحالی است که قبلاً گردان ۲۴۶ تانک تربت جام و گردان ۱۴۸ پیاده نیز در نبردهای خوزستان شرکت داشتند.

با ورود نیروهای تازه نفس عراقی به منطقه شرق کارون، وضعیت پدافند از جزیره آبادان با در دسترس بودن تقریباً نیروهای تازه نفس، جدی‌تر و قطعی‌تر گردید. زیرا درگیری در این جزیره با توجه به استعداد روز افزون دشمن و ادعاهای ارضی واهی عراق و همچنین قطع خطوط ارتباطی و کمبود امکانات حتمی است. (۱۶۲)

روز ششم آبان ماه: در شهر آبادان ۱۰ نفر شهید و ۱۲۰ نفر مجروح

در حوادث روز ششم آبان، اولین نکته جالبی که به چشم می‌خورد دستور اعزام گردان‌های رزمی لشکر ۹۲ زرهی مستقر در خرمشهر، به اردوگاه بازسازی برای تجدید سازمان است. با توجه به تلفات سنگینی که به ۳ گردان لشکر ۹۲ زرهی شامل: گردان‌های «۳۲۲ تانک»، «۱۶۵ پیاده زرهی» و «۱۵۱ دژ» وارد آمد و این گردان‌ها بعد از تشکیل فرماندهی «اروند» جزو عناصر زیر امر آن قرار گرفتند، دستور داده شد که برای بازسازی از میدان نبرد خارج شوند.

بنابراین، در کنار رودخانه «خلف آباد»، اردوگاهی تشکیل شد که در تمام طول جنگ این اقدام برای اولین بار صورت گرفت، زیرا اصولاً ارتش جمهوری اسلامی ایران در شرایطی با تجاوز عراق و ادامه ی آن روبه‌رو شد که در محاصره اقتصادی قرار داشت و امکان واگذاری تجهیزات سنگین مقدور نبود و به همین علت، همین گردان‌ها نیز پس از چند روز، بدون انجام اقدامات شایان توجه، دوباره به میدان نبرد

برگردانده شدند و در واقع فقط ، افراد یاد شده چند روزی از صحنه نبرد دور بودند.

در گلوله باران شهر آبادان ۱۰ نفر شهید و ۱۲۰ نفر مجروح شدند و همانگونه که اشاره شد سقوط خرمشهر میزان خطر برای آبادان را فوق العاده افزایش داد .

نیروهای دشمن از سه سمت شمال ، جنوب و شمال غرب جزیره آبادان و در مرکز ، شهر آبادان را تهدید می کردند. سپس عملیات پوشش و فریب نیروهای دشمن در کرانه های جنوبی اروندرود افزایش یافت. هنگ «ژاندارمری آبادان» که مسئولیت تأمین کرانه های شمالی اروندرود را بر عهده داشت، پیشنهاد کرد برای خنثی ساختن تهدید احتمالی نیروهای عراق در عبور از اروندرود ، پاسگاه های کرانه اروندرود تقویت شوند. در آن موقع این پیشنهاد منطقی بود، زیرا اگر نیروهای عراقی موفق می شدند از سمت خرمشهر یا «بهمن شیر» وارد جزیره آبادان شوند به احتمال زیاد عناصری نیز با هر وسیله ممکن از اروندرود عبور می کردند، از پشت سر و از سمت جنوب مورد تهدید قرار می دادند و این کار چندان مشکل نبود. ضمن آن که فاصله بین پاسگاه ها ۷ تا ۱۰ کیلومتر بود و اگر یک پاسگاه غافلگیر می شد و منهدم می گردید، یک شکاف ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری در خط تأمین باز می شد و نیروهای دشمن می توانستند از این شکاف بسادگی وارد جزیره شوند؛ اما به طوری که حوادث جنگ نشان داد، ارتش عراق با برآوردی که از وضعیت ارتش ایران کرده بود، نیازی برای عبور از اروندرود احساس نکرد و تصور داشت در مدت کوتاهی از طریق زمین، خرمشهر و سپس آبادان را تصرف خواهد کرد. بنابراین پیش بینی وسایل عبور از اروندرود را نکرده بود .

گرچه در روزهای نخست تجاوز عراق ، ارتش و ملت ایران به عللی که پیش از این آمد، لطمه های سختی را در جبهه اروندرود متحمل شدند، ولی مقامات مسئول برای جلوگیری از تکرار حوادث، آمادگی بیش تری یافتند. با همین انگیزه ، برای دفاع از جزیره آبادان اقدامات مؤثری به عمل آمد.

در روز ششم آبان ، نیروهای جمهوری اسلامی ایران که در کرانه بهمن شیر مستقر بودند، یک تک محدود به نیروهای دشمن و به سمت جاده آبادان - ماهشهر اجرا کردند که موفقیت آمیز بود و همین نوع اقدامات سبب شد دشمن متوجه اراده و تصمیم قاطع رزمندگان اسلام گردد که اثرات روانی فوق العاده ای در سرنوشت جنگ داشت. دیگر آن که این گونه اقدامات بین افراد دشمن ایجاد وحشت می کرد که خود سبب تضعیف توان ارتش عراق بود. از سوی دیگر، به سربازان عراقی وعده

روز ششم آبان ماه: در شهر آبادان ۱۰ نفر شهید و ۱۲۰ نفر مجروح / ۱۱۵

داده شده بود که جنگ بیش تر از یک هفته طول نخواهد کشید، در حالی که هفته‌ی ششم جنگ آغاز شده بود و هیچ‌گونه تغییری نیز در اراده‌ی مقامات مسئول و نظامی ایران و هم‌چنین رزمندگان جان برکف اسلام دیده نمی‌شد. این موضوع برخلاف انتظارات حکومت و ارتش عراق و حتی سایر کشورها بود.

آتش‌افروزان این جنگ، بر مبنای پیش‌بینی جنگ‌های اعراب و اسرائیل، برآورد کرده بودند که دولت، ملت و ارتش ایران در مدت چند روز به زانو در خواهند آمد و آتش بس را قبول خواهند کرد و به پیشنهادهای حکومت عراق تسلیم خواهند شد، اما در سایه‌ی الطاف خفیه‌ی الهی چنین نشد. بنابراین تحت آن شرایط، هر اقدام غیر انفعالی که از سوی رزمندگان اسلام به‌ویژه در راستای عملیات آفندی مورد اجرا گذارده می‌شد، حرکتی به منظور اثبات قاطعیت در تصمیم و تسلیم ناپذیری بود و می‌توانست تأثیر سرنوشت‌سازی در مسئله جنگی داشته باشد. به همین علت عملیات‌های محدود و کم وسعت، که در ماه‌های اول جنگ از سوی رزمندگان ایران انجام گرفت، تأثیر زیادی در جریان جنگ داشت. البته گاه این حمله‌ها از نظر تاکتیکی منطقی به نظر نمی‌رسید و اقدامی ارزیابی شده محسوب نمی‌شد. برای مثال تک روز سوم آبان در محور ماهشهر-آبادان برای واحد پیاده در گرمای بسیار زیاد و در زمین کاملاً باز و با دشمنی که چندین برابر نیروی خودی توان رزمی داشت، انتخاب هدفی در عمق (حدود بیست کیلومتر) غیر اصولی بود. به هر حال، با طولانی شدن جنگ، تجربیات فرماندهان افزایش می‌یافت و طرح‌های منطقی‌تری تهیه و اجرا می‌شد.

در ششم آبان، فرماندهی اروند تصمیم گرفت مواضع دفاعی جزیره‌ی آبادان را که دور تا دور جزیره بودند، تقویت کند. تنها نیروی تقویتی حدود ۲۰۰ نفر تکاور نیروی دریایی بود که در بندر امام خمینی مستقر بودند، لذا فرماندهی اروند به فرمانده این واحد تکاور دستور داد یگان خود را به جزیره‌ی آبادان تغییر مکان دهد و زیر امر فرماندهی عملیات آبادان قرار گیرد.

از سویی، فرماندهی اروند در برآوردی از وضعیت منطقی درباره‌ی منطقه‌ی عملیاتی اروند نتیجه‌گیری کرد که در شرایط موجود نه تنها جزیره‌ی آبادان، بلکه شادگان و بندر خرمشهر و بندر امام خمینی نیز مورد تهدید جدی ارتش متجاوز عراق می‌باشند و لازم است برای تقویت قدرت دفاعی این منطقه، یگان‌های بیش‌تری در اختیار این فرماندهی قرار گیرد.

نیروهای تقویتی که اروند درخواست کرد، شامل: یک گردان تانک؛ سه گردان پیاده‌زرهی؛ یک

گردان نیروی مخصوص؛ سه گردان توپخانه ۱۳۰ م؛ یک گردان کاتیوشا؛ یک گردان توپخانه پدافند هوایی؛ یک گردان مهندسی رزمی و یک گردان مخابرات و عناصر پشتیبانی خدمات رزمی بود. این درخواست غیر منطقی نبود، زیرا در عمل، ضرورت آن مشخص شده بود، به همین دلیل، تصمیم گرفته شد، لشکر ۷۷ پیاده مشهد هرچه سریع‌تر به منطقه اعزام شود.

با گذشت زمان و پایان درگیری در خرمشهر، باقی‌مانده نیروهای رزمنده این منطقه، دچار خستگی روحی شدند و کارآیی رزمی آنان کاهش یافت. به این دلیل و بر اساس پیشنهاد فرمانده تکاوران دریایی، به مرور، افرادی که از آغاز جنگ در منطقه نبرد خرمشهر بودند، به منظور تجدید قوا برای مدتی به منطقه عقب اعزام شدند.

اطلاعاتی که از وضعیت آبادان، به ویژه «جزیره مینو» می‌رسید حاکی از تلاش بیش از پیش دشمن برای ورود به جزیره آبادان از شمال و جنوب بود، لذا فرماندهی اروند دستور داد گردان ۱۵۳ پیاده اعزامی از لشکر ۷۷ مشهد هرچه سریع‌تر و با هر وسیله ممکن به آبادان تغییر مکان داده شود تا تحت نظر فرماندهی عملیات آبادان و فرمانده گردان مربوطه اقدام لازم برای خنثی کردن تهدیدات، به عمل آید. به این ترتیب، گردان ۱۵۳ پیاده به وسیله بالگرد و هواناو از ماهشهر به جزیره آبادان تغییر مکان داده شد.

آخرین وضعیت عملیاتی منطقه خرمشهر - آبادان در روز ششم آبان به این شرح بود که تمرکز سنگین آتش دشمن به کرانه جنوبی کارون در خرمشهر، به ویژه قسمت جنوبی پل در جبهه شمال آبادان که نیروهای خودی با دشمن درگیر بودند.

به تلافی عملیات درخشان نیروی هوایی که حمله‌های مؤثری بر مواضع دشمن اجرا کرده بود، متقابلاً بالگردهای دشمن به آبادان حمله کردند و خساراتی بر تأسیسات آن شهر وارد آوردند. (۱۶۳)

نویسنده کتاب «اطلاعات در جنگ تحمیلی»

در خونین‌شهر نیروهای دشمن هم چنان مستقر هستند و نیروهای خودی نیز در مواضع دفاعی قرار دارند. آتش توپخانه دشمن در قسمت جنوبی پل و اطراف منازل سازمانی کوه‌دشت جاده آبادان - خونین شهر متمرکز و به شدت در حال اجرا است.

در آبادان، در جبهه بهمن‌شیر، نیروهای دشمن مشغول درگیری با نیروهای خودی هستند و شهر به طور مداوم زیر آتش دشمن قرار دارد و نقل و انتقالات زیادی در جاده روبه‌روی آبادان تا فاو

انجام می‌گیرد.

از ساعت ۰۷:۰۰ الی ۱۶:۰۰ فردوگاه آبادان به طور مرتب زیر آتش خمپاره بود و تعدادی خمپاره به باند فرودگاه و اطراف کلانتری اصابت کرد و خسارات مالی به بار آورد. در ساعت ۱۵:۳۰ بر اثر اصابت خمپاره به داخل مدرسه دخترانه طالقانی آبادان ۴ نفر به شهادت رسیدند. (۱۶۴)

برابر اعلام ژاندارمری، در ساعت ۱۰:۰۰ یک فروند میگ عراقی به قرارگاه گارد ساحلی آبادان حمله کرد و در اثر تیراندازی پدافند هوایی مجبور به فرار شد. برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش: در ساعت ۱۰:۳۰ امروز، دو فروند فانتوم مناطق «کوت زین» و «ام الرصاص» و مواضع دشمن در خرمشهر را بمباران کردند. (۱۶۵)

برابر اطلاعیه‌های امروز ستاد مشترک ارتش، در منطقه عمومی آبادان: دشمن در پی حمله‌های هوایی شب ششم آبان به شهر آبادان، دوباره در ساعت ۰۸:۰۰ صبح، قسمتی از شهر آبادان را زیر آتش توپخانه و سلاح‌های سنگین دور برد خود قرار داده که نیروهای خودی به آتش آنان پاسخ دادند.

در منطقه شرق خونین‌شهر، تعدادی خودرو، یک تیپ زرهی و تعدادی از نفرات دشمن مورد حمله شدید جنگنده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. در این عملیات تعدادی از نفرات دشمن به هلاکت رسیدند، ولی از خسارت وارده اطلاع دقیقی در دست نیست. (۱۶۶)

روز هفتم آبان ماه: اعزام تدریجی سایر یگان‌های لشکر ۷۷ پیاده مشهد به منطقه مورد بحث

با توجه به شرایط بحرانی منطقه آبادان - ماهشهر، نیروی زمینی تصمیم گرفت به مرور لشکر ۷۷ پیاده را به منطقه ماهشهر تغییر مکان دهد، لذا علاوه بر گردان ۱۵۳ پیاده و گردان ۲۴۶ تانک و چند آتشبار توپخانه در روز ۶ آبان، گردان ۱۳۶ پیاده نیز به وسیله هواپیما از مشهد به اهواز تغییر مکان داده شد و وسایل سنگین آن گردان شامل یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ م که در پشتیبانی گردان قرار داده شده بود و خودروهای مربوطه به وسیله راه آهن از مشهد به اهواز حمل شد. در روز ۷ آبان ماه قسمتی از این عناصر به اهواز وارد گردید.

لازم به یادآوری است که قبلاً گردان ۱۴۸ پیاده و یک گروهان تانک از عناصر لشکر ۷۷ به اهواز اعزام و در منطقه عملیاتی جنوب غربی اهواز وارد نبرد شده بودند. بنابراین علاوه بر بهبود وضعیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه دزفول، در منطقه اهواز - ماهشهر نیز توان رزمی نیروهای رزمنده ایرانی رو به افزایش نهاد. (۱۶۷)

در ساعت ۰۹:۵۰ در اثر اصابت گلوله خمپاره دشمن به محله «بریم» آبادان، ۲ نفر شهید و ۳ نفر مجروح گردیدند.

در ساعت ۱۲:۱۵ نیروهای عراقی ساختمان کلانتری فرودگاه آبادان را با توپخانه مورد هدف قرار دادند که در نتیجه تعداد ۶ نفر از نیروهای شهربانی شهید و ۲۵ نفر مجروح شدند.

در ساعت ۱۵:۱۵ بر اثر اصابت راکت مزدوران عراقی به محل استقرار گروه عملیاتی شهربانی آبادان یک نفر افسر و ۳ نفر پاسپار شهید و ۳ نفر پاسبان مجروح شدند.

از ساعت ۱۸:۰۰ توپخانه ارتش عراق مستقر در منطقه بصره پشت پایگاه دریایی و «کوت شیخ» خرمشهر را زیر آتش شدید گرفتند.

در ساعت ۱۸:۴۵ در اثر اصابت گلوله ی خمپاره به لوله های نفتی (دروازه ی شماره ی ۱۴ پالایشگاه آبادان) آتش سوزی ایجاد شد که هم چنان ادامه دارد.

توپخانه سنگین ایران مواضع ارتش عراق در «کوتالزین الجار» (روبه روی خونین شهر) را زیر آتش شدید گرفته و آن ها را وادار به عقب نشینی نمودند.

برابر اطلاع، ارتش عراق مشغول تدارک یک حمله وسیع و همه جانبه و کارساز علیه شهر آبادان است و احتمال می رود این حمله تا ۴۸ ساعت آینده به مرحله اجرا درآید.

برابر اعلام هواپیمایی نیروی زمینی (هوانیروز)، امروز یک فروند بالگرد کبری در منطقه ماهشهر مورد اصابت گلوله دشمن واقع شد و خلبانان آن مجروح گردیدند، این بالگرد در محل قابل تعمیر است.

برابر اعلام سپاه پاسداران، امروز برادران پاسدار در یک درگیری شدید با یک ستون موتوری مزدوران عراقی در منطقه «مارد» آبادان ضمن انهدام قسمتی از ستون، مانع عبور آنان از کارون شدند. در این درگیری ۲ نفر پاسدار به شهادت رسیدند. (۱۶۸)

نویسنده کتاب «اطلاعات در جنگ تحمیلی»

همکاران اطلاعاتی در شب ۵۹/۸/۷ گزارش دادند که برابر اطلاعات مکتسبه، دشمن در تاریخ ۵۹/۸/۸ قصد ایجاد رخنه در خط پدافندی خودی در منطقه عمومی شمال کوی ذوالفقاری را دارد. زیرا این منطقه در شمال شرق شهر آبادان قرار داشته و به جاده آسفالتی آبادان - خسروآباد کاملاً نزدیک و به اسکله آبادان و مخازن شطیپ دسترسی داشته و بدین ترتیب شهر کاملاً در محاصره قرار می‌گیرد.

به دنبال این پیام، فرمانده عملیات آبادان به قرارگاه ارون در ماهشهر دعوت شد تا در جلسه توجیه که در حضور تیمسار فلاحی و فرمانده قرارگاه جنوب تشکیل می‌شود شرکت نماید. این گردهمایی در ساعت ۲۰:۰۰ روز ۵۹/۸/۷ با حضور فرماندهان عمده مناطق درگیری، اعضای ستاد ارون، استاندار خوزستان، مقامات ارتشی، فرمانده سپاه پاسداران منطقه دارخوین و فرمانده تکاوران دریایی تشکیل گردید.

در این جلسه تیمسار فلاحی چنین فرمودند:

«از جناب سرهنگ فروزان تشکر می‌کنم که قرارگاه ارون را سازماندهی نمودند و حالا می‌توانیم با مسئولان محترم این منطقه که همه از افسران لایق و شایسته هستند، مذاکره نموده و در رابطه با عملیات تصمیم‌گیری نماییم.

آقایان؛ شرایط فوق‌العاده حساس است. کار خرمشهر تمام شد و باید به فکر آبادان، ماهشهر، شادگان و اهواز باشیم. وظیفه و رسالتی بزرگ و مسئولیتی خطیر و تاریخی به عهده ما گذاشته است. دشمن بی‌رحمانه شهر آبادان و تأسیسات آن را بمباران و گلوله باران می‌نماید. آبادان به تلی از دود، خاک و آه و ناله تبدیل گردیده. کلمه آبادان در دنیا معرف نام ایران است و شهرت جهانی دارد. اقتصاد ایران و پالایشگاه آبادان یکدیگر ادغام گردیده‌اند. ارون‌رود رگ حیات ایران زمین است و آبادان صدف آن.

امروز دشمن شرف، حیثیت، غیرت، جوانمردی و نژاد پاک ایرانی را نشانه گرفته و جزیره آبادان، قلب تپنده ایران زمین است. من به عنوان یک نظامی مسئول در جمع همه فرماندهان مناطق مختلف اعلام می‌نمایم "باید جزیره آبادان حفظ و حصر آن شکسته شود." آبادان آرامگاه همه وطن‌دوستان است. چه افتخاری از این بالاتر، بهتر و شایسته‌تر که همگی در این خطه زرخیز با لباس رزم شهید شویم تا شاهد حضور هیچ یک از مزدوران عراقی در این دیار شیران نباشیم.

فرمانده گروه اطلاعات در گزارشی که به من داد نیروهای دشمن را بیش از یک لشکر برآورد

نموده که قصد حمله از طریق بهمن شیر به جزیره را دارند .

عزیزان من ؛ ما عراقی‌ها را می‌شناسیم . نزدیک به ۴۰ شبانه روز است که با آنها درگیریم . از تعداد زیاد آنها هراسی به دل راه ندهید . نیروهای دشمن انگیزه ندارند . با هدف قرار گرفتن چند وسیله ، آنها فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند . ما باید مقاومت کنیم و بانثار جان خود ، به دشمن و اربابان آنها ثابت نماییم که ایرانی تسلیم ناپذیر است .

در عملیاتهای حمیدیه، سوسنگرد، الله اکبر، علی گره زد، تپه کمانه و دب حردان به اثبات شد که با مقاومت و ایثار می‌توانیم پیروز شویم .

دشمن ما شجاعت و شهامت ندارد. امروز ما در جزیره و در خارج از جزیره نیرو به اندازه لازم داریم. یگان‌های زیادی هم در راه هستند. به هر حال فکر سقوط جزیره به مغز هیچ‌کس نباید خطور نماید. از همین جا و در همین جمع به سرهنگ حسنی سعدی ابلاغ می‌نمایم « تا یک رزمنده ایرانی در جزیره زنده است، تحت هیچ شرایطی نباید پای یک سرباز اجنبی به آنجا برسد.» ضمناً هوانیروز و نیروی هوایی تمام امکاناتشان را در اختیار قرارگاه اروند قرار دهند . هیچ نوع کمبودی در جزیره پذیرفتنی نیست. ارتش بسیج شده تا جزیره آبادان شکست ناپذیر باقی بماند. والسلام " (۱۶۹)

روز هشتم آبان ماه: عبور دشمن از بهمن شیر در ذوالفقاری

در روز هشتم آبان دستور داده شد یک آتشبار ۱۳۰ مم گروه ۲۲ توپخانه با چهار قبضه توپ به ماهشهر اعزام شود. امروز یکی از روزهای پر حادثه منطقه آبادان بود . در آغاز روز ، عناصر اطلاعاتی خبر دادند که نیروهای عراقی به سمت رودخانه بهمن شیر پیشروی کرده و به سه کیلومتری کرانه شمالی رودخانه رسیده‌اند و تلاش می‌کنند وارد محدوده شهر آبادان شوند. با این عمل محور مواصلاتی ماهشهر - آبادان که تنها محور آزاد مانده برای رساندن وسایل تدارکاتی و پشتیبانی به جزیره آبادان بود، در کنترل نیروهای دشمن قرار گرفته است. ارسال هر گونه وسایل و تجهیزات و یگان به آبادان از طریق رودخانه ی بهمن شیر به وسیله هواناو و یا به وسیله بالگرد انجام می‌گرفت و تخلیه مجروحان از آبادان به ماهشهر نیز از همین طریق بود. اگر رودخانه بهمن شیر نیز در کنترل نیروهای دشمن قرار می‌گرفت، راه ارتباطی آبی هم قطع می‌شد و بیرون راندن نیروهای دشمن از جزیره آبادان پیش از عقب راندن آنان به غرب رودخانه کارون بسیار مشکل می‌شد .

با پیشروی دشمن به سمت کرانه بهمن شیر، کنترل جاده خاکی آبادان - ماهشهر نیز در اختیار دشمن قرار گرفت .

در ساعات اولیه روز هشتم، دشمن موفق شد در کرانه شمال بهمن شیر به سمت شرق پیشروی کند و حدود ۱۵ کیلومتر از این کرانه را تحت کنترل خود در آورد و با آتش جنگ افزارهای غیر مستقیم جاده آبادان - خسروآباد را در داخل جزیره آبادان زیر آتش بگیرد و رفت و آمد در این جاده را محدود سازد، لذا شهر آبادان در روز هشتم عملاً در محاصره کامل قرار گرفت .

همزمان با محاصره کامل آبادان، بالگردهای دشمن نیز در منطقه ماهشهر - شادگان فعال شدند و به مواضع نیروهای ایرانی، که در شرق سرپل دشمن موضع گرفته بودند، حمله کردند. وقوع یک حادثه خطرناک دیگر در منطقه عملیات اروند کاملاً احساس می شد. آبادان زیر گلوله باران شدید دشمن قرار داشت و تلفات و خساراتی بر نیروهای ایرانی و تأسیسات آبادان وارد می آمد . گردان ۱۴۴ پیاده برای تشخیص مواضع و نیروهای مقدم دشمن یک گروه گشتی به محور ماهشهر - آبادان فرستاد .

عناصر این گشتی حضور دشمن را در مسافت ۱۰ کیلومتری شرق سه راهی آبادان - ماهشهر در کرانه شمالی تأیید کردند. عناصر اطلاعاتی گزارش دادند که نیروهای دشمن به سه کیلومتری شهر آبادان رسیده اند و این شهر به طور کامل در مقابل تهدید جدی قرار گرفته است. این گونه گزارش ها نشان می داد که نیروهای دشمن آماده می شوند از رودخانه بهمن شیر گذشته و وارد جزیره آبادان گردند تا ابتدا شهر آبادان و سپس تمام جزیره را به اشغال خود در آوردند.

سرانجام حادثه ای که در شرف وقوع بود اتفاق افتاد و نیروهای دشمن در شب هشتم به نهم آبان ماه در منطقه ای به نام ذوالفقاری روی رودخانه بهمن شیر پل شناور احداث کردند و با عبور دادن قسمتی از نیروهای رده هجومی خود برای اولین بار وارد جزیره آبادان شدند .

محل عبور آنها در حوالی قریه «ثوامر» در یک کیلومتری شمال شرقی پاسگاه «دروازه خسروآباد» نزدیک قبرستان قرار داشت. عراقی ها پس از ورود به قریه «الوانیه» و ثوامر تعدادی از اهالی را به اسارت گرفتند .

ظاهراً نیروهای دشمن از طریق نخلستان های شمال بهمن شیر به رودخانه نزدیک شده و در نقاط مناسب ابتدا عناصر پیاده را با قایق از رودخانه عبور داده و قسمتی از نخلستان جنوبی

بهمن‌شیر را اشغال و سرپل کوچکی را تصرف کردند. عراقی‌ها با مرور زمان، شروع به توسعه‌ی سرپل به سمت جاده‌ی خسروآباد در جنوب و شهر آبادان در غرب نمودند و سرانجام به جاده‌ی آبادان - خسروآباد دسترسی پیدا کردند. در این زمان بود که یگان‌های منطقه، از عبور نظامیان عراقی از رودخانه آگاهی یافتند و قرارگاه عملیاتی ارونند با نیروهای موجود به طور جدی و ایثارگرانه وارد عمل شد. (۱۷۰)

برابر اعلام لشکر ۹۲ زرهی، وضعیت خونین شهر و آبادان تا ساعت ۱۴:۰۰ امروز به شرح زیر است:

در خونین شهر وضعیت دشمن تغییری نکرده است.

در آبادان، دشمن ضمن این‌که در تمام مدت روز شهر را زیر آتش توپخانه قرار داده بود، از ایستگاه ۷ در امتداد جاده‌ی خاکی و در امتداد رود بهمین‌شیر حدود ۱۵ کیلومتر به سوی خسروآباد پیشروی کرده و با توپ و تانک منطقه‌ی "خسروآباد" را شعاع عمل خود قرار داده است. عبور و مرور به هیچ وجه مقدور نیست و آبادان در شرف محاصره‌ی کامل است.

نیروهای عراقی در پیشروی به سوی ایستگاه ۷ آبادان یک خودروی نظامی حامل ۲۰ نفر سرنشین را مورد هدف قرار دادند و همه‌ی سرنشینان آن را شهید کردند.

دشمن تعداد ۴ دستگاه خودروی نظامی را که ۲ دستگاه آن حامل مهمات بود، به تصرف خود در آورده است.

در ساعت ۰۹:۳۰ یگان مستقر در خسروآباد یک فروند کشتی یدک‌کش دشمن را با آرپی‌جی ۷ مورد هدف قرار داد و منهدم کرد. در بازرسی از کشتی مذکور پرچم عراق و یک دستگاه بی‌سیم ساخت انگلیس و ۲ عدد کپسول آتش‌نشانی کشف گردید.

امروز، نیروهای عراقی با توپخانه و موشک هدایت‌شونده، گارد ساحلی خسروآباد را زیر آتش قرار دادند که نیروهای خودی، ضمن دفع حمله‌ی دشمن ضربه‌های شدیدی به نیروهای عراقی وارد آوردند:

اجرای آتش روی پاسگاه «القیاد» و انبار مهمات در «الشوجی» عراق و انهدام آن‌ها

انهدام ۲ دستگاه خودروی مهمات دشمن در ناحیه‌ی «الدوره» عراق و گسترش حریق در

نخلستان منطقه‌ی مزبور

انهدام ۲ سنگر تیربار دشمن

روز نهم آبان ماه ؛ نقش سرنوشت ساز گردان ۱۵۳ ... / ۱۲۳

در ضمن در این درگیری ، یک نفر از پرسنل گارد ساحلی مجروح گردید .
همچنین، به علت شدت آتش توپخانه ایران برج دیده‌بانی گارد ساحلی عراق تخلیه گردیده و نیروهای آن به ۴ کیلومتر عقب‌تر رانده شده اند .
از ساعت ۱۸:۳۰ مورخه ۵۹/۸/۸ تا ساعت ۰۵:۳۰ تاریخ ۵۹/۸/۹ دشمن از هوا و زمین منابع حیاتی و نقاط حساس آبادان را زیر آتش گرفت و خسارات زیادی به بار آورد .
یک گردان توپخانه (هویت نامعلوم) از بغداد به بصره اعزام شد تا در منطقه خرمشهر- آبادان مستقر گردد.

در اثر آتش توپخانه دشمن به آبادان تعداد ۸۲ نفر مجروح شدند . (۱۷۱)
به وسیله ۳ فروند هواناو نیروی دریایی از بوشهر به آبادان و برگشت اقدامات زیر انجام گرفت:
جابه جایی ۷۷۰ نفر شامل: تکاور، نیروهای نظامی و غیر نظامی، تیم پزشکی .
حمل ۷ تن مهمات (۱۷۲)

خبرگزاری‌های خارجی از قول آیت‌الله خلخالی نقل قول کردند که اگر آمریکا قطعات یدکی و تجهیزات جنگی در اختیار ایران بگذارد، گروگان‌ها آزاد خواهند شد. آقای «مانسکی» وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرده است که دولت آمریکا در حال بررسی این مسئله است و باید آن را آزمایش کند. (۱۷۳)

روز نهم آبان ماه: نقش سرنوشت‌ساز گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ در نجات آبادان از خطر سقوط

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، دشمن در شب نهم آبان، در منطقه‌ای به نام ذوالفقاری بر روی رودخانه بهمن‌شیر پلی احداث کرد و با عبور دادن نیروهای تکور خود، منطقه‌ای در جنوب بهمن‌شیر را به تصرف خود در آورد و سرپل کوچکی را در کنترل خود گرفت تا نیروهای اصلی حمله‌کننده عراقی بتوانند از این محور وارد جزیره آبادان شده و آبادان را به تصرف خود درآورند.

برابر اعلام ستاد عملیات اروند :

نیروهای دشمن، که تا گورستان آبادان پیشروی کرده‌اند، در شمال جاده آبادان - خسروآباد مشغول کندن سنگر می‌باشند .

ستون دیگری از نیروهای دشمن در روی جاده آبادان - ماهشهر به‌گندی مشغول پیشروی

می‌باشد.

عده‌ای از نیروهای دشمن از رود بهمن‌شیر عبور کرده و در داخل نخلستان خسروآباد مستقر شده‌اند و حدود ۵۰۰ نفر افراد دشمن در حال پیاده شدن در منطقه خسروآباد (آبادان) هستند که به همین منظور درخواست پشتیبانی نزدیک هوایی شده است.

فرمانده منطقه آبادان در ساعت ۰۷:۱۵ نهم آبان، فرماندهان گردان و گروهان‌های اعزامی از گردان ۱۵۳ پیاده تیب قوچان از لشکر ۷۷، یگان تکاوران، سپاه پاسداران و سرپرست عناصر مردمی رزمنده را به یک جلسه‌ی مشورتی احضار کرد. در آن جلسه تصمیم گرفته شد که با انجام حمله متقابل، جلوی پیشروی عناصر دشمن سد شود.

در ساعت ۰۸:۳۰ نیروهای رزمنده خودی به فرماندهی سرهنگ کهتری فرمانده گردان ۱۵۳، وارد عمل شدند. دشمن حدود دوگردان خود را از رودخانه بهمن‌شیر عبور داده بود و هدف او قطع جاده خسروآباد و رساندن خود به اروند کنار بود تا بتواند جزیره آبادان را به طور کامل اشغال نماید.

رزمندگان ایرانی با جانبازی و فداکاری بسیار به منطقه ذوالفقاری هجوم برده و با دشمن درگیر شدند. کار به جنگ تن به تن رسید، این نبرد تا روز دهم آبان ادامه یافت و نزدیک ۲۸۰ نفر از افراد عراقی کشته شدند.

در این نبرد قهرمانانه، نیروهای خودی با پشتیبانی هوای پیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) و نیروی هوایی و توپخانه‌های موجود، پس از انهدام نیروهای دشمن و به اسارت گرفتن ۱۳۰ نفر از آنان، پل احدائی دشمن بر روی بهمن‌شیر را تخریب کردند و با استفاده از قایق در شمال بهمن‌شیر نبرد را برای عقب راندن دشمن ادامه دادند و عراقی‌ها به اجبار پس از این شکست به خاکریزهای اولیه خود در حوالی جاده خاکی عقب نشینی کردند و بدین ترتیب، آبادان از سقوط حتمی نجات یافت.

فرماندهی اروند نتیجه این عملیات را چنین گزارش کرده است:

تلفات دشمن در حمله متقابل، که توسط تعدادی از یگان‌های این فرماندهی در جلو رودخانه بهمن‌شیر از ساعت ۱۰:۰۰ تا ساعت ۱۸:۰۰ امروز به عمل آمد، عبارتند از:

تعدادی از نفرات دشمن اسیر گرفته شد. این نفرات در طول روز جاری به ماهشهر و یا بندر امام خمینی تخلیه خواهند شد.

تعداد ۱۸۷ نفر کشته و تعدادی بیش از این تعداد زخمی و مجروح شدند، به طوری که تقریباً

روز نهم آبان ماه ؛ نقش سرنوشت ساز گردان ۱۵۳ ... / ۱۲۵

حدود ۷۰ درصد نیروهای یک گردان پیاده دشمن نابود گردید و تعداد ۴۰ دستگاه تانک منهدم شد و به احتمال، به ۱۲ دستگاه تانک دیگر ضربه‌های سنگینی وارد آمد. (۱۷۴)

به‌علت درگیری سنگین نیروهای سپاه پاسداران در منطقه «سلمانیه» و به منظور پشتیبانی از آنان، لشکر ۹۲ زرهی به فرماندهی آتشبار ۱۰۵ م مستقر در «کوت عبدالله» دستور داد :

«با هماهنگی با فرمانده پاسگاه کوت عبدالله و نماینده سپاه پاسداران منطقه، به محض دریافت این امریه به اتفاق برادران سپاه که تأمین شما را در حرکت و در حین تیراندازی برقرار می‌نمایند، به طرف محل مأموریت در حوالی سلیمانیه حرکت نموده و با هماهنگی لازم، برادران سپاه را که در محاصره قرار گرفته‌اند، با اجرای آتش پشتیبانی نمایید. حرکت از مواضع به سوی محل مأموریت را از طریق سپاه اطلاع دهید.» (۱۷۵)

در همین روز، دشمن مبادرت به تک در غرب کرخه و بل نادری برای عبور از آن و تهدید دزفول و اندیمشک نمود، اما با دفاع فوق‌العاده رزمندگان لشکر ۲۱ پیاده، دشمن با تحمل تلفات زیاد به مواضع خود عقب‌نشینی نمود. این عملیات، خود حماسه‌ای بزرگ بوده و شرح مفصل دارد که به علت عدم ارتباط با موضوع این مجموعه، از شرح آن خودداری می‌شود.

گردان ۱۵۳ قهرمان!

خاطره‌ای از: سرهنگ توپخانه ابراهیم بانژاد فرمانده آتشبار یکم گردان ۳۶۸ توپخانه در عملیات ثامن الائمه (ع)

با توجه به حمله وحشیانه ارتش عراق در تاریخ ۵۹/۶/۳۱ و اشغال مناطقی از میهن اسلامی ایران، یگان‌ها یکی بعد از دیگری به منطقه اعزام می‌شدند.

در تاریخ ۵۹/۷/۱۹ طی یک دستور آگهی مقررگردید گردان ۱۵۳ پیاده به اضافه یک آتشبار از گردان ۳۶۸ توپخانه به فرماندهی من در تاریخ ۵۹/۷/۲۱ با خودروهای سازمانی از کوچان به مشهد عزیمت نماییم. در تاریخ ۵۹/۷/۲۳ همراه با یک گروهان تانک از گردان ۲۴۶ با بدرقه گرم و صمیمی مردم و مسئولان استان و استاندار وقت (دکتر غفوری فرد) از ایستگاه راه آهن مشهد توسط قطار عازم منطقه جنوب شدیم .

دشمن قبل از رسیدن ما به اهواز، ایستگاه راه آهن اهواز را بمباران نموده و در نتیجه به اجبار در ایستگاه کارون (نرسیده به اهواز) پیاده شدیم .

نماینده‌ای از قرارگاه عملیاتی برای هدایت ما به ایستگاه آمده بود و ما را به منطقه زرگان اهواز هدایت و نزدیک دهکده ملاثانی، منطقه تجمع در نظر گرفته شده مستقر و منتظر رسیدن بقیه گروه رزمی شدیم .

در تاریخ ۵۹/۷/۲۹ به اتفاق فرمانده گروه رزمی (سرهنگ منوچهر کهنتری) برای شناسایی منطقه درگیری و خط تماس در جنوب اهواز به حوالی کارخانه نورد اهواز و جنگلهای اطراف آن رفتیم. ابلاغ شد پس از شناسایی منطقه درگیری و خط تماس در مقابل دشمن پدافند کنیم که یکباره وضع عوض شد و دستور داده شد سریعاً فرمانده گروه رزمی با بالگرد خود را به ستاد عملیاتی اروند در ماهشهر معرفی تا پس از توجیه، در منطقه قرارگاه اروندکنار به کار رود. عصر همان روز با بالگرد از اهواز به سمت ماهشهر حرکت کردیم .

برابر اخبار واصله، ارتش عراق جاده آبادان-اهواز را قطع نموده و به سمت جاده ماهشهر-آبادان در حرکت بود و حلقه محاصره آبادان را تنگ تر کرده بود .

پس از شرکت فرمانده گروه رزمی در جلسه توجیه در ستاد اروند مستقر در ماهشهر، ابلاغ شد که سریعاً گروه رزمی منهای گروهان تانک توسط هاورکرافت و بالگرد از طریق سربندر به داخل جزیره آبادان منتقل گردد تا به کمک سایر نیروهای رزمنده ، مانع اشغال جزیره آبادان توسط نیروهای متجاوز بعثی شوند. لذا دستور داده شد که یگان‌ها تحت فرماندهی معاونین ، شبانه از اهواز حرکت و خود را به سربندر برسانند و آماده بارگیری شوند .

ساعت ۴ صبح روز ۵۹/۷/۳۰ یگان‌ها به سربندر رسیدند . همان روز گردان ۱۵۳ با بالگرد و قسمت عمده آتشبار شامل (پرسنل - توپ کشها - مهمات) توسط هاورکرافت به سوی آبادان عزیمت نمودند . همچنین دستور داده شد ستون خودرویی از طریق جاده ماهشهر - آبادان خود را به آبادان برساند .

ستون مذکور در نزدیکی آبادان با گشتی‌های دشمن برخورد و پس از درگیری ، خودروها با استفاده از بیراهه و جاده خاکی خود را به آبادان رساندند.

آتشبار در روز ۵۹/۸/۲ با دریافت کلیه عناصر خود در داخل جزیره آبادان در کوی بهروز (حدود یک کیلومتری پل خرمشهر) مستقر و پشتیبانی آتش را از مدافعان خرمشهر و یگان‌هایی که در مقابل پل به منظور جلوگیری از نفوذ دشمن به داخل جزیره آبادان آماده می‌شدند، به عهده گرفت. در همین زمان گردان ۱۵۳ در مقابل خرمشهر آماده مقابله با دشمن گردیده بود .

روز دهم آبان ماه: انهدام پل دشمن بر روی بهمن‌شیر و پاکسازی حاشیه رودخانه / ۱۲۷

منطقه استقرار گردان پس از مدتی نامناسب تشخیص داده شد، لذا به منظور جلوگیری از تلفات زیاد سریعاً به پشت بیمارستان طالقانی جابه‌جا و موضع جدیدی اشغال گردید .

در ساعت ۸ صبح روز ۵۹/۸/۹ فرمانده گردان ۱۵۳ و من به ستاد عملیات آبادان واقع در هنگ ژاندارمری احضار شدیم. جلسه شور ستادی با شرکت سرهنگ شکرریز، سرهنگ حسین حسینی سعدی ، سرهنگ ۲ منوچهر کهتری فرمانده گردان ، برادر شاهرخ (از فداییان اسلام) ، من و تعدادی دیگر که اسامی آنان را به خاطر ندارم تشکیل شد . در این جلسه عنوان شد که عراق در تاریکی شب و ادامه آن در روشنایی روز، بعد از عبور از بهمن‌شیر عناصری از نیروهای خود را به داخل جزیره نفوذ داده و قصد توسعه وضعیت را دارد ، لذا با عجله دستور داده شد گردان ۱۵۳ که به منظور مقابله با دشمن در مقابل پل خرمشهر مستقر شده بود، یک گروهان را در زیر پل مستقر و بقیه گردان و نیروهای سپاه پاسداران را به منطقه ذوالفقاریه به منظور دفع تجاوز نیروهای مهاجم عراقی حرکت دهد.

گردان ۱۵۳ و تعدادی از نیروهای مردمی برای مقابله و هجوم به طرف گورستان آبادان عزیمت نمودند. آتشبار هم سریعاً برای پشتیبانی نیروی عمل کننده تغییر موضع داده و در حوالی کوره‌های آجرپزی در کوی ذوالفقاریه روبروی پادگان خسروآباد مستقر گردید و به پشتیبانی آتش پرداختیم. در این درگیری که با رشادت و دلاوری پرسنل گردان و رزمندگان مردمی آغاز شده بود، ضمن تقدیم تعدادی شهید ، دشمن متجاوز به عقب رانده شد. دشمن با پذیرفتن تعدادی تلفات و از دست دادن ادوات زرهی و وسایل خود به شمال بهمن‌شیر عقب‌نشینی نموده، در لاک دفاعی فرو رفت و آتشبار تا شکستن حصر آبادان (مهر ماه ۶۰) همچنان به مأموریت پشتیبانی آتش برای یگان‌های رزمنده در داخل جزیره آبادان در این منطقه حساس ادامه داد و در این مأموریتها تعدادی از بهترین جوانهای خود را تقدیم میهن اسلامی نمود. روانشان شاد، یادشان گرامی باد. (۱۷۶)

روز دهم آبان ماه: انهدام پل دشمن بر روی بهمن‌شیر و پاکسازی حاشیه رودخانه

در صبح دم امروز، نیروهای خودی وارد نخلستان‌های شمال بهمن‌شیر شدند و تا چند متری بهمن‌شیر پیشروی کردند و سرانجام در همان روز ، پل احداثی دشمن بر روی بهمن‌شیر منهدم شد و شبانه، حاشیه رودخانه پاکسازی گردید و دشمن از جزیره آبادان بیرون رانده شد و باقی مانده عناصر بعث؛ یعنی حدود ۱۳۰ نفر نیز به اسارت در آمدند.

عملیات برای بیرون راندن تعدادی از افراد دشمن از نخلستان شمال بهمن‌شیر ادامه یافت. توپخانه

عراق از داخل خاک آن کشور در جنوب اروندرود منطقه ذوالفقاری را به شدت زیر آتش داشت. تعدادی قایق توسط ژاندارمری و سپاه فراهم گردید و نیروهای خودی، شامل عناصر مردمی فداییان اسلام، رزمندگان سپاه و ارتش با قایق از بهمن شیر گذشتند و وارد نخلستان «ابوعبادی» شدند و به تدریج پیشروی کردند و دشمن را از نخلستان‌ها بیرون راندند. افراد عراقی به خاک‌ریزهای شمال جاده خاکی عقب‌نشینی کردند و چون از پیشروی در مسیر ذوالفقاری ناامید شده بودند، تلاش کردند از سمت «فیاضیه» (بین ایستگاه ۱۲ و خرمشهر) به سمت آبادان پیشروی کنند، ولی با نیروهای سپاه پاسداران برخورد کردند. ستاد عملیاتی آبادان به سرعت یک گروهان از تیپ قوچان را به فیاضیه اعزام کرد و در نتیجه جلو پیشروی دشمن در فیاضیه نیز گرفته شد.

این عملیات تا ۱۸ آبان ماه ادامه داشت و مرحله سوم آن بیرون راندن نیروهای عراقی از روستای نخلستان ابوعبادی بود که نیروهای سپاه پاسداران و عناصر مردمی در این قسمت از عملیات نقش فعالی داشتند و سنگر به سنگر با دشمن جنگیدند و نیروهای عراقی را تا ۴ کیلومتری شمال رودخانه بهمن شیر به عقب راندند. در این منطقه، ۱۷ دستگاه لودر و بلدوزر و تعداد زیادی نفربر و خودروهای دیگر و اسلحه و مهمات فراوان از دشمن برجای ماند. (۱۷۷)

گزارش‌های فرارگاه مقدم نیروی زمینی حاکمی است که در تهاجم متقابل رزمندگان خودی در منطقه بهمن شیر، امروز تعداد ۱۲ دستگاه تانک دشمن منهدم گردید و حدود ۱۰۰ نفر از مزدوران بعثی کشته شدند.

برابر اعلام اداره دوم ارتش، در ساعت ۱۶:۴۵ توپخانه نیروهای خودی مستقر در خسروآباد مواضع نیروهای عراقی را در منطقه «الغداییه» زیر آتش گرفتند. (۱۷۸)

وزیر نفت و ۲ نفر از معاونان وی اسیر شده‌اند. برابر اعلام سپاه پاسداران، در ساعت ۱۰:۰۰ دو فروند هواپیمای میگ عراقی در منطقه آبادان مورد اصابت گلوله پدافند هوایی ارتش واقع شد که یک فروند آن در منطقه دشمن سقوط کرد و یک فروند دیگر در منطقه خودی سرنگون شد و جنازه سوخته خلبان آن به بیمارستان اهواز تخلیه گردید.

برابر گزارش افسر ناظر مقدم آبادان، در حمله هواپیماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن در اطراف خونین شهر و آبادان، خسارات و تلفات زیر به دشمن وارد آمد:

روز دهم آبان ماه: انهدام پل دشمن بر روی بهمن شیر و پاکسازی حاشیه رودخانه / ۱۲۹

خودروی فرماندهی	۳ دستگاه
تریلر پراز مهمات	۴ دستگاه
کمپرسی پراز مهمات	۱ دستگاه
لودر	۶ دستگاه
گاز ۶۶ پراز مهمات	۱ دستگاه
پی . ام . پی	۳ دستگاه
خدمه و نفرات	حدود ۱۰۰ نفر

نیروی دریایی درباره منطقه عمومی آبادان نیروی دریایی گزارش نمود :
فعالیت هواخواها و بالگردهای نیروی دریایی برای پشتیبانی و امداد عملیات خونین شهر و آبادان
به شرح زیر انجام گردید :

حمل ۱۴ تن بار و مهمات و جابه جایی ۸۳ نفر از بندر امام خمینی به آبادان ؛
حمل ۱۵ تن مهمات و آذوقه و ۲ دستگاه تانکر آب و ترابری ۱۶۱ نفر پرسنل از بندر امام
خمینی به آبادان ؛

حمل ۲ دستگاه وانت و ۷ دستگاه قایق «خمینی» و ۲ تن دارو از بندر امام خمینی به آبادان ؛
حمل ۳ دستگاه جیب و ۳ دستگاه خمپاره انداز و یک دستگاه تانکر آب و ترابری و ۲۲ نفر
پرسنل از بندر امام خمینی به آبادان ؛

تخلیه ۱۶۰ نفر تکاور و ژاندارمری از منطقه به بندر امام خمینی ؛
تخلیه ۱۳۰ نفر تکاور و هوانیروز از منطقه به بندر امام خمینی ؛
در منطقه خلیج فارس و دریای عمان گشت دریایی انجام گرفت و مورد مشکوکی مشاهده نشد.

عملکرد بالگردهای آن نیرو از ۵۹/۷/۱ تا ۵۹/۸/۱۰ به شرح زیر اعلام شد :

ساعت پرواز انجام شده در مناطق دوم و سوم دریایی ۶۵۰ ساعت ؛
ترابری نیروهای نظامی ، غیر نظامی ، مجروح و حمل جسد ۳۵۶۰ نفر ؛
پشتیبانی مناطق عملیات از نظر حمل اسلحه ، مهمات ، تجهیزات و وسایل ۱۷۵ تن ؛
پشتیبانی عملیات شناسایی تجسس و نجات و اطفای حریق ۵۶ سورتی ؛
پشتیبانی از ناوگان بندر عباس ۱۰۰ ساعت پرواز. (۱۷۹)

امروز توسط ناوچه‌های جوشن، گردونه و پیکان نیروی دریایی به سکوه‌های البکر و و الامیه حمله و به آتش کشیده شد. در این عملیات ضمن ضایعات زیاد بر این دوسکو، یک فروند هواپیمای میگ دشمن نیز ساقط شد. (۱۸۰)

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش :

عده‌ای از اهالی موصل به دور یک فروند فانتوم ایرانی که در آن شهرستان سقوط کرده بود، جمع شده بودند که در اثر انفجار هواپیما، تعدادی از آنان کشته شدند. (۱۸۱)

فعالیت نیروی هوایی ارتش در منطقه عمومی آبادان :

در جاده ماهشهر - آبادان به دشمن آسیب فراوانی زده شد .

انهدام دو واحد پدافند هوایی دشمن در منطقه آبادان .

مباران نیروهای زرهی مزدوران بعث عراق در منطقه شلمچه که در این عملیات تلفات و

ضایعات شدیدی به دشمن وارد شد .

انهدام تعدادی بالگرد ، تانک و خودروی زرهی دشمن در مناطق شلمچه و خونین شهر. (۱۸۲)

پاریس - خبرگزاری فرانسه :

فرانسه ۶۰ هواپیمای جنگنده اف-۱۰۰ میراژ را که در سال ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ توسط عراق سفارش

شده بود، از ماه آینده و ۳ ماه زودتر از موعد مقرر به این کشور تحویل خواهد داد! (۱۸۳)

روزنامه اطلاعات :

ساعت ۰۹:۰۰ صبح دیروز، یک فروند میگ ۲۳ ارتش عراق در منطقه بین «دارخوین» و

«سلیمانیه» مورد اصابت گلوله آتشبارهای ضد هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و

سقوط کرد . یکی از خلبانان میگ ۲۳ کشته و دیگری زخمی شد. در همین گزارش آمده است که

یک میگ ۲۳ دیگر مزدوران عراقی نیز در همین محل مورد اصابت گلوله‌های آتشبارهای هوایی

ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و در محل تجمع مزدوران عراقی سقوط کرد. " (۱۸۴)

«امروز، مدافعان اسلام در جبهه آبادان موفق شدند بیش از ۲۰۰ نفر از مزدوران بعثی را که از

رودخانه بهمن شیر عبور کرده بودند، به هلاکت برسانند. در نبردهای دیروز آبادان باز هم تعداد زیادی

از سربازان مزدور عراقی به اسارت ارتش انقلاب اسلامی درآمدند و پس از آن که مقدار زیادی از

اسلحه و مهمات و چند دستگاه نفربر زرهی دشمن نابود شد و عاجزانه عقب نشینی نمودند. (۱۸۵)

بهمن شیر طلیمه شکست متجاوز!

خاطره‌ای از سرهنگ پیاده محمد میرپور فرمانده گروهان دوم گردان ۱۵۳ پیاده

پنجم یا ششم آبان ماه ۵۹ بود (تاریخ دقیق آن یادم نیست) گروهان یکم گردان ۱۵۳ پیاده از تیپ ۲ لشکر ۷۷ از دامنه ارتفاعات هزار مسجد، به منظور ایجاد هزار مسجدی دیگر در مقابله با تجاوز بعثیون عراقی و در دامنه‌های جنوب غربی زاگرس، در بندر امام، کنار کارخانه پتروشیمی، آماده حرکت به سوی خرمشهر، این شهر بلا دیده در طول تاریخ بود و مستمع گفته‌های فرمانده‌ای تاریخی، سرتیپ فلاحی: «اینک تاریخ به همت شما مردان چشم دوخته است، این سرزمین مورد تجاوز دشمنی دیرینه قرار گرفته، از آن دفاع کنید. شرایط سخت است، اما تصور من این است که شما از آن سخت ترید، بروید خدائگهدارتان، شاید افتخار دیدار شما را برای مرتبه بعدی نداشته باشم، اگر چنین باشد، دیدار به قیامت!»

محورهای ماهشهر - آبادان، و اهواز- آبادان توسط دشمن متجاوز قطع شده بود، گردان ۱۵۳ پیاده شبانه توسط هواپیماهای ترابری نیروی هوایی از مشهد به منطقه وارد و پس از توجیه مختصری پیرامون شناسایی دور افق^۱، گروهان یکم اولین واحدی از آن بود که از طریق هوا و توسط وسایل پرنده نیروی زمینی و دریایی از قبیل بالگرد و هاورکرافت به منطقه چوئیده واقع در جنوب غربی جزیره آبادان منتقل گردید. فرماندهی این گروهان به عهده من، ستوان آن موقع محمد میرپور و فرماندهی گردان به عهده سرهنگ ۲ پیاده منوچهر کهتری بود.

وسایل و تجهیزات توسط لنج و قایق‌های باری انتقال داده شد. ستاد فرماندهی گردان و گروهان‌ها در مدرسه ای مخروبه در اثر بمباران (۱۷ شهریور) استقرار یافت و یگان‌ها در مناطق اطراف در پناه درختان جنگلی به صورت پراکنده منتظر دریافت دستور بعدی شدند.

تحت نظارت فرماندهی گردان، شناسایی‌های لازم را در حاشیه کارون و بهم‌نشیر تا پل ارتباطی خرمشهر- آبادان انجام دادیم. برایم جالب و در عین حال غم‌انگیز بود که در زیر پل تعدادی از دختران و پسرانی را دیدم که برای کمک به نیروهای مدافع در چاله‌هایی که برای خود درست کرده بودند حضور داشتند. آنجا و در همان زمان مطلع شدم که شب قبل خرمشهر عزیز زیر ضربات مداوم متجاوز، با شهید شدن آخرین مدافعانش به تصرف دشمن درآمد است.

۱. «شناسایی دور افق» اصطلاحی است که به شناسایی سریع یک منطقه عملیاتی در زمان اضطراری اطلاق می‌شود.

فرمانده گردان - سرهنگ کهتری - منطقه استقرار و مسئولیت هر یگان را مشخص نمود. دستور داد که سریعاً شناسایی لازم انجام و یگان‌ها در طول ساحل کارون و بهمن‌شیر در محدوده پل استقرار و آماده دریافت مأموریت بعدی شوند.

من به همراه معاون خود ستوان احمدلو و گروه شناسایی، استوار بخت آزما و گروه‌بان بازمانده، شناسایی لازم را از منطقه به عمل آورده و سپس گروهان را شبانه در نهایت سکوت و غافلگیری به نزدیک پل انتقال دادیم .

ساعت ۸ بعدازظهر بود ، فرمانده گردان به ستاد عملیات منطقه واقع در هنگ ژاندارمری آبادان احضار شدند. فرماندهی عملیات در آبادان به عهده سرهنگ شکرریز بود. پس از ورود، یک روحانی به نام حاج آقای جمی که بعداً متوجه شدم امام جمعه آبادان می‌باشد، به همراه تعدادی از افسران و تکاوران نیروی دریایی را که آنجا حضور داشتند، مشاهده کردم. در این حضور من نیز در کنار فرمانده گردان بودم .

با توجه به اطلاعاتی که به دست آمده بود و در نتیجه احتمال حمله قریب‌الوقوع دشمن از شمال بهمن‌شیر به داخل آبادان می‌رفت، ستاد عملیات به‌عنوان یک عمل پیشگیرانه به گردان ۱۵۳ پیاده دستور داد که یک گروهان، شبانه از بهمن‌شیر عبور نموده، با همکاری تکاوران نیروی دریایی مستقر در آنجا، جاده ساحلی ماهشهر - آبادان را که در حاشیه رودخانه بهمن‌شیر واقع است تصرف نماید. یگان من مأمور انجام این دستور شد . به دلیل ضعف در وسایل ترابری ، یگان سوار بر اتوبوس‌های شرکت واحد با راهنمایی یک راهنما از ژاندارمری به طرف منطقه ذوالفقاریه در حاشیه بهمنشیر حرکت نمود^۱.

با توجه به اطلاعاتی که ستاد به ما داده بود ، فاصله زمانی ما تا محل مورد نظر بسیار کم بود، اما پس از حرکت و مدتی بسیار طولانی راهپیمایی احساس کردم که داریم در یک مسیر منحنی‌وار به دور خود بر می‌گردیم. به راهنما مشکوک شدم، دستور توقف خودرو را دادم ، راهنما را پیاده کرده و با تهدید و ارباب پرسش‌هایی نمودم، در نهایت اقرار نمود که قصد وقت تلف کردن و انحراف ما را داشته است! حدود ۱۰ دقیقه بعد به محل رسیدیم، عنصر نامطلوب را با مراقب به ستاد اعزام داشتیم، یگان پیاده شده در تاریکی شب در منطقه پراکنده شدند (قبرستان آبادان). از

۱. لازم به توضیح است که تا آن زمان نه من و نه فرماندهی گردان و نه هیچ یک از پرسنل یگان در آن منطقه حضور نداشته و طبیعتاً برای ما ناشناخته بود .

مناطق مورد نظر شبانه شناسایی به عمل آمد. نه از دشمن خبری بود و نه از قایقی که قرار بود بوسیله آنها به آن سوی رودخانه برویم! به منظور کسب تکلیف به فرماندهی گردان و فرماندهی عملیات متوسل شدم، تصمیم گرفته شد به علت این که شب از نیمه گذشته و امکان تهیه قایق میسر نخواهد بود، ساعاتی، یگان در محل استقرار استراحت کند.

دقایقی از آخرین دستور نگذشته بود که مجدداً به ستاد فرماندهی احضار شدم، مردی از اهالی بومی به ستاد مراجعه کرده و مدعی بود لحظاتی قبل نیروهای عراقی از بهمن شیر عبور نموده، وارد کوی ذوالفقاری شده‌اند، ضمناً پدرم را نیز گروگان گرفته و از او تحقیقات می‌نمایند، نام آن مرد «دریاقلی» بود.

دستور داده شد گردان برای مقابله با دشمن به طرف ذوالفقاریه حرکت نماید. من به‌عنوان فرمانده گروهان یکم سریعاً یگانم را به اول جاده خسروآباد تغییر مکان داده، حوالی پاسگاه خسروآباد، شکل تاکتیکی گرفته به حرکت ادامه دادیم، هوا به تدریج روشن می‌شد. نیروهای عراقی نیز از داخل نخل‌ها خارج شده، از کوره‌های آجرپزی گذشته به صورت تاکتیکی، در منطقه‌ای باز قرار گرفته بودند، با دوربین حرکاتشان کاملاً مشاهده می‌شد.

سلاح‌های سنگین مستقر شدند، یگان حالت تهاجمی اتخاذ کرد، اولین شلیک خمپاره به طرف دشمن آغاز شد. تکاثف آتش خوب بود، درگیری سربازان در نزدیکی کوره‌ها آغاز گردید. در حال پیشروی و تیراندازی بودیم که ناگهان متوجه شدیم تعداد زیادی از اهالی چماق به دست از پشت سر ما به کمک نیروها شتافته‌اند.

دشمن که گویا پیش قراولان یگان تک آور بودند و در همان لحظات اولیه چند نفری کشته داده بودند با مشاهده انبوه نیرو به طرف رودخانه عقب نشستند.

دومین یا سومین خمپاره دشمن بود که قسمتی از دستم با مختصر ترکشی آشنا شد و چند نفر مجروح شدند. در همین موقع یک نفر بر آب و خاکی دشمن که در داخل رودخانه مشغول جابه‌جا کردن نیرو بود توسط آرپی‌جی ۷ نیروهای خودی زده شد. شدت آتش طرفین پیشروی را کند کرده بود. تیربارهای مستقر دشمن در دو سوی رودخانه بهمن شیر که با انتخاب موضع مناسب و تداوم در تیراندازی اولاً تلفات نسبتاً زیادی به نیروهای ما وارد نمود، ثانیاً حرکت سربازان ما را کند و تقریباً متوقف ساخته بود، مورد توجه قرار گرفت، تصمیم و تلاش برای انهدام آنها آغاز شد. شخصاً برای از بین بردن یکی از این تیربارها وارد معرکه شدم. از آرپی‌جی سربازی را که در

همان لحظات زخمی شده بود استفاده کردم . با اولین شلیک موضع تیربار را که در پشت نخلی به صورت بسیار فعال در حال تیراندازی بود منهدم ساختم، لیکن در همین بین گلوله‌ای که به سوی من شلیک شده بود به ساق پای چپم که گویا در معرض دید بود، اصابت نمود. چون خونریزی زیاد بود، معاون گروهان ستوان احمدلو را برای ادامه هدایت یگان به جلو احضار کردم . دقایقی بعد در اثر خونریزی به حالت اغما رفتم و به عقب تخلیه شدم .

ادامه وضعیت را به روایت دوست و هم‌رزم عزیزم سرهنگ ارجمندی که در آن شرایط افسر خدمات درمانی بود و در کنار فرماندهی گردان حضور داشت ادامه می‌دهم .

تاریکی بر منطقه مسلط می‌شد. گردان ۱۵۳ پیاده با دو گروهان یکم و دوم که تعدادی از نیروهای آن تا این زمان به درجه رفیع شهادت نایل آمده و تعدادی هم مجروح شده بودند با دشمن در حال نبرد بود . با تاریکی کامل نیروهای خودی تقریباً به رودخانه رسیده و دشمن را عقب رانده بودند. شاید هم دشمن برای برنامه‌ریزی بعدی برای ادامه عملیات عقب‌نشینی کرده بود.

فرماندهی گردان و جمعی از نیروها در حال بازدید از خط درگیری توصیه‌های مراقبتی را به نیروها می‌نمودند. شب از نیمه گذشته بود که صدای به هم خوردن امواج آرام بهمن‌شیر توجه مرا جلب کرد . پس از بررسی متوجه شدیم که دشمن با تعدادی قایق با آرایش کامل و صورت بسیار غافلگیرانه به طرف ما حرکت می‌کنند .

سرهنگ کهتری دستور داد در سرتاسر ساحل نزدیک مدافعین آماده عکس‌العمل باشند، ولی جز با دستور اقدامی صورت ندهند. ضمناً دستور داد چندین جعبه نارنجک در محل حاضر نمایند . به مجرد این که دشمن به تیررس نارنجک دستی رسید، سرهنگ کهتری ابتدا خودش، سپس بقیه نیروها با پرتاب پیاپی نارنجک به داخل قایق‌ها منطقه کشتاری در داخل بهمن‌شیر ایجاد کردند که در آن نیمه شب تماشایی بود. دشمن نیز با انواع سلاح‌های پشتیبانی خود، شروع به اجرای آتش نمود .

تقریباً ساعتی این درگیری ادامه پیدا کرد و سپس سکوت بر همه جا مستولی گردید. در آغاز روشنایی صبح اجساد متجاوزان به صورت جمعی در داخل قایق‌ها و کنار ساحل بازیچه امواج بهمن‌شیر بود !

به دستور فرمانده گردان، ستوان نیکوکار فرمانده گروهان دوم شب بعد با عبور از رودخانه و شناسایی از دشمن و منطقه گسترش ، زمینه را برای استقرار گردان در حاشیه شمالی جاده

ماهشهر - آبادان فراهم نمود و بدین گونه بود که گردان قهرمان ۱۵۳ پیاده همراه با نیروهای سپاهی و مردمی توانست پس از ۴۸ ساعت جنگ تن به تن و دادن تلفات زیاد شاخ دشمن را در بهمن شیر شکسته و از آن طلبعه‌ای برای شکست متجاوز بسازد. (۱۸۶)

روایت نویسنده کتاب «امیر آبادان»

ورود دشمن به ذوالفقاریه

روز نهم آبان ساعت ۹ صبح، سرهنگ مشغول بازدید از نیروها و گپ و گفت با آنها بود که یک وانت بار نه چندان راهوار به رانندگی یک غیر نظامی با عجله و هراس، وارد محوطه گردان شد.

- فرمانده گردان کجاست؟

- بفرمایید، من هستم.

- من دریا قلی هستم. یک اوراقی در ذوالفقاریه دارم.

- راننده وانت کیه؟

- از بچه‌های آبادان است. نمی‌خواهد از شهر برود.

- خب چه خبر شده؟ چرا اینقدر هراسناکی؟

- سرهنگ، همین الان نیروهای عراقی از پلی که روی رودخانه بهمن شیر زده‌اند، وارد

ذوالفقاریه شدند، فکری بکنید.

سرهنگ با قرارگاه ارونند تماس گرفت و ضمن اعلام تجاوز دشمن چند دستگاه اتوبوس یا

وسیله نقلیه خواست تا بتواند نیروهایش را به خط یکم ببرد.

به سرعت به وسیله ستاد نیروهای انتظامی چند دستگاه اتوبوس اعزام و به محل رسیدند.

دستور سرهنگ نیروها سوار شده و تا نزدیکی های خسروآباد رفتند.

در خسروآباد اتوبوس‌ها را برگرداند و از نیروهایش خواست که به صورت ستون و با آرایش

جنگی به سمت رودخانه بهمن شیر (نقطه ورود دشمن) حرکت کنند و به فرماندهی آتشبار ۱۰۵ هم

گفت: زودتر در موقعیت شناسایی شده مستقر شوید؛ گویا زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌کردیم، باید با دشمن دست و پنجه نرم کنیم.

دشمن با همکاری و خبر چینی منافقین از رودخانه بهمن شیر گذشته و وارد ذوالفقاریه شده

بود. صدای تیراندازی و انفجار گلوله‌های خمپاره و توپ اوضاع شهر را به هم ریخته و سرهنگ که

جنگ را در مهاباد با دشمن تجربه کرده بود، حس کرد دشمن با تیراندازی‌های کور می‌خواهد با ایجاد رعب و وحشت آبادان را بی‌دردسر تصرف کند.

با شور و هیجان حماسی حرف می‌زد و نیروهایش را به کوبیدن و درهم شکستن دشمن فرا می‌خواند. در حال پیشروی ناگهان ترکش خمپاره‌ای بر قمقمه آبش اصابت کرد و بعد از شکافتن آن بر کمرش نشست و ترکش دیگری بر بازویش! فوران خون و سوزش حرارت ترکش‌ها که رگ و پیاش را می‌سوزاند، مانع حرکت به سوی دشمن نمی‌شد. دو بی‌سیم چی‌اش در کنارش به شهادت رسیدند. ۲ نفر از نیروهای مردمی با دیدن این صحنه به کمکش آمدند. از دیدن زخم‌هایش به شدت گریه کردند، بی‌سیم به زمین افتاده را به دوش کشیدند و همراه او به پیش رفتند.

سرهنگ با چشمانی تر، نگاهی به پیکر سربازان شهید همراهش کرد .

- تقاص خون شما را از متجاوزان خواهیم گرفت .

از آن سوی بی‌سیم کسی فریاد می‌زد: جناب سرهنگ! فرمانده گروهان یکم مجروح شده است.

- او را به عقب تخلیه کنید و فرمانده دستة خمپاره‌انداز مسئولیت او را به عهده بگیرید و پیش

برود .

چند نفر از مردم آبادان و نیروهای مردمی که همراه گردان به سوی دشمن می‌رفتند ، با دیدن لباس‌های خونین سرهنگ از او خواستند که برای مداوا به عقب برگردد، اما وقتی امتناع او را از عقب رفتن دیدند، با اصرار زخم‌هایش را سرپایی بستند و همراهش شدند.

خورشید پشت نخل‌های پیشروی گردان آهسته آهسته پنهان می‌شد. سرهنگ با هوشیاری فرمان ورود به نخلستان را داد . چند صد متری پیش نرفته بودند که صدای فریاد یک افسر عراقی توجه اش را به خود جلب کرد . افسر با عصبانیت خطاب به عراقی‌های گریزان فریاد می‌زد: ترسوها کجا می‌روید؟ برگردید؛ فرار نکنید؛ نیروهای ایرانی شکست خورده‌اند. فقط یک ساعت دیگر مقاومت کنید! به زودی نیروهای تازه نفس از راه می‌رسند.» سرهنگ دست به اسلحه برد و دست او را که کلتی در میان داشت، نشانه گرفت. اما شلیک نکرد و از بالای بلندی جستی زد و با افسر عراقی گلاویز شد. از آن جایی که افسر عراقی هیکلی درشت و دستانی قوی داشت، در یک حرکت سرهنگ را به کناری انداخت و پنجه‌های دستش را روی گلوی او گذاشته و با تمام توان فشار

داد...!

راه نفس سرهنگ بند آمد، با دست‌هایش تلاش می‌کرد از زیر هیکل دشمن نجات یابد، بی‌رمق روی زمین افتاد. چشم‌هایش سیاهی می‌رفت و تمام دنیا در مقابلش تار و تاریک‌تر شد، اما ناگهان حس کرد که راه نفسش باز شد و دست‌های افسر عراقی از حرکت ایستاد. تمام نیرویش را یک‌جا جمع کرد و با یک حرکت، هیکل سنگین او را به کناری انداخت. چشم‌ها را که باز کرد، دید یکی از سربازانش با یک سرنیزه که بر سر تفنگ او بود، بهت زده او را نگاه می‌کرد. نگاهی به افسر عراقی انداخت که پهلویش شکافته و خون از آن فوران می‌زد. سرهنگ کلت عراقی را از میان انگشت‌هایش بیرون کشید. نگاهی به کلت دشمن کرد و به این فکر فرو رفت که چرا از اسلحه برای کشتن او استفاده نکرده است؟ خشابش خالی بود!

نیروها با هدایت سرهنگ که حالا درد زخم‌هایش نیز او را بیشتر آزار می‌داد، خیز به خیز به سوی دشمن می‌رفتند. از مشکلات اساسی سرهنگ در پیشروی خود، فروختگان منافق بودند که در ساختمان‌های ذوالفقاریه مستقر شده و با خبرچینی و جنگ به یاری دشمن رفته و با اسلحه‌های اهدایی دشمن، مانع پیشروی نیروهای خودی شده بودند!

در این گیر و دار خبر رسید گروهان سوم در نزدیکی قبرستان ذوالفقاریه در محاصره افتاده و فرمانده آن کمک می‌خواهد. از سوی دیگر فرمانده گروهان دوم فریاد می‌زد که مهمات تمام کرده و به مشکل افتاده است.

سرهنگ بلافاصله دستور داد تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری را از روی جیپ باز کردند و مهمات مورد نیاز آنها را با همان جیپ فرستاد و از آنها خواست گروهان سوم را هم پشتیبانی کنند. نیروهای باقیمانده را به حاشیه رودخانه بهمن‌شیر آورد و در حالی که یک خط پدافندی را سازماندهی می‌کرد از آنها خواست که در پشت خاکریزی که جزر و مد رودخانه ساخته بود پناه بگیرند. گروهان دوم و سوم هم به آنها ملحق شدند.

مأموریت گردان با سرافرازی به پایان رسیده بود و نیروهای دشمن با تلفات سنگین و به جای گذاشتن ادوات و تجهیزات از پلی که آمده بودند، به آن سوی بهمن‌شیر گریخته بودند. صدای تیراندازی قطع شده بود و سکوت منطقه را فرا گرفته بود. سرهنگ به بهانه گشت در منطقه به دنبال تجهیزات می‌گشت تا کمبودهای گردانش را تأمین کند. حاصل جست و جویش ۴

جعبه نارنجک جا مانده از دشمن بود که بعدها کمک مؤثری در نابودی دشمن به او کرد. بیست و چهار ساعت بود که نیروهایش چیزی نخورده بودند. قمقمه‌ها خالی و لب‌ها خشکیده! ستوان ارجمندی با یکی از نیروهای مردمی که تعدادی از شهدا و مجروحین را به عقب تخلیه کرده بود، با چند سطل آب و چند بسته خرما از راه رسید، خودشان هم گرسنه و تشنه بودند. سرهنگ نگاهی به آن‌ها کرد.

- جناب سرهنگ، این جوان صحنه‌ای را تعریف کرد که مرا تحت تأثیر قرار داد و راه گلویم را بست. سرهنگ می‌خواست که ماجرا را بشنود. جوان غیرنظامی گفت:
معنی ایثار و جوانمردی را اینجا یاد گرفتم به ستوانی برخوردم که ستوان ارجمندی گفتند، نامش ستوان احمدلو بود، با یک سرباز در خط مجروح شده بودند، بنا به وظیفه، اول خواستم او را که چندین تیر و ترکش مستقیم دشمن بر تنش اصابت کرده بود، به عقب تخلیه کنم که با اصرار خواست سرباز مجروح را اول تخلیه کنم. وقتی سرباز را به عقب بردم و برگشتم، دیدم که او به شهادت رسیده است! سرهنگ به ایثار و مردانگی‌اش درود گفت.

دیشب چند بار ناله‌اش را از پشت بی‌سیم شنیدم، ولی نفهمیدم که کجا افتاده است. خودش هم مایل نبود جایش را به من بگوید که مبادا نیروها دچار مشکل شوند.
تعدادی از نیروهای خسته از رزم و پیشروی چند کیلومتری، هرکدام چیزی را بین صورت و خاک‌ها گذاشته و به خواب رفته بودند. تعدادی هم در سرتاسر منطقه مشغول دیده بانی و نگهبانی بودند.

سرهنگ با تعدادی از فرماندهان مشغول بررسی نقشه‌های اطراف رودخانه و چگونگی ضربه زدن به دشمن بود که صدای تیراندازی و فریاد کسی سکوت حاشیهٔ بهمین‌شیر را شکست. وقتی به سمت محل تیراندازی آمدند، چند نفر از سربازان خودی را دیدند که یک افسر عراقی را اسیر کرده و به سوی او می‌آورند.
- این بابا را از کجا آوردید.

- قربان! از رودخانه گذشته و در حال بالا آمدن از ساحل بود که شکارش کردیم.
افسر عراقی که از درد ناحیهٔ ران که با تیر ژ-۳ سوراخ شده بود، فریاد می‌زد. از سربازان می‌خواست که دستگاه بی‌سیمش را از پشتش باز کنند و جلوی خونریزی را بگیرند.
سرهنگ دستور داد او را سریع به پشت خط تخلیه کنند تا با سر و صدا باعث لو رفتن محل استقرارشان نشود. ضمناً نیروهای اطلاعاتی تلاش کنند از او موقعیت دشمن و دلیل نفوذش به

خاکریزهای ما را بپرسند.

افسر عراقی که لطف و مهربانی سرهنگ را دید، پس از مداوای اولیه در پشت خط، زبان گشود: «صدام دیروز در مراسم بازدید از لشکر ما، دستور داد که به سوی آبادان بروید. خواربار نبرید. سوخت زیاد با خود حمل نکنید. همه چیز در آبادان برای شما مهیاست. فردا در میدان شهر از شما سان خواهیم دید. خبرچین‌های ما گفته بودند که هیچ نیروی نظامی از ایران در آبادان وجود ندارد و آنها همه چیز را برای ورود ما مهیا کرده‌اند!»

افسر عراقی را که بردند؛ سرهنگ به همراه ستوان ارجمندی و ستوان نیکوکار به داخل سنگری رفتند و مشغول بررسی وضعیت نیروهای خودی و دشمن شدند. نزدیک صبح یکی از سربازها آمد.

- جناب سرهنگ! بیایید و آن طرف بهمن شیر را ببینید!

سرهنگ به جایی که او اشاره می‌کرد، نگاهی انداخت. یک دستگاه تانک عراقی ایستاده و چند نفر هم نقشه‌ای روی تانک پهن کرده و مشغول بررسی بودند. قبل از آن‌که سرهنگ حرفی بزند سربازی که چند سنگر آن طرف تر بود، آرپی جی اش را مسلح کرد و تانک دشمن را نشانه گرفت. موشک آرپی جی به تانک اصابت نکرد. خدمه‌ی تانک فرصت تیراندازی دوم را به او ندادند و با یک اقدام سریع سنگر آنها را با گلوله تانک منهدم کردند که آن سرباز شهید و چند نفر دیگر به شدت مجروح شدند. در یک چشم به هم زدن منطقه، جهنمی از آتش شد و نیروهای عراقی با هر چیزی که در دسترس داشتند، اقدام به تیراندازی به سوی نیروهای مستقر در حاشیه بهمن شیر کردند. اوضاع عجیبی بود. گلوله‌های ثاقب تانک به نخل‌ها اصابت می‌کرد و آنها را به آتش می‌کشید. سر و صدای گلوله و موشک‌ها چنان وضعی را پیش آورده بود که دیگر کسی جرأت نمی‌کرد سر از زمین بردارد. نیروهای خط یکم سرهاشان را میان دست‌ها پهن کرده و روی زمین دراز کشیده بودند.

ساعت ۲۲:۰۰، با قطع شدن تیراندازی دشمن، سکوتی سنگین در منطقه حاکم شد. سرهنگ از آرامش منطقه استفاده کرده و سربازان جدید را از خط دوم با سربازان خط یکم تعویض کرد. وقتی به سنگر موقت فرماندهی رفت، از فرط خستگی، سر به دیوار سنگر گذاشته و خوابش برد. ستوان ارجمندی و نیکوکار آمدند و او برخاست و سه نفری به بررسی وضعیت به وجود آمده و تلفات نیروهای خودی پرداخته و احتمال تک دشمن را مورد بررسی قرار دادند. ساعتی بعد ستوان ارجمندی خطاب به سرهنگ گفت: جناب سرهنگ، صدای به هم خوردن آب می‌آید. به نظرم

اتفاقی در منطقه در حال وقوع است.

سرهنگ سرش را از دیواره سنگر بالا آورد و با دوربین دید در شب ساحل و رودخانه بهمن شیر را پایید. تعداد زیادی سیاهی در منطقه پراکنده بودند.

سطح آب بهمن شیر به دلیل مد پایین رفته و ساحل گسترده تر شده بود. دشمن از موقعیت بهره گرفته و با همراهی و راهنمایی منافقین وطن فروش می خواست با پیاده کردن نیرو در این سوی رودخانه کار گردان ۱۵۳ را تمام و مناطق از دست رفته را دوباره تصرف کند. آنها به خوبی می دانستند اگر از بهمن شیر بگذرند و بتوانند تانک هایشان را به دشت باز آبادان و ذوالفقاریه بیاورند، کار دفاع برای نیروهای ایرانی مشکل خواهد شد.

شب اول که وارد نخلستان شدند، در ذهن سرهنگ تداعی شد. و این که نیروهای خودی با استفاده از گودال های بزرگ نخلستان توانستند به دشمن ضربه بزنند، منافقین که با فرار عراقی ها عرصه را تنگ می دیدند، با التماس از نیروهای عراقی و منافق می خواستند که آنها را هم جا نگذارند و با خود ببرند. منافقی با لهجه غلیظ فارسی می گفت: عبدالله، قایق، فوراً قایق بزرگ بفرست!

او می دانست که دشمن به میان نیروهایش نفوذ کرده و هر حرکت حساب نشده ای ممکن است کار پیشروی را مشکل کند.

خطاب به ستوان نیکوکار گفت: بجنب نکوجان، اسلحه ات را بیار!

- ارجمندی، شما هم نارنجک ها را آماده کن!

نیکوکار تفنگش را به نارنجک تفنگی مسلح کرد، ارجمندی نارنجک را از بسته خارج و به سرهنگ می داد و او هم بالای خاکریز این سو و آن سو می دوید و ضامن هر کدام را می کشید. با سرعت از ۱ تا ۱۲ می شمرد و پرتاب می کرد^۱. نارنجک بین زمین و هوا منفجر می شد و نیروهای دشمن را چون برگ خزان بر زمین می ریخت! نیکوکار هم با نارنجک تفنگی هر جنبنده ای را نشانه می رفت و در هم می کوبید. سه جعبه از نارنجک ها در مدت کوتاهی به سوی دشمن پرتاب شدند و دمار از روزگار متجاوز در آوردند.

هنوز چند نارنجک دیگر باقی مانده بود که دیدند خودروهای نظامی و امدادی دشمن به سرعت از پل گذشته و به غرب بهمن شیر می گریزند. سرهنگ بی سیم را به دست گرفته و بالای

^۱. زمان تأخیر نارنجک دستی بعد از رهاشدن ضامن بین ۳ تا ۵ ثانیه است.

خاکریز این طرف و آن طرف می‌دوید و فریاد می‌زد:

- گردان دوم از سمت راست حرکت کنید و راه خروج دشمن را ببندید.

- گردان سوم خودت را به پل عبوری نزدیک کن و گردان دوم را پوشش بده.

- گردان ۱۰۵ اجازه فرار به دشمن نده، پل را منهدم کن .

البته سرهنگ به خوبی می‌دانست که چنین گردان‌هایی در منطقه وجود ندارند. حرکتی هم در این سوی خط اتفاق نیفتاد، حتی یک تیر هم شلیک نشد، نیروها به دلیل سه شب بی‌خوابی و آرام شدن فضای منطقه از سر شب همگی به خواب رفته بودند. این تاکتیک سرهنگ، دشمن را که صحبت‌های او را شنود می‌کرد، سراسیمه کرد و به وحشت انداخت! صدای تانک‌های عراقی آن سوی رودخانه در فضا پیچید که فرار را بر قرار ترجیح داده بودند!

در جیب جنازه‌های عراقی طلاهایی را که از خانه‌های خرمنشهر غارت کرده بودند، پیدا شد. به دستور سرهنگ آنها را جمع‌آوری و به پشت جبهه تخلیه کردند .

سرهنگ که اصابت تیر کلاشینکف بخشی از کلاه آهنی‌اش را فرو برده ولی آسیبی به او نرسانده بود، خدا را شکر گفت. از این‌که همه سربازانش شب گذشته در فشار خواب بودند، با خود می‌اندیشید اگر این‌ها بیدار بودند و دستوره‌های مرا انجام می‌دادند، ممکن بود با تیراندازی عجولانه و خواب‌آلود هم‌دیگر را هدف قرار می‌دادند!

بالا آمدن آفتاب، گرمای پاییزی جنوب را داشت. ظرف مدت ۴۸ ساعت جنازه‌های به جا مانده عراقی‌ها بعضی باد کرده و بعضی به شدت متعفن شده بودند .

در این گیر و دار سرهنگ گروهی را دید که تفنگ‌های نیروهای عراقی را از کنار جنازه آنها جمع‌آوری و در یک‌جا جمع می‌کنند. او شنیده بود که تعدادی از منافقین بعد از هر درگیری وارد معرکه می‌شوند و سلاح‌های شهیدان ایرانی و نیروهای عراقی را جمع‌آوری و به سرقت می‌برند، پس به سرعت به سمت آنها رفت .

- برگ شناسایی و یا مجوز عبور در منطقه را نشان دهید، ببینم. سرکرده منافقین اوضاع را که ناجور دید، برای زهر چشم با قنداق تفنگ به سینه سرهنگ کوبید .

- شما ارتشی‌ها صلاحیت دیدن برگه‌های ما را ندارید!

سربازان تا این صحنه را دیدند، به سوی سرهنگ آمدند و منافق هتاک و همراهش را چنان تنبیه کردند که دیگر هیچ‌گاه جرأت بی‌احترامی به نظامیان را نداشته باشند .

سرهنگ با استاندار خوزستان تماس گرفت و موضوع را به او گفت. ایشان تشکر کرد و از اوخواست اجازه جمع‌آوری و خروج اسلحه از منطقه را بدون اجازه قرارگاه ماهشهر به کسی ندهد و افراد منافق را هم دستگیر کرده و تحویل نیروهای اطلاعاتی دهد. ضمناً قول داد گروهی را هم برای سمپاشی جنازه‌های عراقی بفرستد تا منطقه آلوده نشود. بعد از سمپاشی منطقه، نیروهای مردمی و جهادی به کمک سرهنگ آمدند و جنازه‌های عراقی را در حاشیه رودخانه به خاک سپردند تا عبرتی باشد بر هر متجاوزی که بخواهد به حریم مقدس ایران اسلامی وارد شود. (۱۸۷)

مصاحبه با امیر سرلشکر حسنی سعدی درباره دفاع آبادان: نقش اثرگذار حجت‌الاسلام و المسلمین جمعی امام جمعه‌ی آبادان

در سال ۵۹ فرمانده تیپ دانشجویان دانشکده افسری و همکار شهید نامجو بودم. ایشان فرمانده دانشکده بودند و من فرمانده تیپ. در روز ۳۱ شهریور، ساعت تقریباً سه دقیقه به یک بعدازظهر بود و نماز برگزار شده بود و داشتیم همراه با شهید نامجو از مسجد به طرف ستاد دانشکده افسری می‌رفتیم که صدای غرش هواپیماها را شنیدیم. بعد هم مشخص شد که هواپیماهای عراقی فرودگاه مهرآباد را بمباران کرده‌اند. شهید نامجو ارتباط جمعی وسیعی داشتند، بلافاصله تماس گرفتند و مشخص شد رژیم بعثی غیر از فرودگاه مهرآباد، چند فرودگاه دیگر را هم بمباران و حمله به شهرهای مرزی را آغاز کرده است. با تماسی که با ستاد ارتش و ستاد نیروی زمینی گرفته شد، شهید نامجو بلافاصله فرمان آمادگی دانشجویان و دانشکده افسری به جبهه را صادر کردند. در ظرف ۴۸ ساعت، سه گردان پیاده سبک رزمی از دانشجویان را آماده کردیم و عصر روز دوم مهر ماه با هواپیماها وارد اهواز شدیم. وقتی رسیدیم دیدیم که اوضاع اهواز به شدت حاد است و گزارش‌هایی که از آبادان و خرمشهر می‌رسید، نشان می‌داد که اوضاع آن دو شهر از اهواز هم بدتر است.

تصمیم گرفته شد که دو گردان از دانشجویان را به طرف آبادان و خرمشهر اعزام کنیم. شهید نامجو دائماً به این دو گردان سرکشی می‌کرد و مراقب وضعیت دانشجویان بودیم و فعالیت‌های آنها را هدایت و بررسی می‌کردیم. البته خرمشهر و آبادان در آن موقع، فرمانده عملیات داشت و ما در کار آنها دخالت نمی‌کردیم، ولی به دانشجویان خودمان سرکشی و از آنها پشتیبانی می‌کردیم.

این برنامه تا ۲۶ مهر ۵۹ ادامه پیدا کرد. در آن روز تصمیم گرفتیم برخی از دانشجویان را تعویض کنیم، چون اینها نقش بسیار مؤثری در آبادان و خرمشهر داشتند و انصافاً به شکل بسیار

مؤثری فعالیت کرده و خسته بودند.

محور اهواز آبادان را عراقیها اشغال کرده بودند، لذا تصمیم گرفتیم از محور ماهشهر آبادان برویم که دیدیم آنجا هم تحت اشغال عراقیهاست. در همین موقع بود که ستاد ارونه تشکیل شد. سرهنگ فروزان در آن موقع فرمانده ژاندارمری وقت بود و به فرماندهی تعیین شد و ستاد خود را در ماهشهر تشکیل داد. ما هم در تلاش بودیم که به هر شکلی که شده به آبادان برویم و دانشجویان را تعویض کنیم. حتی از طریق آب هم مقدور نبود که دانشجویان را به آبادان ببریم. در همین موقع سرهنگ فروزان نامه‌ای به من داد و گفت شما برو آبادان و فرماندهی عملیات آبادان خرمشهر را به عهده بگیر و سرهنگ رضوی را بگو بیاید و به تهران برود. ما هم حرکت کردیم و با بالگرد رفتیم خسروآباد و از آنجا رفتیم ستاد آبادان و نامه را دادیم به سرهنگ رضوی و ایشان هم بلافاصله منطقه را ترک کرد و رفت و ما کارمان در آنجا شروع شد.

اولین کسی که سراغ من آمد حضرت آقای جمی بودند. خیر مقدمی گفتند و یک مقداری موقعیت را تشریح کردند و جمله‌ای را گفتند که ای کاش می‌توانستم ده‌ها بار تکرار کنم و آن هم این بود که: «من هیچ‌گونه مزاحمتی برای شما ایجاد نمی‌کنم و فقط شما بگویید که چکار می‌توانم بکنم؟» چند دقیقه هم بیشتر نشستند و گفتند مزاحم وقت شما نمی‌شوم و بعد تشریف بردند. این جمله از همان ابتدا در ذهن ما نقش بست.

این وضعیت ادامه پیدا کرد و فشار دشمن هم روز به روز بیشتر می‌شد و واقعاً روزهای بسیار دشواری بود. در چنین موقعیتی چنین وظیفه‌سنگینی را بر عهده من گذاشتند. ما همان‌جا در آبادان بودیم که در روز سوم آبان پل خرمشهر به طور کامل به تصرف عراقی‌ها درآمد.

ساعت ۵ و ۶ بعدازظهر روز سوم بود که نیروهای ما از پل خرمشهر آبادان به این طرف آمدند و نیروهای عراقی تا پای پل آمدند و خرمشهر اشغال شد.

وضعیت بسیار حادی بود و انسان واقعاً نمی‌تواند پس از گذشت بیش از ۲۰ سال، آن شرایط را توصیف و بیان کند. در قالب واژه‌ها نمی‌گنجد. وضعیت طوری بود که ما به شدت نگران بودیم که دشمن از پل عبور کند و بیاید وارد آبادان شود. تعدادی از رزمنده‌ها را که مدت‌ها بود جنگیده بودند و به شدت هم احساس خستگی می‌کردند جمع کردیم و آنان‌را، مسئول حفاظت از پل خرمشهر کردیم. خدا رحمت کند شهید اقارب پرست را، ایشان را هم مسئول این‌ها قرار دادیم. او هم از نیروهای غیر سازمانی بود، اما برای کمک به جبهه آبادان خرمشهر آمده بود. یک سری مین

را هم تعجیلی روی پل ریختیم که اگر می‌خواستند شبانه حمله کنند، به هر حال مانعی سر راهشان باشد. این شرایط ادامه پیدا کرد، تا روز چهارم آبان که تصمیم گرفتیم علیه نیروهای آبادان تحرکی داشته باشیم، چون نگران بودیم که اینها از پل ایستگاه ۷ و ۱۲ وارد آبادان شوند، با فراخوانی همه نیروهای موجود در آبادان این عملیات را انجام دادیم که بی‌تأثیر هم نبود و نیروهای عراقی را تا حدی از آبادان بیرون کرد.

شرایط بسیار دشواری بر آبادان و روحیه رزمندگان حاکم بود و آن چیزی که می‌توانست در این وضعیت روحیه رزمنده‌ها را تقویت کند، باید یک جنبه معنوی می‌داشت. روحانیت معظم در این جنگ نقش بسیار مؤثری داشتند؛ در رأس همه امام رحمت الله علیه و بعد رهبر معظم انقلاب که مدت نسبتاً زیادی در منطقه بودند، ولی در منطقه آبادان حقیقتاً نقش آقای جمی بی‌نظیر بود و ضرورت داشت که در آن شرایط چنین اسوه مقاومت و تقوایی در بین رزمنده‌ها وجود داشته باشد. همه تلاش عراق این بود که بیاید وارد آبادان شود.

روز پنجم آبان بود که احساس کردیم پل ایستگاه ۷ و ۱۲ در معرض خطر است و هر لحظه امکان ورود دشمن به آبادان از این طریق وجود دارد. شب ساعت ۱۱ بود که پیامی برای آقای جمی فرستادیم. وضعیت به این شکل است که ضرورت دارد که هر چقدر نیرو که می‌توانیم به ایستگاه ۷ و ۱۲ اعزام کنیم و خودمان هم به طرف مسجد جامع حرکت کردیم. در آنجا عده‌ای از رزمنده‌ها را که به شدت خسته بودند و می‌خواستند در آنجا استراحت کنند، حرکت دادیم و به طرف ایستگاه ۷ و ۱۲ راه افتادیم که در آنجا مقاومتی داشته باشیم، چون واقعاً نگران بودیم که نیروهای عراق از آن ناحیه وارد آبادان نشوند.

در هفتم آبان بود که عراق به طرف نخلستان‌های شمال بهمن‌شیر حرکتی را انجام داد و در همان شب، شهید تندگویان در جاده ماهشهر - آبادان اسیر شد. آن شب از نخلستان رفتند، ولی در هشتم آبان آمدند و نخلستان را اشغال کردند.

ما در بعدازظهر روز هشتم به طرف نخلستان‌ها رفتیم. خدا رحمت کند سرهنگ شکرریز را که در دفاع از آبادان نقش بسیار زیادی داشت و ای کاش خاطرات ایشان از آن روزها، به نوعی ثبت شده بود. ایشان جانشین دانشکده افسری بودند و به کمک ما آمدند. در آن موقع در آبادان از گروه فداییان اسلام هم گروهی بودند که در منطقه می‌جنگیدند و مجتبی‌هاشمی مسئول فداییان اسلام بود و شهید شد. ما داشتیم با ایشان با ماشین سریع می‌رفتیم که نزدیک بود اسیر شویم.

در شب نهم تصمیم گرفتیم به هر نحوی که شده به آن سوی بهمن‌شیر برویم و عراقی‌ها را از نخلستان بیرون کنیم. آن شب امکانات فراهم نشد. ما تا ساعت ۴/۵-۵ صبح در قبرستان آبادان بودیم و صدای غرش ماشین‌ها و ارابه‌ها را می‌شنیدیم و نمی‌دانستیم این سر و صداها برای چیست؟

آنها در این فاصله داشتند نخل‌ها را قطع می‌کردند تا جاده‌ای بزنند و بیایند و از روی پل عبور کنند.

ساعت یک ربع به ۷ صبح بود که به قرارگاه آبادان برگشتیم تا کمی استراحت کنیم. هنوز ۱۰ دقیقه نگذشته بود که یکی آمد صدایم زد و گفت عراق وارد آبادان شد. به سرعت نیروها را که متشکل از گردان ۱۵۳ سرهنگ کهتری، نیروهای ژاندارمری، نیروهای شهربانی، نیروهای سپاه آبادان و نیروهای فداییان اسلام بودند، بسیج کرده و به طرف ذوالفقاری حرکت دادیم. واقعاً لطف خدا و معجزه‌ای بود که طومار عراقی‌ها تا غروب در ذوالفقاری هم پیچیده شد و نیروهای آنها را از بهمن‌شیر بیرون ریختند.

این‌ها تا نزدیک جاده خسروآباد آمده و موشک‌هایی آورده و در ۴۰۰ ۵۰۰ متری خسروآباد مستقر کرده بودند و چیزی نمانده بود که اینها به اروندرود وصل شوند و محاصره آبادان تکمیل شود. حضرت حجت‌الاسلام جمی دائماً در بین رزمنده‌ها بودند و لحظه‌ای آرام و قرار نداشتند. به همه جا سرکشی می‌کردند و هر کس که وجود این مرد را با این سن و سال و وضعیت جسمانی می‌دید، به خودش اجازه نمی‌داد که در کارش کوتاهی کند. حضور ایشان در تقویت روحیه رزمنده‌ها که می‌دیدند ایشان نهایت تلاش خود را برای تهیه امکانات انجام می‌دهند و همه جا هم حضور دارند، مؤثر بود. ایشان واقعاً یک ستون محکم برای همه بودند.

این را هم اضافه کنم که تقریباً ۳۲۰ درجه از آبادان در اختیار عراقی‌ها بود و ما در حدود ۳۰،۴۰ درجه را در اختیار داشتیم.

در چنین شرایطی فراهم آوردن امکانات و تدارکات هم کار بسیار دشواری بود. ایشان به ما مجوز دادند که برویم و از مغازه‌های آبادان، مایحتاج خوراکی و سایر نیازها را تهیه کنیم. همه رزمنده‌ها و خانواده‌هایی که مانده بودند، به وسیله چیزهایی که در مغازه‌های آبادان مانده بود، تدارک می‌شدند.

ایشان واقعاً نقش بسیار مؤثری در همه زمینه‌ها داشت. هر وقت وارد ستاد می‌شدند چند

دقیقه‌ای می‌نشستند، به همهٔ رزمنده‌ها روحیه می‌دادند و بعد همان جمله مشهورشان را می‌گفتند که: «آقا! از دست من چه کمکی بر می‌آید؟»

نقش خرمشهر و آبادان در سرنوشت کل جنگ هنوز آن‌گونه که باید، به تصویر کشیده نشده و مکتوب هم نشده است.

واقعیت این است که اگر آبادان سقوط می‌کرد و این شهر به دست رژیم عراق می‌افتاد، صدام تمام نیروهای خود را متوجه حفظ آنجا می‌کرد و با توجه به موقعیت بهمن‌شیر، یک نیروی دفاعی قوی را در آنجا مستقر می‌ساخت که ما به این آسانی نتوانیم به آبادان دسترسی پیدا کنیم و این قضیه واقعاً سرنوشت جنگ را تغییر می‌داد.

عراق در هفته اول در جبههٔ غرب و در خوزستان، در دزفول و هویزه متوقف شده بود و به اهداف از پیش تعیین شدهٔ خود نرسیده بود و لذا همهٔ توش و توان خود را مصروف محاصرهٔ آبادان کرده بود. اگر آبادان را می‌گرفت، برگ برنده را به دست می‌آورد. بهانه شروع جنگ او هم ارون‌درو بود و اگر می‌توانست آنجا را تصرف کند، به هدف اصلی خود می‌رسید.

تلاش رزمندگان هم این بود که به هر شکل ممکن دشمن را از آبادان دور کنند. امکانات ما واقعاً کم بودند. برادران، قایق‌های محلی را جمع می‌کردند و می‌آوردند و واقعاً کمک بزرگی بودند و یکی از برادرها هم شهید شد.

زندگی آقای جمی در آبادان، یک زندگی واقعاً معجزه آسا بود. با آن سن و سال و وضعیت جسمی که رژیم غذایی خاصی را می‌طلبید، در آبادان مانده بودند و جز برادر شهیدشان که از ایشان مراقبت می‌کرد، از اعضای خانواده کسی در کنارشان نبود.

نیروهای ما دشمن را از بهمن‌شیر بیرون کردند، سه چهار روز بعد دشمن سعی کرد از فیاضیه عبور کند و نخلهای حاشیه بهمن‌شیر را قطع کرد. نیروهای اطلاعاتی خبر دادند که عراق در آنجا تحرکاتی را آغاز کرده و باز لطف خدا بود که گردان ۱۳۶ از لشکر ۷۷ رسید. ما شبانه یک گروهان فرستادیم و در فیاضیه ایستادگی کرد و دشمن در آنجا ناکام ماند و عقب رفت و در امتداد ایران‌گاز مستقر شد.

اطلاعات به طور کامل به امام می‌رسید و ایشان اشراف کامل به وضعیت آبادان داشتند. رسیدن مهمات و تدارکات به نیروهای رزمنده در آبادان کار بسیار مشکلی بود. از طریق زمین که به هیچ وجه نمی‌شد کمکمان کنند یا باید از طریق آب تدارکات می‌رسید یا از طریق بالگرد که

بسیار امکان محدودی بود و عراق از هر سو آبادان را می‌کوبید. با این میزان تدارکات نمی‌شد مقابله کرد. ما مهماتمان «روزمصرف» بود یعنی هرچه مهمات می‌آوردند، در همان روز مصرف می‌کردیم و ذخیره‌ای برای روز بعد نمی‌ماند. جبهه آبادان تقریباً شکل گرفت و یک خط دفاعی در مقابل عراق ایجاد کردیم.

یک روز قرار بود رئیس جمهور وقت، بنی صدر، برای بازدید به آبادان بیاید. سرهنگ فروزان تماس گرفت و گفت بعدازظهر می‌آییم. بعدازظهر با بالگرد آمدند و از همان جا برای بازدید منطقه رفتند و بعد به ستاد آبادان برگشتند. قرار شد جلسه‌ای در ستاد بگذاریم و وضعیت را برای رئیس جمهور که در آن موقع جانشین فرمانده کل قوا بود، تشریح کنیم. ساعت تقریباً ۵/۵ و نزدیک غروب بود و در سالن بزرگ بانک ملی میزی گذاشتیم و قرار شد من وضعیت منطقه را روی تخته سیاه بزرگی تشریح کنم. خدا رحمت کند شهید فلاحی، شهید فکوری و شهید نامجو و تعداد دیگری از نظامیان همراهش بودند. من شروع کردم وضعیت منطقه را تشریح کردن و عین واقعیت را توضیح دادم و گفتم که وضعیت محاصره آبادان این‌گونه است و ما فقط حدود ۳۰ درجه را در اختیار داریم. وضعیت مهمات و تدارکاتمان این است و این مقدار نیرو داریم و با وجود این رزمندگان ما با نهایت فداکاری این کارها را انجام داده‌اند و نیاز به مهمات و تدارکات داریم تا بتوانیم به مقاومت ادامه بدهیم. همین‌طور که توضیح می‌دادم، دیدیم که بنی صدر از حال رفت. دکتر شیبانی که خداوند حفظشان کند و ایشان هم در قضیه مقاومت آبادان نقش بسیار بالایی دارند، آمد بالای سر او و او را بردند به زیر زمین بانک که جای محفوظی بود و به او سرم وصل کردند. حالا شما مقایسه کنید آقای جمی را که با آن سن و سال و بیماری، مثل شمعی در میان رزمنده‌ها می‌سوخت و به همه نور امید می‌داد.

از نظر نیروی انسانی، تدارکات، وضعیت دشمن و امثالهم در آبادان در چنین شرایط دشواری قرارداداشتیم و همه تلاشمان هم این بود که به فرموده امام، حصر آبادان را بشکنیم.

حضرت امام از کانال‌های مختلف از جمله نمایندگان مجلس، فرماندهان سپاه و امثالهم اطلاعات کاملی را از آبادان دریافت می‌کردند و از همه مهمتر از طریق خط تلفن مستقیم، دائماً با آقای جمی در تماس بودند.

من از روز دوم جنگ در خوزستان بودم. داغ‌ترین صحنه جنگ در خوزستان، در سوسنگرد و در اهواز و سپس در خرمشهر و آبادان بود. این که چنین برنامه‌ای بوده باشد که دشمن را بیاوریم

داخل کشور و بعد محاصره‌اش کنیم ابداً این‌طور نبود. عرض من همین است که تاریخ جنگ را باید کامل دید و تفسیر کرد. رژیم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی رژیم خود را تقویت کرد و ۶ لشکر را به ۱۲ لشکر تبدیل کرد. تجهیزات خود را کامل کرد، نیروهایش را آموزش داد، طراحی کرد خود را برای حمله آماده کرد.

آن وقت ما چه وضعیتی داشتیم؟ در دولت موقت سربازی شد یک سال و سربازی باقی نماند. ارتش را با برنامه به هم ریختند و به اضمحلال کشاندند. ولی در مقابل، عراق داشت جبهه‌اش را تقویت و خودش را برای حمله به کشور ما آماده می‌کرد. ما با آن امکانات اندک در برابر رژیمی جنگیدیم که یک سال نیروهایش را آماده و ارتش خود را تجهیز کرده بود. نقش ارتش را نباید در جنگ دست کم گرفت. ارتش با همه وجود جنگید. خدا رحمت کند تیمسار ظهیرنژاد را، هر وقت با او صحبت می‌کردیم می‌گفت: من باید یک جایی بگویم که من در اول جنگ با ۵۰ هزار سرباز وارد جنگ شدم. آن هم در جبهه‌ای به طول هزار و چند صد کیلومتر چه کسی این‌را می‌داند؟ این‌طور نبود که نخواهند بجنگند یا نیروها را پای کار نیاورده باشند. اساساً نیرو و امکاناتی نبود. در این مدت وضعیت آبادان هدف اصلی دشمن شد. همه این اطلاعات هم به حضرت امام می‌رسید و لذا آن پیام تاریخی را دادند. امید همه مردم هم متوجه آبادان و خرمشهر شده بود.

در روز ۱۹ دی ۵۹ عملیاتی انجام شد که گمان می‌کنم نامش را «عملیات توکل» گذاشتند، این عملیات قرار بود از دو جبهه، یکی از طرف آبادان به طرف نیروهای عراق و یکی از طرف جاده ماهشهر انجام شود. این عملیات هم انجام شد و ضرباتی هم به دشمن زده شد ولی حصر آبادان شکسته نشد.

عراقی‌ها یک لشکر زرهی کامل را آورده و در جاده ماهشهر - آبادان مستقر کرده بودند. ما هم عملیات شناسایی توسط ارتش و سپاه‌هایی که از تمام استان‌ها آمده و در آبادان مستقر شده بودند شروع کردیم.

جا دارد در اینجا از شهید باکری هم نام ببریم که فرمانده گردان آذربایجان شرقی بود و آمد و خود را به ستاد آبادان معرفی کرد و گفت: من فرمانده گردانی هستم که از آذربایجان آمده و ۲۳۰ نفر نیرو با خود دارم. من کجا باید بروم؟

این اولین واحد منظمی بود که به کمک ما آمد. ما به او منطقه دادیم و گفتیم بروید در این منطقه مستقر شوید و به این ترتیب جبهه را شکل دادیم. تمام تلاشمان این بود که به هر نحو ممکن

از یادداشت روزانهٔ آیت‌الله جمی، در ۵۹/۸/۹ / ۱۴۹

حصر آبادان را بشکنیم. به تدریج نیروهای ما در آبادان و خرمشهر شکل گرفتند و تقویت شدند. سپس لشکر ۷۷ خراسان هم به طور کامل آمد و با سه تیپ و عناصر سپاه پاسداران و نیروهای مردمی که در اینجا بودند، آماده شدند و دو سه عملیات از جمله عملیات مُدُن هم در این جا انجام شد تا به روز پنجم مهر ۶۰ رسیدیم که در «عملیات ثامن الائمه(ع)» حصر آبادان شکسته شد. به نظر من گردآوری این اطلاعات ضرورت حیاتی دارد. (۱۸۸)

از یادداشت روزانهٔ آیت‌الله جمی، در ۵۹/۸/۹

... حدود ساعت ۹ به هنگ ژاندارمری رفتیم. در اتاق فرماندهی، همهٔ افسران و مسئولان پاسداران، دور و بر فرمانده عملیات جمع بودند. معلوم شد نیروی دشمن که به نخلستانها نفوذ کرده، از رودخانه بهمن شیر عبور کرده و از ناحیه قبرستان به طرف شهر حمله نموده و حالا فرماندهان و مسئولان جنگ دارند نقشه دفع حمله را می‌کشند؛ مثل این که سرنوشت خرمشهر دارد به سراغ آبادان هم می‌آید.

فرمانده عملیات (سرهنگ شکرریز) مشغول طرح نقشه برای جلوگیری از نفوذ دشمن است. او را افسری مصمم و قاطع و با اخلاص دیدم. خلاصه طرح چنین بود: از پاسگاه ژاندارمری (دروازه خسروآباد)، نیروهای مرکب از سپاه و بسیج، ارتش و داوطلبان مسلح به طور منظم در طول جادهٔ خسروآباد استقرار یافته و همگی قسمت چپ جاده [را] که محل استقرار نیروی دشمن است، زیر آتش گیرند و نیروهای هوایی نیز وارد عمل شده، موضع استقرار دشمن را بکوبد. این طرح را به افسران و سرگردها ابلاغ کرد که به دنبال ماموریت بروند. خود نیز عازم جبهه شد.

اکنون همه در یک دلهرگی خاصی به سر می‌بریم که خدایا، اگر این اهریمنیان به این شهر دست یابند، چه خواهد شد؛ شهری که حدود اقلابیش از ۳۰ هزار زن و مرد درش وجود دارد و اینها هیچ گونه راه فراری ندارند؛ چه این که آبادان از هر طرف محاصره است. همه دست به دعا برداشته، برای رزمندگان دعا کردیم که خداوند آنان را در سرکوبی خصم موفق دارد. «یا رب، دعای خسته دلان مستجاب کن!»

درگیری در حوالی کوی ذوالفقاری از صبح به شدت ادامه دارد و دشمن که با تجهیزات کامل، تانک و نفربر و اسلحه سبک و سنگین آمده، تلاش دارد به شهر نفوذ کند و رزمندگان انقلابی ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی با تمام تلاش مانع نفوذ دشمن شده اند. ... بعد از نماز مقداری غذا از مسجد گرفته، به رادیو رفتیم و آنجا پیامی خطاب به رزمندگان و خواهران و برادران

آبادانی داده، به منزل مراجعت کردم، اما معلوم است با این وضعی که پیش آمده قرار و آرامش برای کسی باقی نمی‌ماند. (۱۸۹)

دهه دوم آبان ۵۹: تثبیت مواضع پدافندی

با خنثی شدن تلاش دشمن برای ورود به جزیره آبادان، از منطقه ذوالفقاری، اوایل دهه دوم آبان ۱۳۵۹ در سرپل شرق رودخانه کارون و شمال رودخانه بهمن‌شیر به تحکیم مواضع پدافندی و نگهداری منطقه سرپل اکتفا کردند، زیرا از اوایل آبان ۱۳۵۹ در کلیه درگیری‌هایی که بین نیروهای طرفین به استثنای خرمشهر به عمل آمد، نیروهای متجاوز موفق نشدند به بیش از آنچه که در ۱۰ روز نخست جنگ چنگ انداخته بودند دست یابند.

صدام حسین بعد از یازدهمین کنفرانس سران عرب در «امان» که در ۲۷ نوامبر ۱۹۸۰ (۶ آذر ۱۳۵۹) تشکیل شد در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ خبرنگاری که از او پرسید: چرا با وجود برتری نیروهای عراق جزیره آبادان را اشغال نمی‌کنید؟ گفت: ما نمی‌خواهیم کشور گشایی کنیم، ما فقط می‌خواستیم تهدید ایران را از شهرهای خود دور سازیم. این گفتار صدام حسین به هر دلیل و منظوری که بیان شده، اعترافی بود از، عراقی‌ها قادر نبوده‌اند قدمی فراتر از پیروزی‌های روزهای اولیه تجاوز خود در خاک جمهوری اسلامی بردارند.

عدم توفیق عراقی‌ها در تهاجمات بعدی از جمله در غرب دزفول، برای عبور از رودخانه کرخه در حوالی پل کرخه، و همچنین در شمال آبادان برای عبور از رودخانه بهمن‌شیر که با شکست کامل مواجه شد، بیانگر این واقعیت بود که در برابر سد مقاوم رزمندگان اسلام، ارتش متجاوز، قادر به انجام اقدام تازه‌ای نبوده است.

لذا از دهه دوم آبان ماه عملاً نیروهای ایرانی و عراقی به حالت پدافندی در مواضع تثبیت شده درآمدند. در نتیجه مرحله یکم جنگ تحمیلی که تهاجم نیروهای متجاوز عراق و عقب راندن نیروهای مدافع ایران اسلامی بود به پایان رسید و مرحله دوم جنگ که پدافند در مواضع و اجرای عملیات آفندی محدود، از طرف نیروهای جمهوری اسلامی ایران و به ندرت توسط نیروهای متجاوز عراق بود آغاز گردید.

در شرح عملیات پاتک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در منطقه ذوالفقاری شمال آبادان بیان شد که نیروهای متجاوز عراقی که تا جاده آبادان - خسروآباد پیشروی کرده بودند،

توسط نیروهای ایرانی به شمال رودخانه بهمن شیر عقب رانده شدند.

رزمندگان اسلام پس از عبور از رودخانه بهمن شیر یک خط دفاعی در شمال رودخانه بین جاده ماهشهر، آبادان و کرانه شمالی بهمن شیر اشغال نمودند. در نتیجه تمام کرانه شمالی رودخانه بهمن شیر به دست نیروهای جمهوری اسلامی ایران افتاد. اما هنوز محورهای مواصلاتی ماهشهر به آبادان که شامل یک جاده شوسه و یک جاده خاکی بود، در کنترل کامل نیروهای دشمن بود. و در نتیجه جزیره آبادان عملاً از نظر راه‌های مواصلاتی زمینی در محاصره کامل دشمن قرار داشت و تنها راه رساندن پشتیبانی‌های رزمی و لجستیکی راه آبی رودخانه بهمن شیر و یا از طریق هوا بود.

در اوایل دهه دوم آبان ۱۳۵۹ فرماندهی اروند تلاش نمود حداقل جاده خاکی ماهشهر - آبادان را که به پل قدیمی منتهی می‌شد، از کنترل دشمن خارج سازد و ارتباط زمینی بین ماهشهر - آبادان را برقرار نماید. زیرا راه آبی بهمن شیر به علت این که رودخانه تحت تاثیر جریان جزر آب خلیج فارس قرار می‌گرفت، در هنگام جزر برای حرکت هواناوها و قایق‌ها و لنج‌ها غیر قابل استفاده می‌شد. ارتباط هوایی نیز به علت آتشیهای سنگین پدافند هوایی دشمن و همچنین آتشیهای سنگین توپخانه و خمپاره اندازها که از شمال و جنوب جزیره آبادان اجرا می‌گردید، توسط هواپیمای سی-۱۳۰ اصولاً غیر مقدور و برای بالگردها نیز با دشواریها و خطراتی همراه بود.

بنابراین ادامه محاصره زمینی آبادان، مشکلات زیادی برای نیروهای ایرانی ایجاد می‌کرد و می‌باید هرچه سریعتر محاصره زمینی درهم می‌شکست و ارتباط زمینی جزیره آبادان با شمال رودخانه بهمن شیر برقرار می‌شد.

نکته بسیار حائز اهمیت این بود که از جاده ماهشهر - آبادان فقط حدود ۱۰ کیلومتر آن در شرق سه راهی آبادان - ماهشهر در کنترل دشمن بود و بقیه جاده که در محدوده شمال جزیره آبادان و در حدود ۳۰ کیلومتر بود، کاملاً در اختیار نیروهای ایرانی قرار داشت، زیرا خط سرپل دشمن در شرق کارون فقط تا حدود ۱۰ کیلومتری شرق جاده اهواز - آبادان گسترش یافته و در نتیجه منطقه شمال آبادان به استثنای قطعه اشغالی نیروهای دشمن کاملاً در اختیار نیروهای ایرانی بود.

مشکل اساسی، زمین منطقه محسوب می‌شد که باتلاقی و غیر قابل عبور بود، به خصوص این که به محض بارندگی، تمام زمین‌های منطقه حتی تا حدود ۲۰ کیلومتری شمال جاده ماهشهر - آبادان در خارج از جاده‌های زیرسازی شده غیر قابل عبور می‌گردید؛ بنابراین با وجود آزاد بودن منطقه شمال بهمن شیر رفت و آمد در آن، فقط با احداث جاده اصولی امکان پذیر بود. از

طرفی، احداث جاده در زمین‌های سست و باتلاقی، نیاز فوق‌العاده‌ای به خاکریزی و بالا آوردن ارتفاع زمین و کوبیدن و محکم کردن و شن ریزی و سایر کارهای جاده سازی داشت که احتیاج به زمان و امکانات قابل ملاحظه جاده سازی بود. با توجه به این امر سریعترین راه کار برای شکستن محاصره زمینی جزیره آبادان، عقب راندن نیروهای دشمن به شمال جادهٔ خاکی یا جادهٔ شوسه ماهشهر - آبادان بود. به همین دلیل فرماندهی اروند در ۱۱ آبان ماه به فرماندهی عملیات آبادان ابلاغ کرد، باز نگهداشتن جادهٔ خاکی آبادان - ماهشهر امری حیاتی است و دستور داد کوشش شود این جاده از کنترل دشمن خارج گردد.

با توجه به این که در آن روز حملهٔ متقابل نیروهای ایرانی در حوالی رودخانهٔ بهمن شیر در جریان بود، اگر یک نیروی رزمی قابل ملاحظه با پشتیبانی توپخانهٔ قوی، حمله را به سمت شمال ادامه می‌داد می‌توانست نیروهای دشمن را تا شمال جادهٔ آسفالت آبادان - ماهشهر عقب براند و حداقل جادهٔ خاکی را کاملاً آزاد سازد، اما تحت شرایط موجود، یگان‌های رزمنده که استعدادی حدود یک گردان داشتند، نمی‌توانستند چنین مأموریتی را به انجام برسانند؛ لذا آنها فقط توانستند کرانهٔ شمالی بهمن شیر را آزاد سازند. در نتیجه نیروهای دشمن موفق شدند مواضع پدافندی خود را در منطقهٔ بین جادهٔ آسفالت و جادهٔ خاکی کاملاً تحکیم کنند و مانع هرگونه اقدامات بعدی نیروهای ایرانی در این منطقه بشوند.

فرماندهی اروند بعد از عدم موفقیت پاتک سوم آبان‌ماه، متوجه این واقعیت شد که نیروهای دشمن مستقر در سرپل شرق کارون نیرومندتر از آن هستند که بتوان با نیروهای قلیلی آنها را عقب راند؛ لذا فعالیت این فرماندهی صرف تحکیم مواضع پدافندی در اطراف نیم دایره سرپل دشمن از سلیمانیه در شمال و شادگان در شرق و بهمن شیر در جنوب گردید.

از اواسط آبان‌ماه تا مدتی وضعیت یک‌نواخت و ثابتی بر منطقه حاکم بود. در همان زمان برای برقراری هماهنگی بین یگان‌های توپخانهٔ آن مستقر در این منطقه، قرارگاه گروه ۲۲ توپخانه به ماهشهر اعزام گردید و تمام واحدهای توپخانهٔ آن منطقه عملیات را زیر امر خود گرفت. و یگان‌های تقویتی رزمی و پشتیبانی رزمی بیشتری از نقاط دیگر کشور، بویژه از لشکر ۷۷ مشهد و گروه‌های توپخانه نیروی زمینی به منطقهٔ ماهشهر اعزام شدند. یک تیم هوانیروز نیز در ماهشهر مستقر شد که به طور مستقل تحت فرماندهی اروند به اجرای ماموریت پرداخت.

تحت شرایط یاده شده، فقط مبادلهٔ آتش توپخانه بین طرفین اجرا می‌شد و حملات هوایی و

بالگردی نیز در حدود مقدورات دو طرف بدان افزوده شده بود و تمرکز آتش دشمن بر شهر آبادان و تاسیسات نفتی آن قرار داشت که به طور متناوب اجرا می‌شد و خسارات و تلفاتی وارد می‌کرد. ضمناً در روز ۱۱ آبان ماه نبرد دریایی نیز بین نیروهای دریایی جمهوری اسلامی ایران با ناوچه‌های عراقی در دهانه فاو و خور عبدالله جریان یافت و ناو پیکان با ۳ فرزند ناوچه و با پشتیبانی بالگرد به ناوچه‌های عراقی مستقر در این منطقه از خلیج فارس حمله کرد و تعدادی از ناوچه‌های عراقی را غرق نمود و یک فروند هواپیمای دشمن نیز سرنگون گردید. هواپیماهای ایرانی نیز به تاسیسات بندر فاو حمله کردند و خساراتی وارد نمودند.

۱۲ آبان ۵۹

عملیات اعزام نیروهای تقویتی به منطقه عملیات ماهشهر فعال تر شد. در ۱۲ آبان به لشکر ۷۷ دستور داده شد ۲ گردان پیاده دیگر به ماهشهر اعزام کند و زیر امر فرماندهی اروند قرار دهد. گفتنی است که استعداد نیروهای دشمن در منطقه عملیات فرماندهی اروند در تاریخ ۱۲ آبان شامل عناصر تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ زرهی، تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ مکانیزه، یک گردان مکانیزه، از تیپ ۱۵ لشکر ۵ مکانیزه و یک گردان نیروی مخصوص برآورد می‌شد.

علاوه بر نیروهای ارتشی که به ماهشهر اعزام می‌شدند، حرکت نیروهای مردمی اعزامی از اصفهان نیز به منطقه ماهشهر فعالتر شد. فرمانداری ماهشهر تعداد ۱۷۰ نفر پاسدار مجهز به سلاح سبک و سنگین سازمان داد و به آبادان اعزام نمود تا با نظر فرماندهی عملیات آبادان در دفاع از جزیره شرکت نمایند. سپاه پاسداران اهواز نیز تعداد ۳۰۰ نفر از افراد سپاه اعزامی از خارک، بوشهر، گچساران و ستاد روحانیت را به ماهشهر اعزام کرد تا در دفاع از جزیره مینو و سایر خطوط پدافندی جزیره آبادان شرکت نمایند. از طرفی نیروهای عراقی نیز در تحکیم مواضع پدافندی در شمال بهمن شیر فعال تر شدند.

۱۳ آبان ۵۹

با توجه به اعزام نیروهای جدید ارتشی و سپاهی و مردمی به خوزستان، وجود دانشجویان دانشکده افسری در اهواز و آبادان ضرور نبوده لذا دستور داده شد این دانشجویان در ۱۳ آبان به تهران مراجعت کنند و آموزش‌های خود را دنبال نمایند. پس از گذشت بیش از ۴۰ روز از آغاز جنگ و وقوع حوادث ناگوار که یک عامل بسیار مهم آن،

ضعف کنترل، فرماندهی و سازماندهی صحیح نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهاجم نیروهای متجاوز عراق بود، از دهه دوم آبان ماه کم‌کم وضعیت نیروهای مسلح ایران سر و سامانی گرفت و فعالیت‌ها با روش‌های اصولی‌تری هدایت گردید.

در اوایل جنگ شرکت نیروهای مردمی اعم از سپاه پاسداران و بسیج و سایر گروه‌های فعال در صحنه‌های نبرد با انگیزه دفاع از کیان اسلامی تقریباً هیچ ضابطه‌ای نداشت و نیروهای مختلف بدون هیچ هماهنگی با نیروهای ارتشی، وارد صحنه نبرد می‌شدند و یا از آن خارج می‌گردیدند. در ۱۳ آبان برای اولین بار حضور این نیروهای مردمی به طور رسمی به فرماندهی اروند اعلام گردید و فرماندار ماهشهر به فرماندهی اروند نوشت که در رابطه با هماهنگی عملیات سپاه پاسداران با نیروهای تحت فرماندهی اروند، گروهی از عناصر سپاه پاسداران برابر فهرست که به تصویب شورای عالی دفاع رسیده است معرفی می‌شوند. ضمناً از سوی دبیر شورای عالی دفاع نیز طی نامه‌ای به فرماندهی اروند ابلاغ شد تعداد ۲۰۰ نفر از ۵۰۰ نفر افراد بسیج اعزامی از ستاد پشتیبانی جنگ را به منظور حفاظت و تامین جزایر آبادان و مینو اعزام دارند.

در روز ۱۳ آبان نبردهای هوایی و توپخانه در مناطق عملیات در جریان بود. هواپیماهای دشمن به یک گروه ۱۰ نفری کارکنان شرکت نفت که از آبادان عازم ماهشهر بودند، حمله و ۸ نفر از آنان را به شهادت رساندند. متقابلاً هواپیماها و بالگردهای ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز به مواضع دشمن در آن منطقه حمله کردند و تلفات و خسارات عمده‌ای وارد نمودند. ذکر این نکته ضروری است که تشکیل قرارگاه فرماندهی اروند در ماهشهر به فرماندهی فرمانده ژاندارمری کشور سبب ایجاد وحدت فرماندهی در این منطقه عملیات و همچنین باعث جذب بیشتر همکاری و هماهنگی رزمندگان سپاه پاسداران و سایر نیروهای مردمی شده بود.

۱۴ آبان ۵۹

در روز ۱۴ آبان فعالیت دشمن در جبهه شمالی سرپل شرق کارون و به سمت دارخوین آغاز گردید. نیروهای دشمن در حوالی آبادی محمدیه و سلیمانیه شروع به پیشروی کردند. از غرب رودخانه کارون نیز مواضع نیروهای ایرانی را که از عناصر سپاه پاسداران بودند، زیر آتش گرفتند. برای اولین بار فرمانده سپاه پاسداران این منطقه ارتباط بی‌سیم با فرماندهی اروند برقرار نمود و جریان وضعیت منطقه را گزارش کرد. با اعزام بالگرد و هواپیما، عملیات دشمن سرکوب شد و

نیروهای دشمن به مواضع قبلی خود عقب نشینی کردند.

در نیمه دوم آبان ماه، فرماندهی اروند موفق گردید یک خط پدافندی نسبتاً مستحکم در مقابل خط سرپل دشمن در شرق کارون ایجاد کند و هرگونه حرکات نیروهای دشمن را به سمت شمال و شرق و جنوب متوقف سازد.

اما مشکل اساسی، همچنان محاصره زمینی جزیره آبادان و در نتیجه شهر آبادان و خرمشهر بود. همان طور که اشاره شد، الزاماً هر گونه تدارک و پشتیبانی از طریق راه آبی بهمن شیر و یا بالگرد انجام می شد.

در روز ۱۶ آبان، وضعیت این منطقه نبرد آرام بود، ولی در ۱۷ آبان مجدداً نیروهای دشمن در قسمت شمالی سرپل فعالیت را آغاز کردند؛ لازم به یادآوری است نظر به این که تمام کرانه غربی رودخانه کارون در کنترل نیروهای دشمن بود، آن ها می توانستند پیشروی عناصر خود را که در شرق کارون به سمت شمال به حرکت در می آمدند از غرب کارون حتی با ندادن و جنگ افزارهای تیر مستقیم مانند تانک و تفنگ ۱۰۶ م م پشتیبانی کنند. از طرفی هرگونه حرکات دشمن در غرب کارون نیز چنین توهمی تولید می کرد که نیروهای دشمن برای اجرای عملیات خاصی به حرکت درآمده اند و همین امر اشتباهاتی در برآورد فعالیت دشمن به وجود می آورد و هر حرکتی که نیروهای دشمن در شرق یا غرب کارون انجام می دادند، تصور می شد که علیه مواضع پدافندی نیروهای ایرانی انجام می گیرد.

به هر حال این حرکات دشمن در غرب کارون با وارد عمل شدن هواپیماها و بالگردهای ایرانی متوقف شد. نکته حائز اهمیت درباره عملیات دشمن در دارخوین این است که عراقی ها چندین بار در شمال غربی مواضع نیروهای ایرانی در غرب دارخوین مانورهای فریبنده ای اجرا کردند، تا سبب نگرانی نیروهای مدافع جنوب دارخوین و عقب نشینی آنها به طرف شمال شوند، تا بدین وسیله جلو پیشروی نیروهای عراقی در شرق کارون به سمت شمال باز شود، ولی خوشبختانه نیروهای ایرانی تغییر موضع ندادند و به وسیله آتش، حرکات نیروهای دشمن را در غرب کارون متوقف و خنثی کردند.

حرکات فریبنده عراقی ها در مقابل دارخوین روز ۱۸ آبان نیز تکرار شد. ظاهراً این گونه عملیات دشمن بدین منظور بود که میزان عکس العمل نیروهای ایرانی را ارزیابی کند و در صورت مناسب بودن وضعیت، در حوالی دارخوین نیز پلی بر روی کارون بزند و سرپل دیگری اشغال نماید، ولی

آنچه مسلم است تا زمانی که دشمن از منطقه عبور نمی‌کرد، خطری برای نیروهای ایرانی در شرق کارون وجود نداشت.

با توجه به این که فرمانده ژاندارمری کشور مسئولیت فرماندهی اروند را به عهده داشت، در حد ممکن، امکانات ژاندارمری برای تقویت یگان‌های منطقه تحت امر به کار گرفته شد. از جمله ۱۸ آبان ماه از نواحی مختلف آن سازمان تعدادی آرپی‌جی ۷ بدین شرح به ماهشهر فرستاده شد. خراسان ۱۳ قبضه با ۳۰ موشک. اشاره بدین مطلب بدان سبب است که وضعیت نابرابر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در برابر لشکرهای سازمان یافته زرهی عراق ملموس باشد و ملاحظه شود که با ارسال چند قبضه آرپی‌جی ۷ از اقصی نقاط کشور به ماهشهر، یگان‌های درگیر تقویت می‌شدند تا جلو یگان‌های زرهی عراق را بگیرند و همگان دیدند که تحت همان شرایط بسیار ناگوار رزمندگان جان برکف جمهوری اسلامی ایران موفق شدند مانع پیشروی ارتش تا بن دندان مسلح عراق گردند.

علاوه بر ژاندارمری که مستقیماً تحت فرماندهی فرمانده ژاندارمری کشور هرگونه مقدمات خود را به ماهشهر می‌فرستاد و در اختیار فرماندهی اروند قرار می‌داد، نیروی زمینی ارتش نیز بدون توجه به اختلاف سلیقه‌ای که بین فرماندهان رده بالا وجود داشت، به خاطر وجود هدفی واحد، امکانات لشکر ۷۷ پیاده مشهد و مرکز زرهی و سایر مراکز فرهنگی را در حدود مقدمات، در اختیار فرماندهی اروند قرار داد، چنانکه عناصر تیپ ۲ پیاده قوچان و گردان ۲۴۶ تانک لشکر ۷۷ قبل از ۲۰ آبان‌ماه به ماهشهر وارد شدند و طبق طرح فرماندهی اروند مواضع پدافندی را در مقابل خط سرپل دشمن در شرق کارون اشغال کردند.

در ۱۹ آبان فرماندهی اروند اعلام کرد قرارگاه تیپ ۲ قوچان و گروه رزمی ۱۲۹ پیاده به ماهشهر وارد شده و به آبادان اعزام گردیدند. گروهان تانک اعزامی از شیراز نیز در دارخوین مستقر شد. از نیروهای مردمی نیز عناصری برای تقویت منطقه آبادان و دارخوین اعزام شدند. ضمناً آتشبار ۱۰۵ مم اعزامی از مشهد با بالگرد به آبادان فرستاده شد تا در پشتیبانی واحدهای مستقر در جزیره آبادان قرار گیرد. از ۲۰ آبان ماه یک تیپ پیاده سازمان یافته در این منطقه نبرد مستقر گردید. بعد از ۵۰ روز که از آغاز تجاوز عراق می‌گذشت، تازه وضعیت پدافندی منطقه نبرد خرمشهر و آبادان یک شکل نظامی قابل قبول به خود گرفت.

نکته‌ای که در پدافند این منطقه دارای اهمیت فوق العاده‌ای می‌توانست باشد، باریدن

باران‌های فصلی بود. با توجه به آبان ماه در شرف اتمام بود و آذرماه معمولاً فصل آغاز بارش‌های فصلی خوزستان است، امید می‌رفت با آغاز باران‌های فصلی، حرکات نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن متوقف، یا متکی به جاده شود، ولی متأسفانه در پائیز و زمستان سال ۱۳۵۹ برخلاف انتظار، بارندگی قابل ملاحظه‌ای انجام نگرفت.

وضعیت آمادگی رزمی و عملیات یگان‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیات اروند، روز به روز بهتر می‌شد، اما کمبودها آن‌چنان زیاد بود که با ترمیم‌های مختصر برطرف نمی‌گردید. از جمله یگان‌هایی که به منطق، عملیاتی اعزام می‌شدند، عموماً دارای کمبودهای سازمانی زیادی بودند.

از حوادث قابل ذکر روز ۲۰ آبان ماه، تشکیل یگان عملیات نامنظم در شادگان بود. با وجود این اصولاً واحد نامنظم در زمینهای باز و عاری از جنگل و ارتفاع کارآیی چندانی نداشت، این واحد با ترکیبی از عناصر متفرق تشکیل گردید که عبارتند بودند از: ۱۳ افسر، ۶ درجه دار و ۲۷ دانشجو از ژاندارمری، ۷ نفر راننده و ۲۵ نفر از رزمندگان مردمی و ۱۲۳ نفر از عشایر بویراحمد که در ضلع شرقی شادگان در کنار نهر سپند مستقر شدند تا عملیات چریکی را در منطقه فرماندهی اروند طرح و اجرا نمایند.

گرچه بعد از عقب نشینی نیروهای دشمن از ناحیه ذوالفقاری آبادان در اوایل دهه دوم آبان، تلاش محسوسی در جنوب و شرق خط سرپل اشغالی شرق کارون از او مشاهده نشد، با این وجود فرمانده اروند نگران آن بود که نیروهای دشمن با یک پیشروی سریع تمام کرانه شمالی رودخانه بهمن‌شیر را حداقل تا مقابل آبادی چوئیبده در شمال شرقی خسروآباد اشغال کنند و خطوط تدارکاتی هوایی و دریایی نیروهای ایرانی را محدود سازند. به همین علت به فرماندهی عملیات آبادان دستور داده شد مراقب هرگونه حرکات دشمن در شمال بهمن‌شیر باشد و از نزدیک شدن عراقی به کرانه شمالی بهمن‌شیر جلوگیری نماید.

لازم به یادآوری است که آبادی چوئیبده حدود ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی رودخانه کارون و حدود ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی سه راهی ماهشهر - آبادان قرار دارد. اگر نیروهای دشمن خط سرپل خود را آن‌قدر توسعه می‌دادند، بایستی حتماً پیشروی را برای تصرف یک هدف استراتژیک و مهم مانند قسمتی از شمال غربی جزیره آبادان از جمله شهر آبادان ادامه می‌دادند. در غیر این صورت توسعه سرپل جز آن‌که مشکلات عملیاتی و لجستیکی دشمن را افزایش می‌داد، نتیجه‌ای نمی‌توانست داشته باشد. به همین دلیل نیروهای دشمن به چنین اقدامی دست نزدند و در جبهه

شرق و به سمت شادگان و ماهشهر نیز حرکتی از دشمن مشاهده نشد، فقط در جبهه شمال سرپل به سمت دارخوین گاهگاهی فعالیتی از او دیده می‌شد. (۱۹۰)
در روز ۱۲ آبان ۵۹:

بالگردهای هواپیمایی نیروی زمینی ارتش - هوانیروز - در منطقه آبادان به نیروهای دشمن حمله کردند و چهار دستگاه تانک و یک دستگاه خودرو و تعدادی سنگر و چادر مهمات آنان را منهدم ساختند و ۳۵۰ نفر زن و کودک را از آبادان تخلیه کردند.

قرارگاه گروه ۲۲ توپخانه به منظور سرپرستی و هماهنگی کردن توپخانه‌های مستقر در ستاد عملیاتی اروند در ماهشهر مستقر گردید.

یک گروهان مهندسی تخریب از لشکر ۷۷ مشهد اعزام شد و زیر امر عملیات اروند قرار گرفت. (۱۹۱)

برابر اعلام نیروی دریایی در روز ۵۹/۸/۱۲:

پشتیبانی منطقه خونین شهر و آبادان از طریق پایگاه دریایی بوشهر هم‌چنان از طریق هوا و دریا ادامه دارد و در ۲۴ ساعت گذشته ۳۱ تن آذوقه و مهمات و ۳۲۲ نفر پرسنل، توسط بالگردهای آن نیرو در منطقه ماهشهر - آبادان ترابری شده است. هم‌چنین، امروز بالگردهای آن نیرو تعداد ۷۶۱ نفر و ۲۹ تن مهمات را جابه‌جا کرده‌اند.

امروز، وضعیت آبادان و خونین شهر تغییری نکرده و هم‌چنان زیر آتش سلاح سنگین دشمن است. سواحل اروندرود، حد فاصل «آبادان - خزل آباد» مورد شناسایی قرار گرفت و فعالیتی از دشمن مشاهده نشد، اما در آن سوی رودخانه بین خسروآباد و خزل آباد میان نخلستان‌ها، صدای بولدوزر، لودر و کمپرس‌های دشمن به گوش می‌رسد. (۱۹۲)

گزارش نیروی دریایی در ۵۹/۸/۱۵:

از ساعت ۱۰:۴۵ تا ساعت ۰۳:۴۱ یک فروند ناوچه اژ درافکن و یک فروند ناوچه اوزای عراقی توسط ناوچه پیکان در منطقه «خور عبدالله» منهدم گردیدند. امروز بالگردها و هواناوهای نیروی دریایی مستقر در بندر امام خمینی با ۹ سورتی پرواز ۲۱/۵ تن مهمات، یک خمپاره انداز، یک تیم مخبراتی و ۱۶۹ نفر از پرسنل مختلف را به آبادان ترابری کردند. (۱۹۳)

گزارش نیروی دریایی در ۱۶ آبان ۵۹:

در تداوم نبردهای روز گذشته، در ساعات ۰۸:۲۰ و ۰۹:۵۵ سکوی عظیم نفتی البکر و سکوی

دهه دوم آبان ۵۹: تثبیت مواضع پدافندی / ۱۵۹

نفتی الامیه، که تنها مراکز صدور نفت عراق از خلیج فارس (واقع در دهانه فاو) می‌باشد، توسط نیروهای رزمی ۴۲۱ نیروهای دریایی منهدم گردیدند. با انهدام این تاسیسات رژیم بعثی عراق قادر نخواهد بود حداقل تا دو سال از این طریق نفت صادر نماید.

فعالیت بالگردها و هواناوهای نیروی دریایی امروز به شرح زیر است: جابه جایی ۹ تن مهمات و ۸۱۸ نفر نیروی نظامی و غیرنظامی به منطقه بندر امام خمینی - آبادان و تخلیه ۱۵ جسد از منطقه ۸۹۴ (۱۹۴)

گزارش نیروی هوایی در ۱۶ آبان ۵۹:

نیروهای دشمن در اطراف آبادان و خونین شهر مورد حمله جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران واقع شدند و تلفاتی به آنان وارد شد. (۱۹۵)

جراید: در روز ۱۷ آبان یک فروند میگ ارتش مزدور عراق به حریم فضایی آبادان تجاوز کرد که با آتشبارهای ضد هوایی رزمندگان اسلامی روبه‌رو و در خاک عراق، آن سوی اروندرود، سرنگون شد. در ضمن، سخن‌گوی امدادگران آبادان در تماس با خبرگزاری پارس، تعداد شهدای روز گذشته این شهر را ۶ تن و تعداد مجروحان را ۵۶ نفر اعلام کرد. (۱۹۶)

گزارش نیروی هوایی از منطقه آبادان در ۱۸ آبان ۵۹:

در دو مرحله حمله هوایی، حدود ۱۰ تانک و خودروی مزدوران بعثی عراق منهدم شد و تلفات و ضایعاتی به نفرات و سنگرهای دشمن متجاوز وارد آمد. در حمله دیگر، به یک ستون موتوری و ادوات راه‌سازی و چادرهای دشمن حدود ۷۰ درصد خسارت وارد شد. توسط رزمندگان شجاع نیروی هوایی، به ستون دیگری از نیروهای مزدور بعث عراق، شامل بیش از ۳۰ خودرو تانک، حمله شد و ۵۰ درصد از این نیروها نابود گردیدند. (۱۹۷)

روزنامه جمهوری اسلامی در ۵۹/۸/۱۸

در پی حمله‌های پی‌درپی رژیم فاشیستی بعث عراق، به بیمارستان‌های آبادان، بیانیه‌ای از سوی اتحادیه پزشکان و داروسازان ایران منتشر شد. (۱۹۸)

۱۱- روزنامه اطلاعات ۵۹/۸/۱۸:

«یک مقام در فرمانداری آبادان گزارش داد، توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران از بامداد دیروز سنگرهای مزدوران بعث عراق را به ایستگاه (۱۲) در منطقه فرهنگیان هدف قرار داده و سه

سنگر دشمن را نابود کرده است.

گزارش دیگری حاکی است که در بخش شمال شرقی رودخانه بهمن‌شیر رزمندگان اسلام، دیروز نیز در حمله‌های گسترده‌ای با وارد ساختن تلفات به مزدوران عراقی، آنان را چندین کیلومتر از حاشیه شمال شرقی این رودخانه به عقب راندند.» (۱۹۹)

برابر اعلام ستاد اروند در ۵۹/۸/۱۹ :

نیروهای دشمن در شمال شرقی بهمن‌شیر مشغول تهیه و تحکیم مواضع جدید هستید. یک دستگاه خودرو و چند سنگر دشمن در جنوب غربی دارخوین توسط نیروهای خودی منهدم گردید. (۲۰۰)

برابر اعلام ژاندارمری، از ساعات ۱۰:۲۰ تا ۱۵:۰۰ به وسیله توپخانه کاتیوشا مستقر در آبادان خسارات و ضایعاتی به نیروهای دشمن در بندر فاو به شرح زیر وارد آمده است :

- به آتش کشیدن چهار دستگاه تانکر سوخت؛
- اجرای آتش سنگین روی مواضع دشمن در غرب فاو به میزان ۴۰ درصد؛
- انفجار یک انبار مهمات در غرب فاو؛
- اجرای آتش روی تاسیسات هواپیمایی، رادار و فرودگاه؛
- انهدام تاسیسات اسکله و بندر مزبور.

برابر اعلام نیروهای دریایی و اداره دوم ستاد مشترک ارتش، درگیری نیروهای خودی با نیروهای دشمن در امتداد روی بهمن‌شیر، منجر به پاکسازی نیروهای دشمن از هر دو سوی رودخانه گردید و دشمن در خارج از نخلستان، کمی دورتر از جاده خاکی، مستقر گردیده است.

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش، سپاه ۳ ارتش عراق به یگان‌های مستقر در منطقه آبادان و خرمشهر دستور داده که به‌علت فرا رسیدن فصل بارندگی و طغیان رودخانه‌ها از هم اکنون با ایجاد سنگرها و اماکن امن برای نیروها و تجهیزات اقدامات لازم را معمول دارند.

برابر اعلام شهرداری آبادان، امشب توپخانه خودی مستقر در آبادان مواضع دشمن را زیر آتش سنگین قرار داد. در ضمن، در اثر تیراندازی توپخانه‌ی دشمن، چندین خانه در آبادان منهدم گردید و در ۲۴ ساعت گذشته در آبادان ۷۷ نفر مجروح و ۷ نفر شهید شدند. (۲۰۱)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۱۳ / ۱۶۱

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۱۳

... به اتفاق برادرم رسول به رادیو رفتم ساعت نزدیک ۱۲ بود از رادیو آمدیم ستاد هماهنگی فرمانداری. عبدالرسول پایین ایستاد، من رفتم بالا، سری بزدم. دیدم آقای دکتر شببانی پای تلفن نشسته و مشغول صحبت است. پهلوی او نشستم. شاید دقیقه‌ای طول کشید، صدای انفجاری وحشت‌زا تمام شیشه‌های در و پنجره را خرد کرد. بی‌اختیار از اتاق بیرون پریدم. در خیابان فریاد آقای حجازی بلند بود. به سرعت پایین آمدم. خیابان وضع وحشت‌انگیزی داشت ... آمدم جنب اتومبیل برادرم رسول. دیدم رسول افتاده، غرق در خون. دل و روده‌هایش بیرون ریخته، یک دستش قطع شده و در دم جان داده! نگاهی به برادر شهیدم کردم و استرجاعی بر زبان جاری کردم. نوش جانش باد نعمت شهادت. چند دقیقه جسد بی‌جان و غرقه در خون برادرم در سطح خیابان افتاده بود تا ماشین آمد و او را به سردخانه انتقال داد. (۲۰۲)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۱۷

... راستی جنگ چه مشکلات و مسائل تازه‌ای به وجود می‌آورد. شهر ۵۰۰ هزار نفری آبادان که در هر گوشه‌اش حمامی بود، الان در تمام شهر یک حمام نیست. ... آب نیست، برق نیست، نفت نیست، دیگر حمام چگونه باشد.

... تعجب نکنید که جنگ است و مشکلاتش عجیب و فراوان. مشکل سگ‌ها دارد، مشکل گربه‌ها و گاوها و و دارد. ... گله گله سگ می‌بینی که توی شهر ولواند. صاحبانش ... رفته‌اند و این‌ها را رها کرده‌اند. حالا این حیوانات زبان بسته نه غذایی دارند و نه مأوا و مکانی، همین‌طور سرگردان سر به هاری درآورده‌اند و به همه حمله می‌کنند و اسباب اشاعه بیماری و زردی شده‌اند ... شهرداری ... به فکر از میان بردن آنان هستند... (۲۰۳)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۵۹/۸/۲۰

... از رادیو به منزل آمدیم ... نزدیکی‌های ساعت ۱۲ به معمول ... به مسجد قدس رفتیم ... چند دقیقه پیش ترکشهای خمسه خمسه دو نفر را رو به روی مسجد کشته است. امروز دور و بر مسجد چند تا خمسه خمسه منفجر شده است. ... نماز ظهر و عصر را به‌جا آوردیم ... چند نفری مشغول دعا و گفت‌وگو بودند ... می‌خواستیم دعای روز سه‌شنبه را بخوانم که ناگهان صدایی مهیب

برخاست و گرد و غبار و آجر خرده ، شبستان مسجد را فرا گرفت ... چند تکه آجر به کمر و بازوانم خورد ... غبار فرا گرفته ... کسی کسی را نمی بیند، اما می شنوم که یکی ... فریاد می کشد آقای جمی ... در میان غبار چشمم به فرزندم مهدی افتاد به جایگاه من می دود ... گفتم چیزیم نشده ... سراغ محمود و مرتضی و خردل را گرفتم آنها هم آمدند و سالم بودند ... پای برهنه خود را به ماشین رساندم ... جوانی خونی شده آورند که او را به بیمارستان برسانیم ... جوانی خون آلود دیگر سوار کردیم، آن دو را به بیمارستان رساندیم و به منزل برگشتیم.

امروز دیگر ناهار نداریم. چند دانه سیب زمینی ... آب پز کردیم و با خرما خوردیم کسی از بین نرفته ... چند نفر زخمی شده اند (۲۰۴)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در ۵۹/۸/۲۸

.... این برادر گفت که من خیابانها و محله های این شهر را نمی دانم و شما مرا راهنمایی کنید که از چه راهی بروم. معلوم شد که ایشان از پرسنل شهربانی همان است که چندی است در آبادان در جبهه ها می جنگد و شرح درگیری خودشان را با نوکران صدام در جبهه ذوالفقاری برایم بیان کرد. از فرار مفتضحانه بعضی ها و ذلت و خفتشان (۲۰۵)

دهه سوم آبان ۵۹: حرکات دشمن در مقابل دارخوین و ذوالفقاری برای عبور از کارون و بهمن شیر فرماندهی اروند در ۲۳ آبان دستور عملیاتی شماره ۳ خود را منتشر کرد که نکات مهم آن بدین شرح بود:

- ۱- فرماندهی عملیات آبادان - خرمشهر شامل: قرارگاه تیپ ۲ لشکر ۷۷ پیاده و گردانهای ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۵۳ پیاده و گروهان مهندسی از عناصر لشکر ۷۷ پیاده.
- ۲- گروه رزمی ۲۴۶ تانک شامل گردان ۲۴۶ تانک (-) از لشکر ۷۷، گردان ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱، یک آتشبار ۱۰۵ مم از توپخانه لشکر ۷۷، یک آتشبار ۱۳۰ مم از گروه ۵۵ توپخانه، ۲ رسد توپ پدافند هوایی از گروه ۴۴ توپخانه، یک تیم مهندسی از مهندسی ژاندارمری کشور، یک واحد از سپاه پاسداران به استعداد تقریبی ۲۰۰ نفر. این گروه رزمی در منطقه دارخوین مستقر بود.
- ۳- گروه رزمی ۲۰۲ ژاندارمری شامل: گردانهای ۲۰۱ و ۲۰۲ امداد ژاندارمری، گروهان تانک چیفتن، یک آتشبار ۱۳۰ مم از گردان ۳۴۲ گروه ۳۳ توپخانه، یک تیم مهندسی از مهندسی ژاندارمری کشور. این گروه رزمی در غرب شادگان مستقر بود و از محور ماهشهر دفاع می کرد.

۴- فرماندهی عملیات نامنظم شامل: گروهان ژاندامری شادگان، گروهان ژاندامری اعزامی از شیراز، گروهان ژاندامری اعزامی از بندر لنگه، عشایر و نیروهای مردمی به استعداد تقریبی ۱۹۰ نفر. این فرماندهی در شادگان مستقر بود و عملیات نامنظم را در تمام منطقه فرماندهی ارونند طرح و اجرا می‌کرد.

۵- توپخانه عمل کلی شامل گردان ۱۰۵ م لشکر ۷۷، یک آتشبار ۱۳۰ م م از گروه ۲۲ توپخانه، یک آتشبار کاتیوشا از گروه ۲۲ توپخانه، یک آتشبار ۲۳ م م پدافند هوایی از گروه ۴۴ توپخانه و دو رسد توپ ۲۳ م م از توپخانه لشکر ۲۱ پیاده.

۶- قرارگاه گروه ۲۲ توپخانه یگان‌های توپخانه را کنترل می‌کرد که عبارت بودند از: گردان ۳۴۱ توپخانه ۱۳۰ م (-)، یک آتشبار ۱۳۰ م م از گروه ۵۵ توپخانه، یک آتشبار کاتیوشا از گردان ۳۶۲ گروه ۱۱ توپخانه و ۳ دسته پدافند هوایی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ و گروه ۱۱ توپخانه.

۷- عده‌های در کنترل قرارگاه ارونند عبارت بودند از: هنگ ژاندامری آبادان، دو گروهان ژاندامری اعزامی از اصفهان، تکاوران دریایی به استعداد ۱۲۰ نفر، سپاه پاسداران به استعداد تقریبی ۸۰۰ نفر، نیروهای مردمی به استعداد تقریبی ۲۳۰۰ نفر.

۸- سایر یگان‌ها که در کنترل قرارگاه فرماندهی ارونند قرار داشتند عبارت بودند از: قرارگاه و گروهان قرارگاه فرماندهی، گروهان ژاندامری ماهشهر، یگان انتظامات، پلیس راه آهن ماهشهر، گروه هوانیروز، ایستگاه دریایی بندر امام خمینی شامل هواناوها و بالگردهای نیروی دریایی و ترمینال نظامی. مأموریت این فرماندهی، دفاع در منطقه مربوطه و آماده شدن برای اجرای آفند متقابل بود. عملیات آن از نظر خط مرز از پاسگاه کیلومتر ۲۵ شمال خرمشهر تا دهانه فاو تعیین شده بود.

بدین ترتیب بعد از قریب ۲ ماه وضعیت عملیاتی منطقه خرمشهر - آبادان تا حدی سر و سامان پیدا کرد. سازمانی به منطقه عملیات داده شد و واحدهای نسبتاً کافی در اختیار این فرماندهی قرار گرفت و ماموریت و مسئولیت فرماندهی مشخص گردید.

فرماندهی ارونند با دریافت یگان‌های گوناگون و ناهمگون از ژاندامری، نیروی زمینی، سپاه پاسداران و نیروهای مردمی وضعیت خاصی یافته بود، به قسمی که ایجاد وحدت فرماندهی در بین عناصر متشکله آن که عملاً در هفت منطقه مستقل شامل: جنوب دارخوین، غرب شادگان، محور ماهشهر - آبادان، شمال بهمن‌شیر، جنوب جزیره آبادان (کرانه ارونند) و کرانه شمالی خرمشهر و جزیره مینو، مجموعاً در طول قریب به ۲۰۰ کیلومتر گسترش داشتند، بسیار مشکل بود.

به عنوان نمونه، فرماندهی ارونند مسئولیت عملیاتی منطقه جنوب دارخوین را به گردان ۲۴۶ تانک واگذار نموده بود، در حالی که گردان ۱۴۴ پیاده و عناصر سپاه پاسداران نیز در آن جا گسترش

داشتند. ایجاد هماهنگی و وحدت فرماندهی بین این واحدها مشکلاتی را ایجاد کرده بود. که به هر حال بعد از شکل‌گیری سازمان دفاعی، دریافت نیروهای تقویتی، بیشتر از نیروی زمینی و نیروهای مردمی و سپاه پاسداران، فرماندهی اروند موفق شد مواضع دفاعی مطمئنی در مقابل تمام طول خط سرپل دشمن برقرار سازد و امکان فعالیت را از دشمن سلب نماید.

در ۲۴ آبان ماه بار دیگر نیروهای عراقی در غرب کارون و مقابل دارخوین حرکات ایذایی انجام دادند. تکرار این حرکات احتمالاً بدین منظور بود که عراقی‌ها در نظر داشتند نیروهای ایرانی را وادار به دور شدن از کرانه رودخانه کنند تا در فرصت مناسب پلی بر روی آن احداث نمایند و یا نیروهای ایرانی را وادار سازند به سمت شمال، در محور جاده دارخوین - اهواز عقب‌تر بروند تا نیروهای عراقی مستقر در جنوب دارخوین و حوالی آبادی سلیمانیه بتوانند نیروگاه برق و تاسیسات دارخوین را اشغال نمایند؛ اما به طوری که حوادث نشان داد، نیروهای دشمن از مبارزه رویاروی وحشت داشتند. ضمناً از ماه دوم جنگ به بعد نیز به طور کلی ارتش عراق آمادگی قبول تلفات انسانی خود را از دست داده بود، لذا اگر اقدام به حرکات آفندی محدود می‌کرد، در نظر داشت با حداقل تلفات نیروی انسانی، عملیات به نتیجه مطلوب برسد.

حادثه مهمی که از روز ۲۴ آبان در صحنه عملیات خوزستان آغاز شد، حمله نیروهای متجاوز عراق به سوسنگرد و محاصره آن شهر بود که تمام توجه مقامات مسئول نظامی و غیرنظامی را به خود جلب کرد. این عملیات تا غروب روز ۲۶ آبان ادامه یافت و با تلاش عناصر لشکر ۹۲ زرهی و گروه نامنظم شهید دکتر چمران و نیروهای سپاه پاسداران، محاصره سوسنگرد در هم شکسته شد و نیروهای عراقی به مواضع قبلی خود در جنوب و غرب سوسنگرد عقب نشینی کردند.

اما در جبهه شمال رودخانه بهمن‌شیر که بعد از شکست نیروهای دشمن در اوایل دهه دوم آبان ماه به حالت غیرفعال درآمده بود، نیروهای دشمن از ۲۵ آبان مجدداً تلاش‌های مذبحانه‌ای برای نزدیک شدن به رودخانه و در صورت امکان عبور از آن، به منظور ورود به جزیره آبادان انجام دادند و برای عبور، همان منطقه ذوالفقاری را که مناسبترین محل بود، انتخاب کرده بودند؛ اما مدافعان ایرانی با هوشیاری مانع پیشروی دشمن شدند. نبردی بین رزمندگان ایران و نیروهای متجاوز در شمال بهمن‌شیر در گرفت و نیروهای دشمن با برجای گذاشتن ۳۰ نفر اسیر که ۶ نفر آنان زخمی بودند، مجبور به عقب نشینی شدند. در این روز، برای ایجاد وحشت در مردم، آبادان در زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت و خسارات و تلفاتی بر مردم غیر نظامی وارد شد و قسمتی دیگر از تاسیسات پالایشگاه نفت آبادان از بین رفت. هم‌زمان با این فعالیت‌ها، نیروهای دشمن از

مقابل جزیره مینو از سیحان عراق، آن جزیره را زیر آتش شدید خود قرار دادند. شدت آتش آنچنان بود که عناصر سپاه پاسداران مستقر در آن مجبور شدند مواضع خود را تغییر دهند.

تلفات روز ۲۴ آبان ماه نیروهای ایرانی در جبهه ماهشهر - آبادان، ۵ نفر شهید و ۱۲۷ نفر مجروح اعلام شد.

در منطقه دارخوین نیز فعالیت نیروهای دشمن مانند روزهای گذشته بود و با آتش دوربرد خواستند به تاسیسات دارخوین خساراتی وارد سازند.

روز ۲۷ آبان ماه، با تبادل آتش سپری شد. شدت آتش در منطقه شمال بهمن شیر بود و دشمن هنوز فعالیت خود را در این قسمت متوقف نکرده بود. اما از ۲۸ آبان این منطقه به حالت اوایل دهه دوم آبان برگشت و نیروهای دشمن که به سمت رودخانه بهمن شیر پیشروی کرده و در چند روز گذشته تلاش کرده بودند حداقل کرانه شمالی رودخانه بهمن شیر را در کنترل خود بگیرند، به این امر موفق نشدند و به مواضع قبلی خود که در منطقه بین جاده آسفالت و جاده خاکی آبادان - ماهشهر بود، عقب نشینی کردند. به همین علت فرماندهی عملیات آبادان به فرمانده تیپ ۲ پیاده قوچان که در کرانه بهمن شیر دفاع می کرد، دستور داد منطقه را از لحاظ میدان های مین دشمن شناسایی کند و پس از پاک کردن منطقه به منظور حفظ تماس نظری با دشمن در کرانه شمالی پیشروی نماید. بدین ترتیب جبهه ماهشهر - آبادان آرام شد و نیروهای دو طرف در وضعیت پدافندی قرار گرفتند و تبادل آتش با حجمی کمتر اجرا گردید، ولی تاسیسات پالایشگاه آبادان همچنان مرکز تراکم آتش دشمن بود.

از نظر واحدهای تقویتی، در ۲۹ آبان یک گروهان ۱۰۰ نفری دژبان از واحد دژبان مرکز تهران به ماهشهر اعزام شد و زیرا امر فرماندهی اروند قرار گرفت.

با توجه به این که نیروهای ایران و عراق در این منطقه عملیات، به حالت پدافندی کامل درآمده بودند، فعالیت های هر دو طرف برای مدتی طولانی به اعزام گشتی و کمین و دستبرد و تحکیم مواضع محدود گردید.

قطع خطوط مواصلاتی زمینی جزیره آبادان، پشتیبانی سریع یگان های مستقر در این جزیره را با مشکلاتی مواجه کرده بود، گرچه هواناوها و بالگردهای ایرانی با تلاش فوق العاده نیازمندی های این یگان ها را ترابری می کردند، ولی به هر حال حمل وسایل سنگین به جزیره امکان پذیر نبود. به علاوه قطع راه زمینی از نظر روانی برای رزمندگان و غیرنظامیان اثرات منفی داشت. برای حل این مشکل از اوایل آذرماه، فرماندهی اروند تلاش نمود ابتدا طراده و بعد پل شناور در بهمن شیر برقرار

کند و با احداث جاده، ارتباط انشعابی از جاده ماهشهر - آبادان به محل احداث طراده یا پل، بین جزیره آبادان با ماهشهر را برقرار سازد. (۲۰۶)

اطلاعیه شماره ۲۸۳ ستاد مشترک ارتش در ۵۹/۸/۲۱

«رزمندگان دلیر هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در عملیات موفقیت آمیز روز جاری، ۲۱ آبان، این ضربه‌ها را در منطقه آبادان به نیروهای مزدور و کافر بعثی عراق وارد ساختند :

انهدام ۹ دستگاه تانک

انهدام یک قبضه توپ ضد هوایی خودکشی از نوع شلیکا

انهدام پنج دستگاه کامیون تدارکاتی

انهدام یک دستگاه کامیون مهمات

انهدام یک دستگاه جیپ

انهدام تعدادی خمپاره اندازو سنگر نفرات مزدور ارتش عراق و به هلاکت رسانیدن تعداد زیادی

از نفرات دشمن» (۲۰۷)

از گزارش نوبه ای عملیاتی مورخه ۵۹/۸/۲۲

در ۴۸ ساعت گذشته، آمار تلفات آبادان ۵۹ نفر مجروح و ۷ نفر شهید بود. (۲۰۸)

خبرگزاری پارس گزارش داد :

«در ساعت ۱۱:۳۰ در جبهه آبادان در امتداد رودخانه بهمن شیر، دشمن با پشتیبانی واحدهای زرهی و آتش، قصد پیشروی به منطقه بهمن شیر را داشت که با مقاومت شدید نیروهای خودی رو به رو شد و در پی حمله متقابل رزمندگان ایرانی تعداد زیادی از نفرات دشمن کشته و مجروح و ۱۶ نفر به اسارت گرفته شدند و بلافاصله به پشت جبهه انتقال یافتند.»

روزنامه خراسان :

«دلاوران نیروی هوایی ارتش ایران از ساعت ۰۷:۰۰ صبح دیروز (۲۴ آبان)، تا ساعت ۰۷:۰۰

روز (۲۵ آبان)، طی عملیات غیورانه، بخشی از نیروهای زرهی دشمن را در ۷ الی ۱۲ کیلومتری

دهه سوم آبان ۵۹، حرکات دشمن در... / ۱۶۷

بهمن شیر نابود کردند. این گزارش حاکی است که یک مجتمع صنعتی در جنوب بصره را هم به طور کامل منهدم و نابود کرده‌اند. خلبانان دلیر پس از انجام عملیات سالم به پایگاه خود بازگشتند.» (۲۰۹)

برابر اعلام ستاد ارونند در ۲۵ آبان ۵۹ :

امروز، در شمال شرقی بهمن شیر یک عراده توپ، یک دستگاه خودروی حامل مهمات و یک قبضه خمپاره‌انداز دشمن منهدم شد. ۲۴ نفر از افراد دشمن اسیر و ۶ نفر مجروح شدند. در ساعت ۲۰:۰۰ دیشب، دشمن نیروی جدیدی را با استعداد نامعلوم، وارد منطقه آبادان و خونین شهر کرده است.

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش، بر اثر تیراندازی توپخانه و خمپاره‌انداز خودی به مناطق: واصلیه، شعله و محیله (مقابل آبادان) برق مناطق مذکور قطع شده است. هم‌چنین امروز نیروهای عراقی مستقر در سیحان (خاک عراق) جزیره مینو (آبادان) را زیر آتش توپخانه قرار دادند و تعدادی از خانه‌های جزیره را منهدم کردند. پاسداران مستقر در آن جا هم مجبور به تغییر موضع شدند.

امروز، بالگردهای هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) به نیروهای دشمن در شمال آبادان حمله کردند که در نتیجه دو دستگاه خودرو، یک قبضه خمپاره‌انداز با خدمه مربوطه را منهدم ساختند.

از ساعت ۰۹:۲۰ درگیری شدیدی در اطراف شهر آبادان بین نیروهای خودی و دشمن آغاز شده است. (۲۱۰)

اطلاعیه شماره ۲۹۳ ستاد مشترک ارتش در ۵۹/۸/۲۵

طی روز گذشته، ۲۴ آبان، نبرد، هم‌چنان بین رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از یک سو و نیروهای ارتش عراق از سوی دیگر در جبهه‌های جنوب ادامه داشت. بنا به گزارش نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای دشمن با آتش شدید توپخانه و سلاح‌های سنگین خود شهر آبادان و قسمتی از شرق خونین شهر را زیر آتش قرار دادند که متقابلاً با آتش توپخانه نیروهای رزمنده خودی به آنان پاسخ داده شد.

دشمن در ساعت ۱۱:۳۰ در جبهه آبادان، امتداد رودخانه بهمن‌شیر، با پشتیبانی واحدهای زرهی و آتش توپخانه قصد پیشروی به منطقه شرقی بهمن‌شیر را داشت که با مقاومت شدید

نیروهای خودی روبه‌رو شد. در پی حمله متقابل نیروهای خودی تعدادی زیادی از نفرات دشمن کشته و مجروح شدند و ۱۶ نفر به اسارت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در آمدند که بلافاصله به منطقه عقب تخلیه شدند.» (۲۱۱)

اطلاعیه شماره ۲۹۴ از فعالیت نیروی هوایی در ۵۹/۸/۲۵

انهدام بخشی از نیروهای زرهی دشمن در ۸ تا ۱۲ کیلومتری سه راه بهمن‌شیر به طرف ماهشهر

حمله به قسمتی از توپخانه دشمن در محور بصره به فاو و انهدام تعدادی از نیروهای عراقی در نخلستان‌های غرب اروندرود. (۲۱۲)

برابر اعلام اداره دوم ستاد مشترک ارتش :

عده‌ای از نیروهای عراقی مجهز به توپخانه ، خمپاره انداز و موشک آماده حمله به نیروهای خودی مستقر در جزیره مینو و سیحان شده‌اند.

در ساعت ۱۱:۳۰ توپخانه خودی پایگاه دریایی فاو را زیر آتش قرار داده و دستگاه رادار دفاع ساحلی ، دکل مخابراتی و چندین تاسیسات ارتباطی دشمن را در پایگاه مزبور منهدم کرد.

در ساعت ۱۷:۰۰ توپخانه خودی مستقر در آبادان، مرکز فرماندهی ارتش خلق عراق را در «البحار» هدف قرار داد.

تعدادی از عناصر چریکی عراق، که به داخل آبادان نفوذ داده شده‌اند ، به نارنجک‌های مخصوص گازهای شیمیایی مجهز هستند.

برابر اعلام شهربانی :

امروز ، نیروهای متجاوز عراقی با سلاح‌های سبک و سنگین آبادان را زیر آتش قرار دادند، در نتیجه تعدادی از منازل مسکونی منهدم و لوله‌های نفتی منطقه بریم و قسمتی از ساختمان شرکت نفت طعمه حریق شد و یک نفر شهید و پنج نفر مجروح شدند. نیروهای خودی هم با آتش توپخانه مواضع دشمن را در جبهه بهمن‌شیر زیر آتش قرار داده و ضمن وارد آوردن تلفات سنگین به دشمن و عقب راندن آن‌ها تعدادی جنگ افزار به غنیمت گرفتند.

شب گذشته، آبادان و پالایشگاه و تانکی فارم زیر آتش شدید آتشبارهای دشمن قرار داشت. پالایشگاه و تانکی فارم همچنان می‌سوزد و نبرد در اطراف آبادان به خصوص در مقابل کوی

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۸/۲۲ / ۱۶۹

ذوالفقاری، با موفقیت ادامه دارد.

برابر اعلام هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز)، در ساعت ۱۶:۰۰ امروز تعدادی از پرسنل هوانیروز که برای باز کردن قطعات بالگرد کبرای سانحه دیده در جاده ماهشهر-آبادان اعزام شده بودند، بر اثر اصابت ترکش گلوله‌ی توپخانه دشمن دو نفر از آنان (مشخصات معلوم) شهید و یک نفر مجروح گردید». (۲۱۳)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۸/۲۲

..... جلسه‌ای به همت بعضی از برادران در پاساژ صفای حسینی منعقد شده است امروز چهارم محرم است درآبادان، این تنها جلسه‌ای است که به‌عنوان جلسه عزای حسینی منعقد شده است. عده‌ای جمع بودند، نوعاً رزمندگان جبهه‌ها بودند که ساعت استراحتشان بود. چند کلمه‌ای صحبت کردم. ظهر به منزل آمدیم عصر محمود و مرتضی رفتند به منزل مرحوم رسول، سری بزنند. معلوم شد شبانه به منزل دست‌برد زده‌اند و مقداری پول در منزل بوده‌اند. اوضاع چنین است. بعضی‌ها با آن وضع در خون خود می‌غلتنند و به شهادت می‌رسند و خانه‌هایشان بلا صاحب می‌ماند و در این بین فرصت‌طلبانی هستند که در کمین نشسته و برای غارت به خانه این شهیدان دست‌برد می‌زنند. به راستی بشر چقدر متضاد شده و از هم فاصله می‌گیرند. یکی چنان و دیگری چنین. آری متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست. گروهی این و گروهی آن پسندند (۲۱۴)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۸/۲۴

..... پیش از ظهر سری به ستاد عملیات جنوب و اتاق جنگ زدم. سرهنگ شکرریز، فرمانده عملیات و سایر افسران بودند. سرهنگ شکرریز اظهار داشت وضع من‌الحيث المجموع خوب است. آن وقت شرح فداکاری یکی از برادران پاسبان شهربانی در جبهه را نقل کرد. که این برادر با رشادت کم نظیر در یک حمله، سه نفر عراقی را می‌کشد و به چهار نفر دیگر اخطار می‌کند که تسلیم شوند. آن چهار نفر دست‌ها را به عنوان تسلیم بالا می‌برند که فرماندهشان از عقب آنها را به رگبار می‌بندد و هر چهار نفر را می‌کشد و سپس نارنجکی دستی به سوی پاسبان ما پرتاب می‌کند که پاسبان شجاع مزبور چند ثانیه قبل از انفجار نارنجک، آن را در هوا گرفته به سوی دشمن پرتاب می‌کند که نارنجک منفجر و چند نفر از دشمن را می‌کشد! رادیو هم این خبر را نقل کرد.

بعدازظهر امروز نیروهای رزمنده در جبهه ذوالفقاری، شمال رودخانه بهمن‌شیر حماسه آفریدند. با

حمله دلیرانه خود بیش از ۲۰۰ نفر را کشته و حدود ۱۰۰ نفر را اسیر کردند رادیو در اخبار ساعت ۸ شب این پیروزی را نقل کرد اما متأسفانه وضع سوسنگرد و خیم و بحرانی شده و بعثیان مزدور به شهر نفوذ کرده اند شهر در خطر سقوط است خداکند به سرنوشت خرمشهر گرفتار نشود . (۲۱۵)

آذر ماه ۵۹؛ با تقویت نیروهای خودی

در نهم آذرماه، یگان‌های فرماندهی اروند در شمال و جنوب سر پل دشمن در شرق کارون، حملات محدودی را اجرا کردند. در سمت شمال و مواضع سلیمانیه و محمدیه موفق شدند تلفات و خسارات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای خط مقدم عراق وارد سازند و ۴ دستگاه تانک سالم به غنیمت بگیرند و ۴ نفر از افراد دشمن را اسیر نمایند.

در منطقه رحمانی و شمال دارخوین نیز یک سرباز عراقی در عملیات گشت‌زنی به اسارت نیروهای ایران در آمد. در محور ماهشهر - آبادان نیز به عناصر تامین دشمن حمله شد و نفرات عراقی فرار نمودند و مقداری وسایل مخابراتی بر جای گذاشتند که به دست نیروهای ایرانی افتاد. در روز دهم آذر ماه ، فعالیت قابل ملاحظه‌ای از نیروهای دشمن در شرق کارون مشاهده نشد، ولی در غرب کارون حرکاتی انجام دادند. بالگردهای ایرانی به نیروهای دشمن در غرب کارون حمله کردند و خساراتی وارد کردند.

در دهه دوم آذرماه ، نیروهای تقویتی بیشتری از عناصر زمینی و ژاندارمری به منطقه عملیات فرماندهی اروند اعزام شدند. از نیروی زمینی، یک گردان توپخانه ۱۵۵م و یک گروه رزمی تانک که شامل عناصر تیپ ۳۷ مرکز زرهی بود، به ماهشهر اعزام گردید. از ژاندارمری نیز یک گروهان ژاندارم از بوشهر به ماهشهر تشکیل داد و وسایل سنگین جاده‌سازی به آن منطقه وارد کرد و پشتیبانی جاده سازی و تهیه مواضع را آغاز نمود . قدرت دفاعی نیروهای جمهوری اسلامی در منطقه عملیات ماهشهر - آبادان - دارخوین افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت .

در ادامه اعزام نیروهای تقویتی به منطقه ماهشهر- آبادان، ناحیه ژاندارمری مرکز نیز یک گردان ژاندارمری ۳۰۰ نفری به ماهشهر اعزام کرد و قدرت رزمی فرماندهی اروند از نظر واحدهای مانوری به نحو قابل ملاحظه‌ای تقویت گردید. از زاهدان نیز یک گروهان ادوات ژاندارمری وارد ماهشهر شد. برای تأمین وسایل عبور از رودخانه بهمین شیر نیز طراده‌های جی‌پی‌اس و یک گروهان

پل شناور پی‌ام‌پی به ماهشهر اعزام شد. عملیات برقراری ارتباط از زمین بین جزیره آبادان به ماهشهر آغاز گردید.

در داخل سازمان یگان‌های زیر امر فرماندهی اروند نیز اقداماتی برای بهبود وضع پرسنلی و لجستیکی آنها انجام می‌شد. به طور نمونه تعدادی تانک چیفتن به فرماندهی اروند تحویل شده بود که خدمه نداشتند.

از ۱۳ تا ۲۰ آذر ماه حدود ۱۰۰ نفر افراد غیر نظامی داوطلب و از افراد سرباز خدمت منقضی سال ۱۳۵۶ به فرماندهی عملیاتی آبادان - خرمشهر واگذار شد و آن فرماندهی با استفاده از این نیروها، خدمه یک گروهان تانک را آماده نمود. گرچه این افراد ورزیدگی لازم برای به کار بردن تانک چیفتن در میدان رزم را نداشتند، ولی در هر حال از تانک بدون خدمه مفیدتر بود.

نیروی زمینی برای تقویت فرماندهی اروند در ۲۴ آذر ماه به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد کلیه عناصر سازمانی و زیر امر تیپ ۳۷ زرهی مرکز زرهی شیراز را از زیر امر رها سازد و به ماهشهر اعزام و زیر امر فرماندهی اروند قرار دهد. بدین وسیله یک تیپ زرهی ناقص از ۲۵ آذر ماه در اختیار فرماندهی اروند قرار گرفت.

فرماندهی اروند در نظر داشت قبل از شروع بارانهای پاییزی خوزستان تعرض متقابل را اجرا کند، زیرا صورت شروع بارندگیها، زمین منطقه عملیات باتلاقی و غیر قابل عبور می‌گردید و اجرای عملیات تعرضی غیر مقدور می‌شد. چنانکه در ۲۶ آذر ماه اولین باران فصلی در منطقه خرمشهر - آبادان بارید و مشکلاتی برای یگان‌ها ایجاد نمود و سنگرها را آب فرا گرفت. البته این مشکل برای نیروهای دشمن نیز وجود داشت، ولی عراقی‌ها از اوایل جنگ مسئله اثرات بارندگی وسیل و آب گرفتگی منطقه عملیات اهواز، خرمشهر، آبادان و سوسنگرد را مورد توجه قرار داده و با امکاناتی که در اختیار داشتند، خاکریزهای مرتفعی ایجاد کرده و جاده‌سازی قابل ملاحظه‌ای نیز انجام داده بودند. نیروهای ایرانی حتی ۲ ماه بعد از آن نیز دارای آن چنان امکاناتی نبودند که بتوانند برای مقابله با سیل و آب‌گرفتگی اقدامات موثری به‌عمل آورند. برعکس طرح‌هایی نیز در دست اجرا بود تا اساساً با استفاده از باز کردن دریچه‌های سد دز و سد کرخه و کارون، آب گرفتگی عمدی در منطقه اهواز و خرمشهر ایجاد گردد تا طول خط دفاعی نیروهای ایرانی کمتر شود. به هر حال جو کلی سیاسی کشور درباره جنگ از یک طرف و شروع بارندگی‌های فصلی از طرف دیگر ایجاب می‌کرد که هر چه سریعتر یک عملیات آفندی نسبتاً گسترده در یکی از مناطق نبرد خوزستان

طرح‌ریزی و اجرا شود و بدین جهت فرماندهی اروند از ۲۵ آذرماه طرح ریزی چنین عملیاتی را آغاز کرد ضمن این‌که نیروی زمینی نیز طرح آفندی در منطقه سوسنگرد را بررسی نمود و بدین طریق یک مرحله جدید عملیات در صحنه‌های نبرد خوزستان آغاز گردید.

مراحل طرح ریزی عملیات توکل

به‌علت حساسیت فوق‌العاده محاصره جزیره آبادان و احتمال اشغال آن توسط نیروهای متجاوز عراقی، مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کردند هر چه زودتر نیروهای متجاوز را به غرب رودخانه کارون عقب برانند. اولین اقدام جدی برای وصول به این هدف، در سوم آبان ۱۳۵۹ به عمل آمد، اما به عللی که بیان شد با شکست مواجه گردید، ولی پس از تقویت فرماندهی اروند و در اختیار گرفتن نیروی قابل ملاحظه از عناصر نیروی زمینی و ژاندارمری کشور، این فرماندهی تصمیم گرفت تلاش خود را برای عقب راندن نیروهای دشمن از شرق رودخانه کارون به کار اندازد و از ۲۵ آذرماه این تلاش به طور جدی آغاز گردید و اولین قدم اجرایی عملیات نظامی که برآورد وضعیت باشد، برداشته شد. ستاد فرماندهی اروند یک برآورد وضعیت عملیاتی تهیه کرد که نمایانگر برداشت کلی از وضعیت نیروهای خودی و دشمن در آن شرایط بود. خلاصه این برآورد وضعیت یک مبنای اصلی عملیات آفندی توکل قرار گرفت چنین بود:

مأموریت: فرماندهی عملیات اروند در منطقه مربوطه (ماهشهر، آبادان، دارخوین) دفاع می‌کند و آماده می‌شود با عملیات آفندی نیروهای دشمن را در منطقه مربوطه نابود سازد و خرمشهر را آزاد کند و تک را تا ترمیم خط مرز از شلمچه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵ ادامه بدهد.

در تجزیه و تحلیل وضعیت، درباره ارزیابی وضعیت زمین منطقه عملیات، در بندهای مربوطه، راه کار پدافندی دشمن و راه کار آفندی خودی بیان شده بود. به علت تحکیم مواضع پدافندی که دشمن در منطقه اشغالی انجام داده و نیروهای حمله ور بایستی در زمین کاملاً باز و بدن عارضه به مواضع مستحکم دشمن حمله کنند، لذا امتیاز زمین منطقه عملیات از هر لحاظ برای دشمن فراهم و از نظر توان رزمی نیز از هر لحاظ برتری با نیروهای دشمن بود. نیروهای خط مقدم دفاعی و به عبارتی نیروهای درگیر دشمن در منطقه سرپل شرق کارون، ۶ گردان تانک و ۳ گردان مکانیزه برآورد گردیده بود که با توپخانه تقویت شده یک لشکر زرهی پشتیبانی می‌شد. علاوه بر نیروهای درگیر، نیروهای تقویتی دشمن نیز در منطقه عملیاتی شمال خرمشهر، یک تیپ زرهی، یک تیپ

مکانیزه و ۳ تیپ پیاده منظور گردیده بود که قادر بودند در ظرف مدت زمان محدودی وارد نبرد شرق کارون شوند. در مقابل این نیروی انبوه دشمن که بیش از دو لشکر می‌توانست باشد، نیروهای فرماندهی اروند شامل یک تیپ پیاده، حدود یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه و در حدود یک تیپ پیاده از عناصر ژاندارمری و سپاه پاسداران و نیروهای مردمی بود که در مقایسه توان رزمی نیروهای طرفین توانایی دشمن حداقل ۳ برابر توانایی نیروهای جمهوری اسلامی بود، ضمن آن‌که نیروهای ایرانی از لحاظ ادوات زرهی و مکانیزه قابل قیاس با نیروهای عراق نبودند. با وجود این حقایق، ستاد فرماندهی اروند بدون هیچ‌گونه ابراز تردیدی درباره عدم امکان اجرای عملیات آفندی، ۳ راه کار آفندی در نظر گرفت و این امر نشان می‌داد که اصولاً مأموریت ستاد اروند برآورد وضعیت برای پیدا کردن پاسخ مثبت برای اجرای تک بود، نه راه کار الزامی که شرایط موجود منطقه نبرد تحمیل می‌کرد. به این جهت اصولاً راه کار ادامه پدافند در این برآورد وضعیت مطرح نگردید و ۳ راه کار آفندی در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

۱- تک در سمت سلیمانیه به مارد از شمال به جنوب.

۲- تک به مواضع عراقی‌ها از محور ماهشهر- آبادان به خط سرپل دشمن.

۳- تک از جنوب به شمال از محور کرانه بهمن‌شیر به سمت خط سرپل دشمن.

سرانجام بعد از بررسی ستادی این راه‌کارها و مقایسه محاسن و معایب آنها، پیشنهاد شد که یگان‌های فرماندهی اروند با تیپ ۳۷ زرهی (که البته یک گردان بود) و گروه رزمی ۲۴۶ تانک (که آن هم کمتر از ۲ گروهان بود) و یگان‌های مستقر در شمال جزیره آبادان، حمله در ۳ محور اجرا گردد. در محور شمالی- جنوبی گروه رزمی ۲۴۶ تانک از سلیمانیه به سمت جنوب حمله کند. تلاش اصلی در محور ماهشهر- آبادان در شمال جاده تیپ ۳۷ زرهی اجرا گردد و یک تلاش فرعی دیگر توسط عناصر تیپ ۲ پیاده فوجان و سایر واحدهای مستقر در کرانه شمالی بهمن‌شیر از جنوب به شمال به سمت خاکریزهای خط سرپل دشمن اجرا شود و نظر به این‌که هیچ یگان دیگری برای تشکیل احتیاط فرماندهی اروند باقی نمی‌ماند، در این برآورد احتیاط واحدهای حمله‌ور احتیاط فرماندهی اروند منظور گردیده بود.

بر اساس آخرین راه‌کار پیشنهادی، فرماندهی اروند دستور تهیه طرح عملیاتی را صادر کرد و این طرح در ۲۷ آذرماه به نام «طرح عملیاتی توکل» تهیه و منتشر گردید که خلاصه آن بدین شرح بود:

یگان‌های زیر امر فرماندهی اروند در ۳ فرماندهی عملیاتی سازماندهی شدند که عناصر اصلی آنها عبارتند از:

- ۱- فرماندهی عملیات آبادان- خرمشهر: شامل تیپ ۲ پیاده قوچان با ۳ گردان پیاده و یک گروهان تانک چیفتن و عناصر ژاندارمری مستقر در جزیره آبادان و نیروهای سپاه پاسداران و بسیج مردمی، گردان توپخانه ۱۰۵، یک آتشبار توپخانه ۱۳۰ م م و یک آتشبار توپخانه کاتیوشا.
- ۲- تیپ ۳۷ زرهی: شامل عناصر سازمانی تیپ، یک گردان امداد ژاندارمری، یک آتشبار توپخانه ۱۰۵ و یک آتشبار توپخانه ۱۳۰ م م.
- ۳- گروه رزمی ۲۴۶ تانک: شامل گردان ۲۴۶ تانک (منهای یک گروهان)، یک گردان پیاده از عناصر لشکر ۲۱ پیاده، یک گردان مختلط توپخانه ۱۰۵ و ۱۵۵ م م و عناصر سپاه پاسداران.
- ۴- یک فرماندهی عملیات نامنظم: متشکل از حدود ۲ گروهان ژاندارمری و نیروهای مردمی.
- ۵- یک فرماندهی توپخانه: جمعاً با ۴ آتشبار توپخانه صحرایی ۱۳۰ م م، ۲۰۳ م م و کاتیوشا.
- ۶- عناصر دیگر پشتیبانی خدمات رزمی و پشتیبانی رزمی شامل تیم هوانیروز، گروهان مهندسی و غیره.

مأموریتی که در این طرح عملیاتی در نظر گرفته شده بود عبارت بود از عقب راندن نیروهای دشمن از شرق کارون و شکست محاصره آبادان و ادامه حمله سمت غرب و عقب راندن نیروهای دشمن از خاک کشور جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و ترمیم خط مرز. برای اجرای این مأموریت ۵ مرحله در نظر گرفته شده بود که مرحله اول و دوم آن عقب راندن نیروهای دشمن به غرب کارون و تأمین کرانه شرقی از رودخانه بود که مهمترین مراحل اجرایی این طرح را تشکیل می‌داد. مانور برای اجرای این طرح چنین پیش‌بینی شده بود که ابتدا تیپ ۳۷ زرهی از شرق به غرب و گروه رزمی ۲۴۶ تانک از شمال به جنوب به خط سرپل دشمن حمله می‌کرد و نیروهای دشمن را به غرب کارون عقب می‌راند در این مرحله عناصر فرماندهی آبادان- ماهشهر فقط از جزیره آبادان دفاع می‌کرد و بعد از موفقیت نسبی در شرق و شمال این فرماندهی نیز از جنوب به شمال در کرانه شرقی کارون حمله می‌کرد و در مرحله دوم کرانه شرقی رودخانه توسط یگان‌های فرماندهی اروند تأمین می‌شد، مراحل بعدی ادامه حمله در غرب کارون بود. طبق برآوردی که از وضعیت دشمن شده بود، نیروهای دشمن عناصر لشکر ۳ زرهی و

عناصری از لشکر ۱۱ پیاده ارتش متجاوز عراق در مقابل یگان‌های فرماندهی ارونند گسترش داشتند. لشکر ۵ مکانیزه نیز که در منطقه عملیاتی اهواز مستقر بود، می‌توانست حداقل با یک تیپ زرهی، لشکر ۳ زرهی را در منطقه خرمشهر-آبادان تقویت نماید.

پس از ابلاغ طرح عملیاتی یاد شده در ۲۷ آذرماه اقدامات اجرایی برای آمادگی، به طور فعال آغاز شد و تا زمان اجرای طرح که ۱۹ دی ۱۳۵۹ بود، فقط تغییراتی جزئی در سازمان رزمی آن به عمل آمد.

ذکر این نکته کاملاً ضرور است که در همان زمان، یعنی از اواخر آذرماه که فرماندهی ارونند طرح یاد شده را تهیه و برای اجرا آماده می‌کرد، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز مشغول طرح ریزی و آماده شدن برای اجرای یک عملیات تعرضی نسبتاً وسیع در منطقه عملیات اهواز- سوسنگرد بود، ولی هیچ‌گونه ارتباط فرماندهی بین قرارگاه فرماندهی ارونند با قرارگاه عملیاتی نیروی زمینی در جنوب برای هماهنگ کردن این دو عملیات تعرضی وجود نداشت و هر دو قرارگاه به صورت کاملاً مستقل مشغول کار خود بودند.

عناصر تیپ ۳۷ زرهی از روز ۲۷ آذرماه به مرور از منطقه عملیاتی اهواز وارد منطقه عملیاتی جنوب غربی شادگان شدند و مواضع پدافندی را در شمال محور آبادان-ماهشهر و در حدود ۱۵ کیلومتری شرق سه راهی آبادان-ماهشهر اشغال کردند. فرماندهی این واحد تلاش کرد به مرور مواضع جدیدی در جلو و نزدیک به خط دفاعی تهیه و اشغال کند و فضای خالی بین خط مقدم دفاعی نیروهای خودی با دشمن را پر نماید، زیرا برخلاف اصول کلی دفاع عملاً ارتباط نظری به وسیله پست‌های دیده‌بانی و عناصر تأمینی با نیروهای دشمن قطع بود و یک فضا بدون دفاع به عمق حدود ۶ کیلومتر بین نیروهای جمهوری اسلامی و نیروهای دشمن وجود داشت. البته نیروهای دشمن نیز به علت سست بودن زمین منطقه عملیات و نداشتن ارزش نظامی، علاقه‌ای به گسترش مواضع دفاعی خود به سمت شرق را نداشتند و حرکت تدریجی دشمن به شرق هیچ امتیازی برای وی ایجاد نمی‌کرد، به جز آن که تهیه مواضع جدید و انجام کارهای مهندسی بسیار را ایجاب می‌نمود. به همین علت نیروهای دشمن پس از عبور از کارون تلاش قابل ملاحظه‌ای در سمت شرق سرپل نکردند و در سمت شمال به طرف دارخوین نیز همین حالت برای دشمن وجود داشت، مضاف بر این وسعت سرپل نیز گسترش می‌یافت و لازم می‌شد نیروهای بیشتری برای دفاع از سرپل وارد شرق کارون شوند. (۲۱۶)

سایر حوادث عمده در آذر ماه ۱۳۵۹

۵ آذر ۵۹ : برابر اعلام ستاد اروند، در روز جاری، ۱۱ دستگاه تانک دشمن با پشتیبانی آتش توپخانه، در منطقه آبادان به عملیات تعرضی اقدام کردند که حمله آنان توسط گروه رزمی ۲۰۲ خنثی گردید و به عقب زده شدند و در نتیجه ۵ دستگاه تانک، یک انبار مهمات و هشت سنگر اجتماعی آنان منهدم شد.

برابر اعلام شهربانی، شهر آبادان زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و تعدادی از منازل و مغازه‌های مناطق «بریم»، «سبک لاین» و بهمن شیر منهدم شد و مخزن شماره ۱۰ پالایشگاه حریق گردید و ۵ نفر شهید و ۳۵ نفر مجروح شدند. (۲۱۷)

از اطلاعیه شماره ۳۱۹ ستاد مشترک ارتش:

... دلاوران نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۲۲:۳۳ روز ششم آذر در یک مصاف دریایی در قلب آب‌های دشمن در دهانه ام القصر، یک ناوچه مدرن عراقی را منهدم و غرق کردند و ناوچه دیگر از صحنه گریخت. (۲۱۸)

اطلاعیه شماره ۳۲۲ ستاد مشترک ارتش در تاریخ ۵۹/۹/۸

بسمه تعالی

هم‌وطنان غیور و مسلمان ایران

رزمندگان شجاع نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات تهاجمی مشترک نیروی هوایی و نیروی دریایی از روز ششم آذر تا ساعت ۸ بامداد امروز، هشتم آذر، ۱۰ فروند از ناوچه‌های نیروی دریایی ارتش عراق را منهدم کرده و به قعر دریا فرستادند که از این تعداد چهار فروند آن از نوع ناوچه موشک‌انداز مدرن اوزا و شش فروند آن از نوع ناوچه‌ی مدرن ضربتی بوده است. هم‌چنین در ساعت ۹:۳۰ امروز یک ناوچه دیگر موشک‌انداز اوزای عراقی توسط رزمندگان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منهدم و غرق شد.

در این عملیات که ضربه‌های سنگین به نیروهای عراقی وارد آمد، یک فروند از ناوچه‌های نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به شدت صدمه دید (و غرق شد) تعدادی از رزمندگان جان بر کف آن به درجه شهادت نایل آمدند و تعدادی نیز نجات یافتند. عملیات تجسس و نجات

در منطقه ادامه دارد و تعداد ۲۰ نفر از دشمنان توسط غرور آفرینان اسلام در دریا نجات یافته و به اسارت نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در آمده‌اند.

دلاوران دریا با جانبازی‌های زیاد در این نبرد عظیم موفق شدند بزرگترین اسکله نفتی عراق به نام اسکله البکر را به تصرف خود در آورده و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را در بلندترین نقطه این اسکله عظیم به اهتزاز در آورند. (۲۱۹)

گسترش یگان‌ها در منطقه قرارگاه عملیاتی اروند برابر دستورالعمل فرماندهی اروند در تاریخ ۸ آذر ۵۹
الف- آبادان :

- ۱- قرار گاه تیپ ۲ لشکر ۷۷ پیاده مشهد
- ۲- گردان ۱۲۹ پیاده لشکر ۷۷ مشهد
- ۳- گردان ۱۲۶ پیاده لشکر ۷۷ مشهد
- ۴- گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ مشهد
- ۵- گردان ۳۶۸ توپخانه ۱۰۵ م لشکر ۷۷ مشهد
- ۶- یک آتشبار ۱۳۰ م از گردان ۳۴۱ گروه ۳۳ توپخانه
- ۷- یک آتشبار کاتیوشا از گردان ۳۶۹ گروه ۲۲ توپخانه
- ۸- یک آتشبار پدافند هوایی ۲۳ م از گردان ۳۲۲ گروه ۳۳ توپخانه
- ۹- یک آتشبار پدافند هوایی ۲۳ م از ل ۲۱ پیاده از گد ۳۵۱
- ۱۰- یک آتشبار پدافند هوایی ۲۳ م از گروه ۵۵ توپخانه از گردان ۳۰۷

ب- دارخوین :

- ۱- یک گروهان تانک چیفتن از مرکز زرهی شیراز
- ۲- یک آتشبار ۱۳۰ م از گردان ۳۹۹ از گروه ۵۵ توپخانه
- ۳- یک آتشبار ۱۰۵ م از لشکر پیاده از گردان ۳۱۵
- ۴- یک گروهان پاسدار انقلاب
- ۵- یک گروهان ژاندارمری

پ- شادگان:

- ۱- گردان ۱۴۱ پیاده (-) از لشکر ۲۱
- ۲- یک گروهان ژاندارمری

۳- یک دسته تانک از لشکر ۹۲

۴- ۲۵ دستگاه نفربر زرهی

ت- ماهشهر:

۱- قرارگاه عملیاتی اروند

۲- گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری

۳- گردان ۲۰۲ امداد ژاندارمری

۴- گردان ۲۴۶ تانک ام ۴۷ لشکر ۷۷

۵- گردان ۲۴۶ تانک ام ۴۷ لشکر ۷۷

۶- قرارگاه گروه ۲۲ توپخانه

۷- یک آتشبار ۱۳۰ م م از گردان ۳۴۱ گروه ۲۲ توپخانه

۸- یک آتشبار ۱۳۰ م م از گردان ۳۴۲ گروه ۳۳ توپخانه

۹- یک گروهان مهندسی لشکر ۷۷

۱۰- یک آتشبار کاتیوشا از گردان ۳۶۲ گروه ۱۱ توپخانه

ث- رامشیر (اردوگاه استراحت)

۱- گردان ۱۵۱ دژ (-) لشکر ۹۲ زرهی

۲- گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه لشکر ۹۲ زرهی

۳- گردان ۲۳۲ تانک لشکر زرهی (۹۰) (۲۲۰)

روزنامه لوماتن (در شماره ی دیروز ۹/۱۳) خود نوشت :

«چندین هفته است که عراق هیچ گونه پیروزی در جنگ با ایران نداشته است. ۱۰ روز پیش ارتش عراق توانست سوسنگرد را بگیرد، ولی بلافاصله با ضدحمله ایرانی‌ها مجبور به عقب نشینی شد. این روزنامه سپس می‌افزاید: عراق در هیچ یک از جبهه‌ها پیشروی نداشته است. عراق اخیراً نبردهای دریایی خود را افزایش داده و بی تردید نمی‌تواند مدت زیادی دوام بیاورد؛ زیرا برتری دریایی ایران محرز است. این روزنامه اعتراف می‌کند که برتری دریایی ایران نسبت به عراق ۱۰ به ۱ است. (۲۲۱)

هفدهم آذر ۱۳۵۹

«ستاد اروند» اعلام داشت که دشمن در حال تقویت نیروهای خود در مناطق غرب کارون، مارد، دارخوین و انرژی اتمی است .

برابر اعلام شهربانی ، در ساعت ۱۷:۰۰، اطراف شهربانی آبادان زیر آتش و خمپاره اندازه‌های دشمن قرار گرفت، ولی خسارات جانی و مالی به بار نیامد. در درگیری به وجود آمده ۱۲ نفر از افراد دشمن اسیر شدند و خسارات زیادی به بعضی‌ها وارد آمد .

ستاد اروند در گزارش دیگری اعلام داشت که امروز در درگیری‌های منطقه بهمن شیر، ۶ نفر از نیروهای خودی شهید و ۳۴ نفر مجروح شدند. در ضمن، تعدادی از افراد دشمن هم به هلاکت رسیدند.

در اثر اجرای آتش توپخانه خودی به مواضع دشمن در شمال آبادان ، یک انبار مهمات ، یک دستگاه نفربر ، سه دستگاه کامیون ، دو پست دیده بانی و چند سنگر دشمن منهدم گردید . (۲۲۲)
در تاریخ ۵۹/۹/۱۷ بر اثر حمله رزمندگان جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن در محور آبادان - ماهشهر، ضمن انهدام دو دستگاه تانک، دو دستگاه نفر بر زرهی و دو انبار مهمات، حدود ۴۰ نفر از افراد دشمن متجاوز کشته، تعدادی زخمی و ۱۲ نفر اسیر شدند . (۲۲۳)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در ۵۹/۹/۲

..... درگیری فوق‌العاده شدیدی از ساعت ۳:۳۰ بعد از نصف شب تاکنون به شدت و به طور مداوم ادامه دارد. شلیک توپ خمسه خمسه، انفجار و همین شلیک آتشبارهای خودمان و شلیک سلاح ژ-۳ و کلاشینکف لحظه‌ای قطع نمی‌شود. مجدداً چند نقطه از پالایشگاه آبادان دچار حریق و آتش‌سوزی شده و کوهی از دود فضای آبادان را فراگرفته پیشرفتی صدامی‌ها نکرده‌اند ، بلکه در اثر حمله‌های شدید نیروهای رزمنده‌ها دارند مواضع خود را تخلیه کرده و به عقب می‌روند. (۲۲۴)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۳

بعد از سپاه به ستاد عملیات جنوب و اتاق جنگ رفتیم. فرمانده عملیات خیلی امیدوار و مطمئن به نظر رسید. اظهار علاقه کردم سری به جبهه‌ها بزنم دستور داد فردا به جبهه ذوالفقاری، واحد سرهنگ کهنتری سر بزنم، تا ساعت ۱۳:۳۰ در ستاد عملیات بودم و سپس منزل و صرف ناهار.

عصر در منزل ماندم. یکی از برادران سرباز در جبهه، مراسم عقد کنان دارد و با نامزدش و پدر بزرگ نامزدش و چند نفر دیگر به منزل آمدند. صیغه عقد را برایشان خواندم. این را به فال نیک گرفتم که جنگ برای رزمنده‌های ما خیلی عادی شده، بچه‌ها با فراغت خاطر به عقد و عروسی می‌پردازند. برای آن‌ها دعا کردم. (۲۲۵)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۴

..... پس از رسیدن به سنگر سرهنگ کهتری، سرهنگ فروزان و سرهنگ شکرریز را که از بازدید جبهه فراغت کردند، دیدیم. با سرهنگ کهتری که حقا حق عظیم بر آبادان دارد و شهامت و فداکاری و کاردانش عامل موثری در نجات آبادان و شکست بعضی‌های کافر گردید، ملاقات و سلام و علیکی نمودیم شلیک پی‌درپی توپها وضع را به هم زد.

به دستور سرهنگ، به یکی از سنگرها پناه بردیم. نیم ساعتی در آن سنگر بودیم، اندکی که آرام شد، از آنجا به سنگر دیگری که متعلق به بعضی از برادران رزمنده روحانی بود منتقل شدیم نزدیکی‌های ظهر به سنگر سرهنگ رفته و با ایشان خداحافظی کردم. (۲۲۶)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۶

..... اوایل مغرب از ستاد عملیات تلفن کرده که آقای رئیس جمهوری آمده‌اند و در اتاق جنگ جلسه دارند و آقای دکتر شبیبانی گفته که شما هم بیایید افسران طبق نقشه روی تابلو شرح می‌دادند خودم نیز چند کلمه ای در رابطه با مسئله محاصره آبادان صحبت کردم و این‌که فرمان امام باید به اجرا در آید و آبادان از محاصره نجات یابد ایشان قول مساعد دادند (۲۲۷)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۷

..... از صبح زود تاکنون که حدود ساعت ۱۱ است، صدای توپ و انفجار شلیک قطع نمی‌شود. در این حال و روزگار آماده اقامه نماز جمعه هستیم که حدود ۶۶ روز است جنگ مجال آن را نمی‌داد زیر زمینی پیدا کرده‌اند که ان‌شاءالله برویم آن‌جا بعد ختم نماز همین جمعیت قلیل شعار می‌دادند: «تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد، حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد» (۲۲۸)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۱۱ / ۱۸۱

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۱۱

..... شاید بیش از ۲۰ روز باشد که امام فرمایش فرموده، باید آبادان از محاصره بیرون آید و خرمشهر از چنگال غاصبین خارج گردد؛ ولی ما هنوز سخت در محاصره هستیم و برای رساندن مواد غذایی و پوشاک و همچنین مهمات جنگی برادران، فقط راه دریا است که آن هم خیلی باز نیست، انجام می‌گیرد. اگر محاصره همین طور ادامه یابد، خطراتی غیر قابل پیش بینی برای ما متوقع است. (۲۲۹)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۱۲

..... بعد از ظهر تیمسار ظهیرنژاد و جمعی از افسران به دیدنم آمدند و چند دقیقه‌ای نشستند و اظهار محبت کردند که برایشان دعا کرده و پیروزی آنان را از خداوند بزرگ مسئلت کردم. تیمسار ظهیرنژاد وعده شکست دشمن را دادند. (۲۳۰)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۱۸

..... حدود ساعت یک بعد از نیمه شب بیدار شدم که توپخانه مستقر در نزدیکی ما به شدت مشغول شلیک و کوبیدن بود و این درگیری تا صبح ادامه داشت و هر لحظه شدیدتر می‌شد. صدای رگبار هم لاینقطع است. از آغاز درگیری تاکنون به این شدت ندیده بودم. (۲۳۱)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۱۹

..... ساعت از ۱۰ گذشته، به اتاق جنگ رفتم. با سرهنگ حسنی سعدی ملاقات کردم. راجع به شب گذشته جويا شدم. درگیری خیلی شدید بود. آمار دقیق آن را نداشتند. از آن جا به سپاه پاسداران رفتم. در سپاه نیز این خبر بود که درگیری شدیدی بوده. اوضاع رضایت بخش نبوده است. (۲۳۲)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۹/۳۰

..... خبرنگاران خارجی برای مشاهده وضع آبادان جنگ زده به اینجا آمده‌اند. (۲۳۳)

دی ماه ۵۹؛ عملیات نصر، عملیات توکل

سومین ماه جنگ به پایان رسید و چهارمین ماه در حالی آغاز شد که هر دو طرف جنگ در حالت پدافندی به سر می‌برند. ارتش عراق تحرک خود را به کلی از دست داده است و ناگزیر وضعیت پدافندی را در خط مقدم مناطق اشغالی پذیرفته است.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز به علت نبود توان رزمی کافی مجبور به قبول پدافند در مقابل نیروهای اشغالگر شده بودند. به طور قطع، این حالت برای جمهوری اسلامی ایران کاملاً اجباری بود و برای مدت طولانی نمی‌توانست ادامه یابد. ملت ایران با بی‌صبری در انتظار وارد کردن ضربات متقابل به ارتش متجاوز عراق و بیرون راندن اشغالگران بود. رهبران سیاسی کشور نیز بر این تاکید داشتند که نیروهای مسلح، نباید اجازه دهند که عراقی‌ها با خیالی آسوده در مناطق اشغالی استراحت نمایند. بدین جهت و با وجودی که ارتش و سایر نیروهای ایرانی آمادگی لازم رزمی را کسب نکرده بودند، در راستای خواسته‌های ملت و رهبران سیاسی تصمیم گرفته شد که طرح‌های آفند متقابل، از اول دی ماه به صورت جدی برای اجرا آماده شوند.

فرماندهی اروند، دهه اول دی ماه را صرف آماده کردن، تدارک و تجهیز هر چه بیشتر واحدهای موجود خود کرد. از سوم دی ماه فعالیت غیر عادی دشمن در جنوب اروند، سبب نگرانی فرماندهی اروند گردید. به فرماندهی عملیات آبادان دستور داده شد از کرانه شمالی اروندرود و جنوب جزیره آبادان مراقبت کامل به عمل آورد. نظر به این‌که در این هنگام خرمشهر در اشغال نیروهای متجاوز عراق بود، تکاوران دریایی عراق می‌توانستند از قسمت غربی کارون نیز عبور کنند و مستقیماً تأسیسات پایگاه دریایی خرمشهر و ضلع شمال غربی جزیره آبادان را اشغال کنند و با عناصر دیگری که از اروندرود عبور داده می‌شدند در دو جبهه پیشروی کنند و شهر آبادان را اشغال نمایند.

با توجه به این‌که طرح آفندی توکل در حال آماده شدن بود، در صورت اجرای این عملیات به وسیله دشمن، تمام آن طرح غیر قابل اجرا می‌گردید؛ لذا فرماندهی اروند تلاش کرد مانع اجرای این عملیات دشمن گردد و خوشبختانه نیروهای دشمن نیز دست به چنین حمله‌ای نزدند و عملیات از محدوده مبادله آتش سنگین در طرفین رودخانه اروندرود تجاوز نکرد.

در پیگیری اقدامات آمادگی رزمی تیپ ۳۷ زرهی، فرماندهی اروند تصمیم گرفت یک واحد پیاده زیر امر این تیپ قرار دهد. نظر به این‌که فرماندهی اروند فاقد گردان پیاده زرهی بود، ۳

گروهان ژاندارمری خرم آباد، شیراز و بندر لنگه را در یک گردان موقت به نام ۳۰۳ سازمان داد و زیر امر تیپ ۳۷ زرهی قرار داد و توصیه کرد در اجرای حمله این گردان را در جناح راست محور پیشروی تیپ به کاربرد. ضمناً به تیپ ۳۷ اطلاع داد که گردان ژاندارمری بهبهان تا ۲۴ ساعت آینده وارد ماهشهر خواهد شد و زیر امر تیپ قرار خواهد گرفت. به تیپ توصیه کرد این گردان را نیز در جناح چپ محور پیشروی خود در نظر بگیرد. چون این گردان‌ها فاقد وسیله تحرک و نقلیه، به ویژه نفربر زرهی بودند، فرماندهی اروند ۱۵ دستگاه نفربر زرهی پی ام پی ۱ از لشکر ۹۲ زرهی دریافت نمود و آنها را به گردانهای ژاندارمری تحویل داد.

ملاحظه می‌شود تپیی که مأموریت داشت به یک لشکر زرهی سازمان یافته و مستقر شده در مواضع مستحکم حمله کند، به چه نحو و با چه عناصری سازمان داده شد، به هر حال این امر در آن شرایط تنها راه کار ممکن بود.

برای تقویت بیشتر توان رزمی فرماندهی اروند، نیروی زمینی گردان دژ را که در اردوگاه استراحت بود، مجدداً زیر امر آن فرماندهی قرار داد و این گردان در ۶ دی ماه به ماهشهر اعزام شد تا با بالگرد به آبادان حرکت داده شود و مواضع دفاعی جزیره آبادان را تقویت نماید.

به منظور کسب اطلاع از آخرین وضعیت دشمن در منطقه سرپل شرق کارون، فعالیت شناسایی واحدهای فرماندهی اروند شدیدتر شد و حرکات دشمن نیز نظر قرار گرفت. در این مرحله از عملیات فعالیت ویژه‌ای در نیروهای دشمن مشهود نبود. آنها فقط به تحکیم مواضع دفاعی می‌پرداختند و با توپخانه و خمپاره‌انداز مواضع نیروهای ایرانی را که تا فاصله برد خمپاره‌اندازها به مواضع دشمن نزدیک شده بودند، زیر آتش قرار می‌دادند و تلفاتی نیز وارد می‌کردند، چنان‌که فرماندهی تیپ ۳۷ زرهی تلفات و خسارات وارده در روز ۵ دی ماه را ۷ نفر شهید، ۲۷ نفر مجروح، یک دستگاه تانک، یک دستگاه نفربر و یک دستگاه جیب آسیب دیده گزارش نمود و علل تلفات را حملات بالگردها و آتش توپخانه و خمپاره‌اندازهای دشمن اعلام کرد.

فرمانده تیپ ۳۷ زرهی که مأموریت تلاش اصلی حمله در چند روز آینده را دریافت کرده و برای اجرای آن برآورد وضعیت نموده بود، به این نتیجه رسید که در شرایط موجود احتمال موفقیت آن تیپ در حمله به مواضع مستحکم دشمن بسیار ضعیف است، لذا در تاریخ ۵ دی ماه نظریات خود را به فرماندهی اروند گزارش داد، ولی تحت آن شرایط فرماندهی اروند ناگزیر از اجرای عملیات تعرضی بود.

مشکل عمده دیگری که در سر راه محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی وجود داشت، میدان‌های مین کاشته شده توسط دشمن در جلو و داخل مواضع وی بود و تیپ ۳۷ عنصر مهندسی در اختیار نداشت تا از کمک آنها برای پاک کردن میدانهای مین استفاده نماید. برای این منظور از فرماندهی اروند درخواست کرد عنصر مهندسی آن فرماندهی این وظیفه را بر عهده بگیرد. فرماندهی اروند در حدود مقدمات خود عناصر و وسایل مهندسی در اختیار تیپ ۳۷ زرهی قرار داد و طی دستوری به تیپ ابلاغ کرد تا روز نهم دی ماه آماده برای اجرای ماموریت باشد و در این دستور یادآوری نمود که باید از این فرصت حداکثر استفاده را بکند، زیرا دیگر نه فرصتی برای تیپ و نه مجالی برای فرماندهی اروند باقی مانده است.

دهه اول دی ماه سپری شد و دهه دوم فرا رسید، در حالی که فرماندهی اروند برای اجرای عملیات تعرضی روزشماری می‌کرد، هنوز زمان حمله تعیین نشده بود. زمان حمله در منطقه عملیات جنوب غربی اهواز و سوسنگرد که به نام «نصر» نام‌گذاری شده بود در ۱۲ دی ماه مشخص گردید که به فرماندهی اروند نیز اطلاع داده شد و آن ساعت ۰۴۰۰ روز ۱۵ دی ماه بود. انتظار می‌رفت که فرماندهی اروند نیز همان زمان در منطقه ماهشهر و آبادان حمله کند تا دو حمله در صحنه عملیات خوزستان همزمان انجام گیرد و نیروهای دشمن در دو جبهه درگیر شوند.

به هر حال روزهای دهه دوم دی ماه نیز یکی پس از دیگری سپری می‌شد و فرماندهی اروند تلاش می‌کرد با استفاده از حداکثر مقدمات موجود توان رزمی واحدهای زیر امر را بالا ببرد و آنها را برای اجرای حمله آماده‌تر سازد. از نظر برقراری ارتباط زمینی بین ماهشهر - آبادان یک گروهان پل شناور که جزو لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه بود، به ماهشهر اعزام شد و طراد در بهمن شیر برقرار گردید و تا حدودی این مشکل برطرف شد. واحدهای تحت فرماندهی اروند آرایش‌های رزمی و آمادگی خود را تکمیل کردند و تلاش نمودند هرچه بیشتر به صورت تدریجی مواضع دفاعی خود را جلوتر ببرند تا فاصله کمتری بین آنها و مواضع دشمن باقی بماند. به منظور جلوگیری از ایجاد رخنه برای حمله متقابل احتمالی دشمن تغییراتی در آرایش رزمی داده شد و تقریباً در مقابل تمام قطعات دایره خط سرپل دشمن نیرویی مستقر گردید و اقدامات جاده سازی در محور پیشروی تیپ ۳۷ زرهی که در شمال جاده ماهشهر - آبادان از شرق به غرب حمله می‌کرد در حدود مقدمات انجام شد.

طرح حمله نیروی زمینی با به کار بردن لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی در منطقه عملیاتی اهواز -

سوسنگرد طبق پیش‌بینی‌ها انجام شد و در ۱۵ دی ماه به مرحله اجرا در آمد. لشکر ۱۶ زرهی در روز اول نبرد پیروزی‌هایی به دست آورد، ولی از روز دوم مورد حمله متقابل دشمن قرار گرفت و ۴ روز نبرد فوق‌العاده شدید بین نیروهای ایران و عراق در حوالی کرخه کور جریان یافت و نتیجه نهایی عدم موفقیت نیروی خودی بود.

بعد از عدم موفقیت عملیات منطقه اهواز، فرماندهی اروند تصمیم قطعی بر اجرای حمله در منطقه ماهشهر-آبادان را گرفت و زمان حمله را ساعت ۰۱۰۰ روز ۲۰ دی ماه تعیین و ابلاغ کرد. به نظر می‌رسد که نیروهای دشمن اطلاعات کافی از طرح عملیات اروند پیدا کرده بودند، زیرا در روز ۱۹ دی ماه با آتشی سنگین توپخانه و حملات هوایی و بالگرد، منطقه گسترش یگان‌های فرماندهی اروند را زیر آتش گرفتند. علاوه بر اجرای آتش سنگین، جابجایی‌های عمده‌ای نیز در چندین محور از جمله محور اهواز-خرمشهر انجام و یگان‌هایی برای تقویت واحدهای منطقه عمومی خرمشهر-آبادان اعزام گردید. مسائل یاد شده حکایت از این داشت که نیروهای دشمن متوجه حمله قریب الوقوع فرماندهی اروند در منطقه سرپل شده و به همین دلیل هم، یگان‌های احتیاط سپاه ۳ عراق از منطقه اهواز و بصره به منطقه سرپل انجام گردیدند.

حمله در اولین دقایق آغاز روز ۲۰ دی ماه شروع شد و تا نزدیکی‌های ظهر همان روز ادامه یافت، ولی به علت توان رزمی نسبی کمتر و آگاهی دشمن از اجرای تک نیروهای ایرانی و سایر عوامل موثر در رزم موفقیتی به دست نیامد و عناصر فرماندهی اروند با تحمل تلفات نسبتاً سنگین به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کردند.

خلاصه عملیات آفندی توکل به استناد گزارش نوبه‌ای مورخه ۲۱ دی ۱۳۵۹ قرارگاه اروند به شرح زیر است:

الف- جریان عملیات فرماندهی آبادان-خرمشهر: واحدهای این فرماندهی در ساعت ۰۲۲۸ مورخه ۲۰-۱۰-۵۹ تک را آغاز کردند، در ابتدا، پیشروی نسبی وجود داشت و در بعضی نقاط مانند ذوالفقاری و فیاضیه وارد سنگرهای دشمن شدند و تلفاتی وارد کردند، اما در اثر تقویت نیروهای متجاوز در شروع روشنایی، تلفات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای ایرانی وارد شد و آنها مجبور به عقب نشینی به مواضع قبلی خود شدند. در این عملیات از واحدهای آبادان ۲۸ نفر شهید (۵ نفر نظامی ۲۳ نفر از فدائیان اسلام) ۳۱ نفر مجروح و ۶۶ نفر مفقودالاثرا شدند که شامل ۴ نفر افسر ۶ نفر درجه دار و ۵۶ نفر سرباز بودند.

ب- عملیات تیپ ۳۷ زرهی: این تیپ در ساعت ۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب مورخه ۲۰ دی ماه یک حمله شبانه روی مواضع دشمن اجرا کرد. در ابتدا، پیشروی تیپ خوب بود، ولی در ساعت ۰۶۳۰ و با روشن شدن هوا و نبودن وسایل مهندسی کافی از قبیل بلدوزر و لودر امکان تهیه خاکریز فراهم نشد و در نتیجه تعدادی از تانک‌ها و بلدوزرهای تیپ مورد اصابت گلوله‌های ضدتانک دشمن قرار گرفت، در این موقع نیروهای تازه نفس دشمن وارد منطقه شدند و برتری بیشتر برای نیروهای دشمن ایجاد شد و ادامه حمله مقدور نگردید و علی‌رغم این که تعدادی از خاکریزهای در عمق دشمن به اشغال نیروهای ایرانی درآمده بود و تیپ موفق به ایجاد رخنه در خط دفاعی دشمن گردیده بود، ولی به علت فشار دشمن نگهداری مواضع اشغال شده میسر نگردید و تیپ مجبور به عقب‌نشینی به مواضع اولیه خود شد. در این عملیات بیشترین تلفات مربوط به یگانی بود که به مواضع دشمن وارد شده و موفقیت‌هایی نیز به دست آورده بود اما به دلیل عدم هماهنگی در پیشروی واحدهای تیپ، تقریباً تمام عناصر این یگان نابود شدند یا به دست دشمن اسیر گردیدند. وسایل و تجهیزاتی که تیپ در این عملیات از دست داد عبارت بود از ۲۴ دستگاه تانک، هفت دستگاه نفربر زرهی، یک دستگاه خودرو موشک انداز تاو و مقداری تجهیزات دیگر.

پ- گروه رزمی ۲۴۶ تانک: این گروه رزمی ضمن عملیات تظاهر به حمله با آتش خود حمله تیپ ۳۷ را پشتیبانی نمود. تلفات پرسنلی این گروه و خسارات وارده بر آن محدود بود.

ت- گردان ۲۰۱ ژاندارمری: این گردان ابتدا دلاورانه به مواضع دشمن حمله کرد و قسمتی از آن را تصرف نمود، اما به علت برتری کامل دشمن نتوانست مواضع اشغالی را نگهدارد و در ساعت ۱۰۰۰ به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نمود.

ث- گروه عملیات نامنظم: یگان‌های این گروه با سازمان دادن تیمهای گشتی نفوذی در محور ماهشهر-آبادان به مواضع نیروهای دشمن نزدیک شدند و تلفات سنگینی وارد کردند.

ج- گروه ۲۲ توپخانه: با اجرای آتش تهیه و آتشهای پشتیبانی از حمله یگان‌های مانوری پشتیبانی نمود، اما به علت تعمیر و تعویض لوله ۶ قبضه توپ، آتش پشتیبانی واحدهای توپخانه کاهش چشمگیری داشت.

چ- عملیات پشتیبانی هوایی: بر مبنای هماهنگی‌های به عمل آمده قرار بود نیروی هوایی از ساعت ۰۷۱۵ روز ۲۰ دی ماه یگان‌های فرماندهی ارونرد را در تمام مدت عملیات پشتیبانی کند، اما از ۱۰ سورتی پشتیبانی پیش‌بینی شده، ۴ سورتی آن بدون هماهنگی قرارگاه ارونرد در منطقه دیگر

به کار برده شد و در بعدازظهر نیز هوا ابری شد و پشتیبانی هوایی انجام نگردید و روز ۲۱ دی ماه نیز به علت بارندگی پشتیبانی هوایی به عمل نیامد.

ح- عملیات هوانیروز: برخلاف انتظار، پشتیبانی هوانیروز در روز حمله چندان موثر نبود و از ۳۸ سورتی پرواز که در این روز انجام شد، نتیجه چندان مطلوبی به دست نیامد.

خ- تحلیل کلی عملیات: به علت این که حمله در شرایط نابرابر از نظر توان رزمی انجام گرفت و به علاوه تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ماههای قبل در منطقه غرب دزفول و جنوب غربی اهواز ضرباتی از دشمن خورده بود، لذا با همه پشتیبانی‌هایی که از این واحد به عمل آمد و با وجود این که دشمن عملاً نشان داد از نظر روحی ضعیف می‌باشد، ولی هنگام عملیات علی‌رغم پیشروی نسبی، به واحدهای تیپ ۳۷ زرهی خسارت و زیان‌هایی وارد آمد که باعث تضعیف روحیه و از دست دادن کارآیی آن گردید و به سبب مداومت عملیات، و ادامه تلفات و عدم نتیجه‌گیری قاطع از آن، توان رزمی تیپ کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت.

آمار کلی تلفات پرسنلی فرماندهی اروند در عملیات تعرضی توکل جمعاً ۶۷ نفر بود که از این تعداد ۵۰ نفر از یگان‌های نیروی زمینی و ۱۷ نفر از یگان‌های ژاندارمری بودند. تعداد مجروحان نیز ۲۹۵ نفر بود که ۱۷۱ نفر به یگان‌های نیروی زمینی و ۱۲۴ نفر به یگان‌های ژاندارمری تعلق داشت. آمار اسرا و مفقودین نیز به ۱۵۲ نفر بالغ گردید که از این تعداد ۱۱۷ نفر به یگان‌های نیروی زمینی و ۳۵ نفر به یگان‌های ژاندارمری تعلق داشت.

تلفات نیروهای مردمی و سپاه پاسداران اگر چه اعلام نگردید، اما احتمالاً تعداد آنان قابل ملاحظه بود. پس از انجام ناموفق عملیات آفندی توکل از روز ۲۱ دی ماه، وضعیت کلی منطقه عملیاتی آبادان - ماهشهر به حالت قبل از اجرای حمله بازگشت و الزاماً نیروهای فرماندهی اروند وضعیت پدافندی را پذیرفتند و نیروهای طرفین مجدداً به حالت نبرد توپخانه‌ها بازگشتند و مبادله آتش به جریان خود ادامه داد. طرفین به تقویت و تحکیم مواضع دفاعی پرداختند و مرحله دیگری از عملیات در جبهه ماهشهر - آبادان آغاز شد که پدافند در مواضع و اجرای تک‌های محدود و محلی بود. این مرحله از عملیات حدود ۸ ماه ادامه داشت.

بعد از عدم موفقیت عملیات آفندی توکل، برای فرماندهی اروند این واقعیت مشخص شد که نمی‌توان با نیروهای اندک مانند یک تیپ دو گردانی، یک لشکر زرهی دشمن را از منطقه اشغالی سرپل بیرون راند، بنابر مورد ذکر شده و شرایط موجود، فرماندهی اروند ناگزیر از اتخاذ تدبیر

پدافندی شد، لیکن اوضاع سیاسی کشور به گونه‌ای بود که ضرورت داشت هرچه سریعتر یک حرکت تعرضی موفق در یکی از جبهه‌ها انجام گیرد و ضرب شستی به نیروهای متجاوز عراق نشان داده شود.

به هر حال بعد از عملیات ناموفق کرخه کور و عملیات ماهشهر-آبادان که هر دو در نیمه دوم دی ماه ۱۳۵۹ اجرا شد، همه مقامات مسئول اعم از نظامی و غیر نظامی این واقعیت را پذیرفتند که ارتش متجاوز عراق با ۱۲ لشکر کاملاً مجهز که با نیروی هوایی و توپخانه و موشکهای زمین به زمین و زمین به هوای بسیار قوی پشتیبانی می‌شدند، وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شده است و در مقابل این نیروی مجهز و عظیم، ارتش ایران در مجموع ۸ لشکر دارد که شرایط آمادگی رزمی آنها هم در پایین‌ترین سطح ممکن می‌باشد. (۲۳۴)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۰/۱

..... از رادیو به محل سپاه پاسداران خونین شهر رفته=، آقای جهان‌آرا را دیدار کردیم. از ایشان خواستیم که وسیله راهنمایی در اختیارمان بگذارد و از جبهه خرمشهر دیدن کنیم. دو نفر از برادران سپاه راهنمای ما شدند و با ماشین سپاه راهی جبهه خرمشهر شدیم ... (۲۳۵)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۰/۲

..... از آنجا راهی جزیره مینو شدیم. به زحمت خود را به محل بمباران رساندیم. چند خانه گلی چنان کوبیده شده بودند که جای آنها را گودالی از آب فرا گرفته بود. در یکی از همین خانه‌ها ۲۶ نفر از برادران و خواهران عرب از بین رفته بودند! از یک خانواده چند نفری فقط یک جوان باقی مانده بود که با وضعی اسف انگیز در حوالی این خرابه‌ها نشسته بود. معلوم شد که در میان اینها طفل شیرخواره هم بوده است در چند نقطه حدود ۴۰ نفر کشته شده بودند همه آنان برادران و خواهران عرب که صدام، سنگ حمایت آنان را به سینه می‌زند. (۲۳۶)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۰/۲۱

..... ساعت ۹ صبح به اتفاق آقای رشیدیان [نماینده آبادان] به اتاق جنگ و دیدن فرمانده عملیات، سرهنگ شکرریز رفتیم. معلوم شد که در درگیری ... که به منظور شکست محاصره آبادان انجام گرفته موفقیت آمیز نبوده است. عده‌ای شهید و جمعی نیز مجروح و اسیر شده‌اند. البته تلفات و ضایعات فراوانی به دشمن وارد شده، امید است که ان شاء الله تجربه‌ای باشد برای آینده. (۲۳۷)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۰/۲۲

..... مشکل دیگر، ارتباط آبادان با ماهشهر است که در اثر محاصره آبادان، فقط از دریا صورت می‌گیرد. دائم محدود و خیلی پر زحمت و مشقت است. مردم زیادی از اهالی آبادان و خونین شهر هم برای حمل اثاثیه مورد لزوم خود می‌خواهند بیایند که آمد و رفت آنها نیز محدودیت دارد و زحمت است. (۲۳۸)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۰/۲۷

..... در اتاق جنگ که بودم، یک سرگرد به اتاق سرهنگ شکرریز آمد که بشاش و با نشاط می‌نمود. به سرهنگ گفت: افتخاری نصیبم شد و برادرم در جبهه دزفول شهید شد! چند روز مرخصی می‌خواست که به این مناسبت به بازماندگان برادرش سر بزنند. از روحیه این سرگرد که نامش یادم نیست، خیلی خوشم آمد (۲۳۹)

بهمن ماه ۱۳۵۹؛ طرح روانه سازی آب سدها به خاطر عملیاتی جنوب خوزستان، پدافند طرفین پس از عملیات دی ۱۳۵۹، طرز فکر عمومی و اجتماعی درباره جنگ تا حدودی به سمت قبول واقعیت‌ها و چاره‌اندیشی بر اساس منطق نظامی برای مبارزه با ارتش متجاوز عراق گرایش پیدا کرد و اقدامات مقابله با ارتش متجاوز عراق با طرح ریزی‌های اصولی و متناسب با چهار عامل حاکم در جنگ که عبارتند از: «ماموریت»، «زمین»، «توان رزمی نیروهای خودی» و «توان رزمی نیروهای دشمن» هدایت گردید.

با توجه به همین شرایط و اجرای تدبیر کلی پدافندی تا کسب آمادگی لازم برای شروع

عملیات آفندی در اوایل بهمن ماه، ستاد فرماندهی اروند یک برآورد وضعیت عملیاتی بر اساس مأموریت دفاع در مواضع موجود و اجرای عملیات آفندی محدود در منطقه سرپل دشمن تهیه کرد. نتیجه کلی برآورد این بود که نیروهای جمهوری اسلامی ایران الزاماً می‌باید دفاع را بپذیرند، ضمن آن‌که برای آسیب رساندن به دشمن و اجازه ندادن به او برای جا خوش کردن در منطقه اشغالی، حملات محدود و محلی در هر مقیاس که ممکن باشد اجرا گردد. این تدبیر اساس فعالیت نیروهای ایرانی در منطقه عملیات ماهشهر - آبادان تا اواخر تابستان ۱۳۶۰ قرار گرفت.

فرماندهی اروند براساس برآورد وضعیت انجام شده، دستور عملیاتی پدافندی را تحت عنوان دستور عملیاتی شماره ۴ در اوایل بهمن ماه تهیه و به یگان‌های تابعه ابلاغ نموده. براساس مأموریت پیش‌بینی شده آن، یگان‌های این فرماندهی در مواضع خود دفاع می‌نمودند و با اجرای تک‌های محدود و دستبرد و کمین، حداکثر تلفات را به دشمن متجاوز وارد می‌کردند. سپس در فرصت مناسب و با رسیدن نیروهای تقویتی، عملیات آفندی را آغاز کرده و نیروهای دشمن را منهدم و خط مرز کشور جمهوری اسلامی ایران را در منطقه مربوطه ترمیم می‌نمودند.

با توجه به این تدبیر عملیاتی، شرق کارون به ۳ منطقه دفاعی تقسیم گردید که شامل جبهه شمالی، شرقی و جنوبی خط سرپل بود. در گسترش قبلی یگان‌ها تغییراتی داده نشد و به همان ترتیبی که یگان‌ها قبل از عملیات توکل در اطراف خط سرپل دشمن گسترش داشتند وضعیت را حفظ کردند.

بدین ترتیب گروه رزمی ۲۴۶ تانک که در حقیقت فقط یک گروهان تانک با ارکان گردان بود، به اضافه یک گروهان پیاده تبدیل شده به مکانیزه و یک آتشبار توپخانه ۱۰۵م در جنوب سلیمانیه (سلمانیه) مواضع دفاعی را اشغال نمود. در جبهه شرقی، گروه رزمی ۳۷ زرهی (باقی‌مانده تیپ ۳۷ زرهی) و یک گروهان پیاده از گردان ۱۹۱ مرکز پیاده و تکاوران دریایی و گردان ۱۴۴ پیاده با یک گروهان تانک چیفتن با پشتیبانی توپخانه گسترش یافت. در جبهه جنوبی و جزیره آبادان تغییراتی داده نشد.

مهم‌ترین و محسوس‌ترین تغییرات در دستور عملیاتی فرماندهی اروند این بود که به گردانهای ژاندارمری که در عملیات توکل شرکت داشتند، مأموریتی واگذار نکند؛ احتمالاً فرماندهی اروند که فرمانده ژاندارمری کشور را نیز به عهده داشت، تصمیم گرفته بود این واحدهای ژاندارمری را به محلهای مأموریت اصلی خود برگرداند. به این جهت مأموریت آنها را به تکاوران دریایی محول کرد.

از نظر نیروی احتیاط نیز، چون منطقه عملیات این فرماندهی خیلی وسیع بود و با در نظر گرفتن محیط جزیره آبادان که بیش از ۲۰۰ کیلومتر بود، این فرماندهی نتوانست هیچ گونه یگانی به عنوان احتیاط جهت سد کردن رخنه احتمالی دشمن در خط دفاعی نگه دارد، لذا به واحدهای در خط توصیه کرد که برای منطقه مسئولیت خود احتیاطی منظور نمایند.

پس از پذیرفتن حالت پدافندی از جمله امکاناتی که برای کمک به تقویت مواضع دفاعی نیروهای خودی در منطقه عملیاتی اهواز و سوسنگرد و شمال آبادان در نظر گرفته می‌شد، آبگرفتگی طبیعی منطقه به وسیله بارندگی‌های شدید فصلی یا آبگرفتگی مصنوعی به وسیله باز کردن دریچه سدهای دز و کارون و سرازیر کردن آب پشت سدها به دشت باز جنوب غربی اهواز بود که در صورت کافی بودن آب دریاچه سدها با طغیان یا ایجاد سیل طبیعی یا مصنوعی در رودخانه‌های کرخه و کارون، منطقه جنوبی اهواز و سوسنگرد و شمال خرمشهر و آبادان به طور نسبی زیر آب می‌رفت و نظر به این که مواضع نیروهای دشمن نسبت به مواضع نیروهای خودی در منطقه پست‌تر و آب‌گیرتر جنوبی قرار داشت، امکان آبگرفتگی مواضع دشمن در منطقه عملیات اهواز و سوسنگرد و خرمشهر و آبادان بیشتر از مواضع نیروهای ایران بود. بنابراین موضوع استفاده از ایجاد آبگرفتگی مصنوعی در مناطق عملیاتی یاد شده به طور جدی مطرح گردید. استفاده عملیاتی از این طرح برای نیروهای مسلح ایران این بود که نیروهای متجاوز عراقی در منطقه آب گرفته قرار می‌گرفتند و مجبور می‌شدند قسمتهایی را تخلیه کنند و به سمت خاک عراق عقب نشینی نمایند یا آن که فعالیت‌های بسیار زیادی را برای جاده سازی و تهیه مواضع انجام دهند که این کار نیز در مدت زمان کوتاه مقدور نبود.

طرح استفاده از سیل طبیعی یا مصنوعی از آذرماه ۱۳۵۹ به صورت جدی مطرح گردید و این موضوع مورد توجه ارتش عراق نیز بود، چنان که طبق مدارک اغتنامی به دست آمده، ستاد کل ارتش عراق نیز در تاریخ ۱۹۸۰/۱۰/۲۱ (۱۳۵۹/۷/۲۹) یعنی در هفته چهارم جنگ موضوع تخریب سد دز و کارون و امکان ایجاد سیل در خوزستان را مورد توجه قرار داده و طی دستورالعمل جامعی چگونگی این مساله را به واحدهای عراقی مستقر در منطقه اشغالی خوزستان ابلاغ کرده است.

دشمن، بعد از تجزیه و تحلیل نسبتاً اصولی درباره اثرات سیل مصنوعی سدهای یاد شده به واحدهای ارتش عراق دستورالعمل اقدامات پیشگیری جهت احداث جاده‌های تدارکاتی و بالا آوردن سطح مواضع از زمینهای اطراف و ... داده شده بود.

در پاییز سال ۱۳۵۹ بارندگیهای قابل ملاحظه ای در مناطقی که آب سدهای یاد شده را تأمین می‌کرد وجود نداشت و به علاوه در خوزستان نیز بارندگی بسیار کم بود و زمین منطقه عملیات از نظر آبهای تحت الارضی اشباع نبود، بدین جهت مساله آب‌گرفتگی به آن صورت شدیدی که برآورد می‌شد پیش نیامد، ولی به هر حال مقامات نظامی ایران طرح‌هایی برای استفاده از آب سدهای یاد شده در منطقه عملیات اهواز - سوسنگرد اجرا کردند.

با تجربه‌ای که وجود داشت، سیل سال ۱۳۴۷ حتی جاده اهواز - خرمشهر و اهواز - آبادان و آبادان - ماهشهر برای مدتی در زیر آب بود و ارتباط به کلی قطع شده بود، اما پس از چند روز که جریان آب از منبع اصلی که سد دز بود قطع شد و طغیان رودخانه‌های کارون و کرخه و دجله فروکش کرد، آب تا حدودی فروکش نمود و جاده‌های درجه یک خارج از آب قرار گرفتند. در صورتی که مناطق خارج از جاده قریب یک سال و نیم غیر قابل عبور بوده و بر اساس این سابقه طرح استفاده از آب دریاچه سد دز تهیه شد و اجرای آن موکول به ایجاد شرایط مناسب و از همه مهمتر نزول بارانهای پاییزی و پر شدن دریاچه سد گردید.

عدم موفقیت در عملیات توکل، یک نتیجه منفی و معکوس نیز داشت و آن این بود که برآورد می‌شد دشمن به ضعف توان رزمی نیروهای جمهوری اسلامی پی برده و ممکن است اقدام به حمله و اشغال جزیره آبادان نماید. این تهدید احتمالی از اوایل دهه دوم بهمن ماه به طور جدی مطرح گردید و ستاد مشترک به فرماندهی اروند ابلاغ نمود پیش‌بینی‌های کافی برای دفع احتمالی نیروهای دشمن در منطقه ماهشهر - آبادان به عمل آید.

اطلاعاتی که از وضعیت نیروهای متجاوز عراق کسب می‌شد، حاکی از آن بود که نیروهای عراقی خود را آماده برای اجرای یک عملیات تعرضی گسترده در منطقه آبادان می‌نمایند. از جمله این‌که در منطقه دارخوین فعالیت دشمن نشان می‌داد که قصد برقراری پل بر روی کارون دارد، اما با وجود گذشت حدود یک ماه، هیچ‌گونه فعالیت عملی از نیروهای دشمن برای عبور یگان‌های بیشتر از کارون و حمله به دارخوین یا آبادان مشاهده نگردید. بنابراین در ۲۵ بهمن ماه فرماندهی اروند چنین برآورد کرد که احتمالاً حمله دشمن در اوایل اسفند ماه اجرا خواهد شد و به همین دلیل یک دستور آگهی به واحدهای تحت فرماندهی داد تا آماده برای دفاع باشند. (۲۴۰)

سایر اطلاعات و حوادث عمده در بهمن ۵۹

از ساعت ۱۸:۰۰ دیروز الی ۶:۰۰ بامداد هفتم بهمن ۵۹، نقاطی از شهر آبادان زیر آتش سلاح

سنگین دشمن قرار گرفت که در نتیجه ساختمان بانک ملی شعبه ایستگاه ۷ تخریب شد و چند باب منزل مسکونی دچار آتش‌سوزی گردید، ولی آتش توسط مأموران مهار شد. در آبادان، ۱۰ نفر شهید و ۳۹ نفر مجروح شدند. (۲۴۱)

روز ۵۹/۱۱/۱۷، اطلاعیه ستاد مشترک، دربارهٔ احضار افراد خدمت منقضی سال‌های ۵۳ تا ۵۷ منتشر شد. در آن اعلام شده بود پس از آگهی به ادارهٔ وظیفهٔ عمومی مراجعه و ثبت‌نام نمایند. (۲۴۲)

گزارش نیروی دریایی در ۵۹/۱۱/۹

گشت هوایی در منطقهٔ خلیج فارس و دریای عمان به مدت ۵ ساعت و ۵ دقیقه انجام گردید که مشاهدات خلبان به شرح زیر می‌باشد:

یک فروند ناوشکن آمریکایی

یک فروند ناو لجستیگی انگلیسی

یک فروند فریکیت انگلیسی

یک فروند فریکیت فرانسوی

یک فروند مین جمع‌کن روسی

۷۰ فروند تانکر نفت کش و کشتی تجارتي

بالگردهای نیروی دریایی با ۵ سورتی پرواز، ۷/۵ تن مهمات، ۷ تن مهمات با خودروی مربوطه، ۱۵۵ نفر و ۱۶ مجروح را از بندر امام خمینی به شهرهای آبادان و خرمشهر ترابری کردند. (۲۴۳)

فرماندهٔ عملیات اروند، در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۰، به کلیه یگان‌های تابعه - مستند به امریه سماجا - ابلاغ کرد که با توجه به سکوت رادیویی ارتش عراق در سراسر جبهه غرب، احتمال می‌رود دشمن در آینده نزدیک دست به یک آفند عمومی بزند. طی همین نامه دستورات مراقبتی و اجرای گشتی و به واحدها ابلاغ نمود. (۲۴۴)

روزنامهٔ اطلاعات، ۵۹/۱۱/۱۲

سرهنگ ذکیانی دربارهٔ شایعهٔ خودمختاری یک‌طرفه از سوی حزب منحلۀ دموکرات در کردستان گفت: «من به‌عنوان یک سرباز، تجزیه شدن حتی یک سانتی‌متر از خاک مملکت را نمی‌پذیرم. ولو این که تمام لشکر را فدا کنم. این نه تنها ادعای من، بلکه تمام اقشار ملت قهرمان ایران است و شهیدانی که ما

در این راه داده‌ایم، شاهد مدعی عرایض هستند» (۲۴۵)

در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۸، سپاه پاسداران مستقر در جزیره مینو، پس از نفوذ به خاک عراق، موفق شدند یک سنگر بتونی دشمن را منهدم کنند، تعدادی از نیروهای ارتش عراق را کشته، اعلامیه‌ها و عکس‌هایی از رهبر انقلاب را در منطقه پخش نمایند و سالم به پایگاه خود باز گردند. (۲۴۶)

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۵، با توجه به تحرکات دشمن و صدور دستورهای مراقبتی از سوی ستاد مشترک ارتش به یگان‌ها، فرماندهی عملیات ارون، اعلام آماده باش نمود و اعلام کرد تا احتمال ۷۵ درصد، در ۵ روز آینده، دشمن حمله گسترده‌ای را در منطقه دزفول و آبادان اجرا خواهد کرد. (۲۴۷)

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۶ ستاد ارون، به گروه رزمی ۲۴۶ اطلاع داد که دشمن در نظر دارد در حوالی دار خوین اقدام به نصب پل نماید. به گروه رزمی ۲۴۶ ماموریت داده شد، ضمن شناسایی از منطقه، هرگونه فعالیت دشمن را بلافاصله گزارش نماید (۲۴۸).

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۷ :

نیروی زمینی اعلام کرد: بر اثر حمله بالگردهای هوانیروز به مواضع دشمن در منطقه آبادان، ۳ دستگاه لودر منهدم شد، ۲ نفر از افراد عراقی کشته شدند و یک نفر نیز دستگیر گردند.

برابر اعلام ستاد ارون: ۱۰ نفر از ایرانیان ساکن آبادان که از مهر ماه ۵۹ در اسارت ارتش عراق بودند، در ساعت ۱۰:۰۰ آزاد شدند و خود را به نیروهای خودی در منطقه مارد معرفی نمودند. (۲۴۹)

اسفند ۵۹؛ حالت پدافندی طرفین، انحلال فرماندهی ارون و واگذاری مسئولیت آن به لشکر ۷۷

بهمن ماه با آرامش نسبی گذشت و حمله دشمن نیز به مرحله اجرا در نیامد و رکود کاملاً محسوس در تمام جبهه‌های نبرد خوزستان از جمله منطقه نبرد ماهشهر- آبادان ایجاد شد و نیروهای هر دو طرف به حالت پدافند درآمدند.

این وضعیت در اسفند ۱۳۵۹ نیز ادامه یافت، اما در وضعیت کلی شرایط جنگ در خوزستان، یک تحول محسوس برای نیروهای جمهوری اسلامی ایران پیدا شد. آن تغییر مکان تدریجی تمام عناصر لشکر ۷۷ پیاده مشهد- که یگان‌های رزمی آن در تمام جبهه سراسری پراکنده بودند- به ماهشهر و آبادان بود که از اوایل اسفند ماه آغاز گردید.

اولین یگان که تغییر مکان داد، گردان ۱۴۸ پیاده لشکر ۷۷ بود که از اوایل جنگ در منطقه

اهواز در زیر امر لشکر ۹۲ زرهی قرار داشت

نظر به این برای اجرای عملیات آفندی نصر در دی ماه ۱۳۵۹ نیز تیپ یک لشکر ۱۶ زرهی به منطقه اهواز و سوسنگرد تغییر مکان داده و نیروی کافی در این منطقه نبرد مستقر گردیده بود، نیروی زمینی به لشکر ۹۲ زرهی دستور داد گردان ۱۴۸ پیاده لشکر ۷۷ را رها سازد و به ماهشهر اعزام کند. این تغییر مکان در اوایل اسفند ماه انجام شد.

با توجه به پیش‌بینی‌های قبلی، بارندگی‌های فصل زمستان، مشکلاتی برای واحدهای مستقر در منطقه ماهشهر-آبادان ایجاد کرد. اغلب سنگرها را آب فرا گرفت و ادامه توقف در مواضع پدافندی غیر ممکن گردید، لذا فرماندهی ارونند الزاماً به واحدها دستور داد با توجه به شرایط آب‌گرفتگی منطقه، مواضع را تغییر دهند و نیروهای سبکی در خط مقدم به‌عنوان عنصر تأمین باقی بگذارند. بقیه نیروها را به نقاط خشک تغییر مکان دهند.

این شرایط جوی در نیروهای دشمن نیز تاثیر منفی داشت و با توجه به این زمین به حالت غیرقابل عبور درآمده بود، خطر حمله دشمن تقریباً از بین رفته بود.

از طرف دیگر پس از عملیات توکل در مأموریت یگان‌های ژاندارمری تغییرات کلی داده شد و فرماندهی ارونند در نظر گرفت که آنها را به مناطق استحفاظی خود اعزام کند، ولی به سبب تهدیدات احتمالی دشمن غیر از گروهان بندر لنگه که در ۹ اسفند به منطقه مربوطه بازگشت، واحدهای دیگر ژاندارمری به عنوان احتیاط فرماندهی ارونند حفظ شدند و به گردان ۳۰۱ ژاندارمری در قسمت شمال شرقی و مقابل شادگان مأموریت پدافندی واگذار شد.

بعد از مدت ۵ ماه فرماندهان رده بالای ارتش توافق کردند که فرماندهی ارونند منحل شود و لشکر ۷۷ پیاده به منطقه ماهشهر-آبادان منتقل گردد و فرماندهی آن منطقه در چارچوب نیروی زمینی به عهده فرمانده لشکر ۷۷ قرارگیرد. بر مبنای این تدبیر، قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی در جنوب، در ۸ اسفند ۱۳۵۹ به لشکر ۷۷ پیاده مشهد دستور داد آماده باشد طبق برنامه زمانی تعیین شده به مرور از مشهد و سایر پادگانهای مربوط به خوزستان تغییر مکان دهد و مأموریت فرماندهی ارونند را بر عهده بگیرد. در این دستورالعمل تاریخ انتقال مسئولیت از فرماندهی ارونند به فرمانده لشکر ۷۷ پیاده ۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۹ و تبدیل عنوان قرارگاه فرماندهی ارونند به قرارگاه لشکر ۷۷ پیاده از تاریخ ۱۳۶۰/۱/۹ تعیین گردید و نیز طرح ریزی و هدایت عملیات آفندی و پدافندی منطقه عملیات ماهشهر و آبادان و اختیار هر گونه تغییرات لازم در طرح های موجود به فرماندهی لشکر ۷۷ پیاده واگذار شد.

با اجرای این دستور تمام صحنه عملیات خوزستان از غرب دزفول در شمال تا دهانه فاو در جنوب در

کنترل مستقیم فرماندهی نیروی زمینی قرار گرفت و ۴ لشکر نیروی زمینی شامل لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده و ۱۶ و ۹۲ زرهی در خط مقدم دفاعی از غرب دزفول تا جزیره آبادان به ترتیب لشکر ۲۱ پیاده در منطقه عملیاتی غرب شوش و دزفول، لشکر ۱۶ زرهی در منطقه عملیاتی سوسنگرد، لشکر ۹۲ زرهی در منطقه عملیاتی جنوب غربی اهواز و تپه‌های الله اکبر در شمال سوسنگرد و لشکر ۷۷ پیاده در منطقه عملیاتی ماهشهر- آبادان و همچنین نیروهای سپاه پاسداران همراه تعدادی از یگان‌های نزاجا، در شرق کارون، منطقه دارخوین مسئولیت پدافندی را عهده‌دار شدند و بعد از گذشت ۶ ماه از آغاز جنگ، صحنه عملیات خوزستان شکل منسجمی یافت.

در دستورالعمل انتقال فرماندهی منطقه عملیات خرمشهر و آبادان به لشکر ۷۷ پیاده، فرمانده نیروی زمینی و فرمانده ژاندارمری کشور موافقت نمودند که کلیه واحدهای موجود و مستقر در آن منطقه عملیات زیر امر فرمانده لشکر ۷۷ قرار گیرند. این یگان‌ها علاوه بر یگان‌های سازمانی لشکر ۷۷ پیاده عبارت بودند از: یک گردان پیاده از لشکر ۲۱ پیاده، گردان ۱۵۱ دژ، گردان تانک مرکز زرهی، یک گروهان تانک از لشکر ۹۲ زرهی، گردان تکاوران دریایی، گردان ۲۰۲ ژاندارمری بهبهان، یگان‌های ژاندارمری مستقر در آبادان و یگان‌های توپخانه موجود در آن منطقه، رزمندگان سپاه پاسداران و فدائیان اسلام و نیروهای بسیج مردمی.

بدین ترتیب سال ۱۳۵۹ به پایان رسید و ارتش عراق پس از ۶ ماه که به جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرده بود، نتوانست به هدف عمده و تعیین کننده‌ای دست یابد، ولی به هر حال خرمشهر اشغال نظامی شده و جزیره آبادان نیز از سمت غرب و شمال در محاصره دشمن بود. از سمت شرق نیروهای ایرانی موفق شده بودند جلو پیشروی دشمن را به سمت ماهشهر سد کنند و با وجود این که محور اصلی مواصلاتی ماهشهر- آبادان در کنترل دشمن بود، اما نیروهای دشمن فقط حدود ۱۰ کیلومتر از این محور را در شرق کارون در کنترل خود داشتند و بقیه محور تا موازات منتهی الیه رودخانه بهمن شیر به طول قریب ۶۰ کیلومتر در کنترل نیروهای ایرانی بود. با وجود این که زمین منطقه بین کرانه شمالی رودخانه بهمن شیر تا محور ماهشهر سست و باتلاقی بود، ولی نیروهای ایرانی می‌توانستند اقداماتی برای احداث جاده و برقراری ارتباط زمینی با جزیره آبادان انجام دهند. (۲۵۰)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز جمعه ۵۹/۱۲/۱

ساعت ۱۱ به ستاد عملیات و اتاق جنگ دعوت دارم. موضوع از این قرار است که سرهنگ حسنی

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵/۱۲/۵۹ / ۱۹۷

سعدی ماموریتش در آبادان تمام شده و می خواهد به مرکز عزیمت کند . ترفیع مقام هم یافته ؛ به درجه سرهنگ تمامی ارتقا یافته است. بدین مناسبت، مراسم تودיעی در ستاد عملیات برقرار است که از ایشان تقدیر بشود و بنده هم دعوت دارم که بروم و خودم هم علاقه مند به شرکت در این جلسه هستم که افسر مزبور را شخصی لایق و مؤمن به اسلام و انقلاب می دانم. حدود ۴ ماه است که در آبادان است و تا آنجا که شاهد بوده ام، صادقانه کار کرده است. فراموش نمی کنم که در روزهای غم انگیز سقوط خرمشهر ، یک روز در اتاقش بودم، با حال مخصوص سر به آسمان کرد و دستها را بلند کرد که خدایا! ما غیر از تو کسی و حامی نداریم و تو به فریاد ما برس!

ساعت یک ربع به ۱۱ مانده به ستاد عملیات رفتم و ساعت ۱۱/۱۵ مراسم تودیع شروع شد. ابتدا فرمانده عملیات (سرهنگ شکرریز) در قدردانی از سرهنگ حسنی سعدی سخن گفت و فداکاری و اخلاص ایشان را ستود و به افسران یاد آور شد که ایشان الان به مأموریت مهم تری می رود؛ اما انتظارش از همه ما این است که راهش را با جدیت ادامه دهیم. سپس از بنده خواستند درجه ایشان را نصب کنم که این کار را کردم. البته خود ایشان حدود یک دقیقه صحبت و تشکر از محبتهای برادران در جلسه نمود. بنده هم چند کلمه ای صحبت کردم و بعد سرهنگ شکرریز مجدداً به سخن پرداخت و نطق مهیج و درازی در تشویق افسران و سربازان در رابطه با جنگ ایراد نمود ، یک جلد کلام الله مجید به سرهنگ حسنی سعدی اهدا و جلسه ختم گردید . (۲۵۱)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵/۱۲/۵۹

..... ساعت ۱۱ از انجمن اسلامی بیمارستان شرکت نفت آمدند که امروز به آنها وعده داده ام به بیمارستان بروم ، از مجروحین عیادتی کنم و سپس نماز ظهر و عصر را در بیمارستان به جا آورم؛ رفتم. اول به عیادت مجروحین رفتم . طفلی نمی دانم حدود ۴ یا ۵ سال بیشتر نداشت و عرب بود که به فارسی نمی توانست سخن گوید. معلوم شد پدر و مادرش هر دو بر اثر خمپاره شهید شده و طفل را به بیمارستان آورده و از او نگهداری می کنند . مقابل تخت این طفل ، نوجوانی تقریباً ۱۵ ساله خوابیده بود که خمپاره خورده و وضع ناچوری داشت. گفتند پدر و مادرش در اثر خمپاره شهید شده اند و خودش هم به این وضع است. مرد سالخورده ای مجروح خوابیده بود که فرزند ۲۲ ساله اش در روز گذشته در اثر خمپاره شهید و خودش هم مجروح {شده بود} . دیگری را دیدم که از ناحیه سر و صورت و پا مجروح {شده بود} و می گفت فرزند ۹ ساله ام در اثر ترکش خمپاره شهید شده . اینها است آثار جنایات بشری که از جاده انسانی پرت {می شود} و به پرتگاه رذالت سقوط می کند. (۲۵۲)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۲/۱۸

نگارنده که در آبادان است، از آغاز جنگ تحمیلی الی یومنا هذا، شاهد این فداکاریها بوده‌ام و صحنه‌هایی را دیده‌ام که جز صدر اسلام نمی‌توان نظیری برای آنها نشان داد. نوجوان ۱۵ تا ۱۸ ساله را می‌بینم که فقط به منظور دفاع از اسلام و شرکت در این جنگ، عاشقانه در یادگانه‌های نظامی آموزش دیده و داوطلبانه به جبهه آمده‌اند: از کجا؟ از مشهد مقدس و اطراف مشهد چون نیشابور، از بابل مازندران، از ارومیه، از اصفهان و حومه‌اش، از شیراز و تمام نقاط فارس و از هر جای ایران. کلاسهای درس را گذاشته و آمده‌اند که بگویند کلاس درس امروز میدان جنگ با صدام کافر است. بازار و کار و کسب و کارگاه خود را گذاشته، به سنگرهای فیاضی و ذوالفقاری و بهمن‌شیر و اروند کنار، جزیره مینو و خونین‌شهر مسکن گزیده؛ همه را رها کرده و جنگ {را} برای پیروزی حق بر باطل برگزیده‌اند. در چهره‌های مصمم و ملکوتی این عزیزان، جز حماسه و عشق به سرکوبی دشمن، چیز دیگری مشاهده نمی‌شود و امروز عازم‌م که به دیدار بعضی از این سربازان فداکار و مدافعان حقیقی حق و حقیقت که در جزیره مینو مستقرند، بروم. (۲۵۳)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۵۹/۱۲/۲۱

ساعت ۵ بعد از ظهر به اتفاق فرزندانم از منزل خارج شدم. ابتدا یکی از برادران روحانی {را} که از قم آمده، به سپاه رساندیم و از آنجا عازم زیارت قبور شهدا و مؤمنین شدیم. در بین راه، یکی از خواهران عرب {را} که منتظر ماشین ایستاده بود و ماشین گیر نیاورده بود، سوار کردیم. معلوم شد که خانه و لانه‌اش در آبادان است؛ ولی فعلاً به چوئبده هجرت کرده‌اند و آمده کمی مایحتاج خانه‌اش به چوئبده ببرد. وقتی به سه راهی قبرستان و خسرو آباد رسیدیم و گفتیم که ما می‌خواهیم به زیارت شهدا برویم، خوشحال شد و گفت حالا که فرصتی به دست آمده، من {را} هم به قبرستان ببرید. معلوم شد آن خواهر هم بی نصیب نمانده و دو نفر شهید - یکی مادر، و دیگری دخترش - در قطعه شهدا مدفونند که وقتی به قبر آنها رسید، بی‌تابانه خود را به روی قبر انداخت و خیلی جانسوز ناله و شیون سر داد و تعارفاتی نیز به صدام داشت که خدا او را لعنت کند و انتقام این خون‌های بی‌گناه را از او بگیرد ... (۲۵۴)

۱۳۵۹/۱۲/۲۵، یادداشت روزانه آیت‌الله جمی

صبح سرگرد هاشمی، از افسران ستاد عملیات تلفن زد که سرهنگ فروزان، فرمانده ستاد اروند، قصد دیدن شما را دارد. حدود ساعت ۹ ایشان آمدند و سرهنگ رحیمی و سرگرد هاشمی نیز همراهشان بودند. سرهنگ فروزان برای خداحافظی آمده بود. چه این که ستاد اروند تغییر کرده و عملیات این ستاد به لشکر خراسان تفویض شده، به فرمانده لشکر خراسان، فرماندهی این ستاد را عهده دار شده و بالطبع ستاد عملیات آبادان و خونین شهر نیز تغییر می‌کند. امید است که ان‌شاءالله این تغییرات منجز و نافع باشد. حدود سه ربع ساعتی این آقایان بودند و بعد خداحافظی کردند و رفتند. خداوند عموم این برادران را توفیق و سلامت و سعادت دهد. (۲۵۵)

در روز ۵۹/۱۲/۲۲ طی نامه‌ای به شماره ۰۰۰/۲۲۱، فرماندهی عملیات اروند برا گزارش گروه ۲۲ توپخانه شهرضا، به یگان‌های عمده مستقر در جبهه آبادان و خرمشهر تغییرات و سازمان رزم توپخانه را با امضای سرهنگ فروزان اعلام نمود.

این نامه کمیت و کیفیت موجود یگان‌های توپخانه و سایر یگان‌های رزمی را معلوم می‌نماید.

الف - محور ماهشهر - آبادان:

آتشبار ۱۰۵ م نداجا کمک مستقیم گروه رزمی تکاوران دریایی

گردان (-) ۳۴۱ توپخانه ۱۳۰ م م گروه ۲۲ توپخانه شامل پنج عراده توپ، کمک مستقیم گروه رزمی

۳۷ زرهی و چهار عراده توپ، عمل کلی تقویت آتشبار ۱۰۵ م نداجا

گردان (---) ۳۸۹ توپخانه ۲۰۳ م م گروه ۴۴ توپخانه، شامل: آتشبار یکم تقویت آتش گردان (-)

۳۴۱ توپخانه در منطقه گروه رزمی ۳۷ زرهی و آتشبار دوم، تقویت آتش آتشبار ۱۰۵ م نداجا.

ب - محور دارخوین:

آتشبار ۱۰۵ م گردان ۳۱۵ لشکر ۷۷، کمک مستقیم گروه رزمی ۲۴۶

آتشبار ۱۳۰ م گردان ۳۳۳ گروه ۲۲ توپخانه، عمل کلی تقویت آتشبار ۱۰۵ م گروه رزمی ۲۴۶

پ - آتشبار کاتیوشای گردان ۳۶۲ گروه ۱۱ توپخانه، عمل کلی. (۲۵۶)

فروردین ۱۳۶۰: انتقال یگان‌های سازمانی هر لشکر به لشکر مربوطه، اولین درگیری لشکر ۷۷ در سال ۱۳۶۰

بعد از استقرار قرارگاه لشکر ۷۷ پیاده در ماهشهر و به عهده گرفتن مسئولیت فرماندهی منطقه عملیات آبادان - ماهشهر، نیروی زمینی طی دستورالعمل دیگری در ۸ فروردین ۱۳۶۰ وظایف و مسئولیت‌ها و نحوه انجام وظیفه و روابط فرماندهی آن لشکر با نیروی زمینی و لشکر ۹۲ زرهی را که در جناح شمالی منطقه لشکر ۷۷ گسترش داشت، ابلاغ نمود و لشکر ۷۷ فعالیت عملیاتی خود را رسماً آغاز کرد.

اولین اقدام تقویتی نیروی زمینی برای این لشکر، این بود که دستور داد گردان ۲۹۱ تانک سازمانی آن که در اهواز زیر امر لشکر ۹۲ زرهی بود، از زیر امر آن لشکر رها شود و به ماهشهر اعزام گردد. این تغییر مکان از ۱۹ فروردین انجام گرفت و به طور کلی بعد از انحلال فرماندهی اروند و شکل‌گیری جبهه در منطقه عملیات خوزستان با ۲ لشکر زرهی و ۲ لشکر پیاده، فرماندهی نیروی زمینی تصمیم گرفت وحدت فرماندهی در داخل یگان‌های سازمانی و زیر امر لشکرهای ۴ گانه را نیز حتی المقدور برقرار سازد، لذا تصمیم گرفته شد عناصر سازمانی هر لشکر در منطقه عملیاتی همان لشکر به کار برده شوند و برش تاکتیکی و سازمان رزمی در داخل لشکرها انجام شود. برای این منظور به مرور واحدهای سازمانی هر لشکر که در مناطق دیگر بودند، به منطقه لشکر مربوطه اعزام شدند.

پس از آن که فرماندهی منطقه عملیات ماهشهر - آبادان به لشکر ۷۷ پیاده محول شد، اولویت وظیفه آن لشکر، برآورد وضعیت و تهیه طرحهای عملیاتی و مشخص کردن وظایف اجرایی یگان‌ها بر اساس تدبیر فرماندهی لشکر بود. به همین علت ستاد فرماندهی لشکر در اوایل فروردین ماه یک برآورد وضعیت کلی عملیاتی به عمل آورد و یک دستور جمع آوری اخبار از وضعیت دشمن به واحدهای اجرایی ابلاغ کرد و تغییراتی در گسترش پدافندی یگان‌های مستقر در منطقه ماهشهر - آبادان داد که مهم‌ترین تغییر، با توجه به حساسیت، قسمت جنوب جاده ماهشهر - آبادان بود، زیرا در این بخش یک شکاف بزرگ بین خط دفاعی نیروهای ایرانی در قسمت نوک خط سر پل دشمن در سمت جنوب شرقی وجود داشت و نیروهای دشمن می‌توانستند با یک پیشروی سریع به کرانه بهمن‌شیر برسند و مشکلاتی برای نیروهای ایرانی به وجود آورند.

از دیگر اقدامات اولیه لشکر ۷۷ در منطقه عملیاتی مربوطه بررسی وضعیت رزمندگان غیر ارتشی بود. البته این بررسی دستورالعمل قرارگاه نیروی زمینی در جنوب انجام گرفت. طبق بررسی‌هایی که لشکر در

- این باره به عمل آورد و نتیجه آن را در ۱۶ فروردین ۱۳۶۰ گزارش داد، وضعیت گسترش و استعداد نیروهای رزمنده غیر ارتشی در منطقه عملیاتی ماهشهر - آبادان بدین قرار بود :
- ۱- سپاه پاسداران خرمشهر به استعداد ۱۵۰ نفر سپاهی و ۲۵۰ نفر بسیجی مستقر در کوت شیخ (سه راهی کارون - بهمن شیر - اهواز)
 - ۲- سپاه پاسداران آبادان ۲۵۵۰ نفر در جبهه بهمن شیر که از دماغه خرمشهر تا کوی ذوالفقاری ۱۷۵۰ نفر در خط و ۸۰۰ نفر در احتیاط گسترش داشت .
 - ۳- کمیته انقلاب اسلامی آبادان با ۶۵ نفر سپاهی و ۱۵۰ نفر بسیجی مستقر در منطقه فیاضیه (بهمن شیر و شرق کارون)
 - ۴- فدائیان اسلام ۵۶۰ نفر مستقر در کوی ذوالفقاری آبادان و کوت شیخ خرمشهر .
 - ۵- سپاه پاسداران ماهشهر ۱۴۷ نفر سپاهی مستقر در کیلومتر ۱۱ جاده آبادان - ماهشهر
 - ۶- سپاه پاسداران دارخوین ۵۰۰ نفر سپاهی مستقر در دارخوین .
- این رزمندگان غیر ارتشی عموماً مسلح به جنگ افزار انفرادی: تفنگ ام یک و ۳ و تعداد معدودی تیربار و موشک انداز آرپی جی ۷ و خمپاره انداز ۶۰ و ۸۱ م م و ۲ قبضه تفنگ ۱۰۶ م م بودند . توضیح این که آمار ارائه شده نیز چندان ثابت و قطعی نبود . (۲۵۷)

سایر حوادث و اطلاعات عمده در فروردین ۱۳۶۰

- هیئت حسن نیت رسیدگی کننده به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شامل ۸ نفر از سران کشورها و تعدادی از سران سازمان ها ، پیش از ظهر ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ وارد تهران شدند . (۲۵۸)
- مستخرجه از اطلاعات شماره ۴۵۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز ۶۰/۱/۱۵ خلبانان افتخار آفرین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز جاری ۶۰/۱/۱۵ - در یک یورش رعدآسا بزرگترین ضربه را بر پیکر پلید و جنایتکار دشمن وارد آورده و در یک عملیات متهورانه تحسین بر انگیز در عمق خاک عراق چهار پایگاه دشمن را با کلیه هواپیماهای مستقر در آنها منهدم و با سرافرازی همگی سالم به میهن اسلامی خود بازگشتند (۲۵۹)
- صبح روز ۶۰/۱/۱۸ سرهنگ خلبان جواد فکوری، وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و دکتر مصطفی چمران، نماینده امام در شورای عالی دفاع به همراه تنی چند از نیروها و

خلبانان شجاع و دلور نیروی هوایی که در عملیات موفقیت‌آمیز روز شنبه، ۱۵ فروردین ماه، در دورترین نقاط خاک عراق - در نزدیکی مرز اردن - پایگاه‌های نظامی این کشور را منهدم کردند، به حضور امام خمینی رسیدند. (۲۶۰)

در تاریخ ۶۰/۱/۲۲ هئیت نمایندگی کشورهای غیر متعهد که برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق تلاش می‌کند، برای انجام مذاکراتی وارد تهران شد. (۲۶۱)

از یادداشت روزانه آیت الله جمعی در ۶۰/۱/۱

..... سپس راهی قبرستان شدیم. بقعه شهدا غرق در گل و شیرینی بود. بر سر اغلب قبرها، گل و شیرینی ریخته و گلاب نیز، پرچم‌های متعدد و فراوانی دور تا دور بقعه بر قبرها نصب بود از بنده خواستند چند کلمه ای صحبت کنم ، ولی به اختصار که زود مراسم پایان پذیرد و برادران متفرق شوند که خطر خمپاره جدی است پیرمرد محاسن سفیدی را هم دیدم که اسلحه به دوش در قبرستان قدم می‌زد، گویی گمشده خود را می‌جست. این پیرمرد کسی است که در طول کمتر از یک سال دو فرزند جوان خود را از دست داده و هر دو شهید شدند . پدر منوچهر و فریدون امیری بود. دو نوجوان در راه انقلاب به خون خود غلتیدند و پدرشان اکنون در سنگرها خیلی قوی و زنده روح می‌جنگد. راستی که ایمان چه می‌کند و این انقلاب چه آتش در این دل‌ها بر افروخته (۲۶۲)

از یادداشت‌های روزانه آیت الله جمعی در روز ۶۰/۱/۲

..... چندی است جناب هاشمی رفسنجانی مدیر مجلس شورای اسلامی قول داده سری به آبادان نیمه ویران بزند . امروز وارد شدندنزدیکیهای غروب به محل کمیته ارزاق که نسبتا محل امنی است ، آمدیم . نماز مغرب و عشا را در این محل اداء کردیم به جماعت و امام هم این حقیر ناتوان . آقای هاشمی خیلی مایل است گروه‌های رزمنده را ببیند و از نزدیک با آنها به گفت‌وگو بنشیند که طبق مجال و مسائل امنیتی اجازه نمی‌داد ایشان به محل گروه‌ها، جدا جدا بروند. به پیشنهاد آقای غرضی، استاندار، چنین مقرر شد که برادران را به همین محل دعوت کنیم. این دعوت به عمل آمد و جمع کثیری از برادران سپاه و بسیج و داوطلبان و ارتشیان که همه از شهرها و نقاط دور دست به آبادان آمده‌اند، جمع شدند و ایشان حدود یک ساعت برای آنها صحبت کرد . و سپس برادران سؤالات گوناگون خود را مطرح کردند که حقا آقای هاشمی خیلی جامع و نافع سؤالات را پاسخ گفتند. (۲۶۳)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۱۳۶۰/۱/۶ / ۲۰۳

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۱۳۶۰/۱/۶

جناب آقای خلخالی به اتفاق بعضی از فداییان اسلام، حدود نیم ساعتی به منزل آمدند و از جبهه بر می‌گشتند که با ایشان در موضوع کمبودها صحبت کردم، مخصوصاً در رابطه با منقضی خدمتهای ۵۶ که شدیداً مسئله آفرین شده‌اند و سخت از عدم تعویض ناراحت هستند. کار به جایی رسیده که چند بار سر راه حقیر را گرفته و داد و قال راه انداخته‌اند. (۲۶۴)

روز گذشته ۱۳۶۰/۱/۵} ، نمی دانم برای سومین یا چهارمین بار به طرف جزیره مینو رفتیم. به اتفاق برادر و فرزند و سید حجت موسوی، اول به مقر برادران سپاه رفتیم و از آنجا با یک ماشین جیب به رانندگی و هدایت یکی از برادران سپاه به سمت مقر بسیج شهرستانها رفتیم. سر راهمان به پاسگاه ژاندارمری رفته و از برادران ژاندارم دیدن کردیم. برادران لطف کردند و یک چای به ما دادند و شرحی از عملیات جنگی خود را بیان داشتند که معلوم شد یک بخش از جزیره را زیر پوشش دارند. وقتی از پایگاه به طرف برادران بسیج می‌رفتیم، جاده بین راه اغلب در اثر مد ، آب گرفته بود که اگر جیب آهو نداشتیم، با ماشین پیکان نمی‌توانستیم حرکت کنیم. در مقر بسیج، برادران رزمنده که از بابل و نیشابور و اطراف خوزستان آمده بودند، خیلی از دیدارمان ابراز مسرت کردند و جداً از وضع این برادران و قیافه های مصمم آنها حالی و روحی گرفتیم. دیدار این رزمندگان خیلی ملاحظه انگیز است. {از} مرد مسن که موی سر و ریش برف سفیدی را فرا گرفته تا نو نهال‌های ۱۴ و ۱۵ ساله را می‌بینی که عاشقانه از لانه و آشیانه خود جدا شده به این منطقه نا بسامان آمده و در سنگر مقر گرفته‌اند. برایمان پسته و بادام آوردند و پذیرایی کردند (۲۶۵)

از یادداشت‌های روزانه آیت الله جمی در روز ۶۰/۱/۷

..... حدود ساعت ۱۰:۳۰ سرهنگ کسائیان رئیس جدید عملیات آبادان و خونین شهر به دیدنم آمد و اظهار محبت کرد ساعت ۱۲ برای نماز رفتیم. محل نماز در این جمعه، کمیته ارزاق است آقای نخست وزیر آمد در خطبه اول ایشان وارد شد. جمعیت فوق‌العاده احساساتی و هیجان زده شدند.

..... بعد از فراغ از نماز، آقای رجایی آمدند و با حقیر ابراز محبت نمودند که سیل جمعیت متوجه

ایشان شد در این ساعت نیز صدای انفجار در همین نزدیکی‌ها گوش را می‌خراشد شام را با آقای رجایی و همراهانش و عده‌ای از برادران پاسدار در فرمانداری صرف کردیم (۲۶۶)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۶۰/۱/۸

..... به جهاد سازندگی فارس رفتیم که در همان نزدیکی بود. جهاد فارس به سرپرستی آقای جزایری، از آغاز جنگ تا کنون در آبادان فعالیت پی‌گیری و وقفه‌ناپذیر داشته است. راه‌سازی، سنگ‌سازی به اضافه تعمیر وسایل سنگین از قبیل: بولدوزر و لودر و تانک و غیره از کارهای برادران این جهاد است. (۲۶۷)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۱۳۶۰/۱/۱۳

به طرف خسرو آباد و به نهر رمیله رفتیم در آنجا هم اثر خمپاره و خمسه خمسه در نخل‌ها فراوان مشاهده می‌شد و خیلی از نخل‌ها که همه نوچه و جوان بودند، در اثر خمپاره سوخته و خشکیده شده بودند و از این اسف انگیزتر، خرماهای فراوان سال گذشته که همین‌طور از بین رفته و به کلی ضایع شده بود. ضایعات این جنگ به مردم خوزستان مخصوصاً برادران عرب، فوق تصور است. در آنجا چند نفر جوان از برادران عرب {را} دیدم که مشغول تلقیح ثمره جدید نخلستان خود بودند و همه به سب و لعن صدام مشغول. ساعت نزدیک ۱۱ به شهر برگشته و به اتاق جنگ و ستاد عملیات رفتیم که فرمانده در محل بودند. از آنجا به سپاه پاسداران. تا نزدیکی ظهر که به مسجد رفتیم. عصر ساعت ۳:۳۰ به ستاد عشایر رفتیم که به مناسبت شهادت یکی از پاسداران مراسمی داشتند. آنجا فاتحه و جزوی از قرآن خواندیم و به درخواست برادران چند دقیقه‌ای هم برایشان صحبت کردیم. بعد از ختم این مراسم به روال همیشگی، برای زیارت شهداء عازم قبرستان شدیم و بعد از آن هم برای نماز به مسجد آمدیم (۲۶۸)

از یادداشت های روزانه آیت الله جمی در روز ۶۰/۱/۱۴

..... به طرف جزیره مینو رفتیم در جزیره چند دقیقه‌ای که ماشین توقف کرد تا ابراهیم سبزی بیاورد، یک پسر بچه ۱۰ ساله پای ماشین آمد و سلام گرمی کرد. برادر و خواهرش هم همراهش بودند و گفت مادرشان چند روز قبل در موقع پختن نان، خمپاره خورده و شهید شده است و از وضع رقت بار خودشان صحبت می‌کرد و دل را می‌سوزاند. به او گفتم خداوند حق امثال

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۱۳۶۰/۱/۱۵ / ۲۰۵

شما فرزندان پدر و مادر از دست داده {را} از ظالم ستمکاری چون صدام حتماً می‌گیرد. مطمئن باشید. (۲۶۹)

از یادداشت روزانه آیت الله جمی در روز ۱۳۶۰/۱/۱۵

از آنجا به کاروانسرا، که محل استقرار نیروهای فداییان اسلام است، رفتیم. فرمانده عملیات آن‌ها آقای هاشمی به ماهشهر رفته بود. معاونش در آنجا بود. این برادران با محبت از ما پذیرایی کردند. چند نفر برادر روحانی نیز آنجا بود که از تهران و یا بعضی شهرستانهای دیگر آمده بودند. از وضع فداییان اسلام پرسش کردم. گفتند حدود ۸۰۰ نفر رزمنده در اینجا داریم که قسمت عمده {آنان} در جبهه ذوالفقاری مستقرند و در جزیره مینو و کوت‌شیخ نیز هستند و تاکنون فراوان زخمی و شهید داده‌اند.

پیرمردی را آنجا دیدم خیلی با نشاط گفت ۴ فرزندم در جبهه هستند! (۲۷۰)

اردیبهشت ۱۳۶۰: احداث جاده تکمیلی ماهشهر - آبادان ، تک محدود تپه‌های مَدَن :

از اقدامات مهمی که لشکر ۷۷ از اوایل اردیبهشت ماه در منطقه عملیات ماهشهر - آبادان آغاز کرد، احداث جاده ارتباطی جزیره آبادان با جاده ماهشهر بود. این جاده به وسیله گردان مهندسی لشکر و با همکاری نیروهای مردمی و جهاد سازندگی شروع به احداث گردید. با احداث این جاده (به نام جاده وحدت) یک خط ارتباطی مطمئن بین آبادان و ماهشهر برقرار شد تا امکان هرگونه پشتیبانی رزمی و تدارکاتی یگان‌های مستقر در جزیره آبادان تسهیل گردد.

برای برقراری تأمین بیشتر برای کارکنان جاده‌سازی، خواسته شد که تأمین دهانه رودخانه بهمن‌شیر در خلیج فارس را نیروی دریایی برقرار کند تا عوامل نفوذی عراق از طریق خلیج فارس و رودخانه بهمن‌شیر مزاحمتی برای عناصر لشکر ۷۷ فراهم نمایند.

از طرفی پس از گذشت قریب به ۸ ماه از آغاز تجاوز عراق، هنوز نیروهای مردمی شکل منظم و منسجمی نیافته بودند و به کارگیری عناصر این نیروهای رزمنده با طرح‌ها و دستورالعمل‌های فرماندهان نظامی امکان‌پذیر نشده بود، چنان‌که در منطقه عملیاتی ماهشهر و آبادان در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ نیروهای مردمی بدون هماهنگی با لشکر ۷۷ اقدام به عملیات تعرضی و در سطح وسیع کردند و در منطقه فیاضیه و شمال بهمن‌شیر به مواضع پدافندی دشمن حمله نمودند. به همین

علت عملیات آفندی این نیروها با عدم موفقیت مواجه شد و تلفات قابل ملاحظه‌ای (به نسبت وسعت عملیات) به رزمندگان مردمی وارد گردید.

نخستین عملیات آفندی محدود لشکر ۷۷ (۱۳۶۰/۲/۲۵)

تپه‌های مَدَن (میدان تیر آبادان)

با توجه به پیامدهای ناگوار عدم هماهنگی بین رزمندگان مردمی و نیروهای ارتشی، لشکر ۷۷ در ۲۳ اردیبهشت ماه از نیروی زمینی درخواست نمود ترتیبی داده شود که عناصر سپاه پاسداران و نیروهای مردمی هرگونه عملیات خود را با لشکر هماهنگ کنند تا از بروز حوادث ناگوار که به علت عدم هماهنگی‌های قبلی بین نیروهای مردمی و لشکر به وجود می‌آید جلوگیری شود.

اولین عملیات آفندی محدود لشکر ۷۷ پیاده در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ در شمال بهمن‌شیر و در منطقه‌ای به نام میدان تیر آبادان به وسیله گردان ۱۴۸ پیاده آن لشکر و با همکاری سپاه پاسداران و نیروهای مردمی مستقر در منطقه آن گردان اجرا شد که نتیجه آن به طور نسبی بسیار موفقیت آمیز بود. این عملیات به صورت حمله شبانه اجرا گردید و تا ساعت ۰۲:۰۰ هدف پیش‌بینی شده به تصرف نیروهای خودی در آمد. در ساعت ۰۳:۰۰ دشمن با نیروی احتیاط محلی پاتک کرد که به علت هماهنگی‌های قبلی با اجرای آتش سنگین توپخانه و خمپاره اندازه‌ها پاتک دشمن دفع گردید و یگان ایرانی موفق شد هدف تصرف شده را که خاکریزهای مقدم دشمن و مواضع نیروی تأمین وی بود حفظ کند.

پس از عملیات ناموفق توکل در دی‌ماه برای اولین بار نیروهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیات ماهشهر و آبادان پیشروی موفقیت آمیزی کردند. در این عملیات محدود ۵۹ نفر از افراد دشمن به اسارت نیروهای ایرانی در آمدند و تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد دشمن نیز کشته شدند و ۱۲ دستگاه خودرو زرهی دشمن منهدم گردید. تلفات نیروهای جمهوری اسلامی نیز جمعاً ۱۷ نفر شهید و ۳۸ نفر مجروح بودند که شامل افراد ارتش، سپاه پاسداران و بسیج مردمی می‌شد.

این عملیات آفندی لشکر ۷۷ و نیروهای سپاه پاسداران گرچه از نظر وسعت عملیات چندان وسیع نبود و مسلماً در یک صحنه عملیات چند صدکیلومتری که چندین لشکر ایرانی و عراقی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده بودند، در مقیاس ظاهری زمین و دشمن چندان حائز اهمیت نبود، ولی از نظر روانی فوق‌العاده با اهمیت بود، زیرا این عملیات و عملیات‌های محدود و کوچک دیگری نظیر آن در شرایط کلی جنگ و شرایط عمومی صحنه عملیات اثرات کیفی فوق‌العاده، مهم‌تر از اثرات کمی و حالت ظاهری آن داشت.

خرداد ۱۳۶۰؛ عزل بنی صدر، عملیات دارخوین / ۲۰۷

این‌گونه عملیات آفندی سبب تقویت روحیه و اعتقاد به قدرت نیروهای ایرانی می‌شد و فرماندهان را برای طرح‌ریزی و اجرای عملیات مداوم محدود با عملیات گسترده منطقه‌ای تشویق می‌کرد، چنان‌که همین نتیجه نیز حاصل شد و می‌توان گفت که عملیات غرور آفرین ثامن‌الائمه(ع) که منجر به شکستن محاصره ۱۱ ماهه آبادان و عقب راندن نیروهای دشمن به غرب کارون و انهدام یک لشکر زرهی دشمن گردید، از همین عملیات ۲۵ اردیبهشت ماه پایه‌گذاری شد.

مهم‌ترین و موثرترین عامل موفقیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران این بود که رزمندگان بسیج مردمی با هدایت سپاه پاسداران به صورت گسترده‌تر و موثرتر وارد صحنه کارزار شدند و توان رزمی یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران را در برابر نیروهای مجهز عراق تقویت نمودند.

اردیبهشت ۱۳۶۰ با موفقیت قابل ملاحظه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تمام صحنه‌های نبرد به پایان رسید و این موفقیت‌ها امید به پیروزی حق بر باطل را در رزمندگان ایران اسلامی در مقیاس وسیعی تقویت کرد و حرکتها و فعالیت‌های وسیع‌تر برای بیرون راندن نیروهای متجاوز از خاک میهن اسلامی با دلگرمی و امیدواری بیشتری پیگیری شد. (۲۷۱)

از اوایل اردیبهشت ۱۳۶۰ یگان‌های بیشتری از عناصر سازمانی لشکر ۷۷ پیاده شامل گردان‌های ۲۹۱ تانک و ۱۴۸ پیاده و تیپ یک پیاده به منطقه عملیاتی لشکر ۷۷ تغییرمکان داده شدند و استعداد رزمی لشکر ۷۷ به طور نسبی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. با این وجود، اطلاعات مکرری که از حمله قریب‌الوقوع دشمن به جزیره آبادان به لشکر ابلاغ می‌شد، نگرانی فزاینده‌ای در لشکر ایجاد می‌کرد.

لازم به یادآوری است که در یک سال اول جنگ، ده‌ها بار حمله قریب‌الوقوع دشمن به یگان‌ها اطلاع داده شد، ولی حتی یک بار هم اجرا نگردید. این موضوع دلیل بارز ضعف امکانات اطلاعاتی ما تلقی می‌شد. چنان‌که از ۱۹ فروردین تا ۴ اردیبهشت، یعنی در مدت ۱۵ روز، سه بار خبر حمله قریب‌الوقوع دشمن به آبادان از طریق ستاد مشترک اعلام شد؛ در صورتی که در این مدت دشمن کوچک‌ترین حرکتی در خوزستان نکرد. (۲۷۲)

خرداد ۱۳۶۰؛ عزل بنی صدر، عملیات دارخوین

در اواسط خرداد ماه تغییر و تحول بنیادی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شد. ابوالحسن بنی صدر که در مقام ریاست جمهوری، اختیارات فرماندهی کل قوای مسلح نیز از طرف امام به

وی تفویض شده بود، در ۲۰ خرداد از مقام خود معزول شد. با کنار رفتن بنی‌صدر، تلاش‌های ارتش و فعالیت‌های سپاه پاسداران در میدان‌های نبرد مؤثرتر، قوی‌تر و هماهنگ‌تر گردید. اولین ثمره این وضعیت جدید در عملیات آفندی محدود در جنوب دارخوین در منطقه عملیات ماهشهر - آبادان حاصل شد.

عملیات فرماندهی کل قوا - خمینی روح خدا در ۲۱ خرداد ۶۰

در جبهه جنوب دارخوین نیروهای متجاوز از اوایل آبان ۱۳۵۹ در همان خط پدافندی حوالی آبادی محمدیه متوقف شدند و نیروهای جمهوری اسلامی در آن سال نتوانستند نیروهای دشمن را از مواضع پدافندی عقب برانند. با آغاز سال ۱۳۶۰ و تغییر تدبیر کلی عملیاتی نیروهای ایرانی و اجرای عملیات آفندی محدود در منطقه عملیات ماهشهر - آبادان، بخش جنوب دارخوین نیز در راستای همان تدبیر مورد توجه قرار گرفت. برآورد وضعیت و طرح‌ریزی برای اجرای یک عملیات آفندی محدود در منطقه عملیات دارخوین از اوایل سال ۱۳۶۰ آغاز شد و با استفاده از تجربیات دو عملیات آفندی ناموفق قبلی در منطقه ماهشهر - آبادان، از همان ابتدای طرح‌ریزی اساس عملیات برای وصول به هدف محدود و یا استفاده از پیاده نظام و حتی‌المقدور عملیات شبانه قرار داده شد، اما به علت باز بودن زمین عملیات، فرمانده تک اصلی که از برادران سپاه پاسداران بود، تصمیم گرفت با حفر یک کانال ارتباطی از جنوب آبادی محمدیه تا نزدیکی مواضع دشمن یک معبر وصولی مخفی و غافلگیر کننده ایجاد کند. نظر به این‌که منطقه عملیات از غرب به جنوب در میدان دید و تیر مستقیم نیروهای دشمن بود، حفر کانال با استفاده از وسایل سنگین مهندسی مشکل بود، لذا بیشتر طول کانال، شبانه با استفاده از بیل و کلنگ و تجهیزات انفرادی به وسیله افراد سپاه حفر شد. بعد از آماده شدن این کانال، تهیه طرح عملیات با همکاری ستاد لشکر ۷۷ پیاده و فرمانده سپاه پاسداران منطقه دارخوین آغاز گردید.

نظر به این‌که تک محدود دارخوین، اولین عملیاتی بود که در آن هماهنگی اصولی و کامل از ابتدای طرح‌ریزی تا پایان اجرای عملیات بین یگان سپاه پاسداران عمل کننده در منطقه و لشکر ۷۷ پیاده مسئول کلی منطقه عملیات، به وجود آمد، چگونگی طرح‌ریزی و اجرای این عملیات به طور مشروح ذکر می‌شود. برآورد اطلاعاتی این عملیات بعد از بررسی‌های نسبتاً طولانی در ۱۰ خرداد ماه توسط فرمانده سپاه پاسداران منطقه عملیات تهیه شد.

بر مبنای برآورد وضعیتی که به عمل آمد طرح عملیاتی لشکر ۷۷ پیاده با هماهنگی فرمانده سپاه پاسداران دارخوین تهیه و در ۱۳ خرداد ۱۳۶۰ برای تهیه مقدمات کار و پیش‌بینی‌ها و آمادگی یگان‌های اجرایی منتشر گردید.

اساس تدبیر این طرح چنین بود که یگان‌های سازمانی و زیر امر لشکر ۷۷ پیاده مستقر در منطقه عملیات ماهشهر-آبادان در جناح شرقی و جنوبی خط سرپل دشمن در شرق کارون طبق مأموریت‌های قبلی به پدافند در مواضع ادامه می‌دادند و عملیات آفندی محدود فقط در جناح شمالی خط سرپل دشمن اجرا می‌گردید.

با توجه به استعداد دشمن که در برآورد اطلاعاتی بیان شد، برای اجرای این مأموریت آفندی محدود، گردان ۲۱۴ سوار زرهی لشکر ۷۷ (-)، واحد عملیاتی سپاه پاسداران دارخوین، یک گروهان از گردان ۱۰۷ پیاده امداد ژاندارمری، یک آتشبار توپخانه کمک مستقیم، یک دسته پدافند هوایی ۱۴/۵م و یک دسته مهندسی رزمی در نظر گرفته شد.

تدبیر عملیاتی لشکر برای اجرای تک این بود که سپاه پاسداران با استفاده از اصل غافل‌گیری تک نماید و هدف پیش‌بینی شده را تصرف و پیشروی را تا خاکریز دوم ادامه دهد و گردان ۲۱۴ سوار زرهی با نیروی کافی هدف اولیه را تحکیم و نگهداری نماید. ضمناً یک گروهان از گردان ۲۹۱ تانک لشکر نیز به منظور احتیاط یگان تک کننده در نظر گرفته شد.

از نظر پشتیبانی توپخانه علاوه بر یک آتشبار ۱۰۵م که در کمک مستقیم یگان حمله‌ور قرار داده شده بود، یک آتشبار ۱۵۵م و یک آتشبار ۱۳۰م نیز در تقویت آتش این واحد منظور گردید.

محل پاسگاه فرماندهی یگان تک کننده در آبادی محمدیه بود، بنابراین مواضع نیروهای ایرانی با مسافتی کوتاه در جنوب آن قرار داشت که مبداء عملیات تعیین گردید. ضمناً برای نظارت مستقیم لشکر ۷۷ در عملیات و هدایت عملی، قرارگاه تاکتیکی لشکر بایستی به منطقه عملیات دارخوین تغییر مکان می‌داد. با توجه به این مطالب که خلاصه طرح عملیات لشکر بود، چنین به نظر می‌رسید که برای اولین بار در این منطقه نبرد، یک طرح آفندی هماهنگ نسبتاً کامل تهیه گردیده بود. ضمناً مهمات لازم نیز برای ۵ روز عملیات مداوم پیش بینی شده بود.

با استفاده از کانال حفر شده و آبروهای طبیعی موجود، نیروهای خودی به صورت نفوذی و رعایت اصل غافلگیری به دشمن نزدیک می‌شدند و در ساعت آغاز هجوم به‌طور هم‌زمان همه نیروهای تک کننده به مواضع دشمن هجوم می‌بردند و تا ۳ کیلومتر به سمت جنوب پیشروی و

خاکریزهای دشمن را در محور پیشروی تصرف و به ترتیب پیشروی عناصر مانوری، خودروهای مهندسی شامل بلدوزر و لودر به دنبال عناصر حمله‌ور به سمت جنوب حرکت می‌کردند و خاکریزهایی برای پدافند نیروهای خودی در منطقه اشغالی دشمن ایجاد می‌نمودند. واحد احتیاط هر یگان آماده می‌شد بنا به درخواست فرمانده همان یگان وارد عمل گردد.

در روز ۲۰ خرداد آخرین اقدامات آمادگی و هماهنگی انجام شد و قرارگاه تاکتیکی لشکر ۷۷ در ماهشهر به دارخوین تغییر مکان نمود. فرماندهی این قرارگاه تاکتیکی به عهده رئیس ستاد لشکر واگذار شد.

حرکت عناصر حمله‌ور که رزمندگان سپاه پاسداران بودند، از ساعت ۰۳۳۰ روز ۲۱ خرداد از منطقه تجمع به موضع حمله آغاز شد؛ این عناصر بعد از حدود ۴۵ دقیقه راهپیمایی به موضع حمله رسیدند. قبل از وصول این واحدها به آنجا که در حدود ۲۰۰ متری مواضع دشمن بود، آتش تهیه به مدت ۱۰ دقیقه اجرا گردید. حمله واحدها از ساعت ۰۴۱۵ آغاز شد و در مدت ۳۰ دقیقه رزمندگان اسلام موفق شدند از خط عزیمت تا مواضع دشمن پیشروی کنند. به نحوی که در ساعت ۰۴۵۵ دقیقه اولین هدف به تصرف نیروهای ایرانی در آمد. روش هدایت عملیات چنین بود که افراد پیاده نظام سپاه پاسداران در خط مقدم حمله می‌کردند و نقاط انکاء دشمن را تصرف می‌نمودند، واحد زرهی، پیاده نظام را دنبال می‌کرد و مواضع متصرفی را اشغال و تحکیم هدف می‌نمود و منطقه هدف را از وجود دشمن پاک می‌کرد.

عمق عملیات ۳ کیلومتر و عرض جبهه حدود ۲ کیلومتر بود؛ لذا تعداد ۵ دستگاه تانک با گسترش مناسب می‌توانست آتش مستقیم در تمام عرض جبهه داشته باشد.

آخرین حد پیشروی برای این حمله محدود حدود ۳ کیلومتری عمق مواضع دشمن بود که به نام «خط پلنگ» نامگذاری شده بود. این خط تقریباً در حد فاصل میانی بین آبادی محمدیه و مارد بود که با اشغال آن نیروهای دشمن به نزدیکی پل احداثی منطقه اشغالی عقب رانده شدند و دسترسی به پل دشمن در عملیات بعدی ساده‌تر گردید. عناصر مقدم حمله در ساعت ۰۶۱۰ به آخرین حد پیشروی نزدیک شدند و حدود ۸۰ نفر از افراد دشمن را اسیر کردند که به خطوط عقب تخلیه شدند. پیشروی با پشتیبانی توپخانه و بالگردهای رزمی ادامه یافت.

از ساعت ۰۶۴۰ تا ۰۷۰۵ بیش از ۱۰۰ نفر از افراد دشمن که به اسارت نیروهای ارتش اسلام در آمده بودند، به منطقه عقب تخلیه شدند و تعدادی تانک سالم از تجهیزات دشمن به دست

نیروهای ایرانی افتاد که با اعزام چند نفر راننده تانک ام-۴۷ از گردان تانک لشکر ۷۷ تعدادی از تانکهای دشمن به منطقه عقب آورده شدند.

واحد سپاه پاسداران همچنان به پیشروی ادامه می‌داد و مواضع نیروهای دشمن را که در خاکریزهای متناوب تهیه گردیده بود، تصرف می‌کرد و افراد دشمن را نابود یا اسیر می‌نمود. بنابراین تعداد اسراء تا ساعت ۱۰۳۰ از ۲۰۰ نفر تجاوز کرد.

حدود ساعت ۱۱۰۰ نیروهای جمهوری اسلامی به آخرین حد پیشروی تعیین شده رسیدند و منطقه را از وجود دشمن پاک کردند. در این زمان به‌علت گرمای شدید هوا و وارد شدن تلفات قابل ملاحظه و آماده شدن نیروهای دشمن برای پاتک، قرارگاه هدایت کننده عملیات که از ستاد لشکر ۷۷ پیاده بود، دستور داد حمله متوقف گردد و نیروهای خودی در مناطق اشغالی پدافند نمایند.

از ساعت ۱۲۰۰ نیروهای دشمن آماده اجرای پاتک شدند. برای خنثی کردن پاتک دشمن، حجم آتش توپخانه و تانک نیروهای ایرانی به منطقه خط تماس با دشمن افزایش یافت، اما به‌علت نزدیکی نیروهای خودی به دشمن، این آتش‌ها برای نیروهای خودی نیز مزاحمتی فراهم نمودند و به همین دلیل بود که دشمن نیز نمی‌توانست به نحو مطلوب از پشتیبانی آتش زمینی خود بهره کافی بگیرد، زیرا وسعت منطقه عملیات جنگی محدود و در حدود ۲ کیلومتر عرض و ۳ کیلومتر عمق بود. در این منطقه محدود، هدایت آتش به روی مواضع و یگان‌های طرف مقابل بسیار مشکل بود. با توجه به آماده شدن دشمن برای حمله متقابل، یگان تانک مستقر در خط مقدم تقویت گردید و توپخانه‌های پشتیبانی آماده اجرای آتش به روی مواضع دشمن شدند و نیروهای جمهوری اسلامی ایران موفق شدند تا ساعت ۱۴۰۰ کاملاً منطقه هدف اشغال شده را تحکیم کنند و مانع اجرای پاتک دشمن گردند.

در بعدازظهر آن روز هواپیماهای دشمن در منطقه عملیات فعال شدند، ولی نتوانستند ضربات قابل ملاحظه‌ای به واحدهای ایرانی وارد کنند و با مواجه شدن با آتش پدافند هوایی متواری گردیدند، اما فشار دشمن خیلی شدید بود به نحوی که نیروهای ایرانی نتوانستند در آخرین حدی که پیشروی کرده بودند، باقی بمانند و مجبور به عقب نشینی به یک موضع عقب‌تر شدند.

روز اول تک یعنی ۲۱ خرداد ماه به پایان رسید و در مدت شب نیروهای ایرانی موفق شدند خاکریزهای اول و دوم دشمن را که تصرف کرده بودند، به صورت موضع دفاعی تحکیم کنند و آماده خنثی کردن پاتک دشمن باشند. لشکر ۷۷ برای نگهداری موفقیت به دست آمده دستور داد

تمام عناصر گردان ۲۱۹ تانک از اردوگاه استراحت خلف آباد به دارخوین تغییر مکان کند و آماده خنثی کردن پاتک دشمن گردد. با وجود محدودیت خودروهای تانک‌بر این تغییر مکان شبانه انجام شد. به نحوی که در روز ۲۲ خرداد تمام عناصر گردان ۲۹۱ تانک که مجهز به تانک ام-۴۷ بود، در دارخوین مستقر شدند.

از آغاز روشنایی روز ۲۳ خرداد فعالیت توپخانه عراق در منطقه شدید شد و دشمن آماده اجرای پاتک برای بازپس گرفتن مناطق از دست داده گردید.

در ساعت ۰۴۴۰ نیروهای دشمن پاتک را آغاز کردند، ولی با اجرای آتش شدید توپخانه نتوانستند از پشت خاکریزهای خود جلوتر بیایند. در ساعت ۰۵۱۰ فرمانده سپاه پاسداران منطقه دارخوین که شخصاً عملیات سپاه پاسداران را هدایت می‌کرد، بر اثر اصابت ترکش توپخانه دشمن مجروح شد و با بالگرد به منطقه عقب تخلیه گردید. پاتک اصلی دشمن در ساعت ۰۵۲۰ به کلی متوقف شد. حتی حجم آتش توپخانه دشمن نیز از این ساعت به بعد کمتر گردید و آرامشی نسبی در منطقه نبرد به وجود آمد.

از ساعت ۰۵۳۰ بالگردهای هوانیروز وارد عمل شدند و به مواضع دشمن حمله کردند و خسارات و تلفاتی وارد نمودند. هواپیماهای دشمن در ساعت ۱۱۴۵ به مواضع رزمندگان اسلام حمله کردند، ولی نتوانستند خساراتی وارد کنند و متواری شدند.

سرانجام در حدود ساعت ۱۲۰۰ روز ۲۲ خرداد یعنی ۳۶ ساعت بعد از آغاز عملیات، در حالی که نیروهای ایرانی موفق شده بودند حدود ۳ کیلومتر در منطقه اشغالی دشمن پیشروی کنند و مواضعی را تصرف و نگهداری نمایند، وضعیت حالت عادی و تثبیت شده پیدا کرد. بدین علت فرمانده لشکر به قرارگاه تاکتیکی لشکر که در دارخوین مستقر بود دستور داد در ساعت ۱۳۰۰ به ماهشهر مراجعت کند و فرماندهی منطقه را به فرمانده گردان ۲۱۴ تانک واگذار نماید. (توضیح این‌که گردان ۲۱۴ یک گردان سوار زرهی بود، ولی با در اختیار گرفتن تعدادی تانک از گردان ۲۴۶ تانک، به صورت گردان تانک در آمده بود.)

عملیات آفندی محدود دارخوین سرآغاز بسیار موثر برای اجرای عملیات ثامن الائمه(ع) بود که سه ماه و نیم بعد در همان منطقه اجراء گردید. در این عملیات که تدبیر کلی حمله به هدف محدود بود، نیروهای اسلام حدود ۳۵۰۰ متر به سمت جنوب دارخوین پیشروی کردند و قریب ۷ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی را آزاد ساختند. بیش از ۲۰۰ نفر از افراد دشمن را به اسارت

گرفتند. حداقل به همین تعداد نیز از عده‌های دشمن کشته یا مجروح شدند. در نتیجه یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه دشمن از میدان نبرد خارج گردیدند.

ضمناً از برادران سپاه حدود ۵۰ نفر شهید و مجروح شدند، ولی از افراد گردان ۲۱۴ تانک لشکر ۷۷ معدودی زخمی گردیدند، زیرا این گردان به‌عنوان واحد دنبال کننده بود و در خط مقدم حمله قرار نداشت. به طور کلی نیروی تک کننده در این عملیات رزمندگان سپاه پاسداران بودند. به هر حال هدف نهایی این عملیات که عقب راندن نیروهای دشمن به غرب کارون بود، حاصل گردید. نتیجه مفید این‌گونه عملیات آن بود که اعتماد به نفس و قدرت اراده رزمندگان ایرانی را بالا برد و ضمناً ثابت شد که نیروهای دشمن با وجود برخورداری از امکانات تجهیزاتی وسیع به سبب نداشتن روحیه و انگیزه و علل دیگر از جمله طولانی شدن جنگ، دارای ضعف‌های عمده‌ای هستند.

تلاش دشمن برای بازپس گرفتن مواضع از دست داده تا ۲۵ خرداد ماه ادامه یافت و نیروهای عراقی به تناوب حرکات مذبحانه‌ای برای عقب راندن نیروهای ایرانی انجام دادند. برای این عملیات یک گردان از تیپ ۳۱ نیروهای مخصوص وارد عمل گردید و در یکی از پاتک‌ها سربازان عراقی تا برد نازنچک‌انداز نیروهای ایرانی نیز رسیدند، ولی با عکس‌العمل شدید رزمندگان اسلام مجبور به فرار شدند. در حالی که در نزدیکی مواضع یگان‌های ایرانی ۴ نفر اسیر و تعدادی کشته باقی گذاشتند.

بالاخره از روز ۲۶ خرداد ماه دشمن اجباراً وضعیت جدیدی را قبول کرد و از ادامه پاتک دست کشید. ضمناً لشکر ۷۷ و سپاه پاسداران در مدت ۵ روز بعد موفق شدند مواضع تصرف شده را کاملاً تحکیم کنند و آماده خنثی کردن هرگونه عملیات تعرضی دشمن باشند. در نتیجه عملیات دارخوین در تاریخ ۲۶ خردادماه خاتمه یافته تلقی گردید. (۲۷۳)

حکم حضرت امام خمینی در ۲۱ خرداد ۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار ولی الله فلاحي ، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح ، ستاد مشترک مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌ها و وظایف محوله را انجام دهد .

۲۱ خرداد ۱۳۶۰

روح الله الموسوی الخمينی (۲۷۴)

سومین حمله محدود در منطقه سرپل دشمن در شرق کارون، در ۳۱ خرداد ۶۰ توسط رزمندگان لشکر ۷۷ و یگان‌های تابعه اجرا شد. در این حمله، تکاوران دریایی، فداییان اسلام، سپاه پاسداران و یگان‌هایی از لشکر ۷۷ در جنوب جاده ماهشهر - آبادان به خاکریزهای دشمن حمله کردند و نیروهای دشمن را وادار به عقب نشینی نمودند و قسمتی دیگر از جاده یاد شده را از کنترل دشمن آزاد کردند. تعدادی از وسایل دشمن منهدم گردید و دو دستگاه لودر دشمن، سالم به دست رزمندگان ما افتاد و حدود ۳۰ دستگاه وسیله شنی‌دار دشمن که آسیب دیده و بر جای مانده بود، توسط نیروهای ما به عقب تخلیه شد و ۴ نفر از افراد دشمن اسیر گردیدند. (۲۷۵)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۶۰/۵/۱۲

..... آقای کیانی ، فرمانده سپاه آبادان تلفن زد که امشب در جبهه برادران سپاه و ارتش برنامه‌ای دارند و مسئله روزه آنها را سؤال کرد که پاسخ گفتم.

شب دلهره خاصی داشتم، زیرا برادران قصد حمله به دشمن داشتند. این برنامه‌ای بود که بیش از یک ماه است در صدد اجرای آن هستند که امشب موقع اجرای این برنامه است. تمام شب در انتظار شروع این برنامه بودم. حدود طلوع فجر توپخانه به صدا در آمد و درگیری شدید گردید. به گونه‌ای که از گلوله‌های توپ و کاتیوشا، آسمان نورانی و پر از برق گردید. این حمله و درگیری درست تا دو سه ساعت از طلوع آفتاب گذشته ادامه یافت و هم‌چنین به طور پراکنده تا بعدازظهر نیز ادامه داشت، ولی متأسفانه این حمله ناموفق از آب در آمد و جمعی از بهترین عزیزان شهید و گروهی نیز مجروح شدند و بالاخره به طور وضوح تاکنون علت و عامل شکست این طرح معلوم نشده. علی‌ای حال کار جنگ همین است که قابل پیش بینی نیست . (۲۷۶)

از یادداشت روزانه آیت‌الله جمی در روز ۶۰/۶/۳۱

..... ظهر به رسم هرروز برای نماز به مسجد نو رفتیم. بعد از نماز، برادرانی که آنجا بودند، خبر دادند هواپیمای جنگنده دشمن اطراف مسجد را بمباران کرده و تمام بمب‌هایش در وسط خیابان و اطراف افتاده و عمل نکرده است . فوراً به شهربانی و واحد خنثی سازی بمب خبر دادند، بیابند و بمب‌ها را خنثی کنند. ساعت ۴ بعدازظهر آقای جعفری فرماندار آبادان آمدند و به اتفاق رفتیم جاده جدید الاحداث آبادان به طرف ماهشهر را دیدار کردیم که جاده مزبور فعلاً در دست ساخت است و با فعالیت مشغول آسفالت آن

هستند. همین بازدید تا نزدیک غروب آفتاب به طول انجامید که از همان‌جا برای نماز به مسجد رفتیم. (۲۷۷)

تیر، مرداد، شهریور و مهر ۱۳۶۰؛ طرح‌ریزی و اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع)

پس از آن‌که نیروهای متجاوز عراق با اجرای حملات شدید و تلاش‌های فراوان برای عبور از رودخانه بهمن‌شیر و اشغال و تصرف جزیره و شهر آبادان موفقیتی به دست نیاوردند و نتوانستند خط مقاومت رزمندگان اسلام را در کرانه شمالی بهمن‌شیر در هم بشکنند و وارد جزیره آبادان شوند، اجباراً طرح ادامه تلاش برای اشغال جزیره آبادان را کنار گذاشتند و به تحکیم مواضع پدافندی منطقه سرپل و نگهداری همان بخش کوچک اشغالی شرق کارون که حداکثر حدود ۱۵ کیلومتر عرض و ۱۵ کیلومتر عمق داشت، اکتفا نمودند.

به هر حال چه از نظر تاکتیکی و چه از بعد استراتژیک پایدار ماندن سرپل دشمن در شرق کارون تهدید بالقوه خطرناکی برای جزیره آبادان و بنادر ماهشهر و امام خمینی بود و نتیجه نهایی این تهدید نیز اشغال قسمت شمال غربی کرانه خلیج فارس توسط ارتش متجاوز عراق و برهم زدن شرایط ژئوپولیتیک موجود بود.

عملیات ثامن‌الائمه (ع) در پی جلسات با حضور جانشین ریاست ستاد مشترک، فرماندهی نیروی زمینی و فرماندهی لشکرهای ۹۲، ۷۷، ۲۱، ۱۶ فرمانده سپاه خوزستان، حجت‌الاسلام اشراقی نماینده امام خمینی و دکتر چمران در خرداد ۱۳۶۰ در دفتر فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز درباره چگونگی ادامه نبرد و اقداماتی که باید در مناطق عملیاتی خوزستان انجام گیرد، راه‌کارهای گوناگون مورد بررسی و نظرخواهی اعضای جلسه گردید.

سپاه پاسداران همانند نیروی زمینی ارتش، کماکان علاقه‌مند به اجرای طرح عملیات آفندی در منطقه ماهشهر-آبادان بود، لذا در ۹ تیر ۱۳۶۰ یعنی ۱۰ روز بعد از جلسه بررسی طرح‌های یاده شده فرمانده سپاه پاسداران خوزستان برادر رحیم صفوی طرحی را ارائه داد که مربوط به عملیات آفندی قاطع در منطقه ماهشهر و آبادان بود. پس از مذاکراتی که به عمل آمد و تضمین‌هایی که سپاه پاسداران برای آماده کردن چند واحد پاسدار در آن منطقه عملیات به منظور همکاری با لشکر ۷۷ پیاده ارائه نمود، طرح قابل اجرا تشخیص داده شد. اما به سبب مسائل و مشکلاتی که وجود داشت، اجرای آن تا شهریور ۱۳۶۰ مسکوت ماند.

بعد از مذاکراتی که بین سرهنگ شهاب‌الدین جوادی فرمانده لشکر ۷۷ و مسئولان عملیات سپاه

پاسداران دربارهٔ طرح یاد شده به عمل آمد، فرمانده لشکر ۷۷ خواستار این شد که تیپ ۳ آن لشکر که در جبههٔ غرب (منطقهٔ گیلانغرب) مستقر بود، از مأموریت محوله رها شده و به ماهشهر تغییر مکان دهد تا لشکر ۷۷ با تکیه بر تمام توان رزمی سازمانی خود بتواند درباره طرح مورد نظر تصمیم بگیرد.

در مرداد ۱۳۶۰ تغییرات سیاسی کلی در کشور ایجاد شد و شهید رجایی به سمت رئیس جمهوری انتخاب گردید. این تغییرات در مسائل جنگ نیز تاثیر گذاشت از جمله آن بود که سپاه پاسداران خیلی فعال‌تر از قبل در صحنه‌های عملیات حضور یافت. به هر صورت طرح عملیات آفندی در منطقهٔ ماهشهر-آبادان در شرایط جدید سیاسی و نظامی که پس از برکناری بنی صدر پیش آمده بود، مجدداً از اوایل شهریور ۱۳۶۰ مطرح شد و در انجام کارهای ستادی و آمادگی یگان‌ها جهت اجرای قدمهای اساسی برداشته شد. در ۱۵ شهریور ماه این طرح به نام طرح عملیاتی ثامن الائمه(ع) تکمیل و برای انجام اقدامات آمادگی به واحدها و قرارگاه‌های ذی‌نفع ابلاغ گردید.

از نظر بالا بردن توان رزمی رزمندگان اسلام در برابر نیروهای دشمن برای اجرای عملیات ثامن‌الائمه(ع)، سپاه پاسداران به بسیج نیروهای مردمی شتاب بیشتری داد و موفق شد در مدت کمتر از یک ماه یک نیروی مانوری قابل ملاحظه که حدود ۱۵ گردان سپاه و بسیج بود، برای شرکت در این عملیات آماده سازد. البته گردان‌های سپاه در آن زمان عموماً به صورت گردان پیاده بودند که از نظر تعداد نیرو و تجهیزات حدود ۲ گروهان پیاده جمعاً ۲۰۰ نفر می‌شدند و از لحاظ سلاح سنگین عموماً گردانهای سپاه متکی به پشتیبانی ارتش بودند، ولی از نظر قدرت کلی رزمی به علت آن که افراد این گردان‌ها از ایمان قوی برخوردار بودند و شهادت را سعادت بزرگ می‌دانستند، توان رزمی هر گردان پاسدار بیش از یک گردان مجهز و سازمان یافته ارتش عراق بود. به ویژه در عملیات تهاجمی این رزمندگان دلیر، شجاعت و شهامت و از جان گذشتگی فوق‌العاده‌ای که خارج از قواره‌های معمولی نظامی بود، از خود نشان می‌دادند. بنابراین کمیت و تعداد این گردانها چندان مهم نبود، بلکه کیفیت نیروی انسانی این گردانها یعنی عوامل غیر فیزیکی توان رزمی بود که تحرک فوق‌العاده‌ای به نیروهای جمهوری اسلامی ایران می‌داد و امید به پیروزی را در حد بسیار بالایی تقویت می‌کرد.

از بررسی وضعیت مواضع پدافندی دشمن که با استفاده از عکس‌های هوایی و اطلاعات به دست آمده از اسرای جنگی جمع‌آوری گردیده بود، چنین به نظر می‌رسید که دشمن استحکامات

بسیار قوی شامل میدانهای مین و خاکریز و مواضع مناسب پدافندی در این منطقه تهیه کرده و مأموریت واحدهای گسترش یافته در آن، پدافند تا آخرین حد امکان بود. بنابراین نیروهای ایران در شروع هر حمله‌ای با میدان‌های مین و مواضع مستحکم دشمن مواجه می‌شدند؛ لذا لشکر ۷۷ پیاده بایستی طرح عملیاتی را با توجه به توان رزمی دشمن و امکانات پدافندی او به نحوی طرح‌ریزی می‌نمود که تمام جوانب امر در نظر گرفته می‌شد و همه‌گونه احتمالات عکس‌العمل دشمن تجزیه و تحلیل می‌گردید تا موفقیت نهایی تضمین می‌شد. به همین علت اقدامات مقدماتی برای تهیه طرح عملیاتی ثامن‌الائمه (ع) حدود ۲۰ روز طول کشید.

از نظر بالا بردن استعداد رزمی لشکر ۷۷ پیاده، تیپ ۳ پیاده آن لشکر که در منطقه غرب بود، به خوزستان تغییر مکان یافت. در نتیجه برای اجرای عملیات آفندی، کلیه یگان‌های سازمانی لشکر ۷۷ که شامل ۹ گردان پیاده، ۲ گردان تانک و یک گردان سوار زرهی و گردانهای توپخانه و مهندسی و سایر عناصر پشتیبانی بودند، در اوایل شهریور در منطقه عملیات ماهشهر-آبادان مستقر گردیدند.

علاوه بر یگان‌های سازمانی لشکر، یک گردان تانک سازمانی مرکز زرهی، یک گردان تانک لشکر ۱۶ زرهی، یک گردان امداد ژاندارمری و یک گردان تانک از لشکر ۹۲ زرهی در زیر امر لشکر ۷۷ پیاده قرار داده شد. در واقع استعداد لشکر ۷۷ پیاده شامل ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی گردید. علاوه بر واحدهای رزمی ارتشی، ۱۵ گردان پاسدار نیز زیر امر لشکر قرار داده شد. ضمن این‌که عناصر ژاندارمری مستقر در منطقه آبادان و ماهشهر نیز در پدافند از کرانه اروندرود و جنوب خرمشهر شرکت فعال داشتند. از نظر توپخانه نیز حدود ۸ گردان توپخانه صحرائی از کالیبرهای مختلف در پشتیبانی آتش لشکر ۷۷ قرار داشت.

سرانجام طرح عملیاتی ثامن‌الائمه (ع) در دهه دوم شهریور ۱۳۶۰ تهیه شد. مأموریت مذکور در این طرح عملیاتی برای لشکر، انهدام یا عقب راندن نیروهای دشمن به غرب رودخانه کارون و تصرف و تامین کرانه شرقی آن رودخانه در منطقه اشغالی دشمن بود.

فرمانده لشکر کلیه عناصر سازمانی و زیر امر از جمله ۱۵ گردان سپاه پاسداران را در یک سازمان رزمی متعادل برش داد. به نحوی که عملاً گردانهای سپاه در داخل سازمانهای ارتشی قرار گرفتند و برای اجرای مأموریت‌های محوله، یگان‌های سپاه با یگان‌های ارتشی تا رده دسته و گروهان و حتی در بعضی موارد تا رده گروه با یکدیگر ادغام شدند.

لشکر ۷۷ واحدهای موجود را در ۵ قرارگاه کلی سازمان داد که شامل ۳ تیپ پیاده، یک گروه رزمی تانک و یک واحد احتیاط بود. نظر به این که عناصر لشکر در همین منطقه نبرد در حال اجرای مأموریت پدافندی بودند، لذا برای اجرای حمله، لشکر مجبور بود در قسمتی از منطقه نبرد با همان واحدهای گسترش یافته و درگیر در خط پدافندی اقدام به حمله نماید. فقط در قسمت شمالی منطقه نبرد یک گروه رزمی تانک که در خط پدافندی سلیمانیه گسترش داشت، از شرکت در حمله برای مرحله یکم معاف گردید و به تیپ ۳ پیاده مأموریت داده شده از منطقه گروه رزمی مذکور عبور از خط کند و از شمال به جنوب حمله نماید.

با توجه به این تدبیر کلی، عملیات لشکر ۷۷ برای اجرای حمله مورد نظر چنین بود که با ۳ تیپ پیاده در خط، تیپ‌های یکم و دوم از جنوب به شمال و تیپ سوم از شمال به جنوب به منطقه سرپل اشغالی دشمن حمله می‌کرد و پلهای برقرار شده دشمن در رودخانه کارون را که دو پل شناور در حوالی آبادیهای قصبه و حفار بودند، اشغال می‌نمود و راه عقب نشینی و فرار دشمن را می‌بست و نیروهای دشمن مستقر در شرق کارون را منهدم یا اسیر می‌کرد. بنابراین هدف اصلی لشکر تصرف و تأمین کرانه شرقی رودخانه کارون بود.

جزئیات طرح برای اجرای حمله به منطقه سرپل دشمن در شرق کارون چنین بود که با تیپ ۲ پیاده که شامل ۳ گردان پیاده ارتش و ۴ گردان پاسدار و یک گردان تانک که یک گروهان اضافی نیز داشت و در خط تماس با دشمن در شمال بهمن شیر دفاع می‌نمود، از منطقه فیاضیه در شرق کارون و شمال بهمن شیر به مواضع نیروهای متجاوز عراق حمله می‌کرد و حاشیه شرقی پل حفار را که توسط نیروهای عراق بر روی کارون برقرار شده بود، تصرف و پل را کنترل می‌نمود؛ نیروهای دشمن را در منطقه عملیاتی مربوطه منهدم می‌کرد و کرانه شرقی رودخانه کارون را تأمین می‌نمود.

تیپ ۱ پیاده با ۲ گردان پیاده ارتشی و یک گردان تانک و یک گروهان سوار زرهی و ۶ گردان پاسدار ابتدا از مواضع پدافندی یگان‌های تیپ ۲ پیاده در شمال بهمن شیر و در منطقه ذوالفقاری عبور از خط می‌کرد و نیروهای دشمن را در جنوب جاده آبادان - ماهشهر منهدم می‌کرد و سپس حمله را با یک چرخش ملایم از شرق به غرب به سمت شمال غربی ادامه می‌داد و نیروهای دشمن را در شمال جاده ماهشهر - آبادان در منطقه مسئولیت خود منهدم می‌ساخت. ضمناً این تیپ مأموریت داشت هرگونه عکس‌العمل شدید دشمن را در محور آبادان - ماهشهر خنثی و جناح شرقی منطقه عملیات را تأمین نماید.

تیپ ۳ پیاده که از منطقه گیلانغرب به خوزستان تغییر مکان یافته و هنوز در منطقه ماهشهر-آبادان مأموریتی اجرا نکرده و به صورت احتیاط لشکر بود، مأموریت داشت از مواضع پدافندی گروه رزمی ۲۹۱ تانک در جنوب سلیمانیه عبور از خط کند و از شمال به جنوب پیشروی نماید و پل قصبه را بر روی رودخانه کارون که توسط نیروهای عراقی برقرار شده بود، تصرف و منطقه مسئولیت خود را از وجود دشمن پاک نماید. این تیپ شامل ۲ گردان پیاده ارتش، ۵ گردان پاسدار و حدود ۱ گردان تانک بود.

احتیاط لشکر شامل ۲ گردان پیاده (-) و یک گردان تانک (-) بود که به صورت گردانی در منطقه ۳ تیپ حمله‌ور مستقر بودند. علاوه بر واحدهای یاد شده، نظر به این که در تمام طول یک ساله جنگ عبور نیروهای دشمن در حوالی دارخوین از رودخانه کارون و ایجاد تهدیدی دیگر در شرق کارون برای نیروهای ایرانی احتمالی به نظر می‌رسید، فرمانده لشکر ۷۷ برای خنثی کردن این تهدید، گردان سوار زرهی (-) لشکر و یک گردان ژاندارمری را مأموریت داد که از سلیمانیه تا دارخوین در کرانه شرقی رودخانه مستقر شوند و تامین آن را برقرار سازند و یک گردان پیاده احتیاط را نیز در شمال منطقه مستقر کرد تا در صورت لزوم نیروهای تامینی را تقویت کند و یا در تقویت تیپ ۳ پیاده قرار گیرد.

لازم به یادآوری است که از نظر واگذاری نیروی کافی به لشکر ۷۷ نیروی زمینی حداکثر امکانات موجود در منطقه اهواز را با رعایت تامین منطقه اهواز - سوسنگرد در اختیار لشکر ۷۷ قرار داد، ضمن این که سپاه پاسداران نیز حداکثر امکانات آن روز خود را برای آماده کردن ۱۵ گردان پاسدار وارد میدان نبرد کرد. بنابراین برای اجرای طرح عملیات ثامن‌الائمه (ع) می‌توان گفت با توجه به امکانات موجود آن روز ارتش و سپاه، حداکثر توان رزمی مقدور به آن عملیات اختصاص داده شد به نحوی که توان رزمی نیروهای تخصیص یافته، نسبت به توان رزمی نیروهای دشمن مستقر در منطقه عملیات مورد بحث حداقل متعادل گردید و اگر عامل انسانی و روحی را نیز در نظر بگیریم، برتری نسبی برای نیروهای ایرانی به وجود آمد و با توجه به معادلات نظامی این برتری نسبی حدود دو به یک نفع نیروهای جمهوری اسلامی ایران بود که در نقاط تمرکز، این برتری بیشتر بود. مهمترین امکان برتری دشمن نیروهای احتیاط او بود.

اما منطقه اشغالی دشمن در شرق رودخانه کارون بود و رودخانه به صورت غیر قابل عبور بین نیروهای منطقه سرپل و عناصر احتیاط غرب کارون قرار داشت و واحدهای احتیاط سپاه ۳ عراق و

حتی واحد احتیاط لشکر ۳ زرهی امکان مانور و وارد عمل شدن در شرق کارون و در منطقه سرپل اشغالی را نداشتند و منطقه سرپل نیز آن قدر وسعت نداشت که بیش از واحدهای گسترش یافته دشمن واحد اضافی وارد آن منطقه شود؛ زیرا منطقه سرپل حداکثر به عرض ۱۵ کیلومتر در حاشیه شرقی رودخانه و به عمق ۱۵ کیلومتر به طرف محور آبادان- ماهشهر بود و در قسمت شمالی سرپل عمق منطقه اشغالی از ۵ کیلومتر هم کمتر بود. ضمن این که قسمتی از زمین‌های غرب شادگان بسیار سست و غیر قابل عبور بود و هنوز آثار آبگرفتگی زمستان قبل در آن اراضی وجود داشت. در چنین منطقه‌ای حتی همان واحدهای موجود دشمن نیز تراکم زیادی داشتند و در مقابل اثرات آتشهای توپخانه آسیب‌پذیر بودند. وارد کردن نیروهای بیشتر به آن منطقه توسط دشمن خارج از قواره‌های جنگ متعارف بود.

از طرفی اگر بعد از شروع حمله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی نیروی متجاوز تصمیم می‌گرفت نیروی بیشتری به منطقه سرپل وارد کند، بایستی فقط از دو دستگاه پل موجود استفاده می‌کرد و با توجه به آن که زمان زیادی برای این کار لازم بود، این امر در شرایط فعال منطقه نبرد اقدام سهل و آسانی نبود.

اصولاً وضعیت این منطقه نبرد برای دفاع دشمن چندان مناسب نبود، ولی از نظر نیروهای ایرانی شرایط مناسبی داشت، زیرا در تمام عرض جبهه (حدود ۱۵ کیلومتر) از ۳ طرف شمال و شرق و جنوب امکان مانور برای نیروهای ایرانی وجود داشت و اگر در نظر بگیریم که این نیروها فقط از شمال و جنوب همزمان پیشروی می‌کردند، عرض منطق، هر نیروی حمله کننده حدود ۷ کیلومتر می‌شد که برای تک واحد پیاده نظام، هدف در عمق کمتر از ۱۰ کیلومتر هدف بسیار مناسبی می‌تواند باشد. نظر به این که هدف‌ها متکی به رودخانه غیر قابل عبور کارون بودند، نگهداری آنها با مشکلی مواجه نمی‌گردید. به محض محروم شدن دشمن از پل‌های شناور، مجبور می‌شد دست از ادامه مقاومت بردارد و به دفاع در کرانه غربی اکتفا کند.

میزان توان رزمی سپاه پاسداران و نیروهای مردمی در عملیات ثامن‌الائمه (ع) به ۱۰ برابر افزایش یافته بود یا به عبارت دیگر با بهره‌برداری از نیروی عظیم بسیج مردمی توان رزمی نسبی در جبهه‌ها بالا رفته بود. این امر کلید موفقیت نیروهای مسلح ایران در عملیات ثامن‌الائمه (ع) و عملیات‌های بعد از آن مانند «عملیات طریق‌القدس»، «عملیات فتح‌المبین» و «عملیات بیت‌المقدس» گردید.

بدین ترتیب اولین حرکت جدی و سازمان یافته نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای اجرای یک عملیات آفندی نسبتاً گسترده در منطقه نبرد ماهشهر- آبادان آغاز شد.

پس از تهیه طرح عملیات که در ۱۵ شهریور ۱۳۶۰ مورد تأیید فرماندهان مسئول قرار گرفته و منتشر شد، اقدامات آماده کردن نیروهای مورد نیاز به طور فعال آغاز گشت و در مدت ۲۰ روز نیروی کافی برای اجرای این طرح در منطقه عملیات ماهشهر- آبادان متمرکز گردید. در اوایل مهر ۱۳۶۰ لشکر ۷۷ پیاده و سپاه پاسداران آماده برای اجرای آن عملیات شدند.

لشکر ۷۷ در اول مهر ۱۳۶۰ قرارگاه تاکتیکی خود را از ماهشهر تغییر مکان داد و در شادگان مستقر نمود و اقدامات مقدماتی اجرایی از همین روز در منطقه عملیات آغاز شد. برای پشتیبانی هوایی هماهنگی‌های لازم به عمل آمد که بر اساس این هماهنگی منطقه اصلی نبرد که شرق کارون بود، به علت مشکلات تشخیص نیروهای خودی از دشمن برای هدف هوایی انتخاب نشد و موافقت گردید که نیروی هوایی ایران فقط هدفهای غرب رودخانه کارون را بمباران نماید که شامل محل استقرار قرارگاه لشکر، واحد احتیاط، نقاط آمادی و مواضع توپخانه دوربرد دشمن در غرب کارون تا خط مرزی بود.

مهمترین فعالیت عملی در منطقه نبرد قبل از زمان حمله، باز کردن معابر در میدانهای مین دشمن بود. در طرح عملیاتی، باز کردن این معابر به عهده واحدهای عبور کننده واگذار شده بود و هر تیپ و هر گردان بایستی مسیر پیشروی خود را شناسایی می‌کرد و چنانچه میدان مینی توسط دشمن ایجاد شده بود، معبر یا معابر لازم را حداقل به عرض ۸ متر باز می‌کرد.

لشکر بنا به پیشنهاد فرمانده گردان مهندسی به منظور اطمینان از کفایت فعالیت یگان‌ها درباره بازکردن معابر در میدانهای مین دشمن در دوم مهرماه از تیپ‌های ۱ و ۲ و ۳ خواست نقشه میدانهای مین دشمن را با نشان دادن محل معابر ایجاد شده به لشکر گزارش کنند تا هماهنگی‌های ستادی در رده لشکر به وجود آید. از متن گزارش چند یگان که در این باره به لشکر دادند چنین نتیجه‌گیری شد که در محور پیشروی هر گروهان حداقل یک معبر ایجاد شده است.

از طرفی دشمن در منطقه اشغالی برای هر یگان عمده خود در رده گردان وضعیت پدافند دورادور ایجاد کرده بود لذا میدانهای مین دشمن منحصر به خط تماس با نیروهای ایرانی نبود و در حین اجرای عملیات در بعضی نقاط رزمندگان اسلام با میدانهای مین دشمن برخورد کردند که به وسیله یگان‌های در خط جمع آوری و یا خنثی گردید.

بعد از ایجاد معابر در میدانهای مین دشمن یا حداقل بعد از تهیه طرح ایجاد معابر در این میدانهای مین و اطمینان لشکر از بررسی وضعیت این مانع عمده توسط یگان‌های در خط، در روز سوم مهر ۱۳۶۰، لشکر، زمان حمله را که ساعت یک بامداد روز پنجم مهرماه تعیین شده بود به

واحدهای عمل کننده و همچنین رده های بالا اعلام کرد. بدین وسیله اجرای طرح عملیاتی قطعیت پیدا کرد و یگانها حدود ۳۶ ساعت فرصت داشتند تا آخرین اقدامات آمادگی از جمله لجستیکی را تکمیل نمایند و آماده برای آغاز عملیات گردند. (۲۷۸)

روز ۵ مهر ۱۳۶۰ به دنبال شناسایی، طرح ریزی، تمرین، هماهنگی های مستمر، آماده سازی و تکمیل نیروها و سایر اقدامات لازم در چند ماه گذشته، عملیات ثامن الائمه (ع) در ساعت ۰۱:۰۰ با هدف آزادسازی شرق کارون در شمال آبادان از وجود دشمن و شکست حصر آبادان آغاز و پس از ۲ روز با موفقیت کامل و دستاوردهای فوق العاده پایان یافت .

این موفقیت پر افتخار که همه ملت ایران را دلشاد نمود، تعدادی از عوامل تاثیرگذار در آن عبارت بودند از :

- روشن بودن مأموریت
- شناسایی دشمن از طریق گشتی های شناسایی، رزمی دیده بانی و عکس های هوایی توسط نیروی هوایی و کار شناسایی های عناصر اطلاعاتی با استفاده از اطلاعات کسب شده.
- شناسایی کامل زمین.
- بررسی دقیق و بحث های تخصصی راجع به عملیات در جلسات متعدد.
- استفاده از نظرات و پیشنهادهای کلیه فرماندهان و یگان های عمل کننده.
- انتخاب بهترین راه کار و طرح ریزی بسیار خوب بر پایه دانش و اصول نظامی.
- استفاده از حجم آتش و موثر توپخانه با انجام طرح ریزی های مناسب.
- تمرین یگانها قبل از عمل.
- هدایت و رهبری عالی فرماندهان در کلیه رده ها.
- انتخاب نیروی مناسب با توجه به مقاومت موجود و توانایی های اصلی و پشتیبانی و تقویتی دشمن.

(۲۷۹)

استفاده از توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که امکان به کارگیری آنان در زمان و مکان مناسب با توجه به مأموریت و توان ذاتی هر کدام و این که این توان عظیم در جبهه های به طول بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر پراکنده و با دشمن درگیر بودند.

طرح عملیاتی لشکر ۱۳ صفحه بود و ۶ پیوست: اطلاعات، کالک عملیات، پشتیبانی آتش، مهندسی، پشتیبانی خدمات رزمی و مخابرات نیز به همراه داشت. هر پیوست نیز دارای چند ضمیمه بود که در مجموع این طرح که بر پایه اصول و دانش نظامی کلیه رشته‌ها و تخصصی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بود، به ده‌ها صفحه رسیده بود.

یگان‌هایی که در این طرح نام برده شده و وظایف و مسئولیت‌های هر کدام در زمان و مکان مورد انتظار در این رزم دسته جمعی و سنگین تعیین شده بود، عبارت بودند از:

۸ گردان پیاده از ۳ تیپ لشکر ۷۷

۲ گردان تانک از لشکر ۷۷

یک گردان سوار زرهی

گردان ۱۰۷ پیاده امداد ژاندارمری

۳ گردان تانک از لشکرهای ۱۶ و ۹۲

تیپ ۳۷ زرهی

۵ گردان توپخانه از لشکر ۷۷

۲ گردان توپخانه از گروه‌های ۱۱، ۲۲، ۳۳، ۴۴ توپخانه و از کالیبرهای مختلف

هوانیروز، بالگردهای جنگنده کبری ۷ فروند و بالگرد ۲۱۴ دو فروند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ۱۵ گردان از نیروی داوطلب بسیج و در مجموع ۲۴۶۰ نفر^۱

گردان مهندسی رزمی لشکر، که اضافه بر سایر وظایف، وظیفه ایجاد معابر در میدانی دشمن را عهده دار بود.

گردان مخابرات لشکر

گردان تعمیر و نگهداری لشکر

گردان بهداشتی لشکر

گردان آماد و ترابری لشکر

نیروی هوایی جهت عکس‌های هوایی، پشتیبانی نزدیک هوایی، مقابله با هواپیماهای دشمن و

پدافند زمین به هوا با سامانه موشکی هاوک .

گروه پشتیبانی اطلاعات رزمی

گروهان دژبان

ستاد و قرار گاه لشکر و سه تیپ لشکر

نیروهای دشمن در سرپل اشغالی کارون عبارت بودند از :

۱۳ گردان مانوری

۶ گردان توپخانه

نیروهای دشمن در غرب کارون برای تقویت نیروی شرق کارون عبارت بودند از :

۱۰ گردان زرهی و پیاده مکانیزه (۲۸۰)

هنگامی که عملیات هوایی «شبح-۲» یعنی عملیات پشتیبانی هوایی از «ثامن الائمه(ع)» در جریان بود، خلاصه فعالیت‌های نه‌جا به شرح زیر بوده است :

الف . مهمات هوایی مصرف شده در منطقه دارخوین و منطقه بستان و سوسنگرد ۵۶۸۵۴۸ پوند برابر با ۲۷۹ تن .

ب . شمار سورتی پرواز بمباران هوایی توسط هواپیماهای جنگنده بمب افکن «اف-۴» و بمب‌افکن «اف-۵» در عملیات آتش پشتیبانی هوایی ۱۵۰ سورتی .

ج . شمار سورتی پرواز مراقبت مسلحانه هوایی در عملیات دفاع هوایی توسط هواپیماهای «اف-۱۴» و هواپیماهای جنگنده رهگیر اف-۵ و اف-۴، ۷۵۳ سورتی.

د . شمار سورتی پرواز ترابری هوایی در خدمات پشتیبانی رزمی ۱۷۷۰ سورتی .

هـ . انهدام ۷ فروند هواپیماهای جنگنده بمب افکن نیروی هوایی عراق که قصد بمباران نیروهای خودی را داشتند و همچنین یک فروند بالگرد توسط موشک‌های هوا به هوا «فنیکس» (۲۸۱)

نتیجه عملیات

تصرف و تامین ساحل شرق کارون و آزاد سازی ۱۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده منطقه سرپل اشغالی حداکثر به عرض ۱۵ کیلومتر در حاشیه شرقی رودخانه و به عمق ۱۵ کیلومتر به طرف محور آبادان - ماهشهر بود، در قسمت شمالی، عمق منطقه اشغالی از ۵ کیلومتر هم کمتر بود .

خارج شدن آبادان از محاصره

تعداد ۱۶۵۶ نفر اسیر از نفرات دشمن گرفته شد و ۳۰۰۰ نفر نیز تلفات کشته و مجروح به دشمن وارد آمد.

انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر و ۱۰۰ دستگاه انواع خودرو، سرنگونی ۳ هواپیما و یک فروند بالگرد

دشمن.

غنايم

۱۰۰ دستگاه تانک ، ۶۰ دستگاه نفرير، سه دستگاه لودر ، ۵ عراده توپ و ۱۵۰ دستگاه خودرو (۲۸۲) در پايان اين عمليات اسراي عراقی از مقابل سرتيپ فلاحی جانشين ستاد مشترک ارتش ، سرتيپ ظهيرنژاد فرمانده نيروی زمينی ارتش ، سرهنگ نامجو وزير دفاع و سرهنگ جوادى فرمانده لشکر ۷۷ رژه رفتند .

فرمانده لشکر نیز در اين مراسم به مدت ۲۰ دقيقه به زبان عربی برای اسرا سخنرانی کرد .

حادثه سقوط فرماندهان و ... در ۷ مهر ۱۳۶۰؛ کهريزک

روز بعد از اين عمليات در ۷ مهر ۱۳۶۰ هواپيماى سى-۱۳۰ که با تعدادی سرنشين، مجروح و شهيد از هواز به تهران پرواز می‌کرد، در نزديکی تهران در کهريزک دچار سانحه شد و در آن محدوده فرود اضطراری نمود . بال چپ هواپيما به زمين خورد، هواپيما متلاشی شد و آتش گرفت . تعداد ۴۹ نفر سرنشين آن شهيد شدند و ۲۷ نفر سرنشين آن نیز نجات يافتند .

در بين شهدا ۵ نفر از شخصيت‌های نظامی نیز وجود داشتند :

سرتيپ فلاحی جانشين ستاد مشترک ارتش، سرهنگ فکوری فرمانده نيروی هوایی و وزير دفاع سابق، سرهنگ نامجو وزير دفاع و فرمانده دانشکده افسری ، سرهنگ کلاهدوز قائم مقام سپاه پاسداران، برادر جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر.

بعد از حادثه هواپيما و شهادت مقامات اشاره شده ، سرتيپ ظهيرنژاد به سمت رئيس ستاد مشترک و سرهنگ علی صياد شيرازی به سمت فرمانده نيروی زمينی ارتش منصوب شد .

با انتصاب فرمانده نيروی زمينی ، تغييرات بنيادی در سازمان فرماندهی آن نيرو به وجود آمد و نيروی زمينی با سيستم جديد فرماندهی که با سپاه پاسداران هماهنگی بيشتري داشت، هدايت جنگ را به عهده گرفت .

بدین ترتيب جنگ وارد سال دوم شد. در سال دوم، عمليات‌های پيروزمندانه بزرگی چون: عمليات طريق‌القدس، عمليات فتح‌المبين و عمليات بيت‌المقدس با همکاري ارتش و سپاه و ده‌ها هزار نفر از نيروهای بسيج انجام گرفت که در آن ، اکثر مناطق و شهرهای اشغالی از جمله خرمشهر آزاد و خسارات و تلفات زيادی هم به دشمن وارد و ده‌ها هزار نفر نیز از دشمن اسير گرفته شد.(۲۸۳)

«دفاع مقدس»

روزنامه‌کاری کور: «ایران» ۱ در ۲۷ آبان

و

کور: «اسلام» ۱ در ۴ آبان ۱۳۲۷

بار دیگر به جهانیان آنگار ساخت.

یادوراهم‌دای دفاع مقدس پیدا رباد.

ضمیمه: خاطره‌ها و گزیده‌ها درباره «دفاع از آبادان در سال اول جنگ»

روحیه قابل تحسین!

خاطره‌ای از : سرتیپ ۲ عبدالعزیز اتحاد فرمانده گروهان دوم گردان ۴۱۵ مهندسی لشکر ۷۷ در

عملیات ثامن‌الائمه (ع)

با توجه به تخصص من که افسر مهندس هستم، یکی از تکالیفی که داشتم برابر طرح ابلاغی ، پاکسازی و ایجاد هفت معبر (محل عبور سرباز پیاده) و شکاف (محل عبور تانک و خودرو) از وجود مین بود که پرسنل تیپ ۳ هنگام آغاز عملیات ، از این گذرگاه‌ها، بدون خطر مواجه شدن با مین ، به دشمن نزدیک شوند .

ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارم مهرماه بود که برای نظارت و کنترل معابر ایجاد شده از محور دارخوین به طرف مواضع دشمن در حوالی پل قصبه با یک دستگاه جیپ می‌رفتم تا از باز بودن گذرگاه‌ها اطمینان حاصل نمایم .

در بین راه و در مقابل خود یک دستگاه خودروی کمپرسی نظامی را دیدم که به طرف پاسگاه در حال حرکت است. به مجرد دیدن من در حاشیه‌ای توقف نمود. من نیز دستور توقف را به راننده دادم، از داخل کمپرسی یکی از درجه‌داران یگان خود را دیدم که به طرف من می‌آمد. پس از حضور، در مقابل سؤال من که کجا می‌روید؟ اظهار داشت سرباز سلیمانی (یکی از سربازان بسیار دل‌آور گروهان) به شدت مریض است و تب دارد. چون آمبولانس هنوز از بهداری مراجعت نکرده است، بنا به دستور فرماندهام مأموریت تخلیه او را داشتم، ضمن این‌که قرار است تجهیزاتاتی نیز با خود به خط ببرم.

درجه‌دار مزبور صحبت می‌کرد که دیدم سرباز سلیمانی در حالی که از شدت تب، رنگ صورتش بر

افروخته بود، حضور پیدا کرد و با حالت بسیار تضرع آمیز، مصرانه درخواست حضور در خط و شرکت در عملیات را نمود!

اندکی به فکر فرو رفتم، سپس در حالی که نبضش را گرفتم و احساس کردم که نامبرده در تب شدید می سوزد، به او گفتم: هنوز تا شروع عملیات زمان زیادی است. بعید می دانم امشب و فردا شب شروع شود. شما به دارخوین بروید تا دکتر تو را معاینه و دارو دهد، مطمئناً هنگام آغاز عملیات از وجودت استفاده خواهد شد. ضمناً عین همین دستور را به آن درجه دار دادم که اجرا نماید .

دست بر قضا همان شب یعنی شب چهارم و پنجم مه‌رمه عملیات آغاز و سرباز مزبور هم در این

عملیات شرکت نمود. (۲۸۵)

آنان که آمادگی رفتن روی مین را داشتند!

خاطره‌ای از: سرتیپ ۲ مسعود اخوان سلماسی معاون گردان ۱۶۳ تیپ ۱ لشکر ۷۷ در عملیات
ثامن‌الائمه (ع)

عملیات ثامن‌الائمه (ع) یک سال پس از آغاز تجاوز دشمن به خاک مقدس جمهوری
اسلامی ایران انجام و با پیروزی کامل به پایان رسید و طومار وجود متجاوز از شرق کارون
برچیده شد.

در آن زمان من معاون گردان ۱۶۳ پیاده از تیپ ۱ بجنورد بودم که با ابلاغ از سوی
نیروی زمینی از منطقه عملیاتی غرب به جنوب عزیمت و زیر امر یگان اصلی که تیپ ۱ به
فرماندهی سرهنگ منوچهر امینیان بود، قرار گرفته و آماده اجرای طرح عملیات ثامن‌الائمه
(ع) شدیم.

ارتش عراق شاید از ماه‌ها قبل، یعنی از بدو ورود لشکر ۷۷ به منطقه، از حمله نیروهای ما اطلاع
داشت و هرروز در رادیوی خود که به زبان فارسی پخش می‌شد، ضمن هشدار دادن به لشکر ۷۷
پیاده و حتی فرماندهان آن که در بعضی مواقع آنان را به اسم صدا می‌زد، به صورت طنز دعوت به
حمله می‌نمود.

علاوه بر رزمندگان لشکر ۷۷ و جوانان پرشور بسیجی که در بین ایثارگران لشکر ۷۷ ادغام شده
بودند، اهالی منطقه نیز بی‌تابانه در انتظار آغاز یورش رزمندگان بر دشمن بعثی بودند تا قسمتی از
جنایاتی که در ماه‌های نخست تجاوز توسط نیروهای متجاوز بر مردم بی‌گناه خوزستان روا شده
بود، جبران گردد.

از طرفی فرماندهان و ستاد لشکر چه در طرح‌ریزی و چه در اجرا، ضمن محفوظ داشتن
تمام نکات تاکتیکی و تکنیکی عملیات، از شتاب‌زدگی در هر شرایطی پرهیز می‌نمودند. لذا

بعضاً در محافل سربازان صحبت از این بود که به دلیل وجود میادین مین زیاد در اجرای عملیات تاخیر حاصل گردیده است. بر این تصور گروهی از آنان مبادرت به تهیه لیستی نموده که در آن تعداد زیادی داوطلب از پرسنل، آماده عبور از میادین مین جهت پاکسازی بودند! جالب یکی از سربازان که از نظر جسمی فربه و سنگین بود، ضمن یادداشت نام خود در لیست داوطلبین به این جانب مراجعه و درخواست نمود که از وی جهت انفجار مین ضد تانک استفاده شود!

طفلیکی احساس می‌کرد چون سنگین وزن است، برای انفجار مین ضد تانک مناسب خواهد بود!! گرچه با حضور در جمع آنان توضیح لازم را در پیرامون زمان شروع عملیات که باید شامل غافلگیری دشمن به هر نحو باشد دادم. این فکر باطل را که برای پاکسازی میادین مین چنین اعمالی انجام گیرد، شدیداً تقبیح و رد کردم. اما نکته‌ای که برای خودم و ذهنم مسئله برانگیز بود، احساسات و شوق بی‌سابقه‌ای بود که در راه شهادت در ضمیر این فرزندان عزیز وجود داشت. بدون شک این بهترین و شگفت‌انگیزترین خاطره‌ای است که از آن زمان به خاطر دارم. (۲۸۶)

برخورد با اسرا غرور آفرین بود!

خاطره‌ای از: شادروان سرتیپ ۲ بازنشسته منوچهر امینیان فرمانده تیپ ۱ لشکر ۷۷ در عملیات
ثامن‌الائمه (ع)

فرمانده تیپ ۱ بودم. از نخستین روزهای ورود به آبادان آن چه به شدت فکر مرا به خود مشغول می‌کرد، این بود که به سبب شرایط بعد از انقلاب، سطح و کیفیت آموزش سربازان افت کرده، لذا باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد، زیرا بنیان آمادگی رزمی بر سطح و کیفیت آموزش کلیه پرسنل به ویژه سربازان متکی است.

بعد از مدتی فکر کردم که به هر حال به رغم همه گرفتاری‌ها و مشکلات باید کلاسی بگذاریم و خودم هم تدریس نمایم؛ تجربه خدمتی، به من آموخته بود، سربازان که نمونه‌ای از نسل جوان کشور هستند، از فرمانده یا مدیر نظامی خود قبل از هر چیز دو انتظار اساسی دارند: اول صداقت، دوم حرف حسابی و منطقی. به عبارتی می‌خواهند فرماندهی که با آن‌ها کار می‌کند و مسئولیت آنها را بر عهده دارد، گفتار و کردارش هماهنگ و در یک راستا باشد.

لذا به مسئولین قرارگاه گفتم ترتیبی بدهند، تا هفته‌ای ۲ روز کلاسی گذاشته شود و به نوبت گروهان به گروهان در محلی که کمتر زیر آتش توپخانه باشد، در این کلاسها شرکت کنند.

همکاران من در منطقه شادگان محلی را در نظر گرفته بودند که نسبتاً جای مناسبی بود. آموزش شروع شد، در هر جلسه حدود سه ربع تا یک ساعت صحبت می‌کردم، بعد بحث آزاد در مورد آنچه گفته شد بود آغاز می‌شد. گاهی این کلاسها تا ساعت ۴ بعدازظهر ادامه می‌یافت.

محور صحبت و آموزش، بیشتر ضرورت رعایت انضباط و اطاعت از سلسله مراتب و نقش آن در توان رزمی و انواع گوناگون انضباط در ارتشهای جهان با توجه به ساختار و فرهنگ نیروهای مسلح هر کشور و این که انضباط در ارتشهای مورد نظر ما، انضباطی مترقی و مردمی است که کارسازترین

نوع انضباط مدرن در جهان امروز است و بالاخره رابطه سطح آموزش با آمادگی رزمی و نقش توان رزمی در پیروزی به هنگام پیکار

همان‌گونه که پیش‌بینی می‌کردم، پس از پایان این‌گونه کلاس‌ها منش کلیه سربازان و یگان‌های تیپ ۱ در جهت اهداف انتخابی، به حرکت در آمده بود .

در روز پنجم مهرماه سال ۶۰ از حوالی ساعت ۸ صبح آثار شکست در دشمن هویدا شد و یگان‌هایش از هم پاشید و پرسنل آن به تدریج به اسارت در می‌آمدند، به خاطر دارم در آن زمان در حالت خاصی بودم. شاید هرگز نتوانم آن حالت را که قطعاً در زندگی خدمتی و غیر خدمتی‌ام استثنایی است، بازگو نمایم. به هر حال کم و بیش متوجه تخلیه اسرا بودم که بیشتر توسط پرسنل جوان تیپ انجام می‌گرفت. آنچه برایم شگفت‌انگیز بود، رفتار با اسرا بود که بیش از آنچه فکر می‌کردم انسانی و توأم با جوانمردی بود. در آن لحظه من به عنوان یک سرباز قدیمی به همان اندازه که از پیروزی احساس سربلندی می‌کردم، از مشاهده این رفتار جوانان و دلاوران نسبت به اسرا نیز احساس غرور می‌کردم. (۲۸۷)

مقایسه رفتار

خاطره سرهنگ محمد جواد انشائی، معاون تیپ ۲ لشکر ۷۷ در عملیات ثامن الائمه (ع) روز ۵ مهر ۱۳۶۰ بود که کاروان ۱۰ الی ۱۵ خودروی اسرای عراقی به ماهشهر به مدخل شهر آبادان رسید. مردم اجتماع کرده بودند. احتمال درگیری و انتقام بسیار زیاد و البته طبیعی بود. نیروهای نظامی به شدت نگران این برخورد بودند. اسرا در اولین مدرسه نزدیک پل ایستگاه ۷ آبادان جمع و منتظر رسیدن خودرو از طریق فرمانداری برای تخلیه آنها به ماهشهر بودیم. با کمال تعجب مشاهده کردم که تعدادی از مردم با محبت آبادان، با فلاسک‌های یخ و آب و شربت به مدرسه مراجعه و از اسرا استقبال نمودند!

مفهوم واقعی انسانیت را در اینجا دیدم و از این همه لطف و بزرگواری اشک شوق ریختم. آقای جعفری و حاج آقا جمی، امام جمعه آبادان نیز از اسرا دیدن کردند. در این جا می‌شود رفتار انسانی مردم آبادان را با درنده خوبی‌های ارتش بعث عراق مقایسه کرد. (۲۸۸)

بالگردهای شنوک در مدت محاصره آبادان

خاطره‌ای از سرهنگ شهید خلبان رضا پیران نژاد، خلبان بالگرد شنوک در عملیات ثامن‌الائمه (ع)

پس از تجاوز دشمن به شرق کارون و محاصره شهر آبادان، یگان شنوک هوانیروز ماموریت پیدا کرد که نیروهای تازه نفس و ملزومات را از بندر ماهشهر یا امام به چوئیده واقع در قسمت جنوب شرقی آبادان ترابری نموده و از آن سو مردم آبادان را به پشت تخلیه نمایند. این مأموریت مدت‌ها به طول انجامید تا این‌که در اواخر سال ۵۹ مقرر شد لشکر ۷۷ پیاده خراسان به منطقه وارد شده و عملیاتی اجرا نماید.

ورود لشکر ۷۷ به منطقه، در روحیه آحاد مردم، چه نظامی و چه غیر نظامی اثر بسیار مثبتی بر جای گذاشت.

یگان هوانیروز کرمان برای پشتیبانی از این عملیات در منطقه عمومی جراحی مستقر گردید. در آن زمان فرمانده هوانیروز سرهنگ خلبان جلالی و فرمانده تیم عملیاتی برای پشتیبانی از لشکر ۷۷ سروان خلبان آسوار بود.

عملیات در پنجم مهر ماه آغاز گردید. ماموریت یگان ما و به ویژه من که خلبان شنوک هشتم در آن شرایط عمدتاً تخلیه مجروحین به فرودگاه ماهشهر بود تا از آن طریق و توسط هواپیمای ترابری نیروی هوایی به بیمارستانهای کشور منتقل شوند.

بالگردهای شنوک در بندر امام مستقر بودند و علاوه بر تخلیه مجروحین، مهمات هم حمل می‌کردند، بنابراین در روزهای عملیات یعنی پنجم و ششم مهر ماه پروازهای ما مثل بالگردهای کبری زیاد شده بود. با موفقیت عملیات ثامن‌الائمه (ع) و شکستن حصر آبادان راه زمینی باز شد و ماموریت ما هم تقریباً به اتمام رسید.

در این عملیات ثابت شد که نیروهای مسلح ما در صورتی که درست به کار گرفته شوند، از دشمن قوی‌ترند و عملاً دیدیم دشمن در مدت یک‌ساله که آبادان را به محاصره درآورده بود، در

این منطقه چه تدارک گسترده‌ای فراهم کرده بود، اما با شروع عملیات و در کمتر از ۴۸ ساعت مجبور به ترک منطقه شد. در صورتی که پس از اشغال خرمشهر توسط دشمن بعثی، مردم نگران محاصره آبادان بوده، از این شهر و حتی ماهشهر که دورتر از دسترس دشمن بود مهاجرت می‌کردند، لیکن بعد از پیروزی عملیات ثامن‌الائمه (ع) به خانه و کاشانه خود مراجعت کردند.

(۲۸۹)

تیپ ۳۷ زرهی در عملیات ثامن الائمه (ع)

خاطره‌ای از سرتیپ ۲ بازنشسته کریم پیروزان رئیس رکن ۳ گروه رزمی ۳۷ زرهی در عملیات ثامن‌الائمه (ع) تیپ ۳۷ زرهی حدود ۹ ماه در محدوده ماهشهر - آبادان در مقابل قوای متجاوز عراق به پدافند مشغول بود. لشکر ۷۷ پیروز نیز در اواخر اسفند ۱۳۵۹ در منطقه عمومی ماهشهر - آبادان مستقر و مسئولیت منطقه را از قرارگاه ارونند تحویل گرفت.

با حضور لشکر در منطقه و بررسی‌های لازم، طرح‌ریزی عملیات برای بیرون راندن دشمن از شرق کارون انجام گرفت.

عملیات در نهایت غافل‌گیری توسط رزمندگان پیاده آغاز گردید، به طوری که توانستند به صورت غافلگیرانه وارد سنگرهای دشمن در خط یکم شده و اکثر آنها را به اسارت در آورند. پس از کشف تک و مرحله دوم عملیات، تیپ ۱ دستور داد که گروه رزمی ما که تا کنون احتیاط تیپ بود، حرکت کرده، خط دوم دشمن را به تصرف در آورد.

به هنگام شروع حرکت به میدان مین برخورد کردیم، درخواست اعزام کمک برای پاکسازی میدان مین نمودیم. ساعتی بعد ۸ نفر سرباز و ۲ نفر درجه دار مهندسی جهت کمک به باز نمودن مسیر حرکت تانکها آمدند.

ساعت حدود ۴/۵ صبح بود که معابر باز شد. تانک باید با لودر همراه باشد که هم راه را باز کند و هم به محض این‌که به خط پدافند رسید بتواند خاکریز ایجاد نماید. متأسفانه لودر از شکاف ایجاد شده انحراف پیدا نمود روی مین رفت و لاستیکش ترکید و در نتیجه راه بند آمد. حدود نیم ساعت طول کشید تا به کمک تانک توانستیم لودر را عقب کشیده و راه را مجدداً باز نماییم.

در ساعت ۶ بامداد در حالی که هوا روشن بود با کمک نیروهای پیاده از معبر عبور نموده خاکریز دوم را اشغال نمودیم.

در ساعت ۱۱ روز ۱۳۶۰/۷/۵ کلیه هدف‌های از پیش تعیین شده تیپ ۱ به تصرف در آمد و بدین ترتیب مأموریت ما نیز خاتمه یافت.

مآخذ

- (۱) دایرة المعارف دفاع مقدس ، ج نمونه ، الف ، ص ۳۱ تا ۳۴.
- (۲) آبادان در جنگ ، ص ۵۳
- (۳) همان ، ص ۲۲-۲۴ ، ۳۹ .
- (۴) ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس ، ج ۳ ، ص ۲۵
- (۵) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۱ ، ص ۳۹۱.
- (۶) همان ، ص ۳۹۶.
- (۷) ماخذ ۴ ، ص ۲۶ تا ۲۹ .
- (۸) همان ، ص ۳۲ .
- (۹) همان ، ص ۶۳ .
- (۱۰) همان ، ص ۶۴ تا ۶۷.
- (۱۱) همان ، ص ۶۸.
- (۱۲) ماخذ ۵ ، ص ۴۴۹.
- (۱۳) همان ، ص ۴۵۵.
- (۱۴) همان ، ص ۴۵۷ تا ۴۶۲.
- (۱۵) ماخذ ۴ ، ص ۶۹ تا ۷۷.
- (۱۶) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۲ ، ص ۳۰.
- (۱۷) ماخذ ۴ ، ص ۷۸ تا ۸۳ .
- (۱۸) ماخذ ۱۶ ، ص ۶۵
- (۱۹) ماخذ ۴ ، ص ۸۴ تا ۹۱.
- (۲۰) همان ، ص ۹۱ تا ۹۵
- (۲۱) همان ، ص ۹۵
- (۲۲) همان ، ص ۹۸ تا ۱۰۰
- (۲۳) ماخذ ۱۶ ، ص ۱۶۶
- (۲۴) ماخذ ۴ ، ص ۱۰۲
- (۲۵) همان ، ص ۱۰۳ تا ۱۰۷

- (۲۶) همان ، ص ۱۰۷ تا ۱۰۹
(۲۷) ماخذ ۱۶ ، ص ۲۱۴
(۲۸) همان ، ص ۲۱۷
(۲۹) ماخذ ۴ ، ص ۱۰۹ تا ۱۱۲
(۳۰) ماخذ ۱۶ ، ص ۲۵۱
(۳۱) همان ، ص ۲۵۵
(۳۲) همان ، ص ۲۶۰
(۳۳) همان ، ص ۲۶۳
(۳۴) همان ، ص ۲۷۵ تا ۲۷۷
(۳۵) ماخذ ۴ ، ص ۱۱۶
(۳۶) ماخذ ۱۶ ، ص ۲۹۹
(۳۷) ماخذ ۴ ، ص ۱۱۶ تا ۱۱۸
(۳۸) ماخذ ۱۶ ، ص ۳۳۶
(۳۹) همان ، ص ۳۳۸
(۴۰) همان ، ص ۳۳۹
(۴۱) ماخذ ۴ ، ص ۱۱۹
(۴۲) ماخذ ۱۶ ، ص ۳۵۸
(۴۳) همان ، ص ۳۶۳
(۴۴) همان ، ص ۳۶۴
(۴۵) ماخذ ۴ ، ص ۱۲۰
(۴۶) همان ، ص ۱۲۱
(۴۷) ماخذ ۱۶ ، ص ۳۸۵
(۴۸) همان ، ص ۳۹۵
(۴۹) همان ، ص ۳۹۶
(۵۰) ماخذ ۴ ، ص ۱۲۳
(۵۱) ماخذ ۱۶ ، ص ۴۰۴

- (٥٢) مأخذ ٤ ، ص ١٢٣
(٥٣) مأخذ ١٦ ، ص ٤١٨
(٥٤) مأخذ ٤ ، ص ١٢٥ تا ١٢٩
(٥٥) مأخذ ١٦ ، ص ٤٣٥
(٥٦) همان ، ص ٤٣٦
(٥٧) مأخذ ٤ ، ص ١٢٩ تا ١٣٢
(٥٨) مأخذ ١٦ ، ص ٤٥٨
(٥٩) همان ، ص ٤٥٩
(٦٠) همان ، ص ٤٦٧
(٦١) همان ، ص ٤٦٨
(٦٢) همان ، ص ٤٦٨
(٦٣) همان ، ص ٤٧١
(٦٤) همان ، ص ٤٧٢
(٦٥) همان ، ص ٤٧٦
(٦٦) مأخذ ٤ ، ص ١٣٣
(٦٧) مأخذ ١٦ ، ص ٤٨١
(٦٨) همان ، ص ٤٨٢
(٦٩) همان ، ص ٤٩٠
(٧٠) مأخذ ٤ ، ص ١٣٥
(٧١) مأخذ ١٦ ، ص ٥٠٣
(٧٢) همان ، ص ٥٠٨
(٧٣) همان ، ص ٥١٠
(٧٤) همان ، ص ٥١٣
(٧٥) همان ، ص ٥١٤
(٧٦) مأخذ ٤ ، ص ١٣٧
(٧٧) مأخذ ١٦ ، ص ٥١٧

- (۷۸) همان ، ص ۵۱۸
(۷۹) همان ، ص ۵۳۳
(۸۰) همان ، ص ۵۳۴
(۸۱) ماخذ ۴ ، ص ۱۳۸ تا ۱۴۰
(۸۲) ماخذ ۱۶ ، ص ۵۴۱
(۸۳) همان ، ص ۵۴۴
(۸۴) همان ، ص ۵۵۱
(۸۵) همان ، ص ۵۵۳
(۸۶) دژ خرمشهر ، ص ۲۹۴
(۸۷) نوشتنم تا بماند ، ص ۳۳ تا ۳۵
(۸۸) همان ، ص ۳۸ تا ۳۹
(۸۹) همان ، ص ۴۰
(۹۰) همان ، ص ۴۱
(۹۱) ماخذ ۴ ، ص ۱۴۰
(۹۲) ماخذ ۱۶ ، ص ۵۵۵
(۹۳) همان ، ص ۵۵۶
(۹۴) همان ، ص ۵۵۷
(۹۵) همان ، ص ۵۶۳
(۹۶) نوشتنم تا بماند ، ص ۴۴ تا ۴۵
(۹۷) ماخذ ۴ ، ص ۱۴۱
(۹۸) ماخذ ۱۶ ، ص ۵۷۰
(۹۹) همان ، ص ۵۷۰
(۱۰۰) همان ، ص ۵۷۴ تا ۵۷۶
(۱۰۱) همان ، ص ۵۸۴
(۱۰۲) همان ، ص ۵۸۶
(۱۰۳) ماخذ ۴ ، ص ۱۴۲ تا ۱۴۵

- (۱۰۴) مأخذ ۱۶ ، ص ۵۸۹
- (۱۰۵) همان ، ص ۵۹۰
- (۱۰۶) همان ، ص ۵۹۷
- (۱۰۷) نوشتنم تا بماند ، ص ۴۸
- (۱۰۸) مأخذ ۴ ، ص ۱۴۵ تا ۱۴۷
- (۱۰۹) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۱۲ تا ۶۱۴
- (۱۱۰) همان ، ص ۶۱۹
- (۱۱۱) همان ، ص ۶۱۹
- (۱۱۲) همان ، ص ۶۲۴
- (۱۱۳) همان ، ص ۶۲۶
- (۱۱۴) نوشتنم تا بماند ، ص ۵۹
- (۱۱۵) مأخذ ۴ ، ص ۱۴۷ تا ۱۵۰
- (۱۱۶) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۳۲
- (۱۱۷) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۳۵
- (۱۱۸) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۳۹
- (۱۱۹) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۴۱
- (۱۲۰) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۴۶
- (۱۲۱) نوشتنم تا بماند ، ص ۶۰ تا ۶۲
- (۱۲۲) مأخذ ۴ ، ص ۱۵۰
- (۱۲۳) مأخذ ۱۶ ، ص ۶۴۸
- (۱۲۴) همان ، ص ۶۵۱
- (۱۲۵) مأخذ ۴ ، ص ۱۵۲ تا ۱۵۴
- (۱۲۶) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۳ ، ص ۱۱
- (۱۲۷) همان ، ص ۱۳
- (۱۲۸) همان ، ص ۲۲
- (۱۲۹) همان ، ص ۲۴

- (۱۳۰) همان ، ص ۲۵
(۱۳۱) همان ، ص ۳۰
(۱۳۲) همان ، ص ۳۳
(۱۳۳) همان ، ص ۳۳
(۱۳۴) دژ خرمشهر ، ص ۴۰۰
(۱۳۵) نو شتم تا بماند ، ص ۷۲ تا ۷۳
(۱۳۶) ماخذ ۴ ، ص ۱۵۴
(۱۳۷) ماخذ ۱۲۶ ص ۳۹
(۱۳۸) همان ، ص ۴۲
(۱۳۹) همان ، ص ۴۶
(۱۴۰) همان ، ص ۵۴
(۱۴۱) ماخذ ۴ ، ص ۱۵۵ تا ۱۶۲
(۱۴۲) ماخذ ۱۲۶ ، ص ۶۸ تا ۷۰
(۱۴۳) همان ، ص ۷۱ تا ۷۳
(۱۴۴) باغ سوخته ، ص ۱۳۸ تا ۱۴۲
(۱۴۵) نو شتم تا بماند ، ص ۸۲
(۱۴۶) اطلاعات در جنگ تحمیلی ، ص ۱۹۴ تا ۱۹۵
(۱۴۷) ماخذ ۴ ، ص ۱۶۲ تا ۱۶۴
(۱۴۸) ماخذ ۱۲۶ ، ص ۹۳
(۱۴۹) همان ، ص ۹۹
(۱۵۰) همان ، ص ۱۰۴
(۱۵۱) همان ، ص ۱۰۵
(۱۵۲) نو شتم تا بماند ، ص ۸۹
(۱۵۳) اطلاعات در جنگ تحمیلی ، ص ۱۹۶
(۱۵۴) ماخذ ۴ ، ص ۱۶۴
(۱۵۵) ماخذ ۱۲۶ ، ص ۱۱۴

- (۱۵۶) همان ، ص ۱۱۹
(۱۵۷) همان ، ص ۱۲۰
(۱۵۸) همان ، ص ۱۲۰
(۱۵۹) همان ، ص ۱۲۱
(۱۶۰) همان ، ص ۱۲۷
(۱۶۱) پژوهشی از خاطره ها ، ص ۳۰ تا ۳۴
(۱۶۲) اطلاعات در جنگ تحمیلی ، ص ۱۹۷
(۱۶۳) مآخذ ۴ ، ص ۱۶۵ تا ۱۶۹
(۱۶۴) مآخذ ۱۲۶ ، ص ۱۳۳
(۱۶۵) همان ، ص ۱۳۹
(۱۶۶) همان ، ص ۱۴۳ تا ۱۴۵
(۱۶۷) مآخذ ۴ ، ص ۱۶۹
(۱۶۸) مآخذ ۱۲۶ ، ص ۱۵۵
(۱۶۹) اطلاعات در جنگ تحمیلی ، ص ۱۹۹ تا ۲۰۰
(۱۷۰) مآخذ ۴ ، ص ۱۷۰
(۱۷۱) مآخذ ۱۲۶ ، ص ۱۷۷
(۱۷۲) همان ، ص ۱۸۳
(۱۷۳) همان ، ص ۱۸۴
(۱۷۴) همان ، ص ۱۹۳ تا ۱۹۵
(۱۷۵) همان ، ص ۱۹۶
(۱۷۶) پژوهشی از خاطره ها ، ص ۷۲ تا ۷۴
(۱۷۷) مآخذ ۴ ، ص ۱۷۲
(۱۷۸) مآخذ ۱۲۶ ، ص ۲۲۲
(۱۷۹) همان ، ص ۲۲۹ تا ۲۳۱
(۱۸۰) همان ، ص ۲۳۲
(۱۸۱) همان ، ص ۲۳۵

- (۱۸۲) همان ، ص ۲۳۶ و ۲۳۹
(۱۸۳) همان ، ص ۲۴۰
(۱۸۴) همان ، ص ۲۴۲
(۱۸۵) همان ، ص ۲۴۲
(۱۸۶) پژوهشی از خاطره ها ، ص ۲۴۴ تا ۲۴۹
(۱۸۷) امیر آبادان ، ص ۱۰۳ تا ۱۱۴
(۱۸۸) یاران شاهد ، ص ۱۱ تا ۱۳
(۱۸۹) نوشتم تا بماند ، ص ۱۰۲
(۱۹۰) ماخذ ۴ ، ص ۱۷۷ تا ۱۸۷
(۱۹۱) ماخذ ۱۲۶ ، ص ۲۶۸ و ۲۶۹
(۱۹۲) همان ، ص ۲۷۵
(۱۹۳) همان ، ص ۳۳۸
(۱۹۴) همان ، ص ۳۵۶ و ۳۵۶
(۱۹۵) همان ، ص ۳۵۸
(۱۹۶) همان ، ص ۳۸۳
(۱۹۷) همان ، ص ۳۹۳
(۱۹۸) همان ، ص ۳۹۷
(۱۹۹) همان ، ص ۴۰۰
(۲۰۰) همان ، ص ۴۰۱
(۲۰۱) همان ، ص ۴۲۱
(۲۰۲) نوشتم تا بماند ، ص ۱۱۵ و ۱۱۶
(۲۰۳) همان ، ص ۱۲۴ و ۱۲۵
(۲۰۴) همان ، ص ۱۳۶ و ۱۳۷
(۲۰۵) همان ، ص ۱۴۹
(۲۰۶) ماخذ ۴ ، ص ۱۸۷ تا ۱۹۱
(۲۰۷) ماخذ ۱۲۶ ، ص ۴۴۴

- (۲۰۸) همان ، ص ۴۵۲
(۲۰۹) همان ، ص ۵۰۹
(۲۱۰) همان ، ص ۵۱۲
(۲۱۱) همان ، ص ۵۲۱
(۲۱۲) همان ، ص ۵۲۱
(۲۱۳) همان ، ص ۶۰۶
(۲۱۴) نوشتم تا بماند ، ص ۱۳۹
(۲۱۵) نوشتم تا بماند ، ص ۱۴۱
(۲۱۶) مأخذ ، ص ۴ ، ص ۱۹۱ تا ۱۹۹
(۲۱۷) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۴ ، ص ۱۱۳
(۲۱۸) همان ، ص ۱۴۳
(۲۱۹) همان ، ص ۱۹۶
(۲۲۰) همان ، ص ۲۱۳
(۲۲۱) همان ، ص ۳۱۹
(۲۲۲) همان ، ص ۳۸۳
(۲۲۳) همان ، ص ۴۱۴
(۲۲۴) نوشتم تا بماند ، ص ۱۵۷
(۲۲۵) همان ، ص ۱۵۹
(۲۲۶) همان ، ص ۱۶۲ تا ۱۶۳
(۲۲۷) همان ، ص ۱۶۴ تا ۱۶۵
(۲۲۸) همان ، ص ۱۶۵ تا ۱۶۶
(۲۲۹) همان ، ص ۱۷۳
(۲۳۰) همان ، ص ۱۷۷
(۲۳۱) همان ، ص ۱۸۳
(۲۳۲) همان ، ص ۱۸۴
(۲۳۳) همان ، ص ۱۸۶

- (۲۳۴) ماخذ ۴، ص ۱۹۹ تا ۲۰۸
(۲۳۵) نوشتم تا بماند، ص ۲۰۲
(۲۳۶) همان، ص ۲۰۵
(۲۳۷) همان، ص ۲۳۸
(۲۳۸) همان، ص ۲۴۱
(۲۳۹) همان، ص ۲۵۰
(۲۴۰) ماخذ ۴، ص ۲۰۹ تا ۲۱۵
(۲۴۱) تقویم تاریخ دفاع مقدس، نزاجا، ج ۹، ص ۱۴۱
(۲۴۲) همان، ص ۱۴۷
(۲۴۳) همان، ص ۱۸۴
(۲۴۴) همان، ص ۲۰۳
(۲۴۵) همان، ص ۲۴۶
(۲۴۶) همان، ص ۳۵۵
(۲۴۷) همان، ص ۵۰۹
(۲۴۸) همان، ص ۵۲۹
(۲۴۹) همان، ص ۵۴۹
(۲۵۰) ماخذ ۴، ص ۲۱۵ تا ۲۱۸
(۲۵۱) نوشتم تا بماند، ص ۲۷۰
(۲۵۲) همان، ص ۲۷۵
(۲۵۳) همان، ص ۲۹۴
(۲۵۴) همان، ص ۲۹۸
(۲۵۵) همان، ص ۳۰۲
(۲۵۶) اسناد قرارگاه اروند، ص ۵
(۲۵۷) ماخذ ۴، ص ۲۱۸ تا ۲۲۲
(۲۵۸) تقویم تاریخ دفاع مقدس، نزاجا، ج ۸، ص ۱۳۵
(۲۵۹) همان، ص ۲۱۰

- (۲۶۰) همان ، ص ۲۷۱
- (۲۶۱) همان ، ص ۳۰۹
- (۲۶۲) نوشتیم تا بماند ، ص ۳۱۰
- (۲۶۳) همان ، ص ۳۱۲
- (۲۶۴) همان ، ص ۳۱۳
- (۲۶۵) همان ، ص ۳۱۴
- (۲۶۶) همان ، ص ۳۱۷ تا ۳۱۸
- (۲۶۷) همان ، ص ۳۱۹
- (۲۶۸) همان ، ص ۳۲۷
- (۲۶۹) همان ، ص ۳۲۸
- (۲۷۰) همان ، ص ۳۲۸
- (۲۷۱) مآخذ ۴ ، ص ۲۲۳ تا ۲۲۷
- (۲۷۲) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۹ ، ص ۱۵
- (۲۷۳) مآخذ ۴ ، ص ۲۲۷ تا ۲۳۹
- (۲۷۴) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۱۰ ، ص ۳۴۲
- (۲۷۵) همان ، ص ۵۳۱
- (۲۷۶) نوشتیم تا بماند ، ص ۳۸۳
- (۲۷۷) همان ، ص ۴۴۶
- (۲۷۸) مآخذ ۴ ، ص ۲۴۳ تا ۲۶۳
- (۲۷۹) عملیات ثامن الائمه (ع) هیئت معارف جنگ ، ص ۲۳۲
- (۲۸۰) همان ، ص ۱۴۳
- (۲۸۱) نیروی هوایی در دفاع مقدس ، ص ۱۹۷
- (۲۸۲) مآخذ ۴ ، ص ۲۸۲
- (۲۸۳) همان ، ص ۲۸۴
- (۲۸۴) تقویم تاریخ دفاع مقدس ، نزاجا ، ج ۱۲ ، ص ۲۲۰ تا ۲۲۵
- (۲۸۵) پژواکی از خاطره ها ، ص ۳۶

۲۵۰ / دفاع از آبادان

(۲۸۶) همان ، ص ۴۴

(۲۸۷) همان ، ص ۵۶

(۲۸۸) همان ، ص ۶۲

(۲۸۹) همان ، ص ۷۶

(۲۹۰) همان ، ص ۸۰ تا ۸۱

منابع

- ۱- آرشیو هیئت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی »؛ اسناد قرارگاه ارونه؛ ۱۳۵۹
- ۲- اطلاعیه های ستاد مشترک ارتش در سال اول دفاع مقدس
- ۳- اعوانی، علی؛ امیرآبادان؛ تهران؛ نشر اجا؛ ۱۳۸۷ .
- ۴- انصاری، مهدی؛ یکتا، حسین؛ روز شمار جنگ ایران و عراق؛ هجوم سراسری، ج ۴، تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۳ .
- ۵- بارنج، معصومه؛ دایرة المعارف دفاع مقدس جلد نمونه آ الف؛ تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس؛ ۱۳۸۷.
- ۶- پوربزرگ، علیرضا، سرهنگ؛ باغ سوخته، خاطرات سرهنگ جانباز علی قمری؛ تهران، انتشارات خورشید باران؛ ۱۳۸۹.
- ۷- پوربزرگ، علیرضا، سرهنگ؛ دژ خرمشهر، گردان ۱۵۱ دژ خرمشهر در آغاز جنگ تحمیلی؛ تهران؛ انتشارات ایران سبز؛ ۱۳۸۸ .
- ۸- پورداب، سعید؛ بهروزی، فرهاد؛ کریمی، نبی؛ تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۱ تا ۱۴؛ تهران؛ مرکز پژوهش های دفاع مقدس نزا؛ ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ .
- ۹- جعفری، مجتبی و دیگران؛ اطلس نبردهای ماندگار؛ تهران؛ مرکز پژوهش های دفاع مقدس نزا؛ ۱۳۸۶.
- ۱۰- حبیبی، ابوالقاسم و دیگران؛ آبادان در جنگ؛ تهران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۳۸۲.
- ۱۱- حسینی، سید یعقوب و دیگران؛ ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، ج ۳؛ تهران؛ نشر اجا؛ ۱۳۷۳.
- ۱۲- ذاکری، سید تراب، سرتیپ ۲، اطلاعات در جنگ تحمیلی؛ تهران، مرکز آموزش و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی؛ ۱۳۸۶.
- ۱۳- روزنامه های کثیرالانتشار کشور در سال اول دفاع مقدس
- ۱۴- سروری، روح اله، سرتیپ ۲؛ پژواکی از خاطره ها؛ تهران؛ انتشارات ایران سبز؛ ۱۳۸۷.
- ۱۵- سروری، روح اله، سرتیپ ۲؛ جاودانی، ابوالقاسم؛ سرتیپ ۲؛ عملیات ثامن الائمه (ع)، ج ۱ و ۲؛ تهران؛ نشر عرشان؛ ۱۳۸۲.

- ۱۶- شاهین راد، فرض‌اله، سرتیپ؛ گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان؛ تهران؛ انتشارات ایران سبز؛ ۱۳۸۰
- ۱۷- کاظمی، محسن؛ نوستم تا بماند، یادداشت روزانه جنگ آیت‌الله جمی؛ تهران؛ انتشارات سوره مهر؛ ۱۳۸۶.
- ۱۸- گزارش‌های نوبه‌ای ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول دفاع مقدس، آرشیو مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نذاجا.
- ۱۹- نشریات ویژه خبرگزاری پارس؛ در سال اول جنگ؛ ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰
- ۲۰- نمکی، علیرضا، سرتیپ ۲؛ نیروی هوایی در دفاع مقدس؛ تهران؛ انتشارات ایران سبز؛ ۱۳۸۹.
- ۲۱- یاران شاهد؛ ماهنامه فرهنگی تاریخی، شماره ۲۳، مهرماه ۱۳۸۶؛ ویژه نکوداشت حجت‌الاسلام و المسلمین غلامحسین جمی؛ تهران؛ مؤسسه فرهنگی هنری شاهد؛ ۱۳۸۶.

نمایه

اروندرو، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱،
 ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۷، ۳۸، ۳۹،
 ۴۰، ۴۴، ۴۸، ۵۰، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۷۵، ۷۶،
 ۷۸، ۸۵، ۹۱، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۴۵، ۱۴۶،
 ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۸۲، ۲۱۷

اژدرافکن عراقی، ۸۶

استادیوم تختی: آبادان، ۸۰

استاندار خوزستان، ۶۸، ۱۴۲

استرالیا، ۷۷

اسرائیل، ۴۲، ۸۷

اسلامی: عبدالستار؛ حجت الاسلام، ۶۵

اشپیگل: هفته نامه؛ چاپ آلمان، ۶۰، ۶۲

اشراقی: حجت الاسلام، ۲۱۵

اصفهان: شهر، ۲۳، ۶۱، ۹۲، ۹۴، ۱۶۳، ۱۹۸

اعوانی: علی، ۲۵۱

الامیه: سکو؛ عراق، ۱۳۰، ۱۵۹

البکر: سکو؛ عراق، ۱۳۰، ۱۵۸، ۱۷۷

الله اکبر: عملیات، ۳۵، ۱۲۰، ۱۹۶

الوانیه: قریه؛ آبادان، ۱۲۱

ام الرصاص: منطقه، ۲۱، ۱۱۷

ام القصر: منطقه، ۳۰، ۳۲، ۱۷۶

امامزاده طاهر: اهواز، ۷۱

امان: پایتخت اردن، ۱۵۰

آ

آتشبار ۱۰۵ م: نداجا، ۵۴، ۵۶، ۹۵، ۱۵۶

۱۶۲، ۱۷۷، ۱۹۹، ۲۰۹

آتشبار کاتیوشا، ۱۸، ۱۶۳، ۱۷۷

آتشبار موشکی زمین به زمین، ۵۰

آرپی جی ۷، ۸۳، ۹۴

آسوشیتد پرس: خبرگزاری، ۴۲، ۸۷

آلمان، ۶۰، ۶۲، ۸۱

آمار تلفات، ۱۱، ۱۰۸، ۱۶۶

آمار شهدا و مجروحان، ۱۰۴

آمریکا، ۴۲، ۵۵، ۵۹، ۷۱، ۷۷، ۱۲۳

آموزش و پرورش آبادان، ۶۵

ا

ابریشمیان: غلامعلی؛ سرهنگ، ۱۰۹

ابوالخصیب: منطقه، ۳۲، ۴۱

ابوموسی: جزیره، ۲۱

احمدلو: ستوان؛ گردان ۱۵۳، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۸

اخوان سلماسی: مسعود؛ سرتیپ ۲، ۲۳۴

ارجمندی: سرهنگ؛ گردان ۱۵۳، ۱۳۴، ۱۳۸

۱۳۹، ۱۴۰

امیدیه: شهر، ۲۳، ۱۱۰	بالگرد ۲۱۴، ۲۲۳
امینیان: منوچهر؛ سرتیپ ۲، ۲۳۴، ۲۳۵	بالگرد عراقی، ۱۰۷
اندیمشک: شهر، ۳۴، ۳۵، ۵۱، ۵۴، ۶۲، ۱۲۵	بانزاد: ابراهیم؛ سروان، سرهنگ، ۱۰۹، ۱۱۰،
انشائی: محمدجواد؛ سرهنگ، ۲۳۶	۱۲۵
انصاری: مهدی، ۲۵۱	بجنورد: شهر، ۲۳۴
انگلستان، ۷۷	بختیار: شاپور، ۸۷
اهواز: شهر، ۹، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳،	بستان: شهر، ۴۵، ۶۴، ۲۲۴
۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۷،	بمب افکن «اف-۴»، ۲۲۴
۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸،	بمب افکن «اف-۵»، ۲۲۴
۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۶،	بندر امام خمینی، ۱۶، ۲۸، ۳۲، ۴۹، ۵۲، ۵۵،
۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲،	۷۴، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۸،
۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷،	۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۹۳،
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۲،	بندر لنگه، ۱۶۳، ۱۸۳، ۱۹۵
۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۵،	بنی صدر: ابوالحسن، ۱۴۷، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۶
۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶،	بهرام پور: سرگرد؛ فرمانده گارد ساحلی
۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۹	ژاندارمری آبادان، ۶۵
ایازی: ستوان، ۹۹، ۱۰۰	بهروزی: فرهاد؛ سرتیپ ۲، ۲۵۱
ایستگاه ۱۱، ۸۰	بهمن شیر: رودخانه: اکثر صفحات
ایستگاه ۱۲، ۸۵، ۱۲۸	بوشهر: شهر، ۲۱، ۲۳، ۳۰، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۴۲،
ایستگاه ۷، ۷۹، ۸۰، ۱۲۲، ۱۴۴، ۱۹۳، ۲۳۶	۶۴، ۷۰، ۱۰۴، ۱۲۳، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۷۰،
	بیمارستان اهواز، ۱۲۸
	بیمارستان شرکت نفت، ۱۹۷
	پ
	پادگان حمید، ۳۵
بارج: کشتی، ۲۰، ۶۱	
بارنج: معصومه، ۲۵۱	
بالگرد ۲۰۵ ژاندارمری، ۹۷	

- پورداب: سعید؛ سرتیپ ۲، ۲۵۱
- پیران نژاد: رضا؛ سرهنگ شهید خلبان، ۲۳۷
- پیروزان: کریم؛ سرتیپ ۲، ۲۳۸
- ت
- تاج محمدی: ستوانیار؛ شهید، ۱۱۲
- تانک ام-۴۷، ۲۱۱، ۲۱۲
- تانک تی ۷۲، ۲۳
- تانک چیفتن، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۹۰
- تانک فارمها: پالایشگاه آبادان، ۱۱۰
- تایمز مالی لندن: نشریه، ۴۴
- تبریز، ۲۳، ۴۲
- تپه کمانه: عملیات، ۱۲۰
- تپه های مدن، ۲۰۵، ۲۰۶
- تفنگ ژ ۳، ۸۳، ۹۴
- تکاوران دریایی، ۱۸، ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۳
- ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۲، ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۶۹، ۷۲، ۷۳
- ۷۶، ۹۲، ۹۷، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۶۳، ۱۸۲، ۱۹۰
- ۱۹۶، ۲۱۴
- تنب بزرگ، ۲۱
- تنب کوچک، ۲۱
- تندگویان: محمدجواد؛ شهید، ۱۴۴
- تنگه هرمز، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۴۲
- تنومه: خرمشهر، ۱۷، ۲۸
- تیپ ۱ زرهی: لشکر ۹۲، ۴۶
- پادگان خسروآباد، ۷۳، ۱۲۷
- پاسگاه بهمنیار: (اروندرو)، ۴۸
- پاسگاه حدود، ۱۶
- پاسگاه خرمان، ۲۱
- پاسگاه خین، ۱۶
- پاسگاه فیروز: آبادان، ۹۷
- پاسگاه مؤمن، ۱۶
- پاسگاه نصریان، ۶۱
- پالایشگاه آبادان، ۱۵، ۲۲، ۲۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۶۵، ۱۷۹
- پایگاه دریایی بوشهر، ۱۵۸
- پایگاه دریایی خرمشهر، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۸۳
- ۱۸۲
- پایگاه هوایی بوشهر، ۲۱
- پتروشیمی آبادان، ۱۵
- پتروشیمی بندر امام خمینی، ۲۳
- پدافند زمین به هوا، ۲۷، ۴۳، ۲۲۳
- پشتیبانی خدمات رزمی، ۲۲۳
- پل بهمن شیر، ۷۶
- پل خرمشهر، ۱۳، ۲۶، ۶۳، ۷۵، ۷۶، ۸۵، ۸۸
- ۸۹، ۹۰، ۹۴، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۳
- پل نادری، ۱۲۵
- پل نو، ۳۰، ۳۳، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۵۴، ۶۷، ۸۵
- پلیس راه خرمشهر، ۳۳، ۳۷، ۶۱
- پوربزرگ: علیرضا؛ سرهنگ، ۲۵۱

جمی: غلامحسین؛ آیت‌الله، ۱۵، ۵۳، ۶۵، ۶۸،
۷۴، ۷۸، ۸۲، ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۴۲،
۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۶۱،
۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۸۹،
۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴،
۲۰۵، ۲۱۴، ۲۳۶، ۲۵۲

جهاد سازندگی فارس، ۲۰۴

جهان آرا: محمد، پاسدار شهید، ۱۸۸، ۲۲۵

جوادی: شهاب‌الدین؛ سرهنگ، ۲۱۵، ۲۲۵

ج

چمران: مصطفی، دکتر شهید، ۶۸، ۷۰، ۷۱،
۱۶۴، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۸۴

چوئبیده: بندر؛ آبادان، ۱۵۷، ۱۹۸

ح

حبیبی: ابوالقاسم، ۲۵۱

حزب بعث: عراق، ۱۴

حسنى سعدى: حسين؛ سرهنگ، سرلشکر، ۸۲،
۸۴، ۸۷، ۱۰۱، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۸۱، ۱۹۷

حسینی: سید یعقوب؛ سرهنگ، ۴۷، ۲۵۱

حصر آبادان، ۱۰، ۱۳، ۸۵، ۱۲۷، ۱۴۷، ۱۴۸،
۱۴۹، ۲۲۲، ۲۳۷

حفار: آبادی؛ آبادان، ۲۱۸

حمیدیه: عملیات، ۳۷، ۳۹، ۱۲۰

تیپ ۱۲ زرهی، ۱۷

تیپ ۱۵: لشکر ۵ مکانیزه، ۴۳، ۵۰، ۶۷، ۱۵۳

تیپ ۲ زرهی: لشکر ۹۲، ۴۵

تیپ ۲۶ زرهی: لشکر ۵ مکانیزه، ۹۰، ۱۵۳

تیپ ۳ زرهی: لشکر ۹۲، ۴۵

تیپ ۳۳: نیروی مخصوص، ۱۷، ۴۱، ۵۰، ۹۰

تیپ ۳۷ زرهی، ۴۶، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵

۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۳

۲۳۸

تیپ ۶ زرهی: لشکر ۳، ۱۷، ۴۱، ۵۰، ۵۶، ۵۹

۱۷۷، ۹۰، ۱۵۳

تیپ ۸ مکانیزه: لشکر ۳، ۱۷، ۹۰

تیربار ۳، ۹۴

ث

ثوامر: قریه؛ آبادان، ۱۲۱

ج

جاده وحدت: آبادان، ۲۰۵

جاودانی: ابوالقاسم؛ سرتیپ ۲، ۲۵۱

جبهه آزادی بخش خوزستان، ۲۸

جبهه ذوالفقاری، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۷۹، ۲۰۵

جزایری: جهاد سازندگی فارس، ۲۰۴

جعفری: مجتبی؛ سرهنگ، ۲۵۱

خونین شهر, ۷۷, ۷۹, ۸۰, ۸۱, ۸۵, ۸۶, ۸۹,
 ۹۰, ۹۴, ۱۰۴, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۱۶, ۱۱۷,
 ۱۱۸, ۱۲۲, ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۵۸, ۱۵۹,
 ۱۶۷, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۳
 خیابان طالقانی, ۶۰

د

دارخوین: آبادی, ۳۴, ۵۲, ۵۵, ۵۷, ۶۷, ۷۲,
 ۷۸, ۸۲, ۸۳, ۸۴, ۸۵, ۸۶, ۹۳, ۱۱۹, ۱۳۰,
 ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۵۸, ۱۶۰, ۱۶۲, ۱۶۳,
 ۱۶۴, ۱۶۵, ۱۷۰, ۱۷۲, ۱۷۵, ۱۷۹, ۱۹۲,
 ۲۰۷, ۲۰۸, ۲۰۹, ۲۱۰, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۱۹,
 ۲۲۴, ۲۳۳

دانشجویان: دانشکده افسری, ۲۷, ۲۹, ۳۳, ۵۶,
 ۵۷, ۷۳, ۸۷, ۹۱, ۹۴, ۹۵, ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۵۳

دانشکده نفت: خوابگاه, ۶۵

دب حردان, ۴۷, ۷۰

دریادگان هفتگل, ۴۸

درکوی بهروز: آبادان, ۱۲۶

دریاقلی: آبادان, ۱۲۱, ۱۳۳, ۱۳۵

دریای عمان, ۱۲۹, ۱۹۳

دزفول: شهر, ۲۳, ۳۴, ۳۵, ۴۵, ۴۶, ۴۷, ۵۳,
 ۵۴, ۵۸, ۶۰, ۶۲, ۶۴, ۶۹, ۸۷, ۱۰۲, ۱۰۵,
 ۱۰۹, ۱۱۸, ۱۲۵, ۱۴۶, ۱۵۰, ۱۸۷, ۱۸۹,
 ۱۹۴, ۱۹۵, ۱۹۶

خ

خارک: جزیره, ۲۱, ۲۹, ۳۰, ۳۳, ۳۵, ۴۱, ۴۳,
 ۴۹, ۵۶, ۵۷, ۶۴, ۱۵۳

خامنه ای: سید علی؛ آیت الله, ۷۸

خبرگذاری پارس, ۶۹, ۷۸, ۱۵۹, ۱۶۶, ۲۵۲

خدمت مقتضی سال‌های ۵۳ تا ۵۷, ۱۹۳

خرم آباد: شهر, ۶۲, ۱۸۳

خرمشهر: شهر: اکثر صفحات

خزقل آباد: آبادان, ۸۹

خسرو آباد, ۸۹, ۱۵۸, ۱۹۸, ۲۰۴

خلخال: آیت الله, ۱۲۳, ۲۰۳

خلیج فارس, ۱۴, ۲۱, ۲۶, ۳۰, ۴۴, ۴۵, ۴۹,
 ۵۵, ۵۶, ۶۶, ۷۱, ۷۷, ۹۰, ۱۲۹, ۱۵۱, ۱۵۳

۱۵۹, ۱۹۳, ۲۰۵, ۲۱۵

خمپاره ۶۰م, ۱۱۲

خمپاره انداز, ۲۷, ۳۲, ۴۸, ۵۴, ۷۲, ۸۱, ۸۳

۱۲۹, ۱۳۶, ۱۵۵, ۱۵۸, ۱۶۷, ۱۶۸

خور عبدالله: آبادان, ۳۰, ۱۵۳, ۱۵۸

خورموسی, ۲۲, ۶۱, ۷۱, ۸۷

خوزستان, ۱۳, ۱۴, ۱۹, ۲۵, ۲۷, ۲۸, ۳۴, ۴۲,
 ۴۶, ۵۲, ۵۴, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۶۱, ۶۲, ۶۴, ۶۶,
 ۶۸, ۷۲, ۸۲, ۹۳, ۱۰۹, ۱۱۳, ۱۴۶, ۱۴۷,
 ۱۵۳, ۱۵۷, ۱۶۴, ۱۷۱, ۱۸۴, ۱۸۹, ۱۹۱,
 ۱۹۲, ۱۹۴, ۱۹۵, ۲۰۰, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۷

۲۱۵, ۲۱۷, ۲۱۹, ۲۳۴

دژبان مرکز تهران، ۱۶۵
دهلران: شهر، ۶۱
دوربند: محور، ۴۳، ۴۴

سپاه پاسداران خرمشهر، ۲۰۱
سپاه پاسداران دارخوین، ۲۰۱
سپاه پاسداران ماهشهر، ۲۰۱
ستاد عملیاتی اروند، ۷۰، ۱۲۶، ۱۵۸
ستاد عملیاتی خرمشهر، ۴۳
سد دز، ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۲
سد کرخه، ۱۷۱

ذ

ذاکری: تراب؛ سرتیپ ۲، ۱۰۲، ۲۵۱
ذکیانی: سرهنگ، ۱۹۳

سروری: روح الله؛ سرتیپ ۲، ۲۵۱

ر

سوسنگرد: شهر، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۶۴،
۷۰، ۹۵، ۱۲۰، ۱۴۷، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱،
۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۲،
۱۹۵، ۲۱۹، ۲۲۴
سیحان: پایگاه هوایی، ۲۵، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸
سید قاسم: همراه آقای جمی، ۸۲

راديو آلمان، ۸۱

راديو لندن، ۶۱، ۸۷

راه آهن: مشهد، ۱۱۷

راه آهن اهواز، ۱۲۵

رجایی: محمد علی؛ شهید، ۶۷، ۲۰۳

رشیدیان: نماینده آبادان، ۱۸۹

رضوی: سرهنگ؛ ژاندارمری، ۱۴۳

ش

شادگان: شهر، ۱۴، ۵۲، ۷۲، ۸۳، ۹۱، ۹۲، ۹۳،
۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳،
۱۷۵، ۱۷۷، ۱۹۵، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۵
شاهین راد: فرض الله؛ سرگرد، سرتیپ، ۹۵،
۲۵۲

ز

زارعیان: اسماعیل؛ ستوان شهید، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰،
۱۰۱

زبیر: هدف نظامی، ۲۳

شرق الاوسط: نشریه، ۱۰۹

شریف النسب: سرگرد، ۹۹

شط العرب، ۱۶، ۲۰، ۵۵، ۱۰۳

شعیبیه: پایگاه هوایی، ۲۳، ۲۵

س

سامانه موشکی هاوک، ۲۲۳

سپاه آبادان، ۱۴۵، ۲۱۴، ۲۲۹

ط

طراذه: جی اس پی، ۴۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۴

ظ

ظہیر نژاد: قاسمعلی؛ سرتیپ، ۱۴۸، ۱۸۱، ۲۲۵

ع

عُبادان: نام جعلی آبادان، ۱۴

عدنان خیرالله: وزیر دفاع عراق، ۸۷، ۸۹

عربستان، ۴۴

عروسیہ: خیابان؛ آبادان، ۸۰

عزیزی: ناوابانیکم؛ شهید، ۲۲

عسکر محتاج: ناخدا؛ شهید، ۲۲

عشایر بویراحمد، ۱۵۷

عکس های هوایی، ۲۲۲، ۲۲۳

علی گرہ زد: ارتفاعات، عملیات، ۱۲۰

عملیات امداد و پشتیبانی، ۸۱

عملیات بیت المقدس، ۲۲۰، ۲۲۵

عملیات توکل، ۱۴۸، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۲،

۱۹۵

عملیات ثامن الائمه (ع)، ۱۰۹، ۲۱۵، ۲۲۲،

۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹،

۲۵۱

عملیات طریق القدس، ۲۲۰، ۲۲۵

عملیات فتح المبین، ۲۲۰، ۲۲۵

شکرریز: نصیر؛ سرهنگ، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۴،

۱۴۹، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۷

شلمچہ، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰،

۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۵، ۶۷، ۸۶، ۱۳۰، ۱۷۲

شنوک: بالگرد، ۶۳، ۷۴، ۹۷، ۱۱۰، ۲۳۷

شہربانی، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۸، ۵۹، ۶۷، ۸۰، ۹۰،

۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۴۵، ۱۶۰،

۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۱۴

شہربانی آبادان، ۳۷، ۵۹، ۸۰، ۱۱۸، ۱۶۰، ۱۷۹

شورای عالی دفاع، ۵۵، ۷۸، ۱۰۴، ۱۵۴، ۲۰۱،

۲۲۹

شوش: شہر، ۳۵، ۴۵، ۶۲، ۹۳، ۱۹۶

شیبانی: عباس؛ دکتر، ۷۸، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۸۰

شیراز: شہر، ۴۵، ۷۳، ۷۴، ۹۲، ۹۸، ۱۵۶، ۱۶۳،

۱۷۱، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۸

ص

صالحی: رئیس آموزش و پرورش آبادان؛ شهید،

۶۵

صداقت: ہمراہ آقای جمی، ۸۲

صدام حسین، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۳۵، ۳۸، ۸۷،

۸۹، ۹۱، ۱۵۰

صدیق زادہ: علی؛ سرهنگ، سرتیپ ۲، ۲۲۷

صفوی: رحیم؛ پاسدار، فرماندہ سپاہ دارخوین،

۷۸، ۲۱۵

عملیات فرماندهی کل قوا: خمینی روح خدا،

۲۰۸

عملیات نصر، ۱۸۲

عملیات هوایی «شبح-۲»، ۲۲۴

غ

غرضی: استاندار خوزستان، ۲۰۲

غفوری فرد: دکتر؛ استاندار خراسان، ۱۲۵

ف

فاو: بندر، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۱

۳۲، ۴۴، ۸۰، ۹۲، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۵۳، ۱۵۹

۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۹۵

فدائیان اسلام: رزمندگان، ۱۹۶، ۲۰۱

فرانسه، ۷۷، ۱۳۰

فراهانی: غلامعباس؛ استواریکم، ۹۶

فرمانداری آبادان، ۱۹، ۱۵۹

فرماندهی اروند، ۵۷، ۶۳، ۷۳، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۴

۸۵، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۵

۱۱۶، ۱۲۴، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵

۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۳

۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴

۱۹۵، ۲۰۰

فراهانی: علی؛ سرباز، ۱۰۰، ۱۰۱

فرودگاه آبادان، ۲۳، ۳۶، ۷۳، ۱۱۸

فروزان: حسنعلی؛ سرهنگ، ۷۹، ۹۶، ۱۱۹

۱۴۳، ۱۴۷، ۱۸۰، ۱۹۹

فکوری: جواد؛ سرهنگ، شهید، ۲۷، ۳۶، ۱۴۷

۲۰۱، ۲۲۵

فلاحی: ولی الله؛ سرتیپ، سرلشکر شهید، ۱۶

۹۳، ۹۵، ۹۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۴۷

۲۱۳، ۲۲۵

فلکهی کوه دشت خرمشهر، ۶۷

فیاضیه: آبادان، ۱۲۸، ۱۴۶، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۰۵

۲۱۸

ق

قایق "جمینی"، ۱۲۹

قبرستان آبادان، ۱۳۲، ۱۴۵

قبرستان ذوالفقاریه: آبادان، ۱۳۷

قرارداد الجزایر: سال ۱۹۷۵، ۱۶، ۱۹

قرارگاه مقدم جنوب، ۵۴، ۵۸

قصه: آبادی؛ آبادان، ۱۸، ۶۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۳

قصر شیرین، ۳۴

قطعنامه: ۴۷۹ شورای امنیت، ۳۵، ۳۶

قمری: علی؛ سرهنگ، ۹۷، ۲۵۱

قنوتی: شریف؛ حجت الاسلام، شهید، ۶۴

قوچان: خراسان، ۹۵، ۱۰۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸

۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴

کمیته انقلاب اسلامی آبادان، ۲۰۱

کمیته مردمی، ۴۵

کنفرانس سران عرب، ۱۵۰

کهنتری: منوچهر؛ سرهنگ ۲، سرتیپ، ۱۰۷،

۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱،

۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۷۹، ۱۸۰

کهریزک: تهران، ۲۲۵

کوت زین: عراق، ۱۱۷

کوت شیخ: خرمشهر، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۸، ۲۰۱،

۲۰۵

کوت عبدالله: آبادان، ۱۲۵

کوی بازرگان: آبادان، ۸۰

کوی ذوالفقاری، ۲۲، ۶۵، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۶۹،

۲۰۱

کوی فاطمی، ۸۰

کیانی: پاسدار؛ فرمانده سپاه آبادان، ۲۱۴

گ

گارد ساحلی، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۶۵، ۷۶، ۱۰۷، ۱۱۷،

۱۲۲، ۱۲۳

گارد ساحلی عراق، ۱۲۳

گاردین: نشریه، ۵۵، ۱۰۹

گازهای شیمیایی، ۶۱، ۱۶۸

گچساران: شهر، ۱۵۳

گردان ۱۰۷ پیاده امداد ژاندارمری، ۲۰۹، ۲۲۳

ک

کارخانجات مسجد سلیمان، ۷۳

کارخانه شیر پاستوریزه، ۶۳

کارخانه لاستیک سازی، ۴۷

کارخانه نورد: اهواز، ۱۲۶

کارگر فرد، ۷۸

کارون: رودخانه: اکثر صفحات

کبری: بالگرد، ۵۲، ۵۵، ۶۳، ۱۱۸، ۲۲۳، ۲۳۷

کرخه: رود، ۳۴، ۳۵، ۵۴، ۶۲، ۷۰، ۱۲۵، ۱۵۰،

۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲

کرخه کور، ۷۰، ۱۸۵، ۱۸۸

کرمانشاه: شهر، ۲۳، ۱۸۴، ۲۲۹

کسائیان: سرهنگ، ۲۰۳

کشتارگاه: خرمشهر، ۳۷، ۵۶، ۵۸، ۶۱، ۱۰۷

کشتی ایران بحر، ۴۵

کشتی ایران پیام، ۴۵

کشتی تجاری ایران بدر، ۲۰

کشتی تجاری ریویاگوز، ۲۰

کشتی تجارتي آزادی، ۲۲

کشتی لایروب، ۲۰، ۲۸

کشتی نوید، ۶۱

کشورهای غیر متعهد، ۲۰۲

کلاشینکف: تفنگ، ۹۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۷۹

کلاهدوز: یوسف؛ پاسدار، شهید، ۲۲۵

کمیته ارزاق: آبادان، ۲۰۲، ۲۰۳

گردان مخابرات: لشکر ۷۷، ۱۸، ۱۱۶، ۲۲۳	گردان ۱۳۶ پیاده: لشکر ۷۷، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۴۶
گردان مهندسی رزمی، ۱۷، ۱۱۶، ۲۲۳	گردان ۱۶۳ پیاده: تیپ ۱ لشکر ۷۷، ۲۳۴
گردان نیروی مخصوص، ۹۰، ۱۱۶، ۱۵۳	گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه: تیپ ۱ لشکر ۹۲، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۵۶، ۵۷، ۱۷۸
گردان ۱۴۴ پیاده: تیپ ۲ لشکر ۲۱، ۱۰، ۷۳، ۷۶، ۸۸، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۱۲۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۹۰، ۲۵۲	گردان ۲۱۴ سوار زرهی: لشکر ۷۷، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳
گردان ۱۴۸: لشکر ۷۷ پیاده، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۹۴، ۲۰۶، ۱۹۵	گردان ۲۹۱ زرهی: لشکر ۷۷، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۲
گردان ۱۵۱ دژ: لشکر ۹۲، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۴۷، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۹۷، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۵۱	گردان ۳۲۲ پدافند هوایی ۲۳ م: گروه ۳۳، ۱۷۷
گردان ۱۵۳ پیاده: تیپ ۲ لشکر ۷۷، ۱۱، ۹۵، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۷۷	گردان ۳۳۳ توپخانه ۱۳۰ م: گروه ۲۲، ۱۹۹
گردان ۲۰۱ امداد ژاندارمری، ۸۳، ۱۷۸	گردان ۳۶۲ توپخانه کاتیوشا: گروه ۱۱، ۱۶۳، ۱۷۸، ۱۹۹
گردان ۲۰۲: ژاندارمری، ۱۷۸، ۱۹۶	گردان ۳۶۹ کاتیوشا: گروه ۲۲، ۱۷۷
گردان ۲۳۲ تانک: تیپ ۱ لشکر ۹۲، ۱۸، ۳۰، ۳۳، ۵۷، ۱۱۳، ۱۷۸	گردان آماد و ترابری: لشکر ۷۷، ۲۲۳
گردان ۲۴۶ تانک: لشکر ۷۷، ۵۸، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۸، ۲۱۲	گردان بهداری: لشکر ۷۷، ۲۲۳
گردان ۳۰۷ پدافند هوایی ۲۳ م: گروه ۵۵، ۹۲، ۱۷۷	گردان پاسدار، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹
گردان ۳۱۵ توپخانه ۱۰۵ م: لشکر ۷۷، ۱۷۷، ۱۹۹	گردان پل، ۱۸
	گردان تعمیر و نگهداری: لشکر ۷۷، ۲۲۳
	گردان توپخانه، ۱۷، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۴۱، ۹۰، ۹۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۷۴، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۴
	گردان توپخانه ۱۵۵ م، ۱۷۰
	گردان خدمات، ۱۷
	گردان ساحلی ژاندارمری خسروآباد، ۱۸
	گردان سپاه پاسداران، ۲۱۶، ۲۱۷
	گردان شناسایی، ۱۷

گروهان مهندسی تخریب: لشکر ۷۷، ۱۵۸
گمرک خرمشهر، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۸، ۳۹، ۴۰،
۴۳، ۴۶، ۴۷، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۷۰،
۸۶، ۱۰۷

گورستان آبادان، ۱۲۳، ۱۲۷
گیلان غرب، ۲۱۶، ۲۱۹

ل

لشکر ۱۱ پیاده: عراق، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۷۵
لشکر ۳ زرهی: عراق، ۱۷، ۳۶، ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۹۰،
۱۵۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۲۰
لشکر ۵ مکانیزه: عراق، ۳۶، ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۹۰،
۱۵۳، ۱۷۵

لشکر ۸۱ زرهی: کرمانشاه، ۱۸۴
لشکر ۱۶ زرهی، ۱۸۵، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۷
لشکر ۲۱ پیاده، ۴۵، ۵۳، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۷۳، ۸۸،
۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۹۶
لشکر ۷۷ پیاده، ۵۶، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۴۶،
۱۵۶، ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۱۹
لشکر ۹۲ زرهی، ۱۸، ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۵،
۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۶۳، ۶۷،
۶۹، ۷۳، ۷۷، ۸۳، ۹۵، ۹۷، ۱۰۴، ۱۱۳،
۱۲۵، ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۰،
۲۱۵، ۲۱۷

لوماتن: روزنامه، ۱۷۸

گردان ۳۴۱ توپخانه ۱۳۰م: گروه ۲۲ توپخانه،
۱۸، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۷۸

گردان ۳۴۲ توپخانه ۱۳۰م: گروه ۳۳ توپخانه،
۱۶۲، ۱۷۸

گردان ۳۶۸ توپخانه ۱۰۵م: لشکر ۷۷، ۱۱،
۱۰۹، ۱۲۵، ۱۷۷

گردان ۳۸۷ توپخانه، ۱۸

گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰م: گروه ۵۵، ۹۲، ۱۷۷
گروکانی: مهنای؛ شهید، ۲۲

گروه رزمی ۱۴۸ پیاده: لشکر ۷۷، ۹۱
گروه رزمی ۱۵۳ پیاده، ۶۷

گروه رزمی ۲۹۱ تانک: لشکر ۷۷، ۲۱۹
گروه رزمی ۳۷ زرهی، ۱۹۰، ۱۹۹

گروه رزمی ۱۲۹ پیاده: لشکر ۷۷، ۱۵۶
گروه رزمی ۲۰۲ ژاندارمری، ۱۶۲

گروه عملیات نامنظم، ۱۸۶

گروه ۱۱ توپخانه، ۱۶۳، ۱۷۸، ۱۹۹
گروه ۳۳ توپخانه، ۱۶۲

گروه ۴۴ توپخانه، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۹۹
گروه ۵۵ توپخانه، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷

گروهان ۲۰۱ امداد ژاندارمری، ۷۳
گروهان پل شناور پی ام پی، ۱۷۱

گروهان دژبان، ۲۲۳

گروهان ژاندارمری خرم آباد، ۱۸۳

گروهان شیمیایی، ۱۷

م

مارد: آبادی، ۳۴، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۷، ۱۰۶،
 ۱۱۸، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۹۴، ۲۱۰
 مانسکی: وزیر امور خارجه آمریکا، ۱۲۳
 ماهشهر: اکثر صفحات
 مخازن شطیط: آبادان، ۱۱۹
 مخازن نفت، ۲۹
 مرکز زرهی شیراز، ۴۵، ۱۵۶، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۷،
 ۱۹۶، ۲۱۷
 مسجد امام حسن عسکری (ع): آبادان، ۸۰
 مسجد جامع: خرمشهر، ۷۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰،
 ۱۴۴
 مسجد صاحب الزمان (عج): آبادان، ۴۵، ۶۵
 مسجد قدس: آبادان، ۸۸، ۱۰۲، ۱۶۱
 مسجد نو: آبادان، ۲۱۴
 مسکو، ۷۱
 مشهد: شهر، ۵۶، ۶۷، ۹۱، ۹۲، ۹۵، ۱۰۶، ۱۱۶،
 ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۷،
 ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۸
 مصر، ۷۱
 منقضی خدمت سال ۱۳۵۶، ۲۱، ۱۷۱، ۲۰۳
 مهربابی: محمد؛ دانش آموز، ۹۹
 مهران: شهر، ۱۸، ۳۴، ۷۱
 موتور لنج، ۱۰۳، ۱۰۴

موسوی: سید حجت، ۲۰۳؛ همراه آقای جمی،

۸۲

موشک انداز اوزا: عراقی، ۲۶، ۸۶، ۸۷، ۱۷۶
 موشک انداز تاو، ۱۸۶
 موشک‌های هوا به هوای «فنیکس»، ۲۲۴
 میراژ اف-۱ فرانسوی: عراق، ۱۳۰
 میرپور: محمد؛ سرهنگ، گردان ۱۵۳، ۱۳۱
 میگ ۲۳: هواپیمای جنگی، ۱۳۰
 مینو: جزیره، ۱۸، ۲۲، ۶۴، ۱۱۶، ۱۵۳، ۱۵۴،
 ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۸،
 ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵

ن

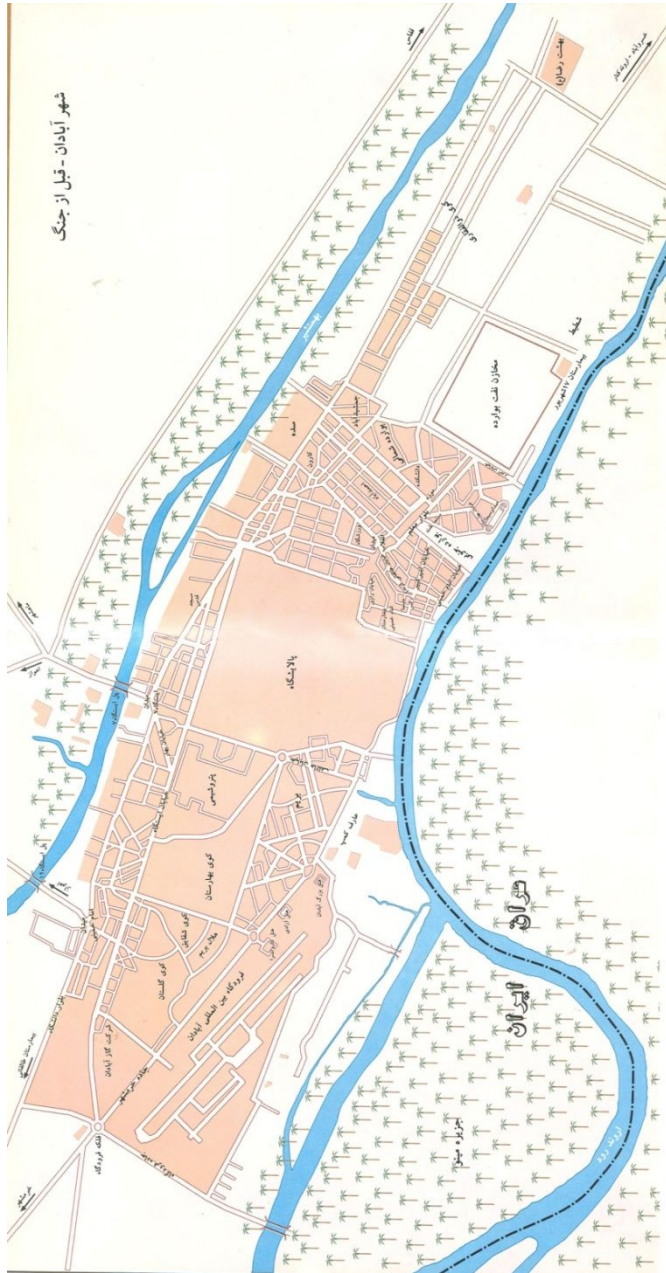
نارنجک های مخصوص گازهای شیمیایی، ۱۶۸
 نامجو: سید موسی؛ سرهنگ، سرلشکر شهید،
 ۵۶، ۱۴۲، ۱۴۷، ۲۲۵
 ناو خارک، ۲۱
 ناو کهنمویی، ۵۷
 ناو میلانیا، ۳۵، ۵۷
 ناو نقدی، ۶۱
 ناوچه ۶۵ پایی، ۲۲
 ناوچه اوزا، ۱۵۸
 ناوچه پیکان، ۴۶، ۱۵۸
 ناوچه کلاس پی، ۲۲
 ناوچه گارد ساحلی ژاندارمری، ۲۰، ۲۱

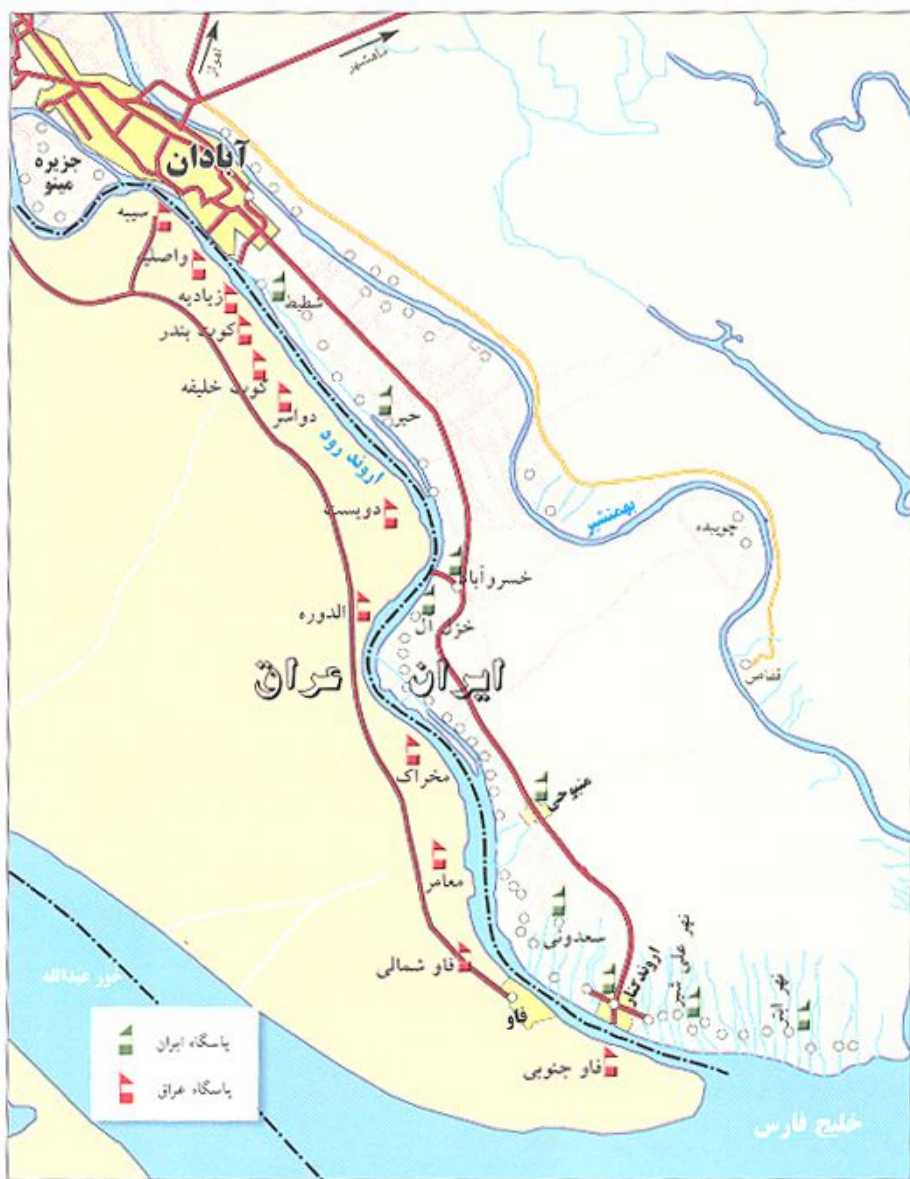
- ناوچه موشک انداز، ۲۵، ۱۷۶
ناوشکن سام، ۲۱
نخلستان ابوعبادی، ۱۲۸
نفربر زرهی پی ام پی ۱، ۱۸۳
نهر ابوالفضل، ۱۵
نهر رمیله، ۲۰۴
نهر سپند: شادگان، ۱۵۷
نهر عرایض، ۳۰، ۳۹
نهر محربی، ۱۵
نهرخین، ۱۶
نوروزی: علیجان؛ سرگرد، ۱۰۹
نیروگاه اتمی بوشهر، ۳۵
نیروهای مردمی، ۱۵۴
نیکوکار: ستوان، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰
- و
- واحد خنثی سازی بمب، ۲۱۴
واشنگتن: شهر، ۷۱
واشنگتن پست، ۴۳
والدهایم: کورت؛ دبیر کل سازمان ملل، ۹۱
وزارت نفت، ۱۴، ۳۲
- ی
- یدک کش پیام، ۶۱
یگان عملیات نامنظم، ۱۵۷
- هاشمی رفسنجانی: رئیس مجلس شورای اسلامی،
۲۰۲
هاشمی: سرگرد، ۱۹۹؛ مجتبی؛ فدائیان اسلام،
۱۴۴
هاور کرافت، ۱۰۴، ۱۱۰
هلال احمر: سازمان، ۵۹، ۶۷، ۸۷

نقشه‌ها



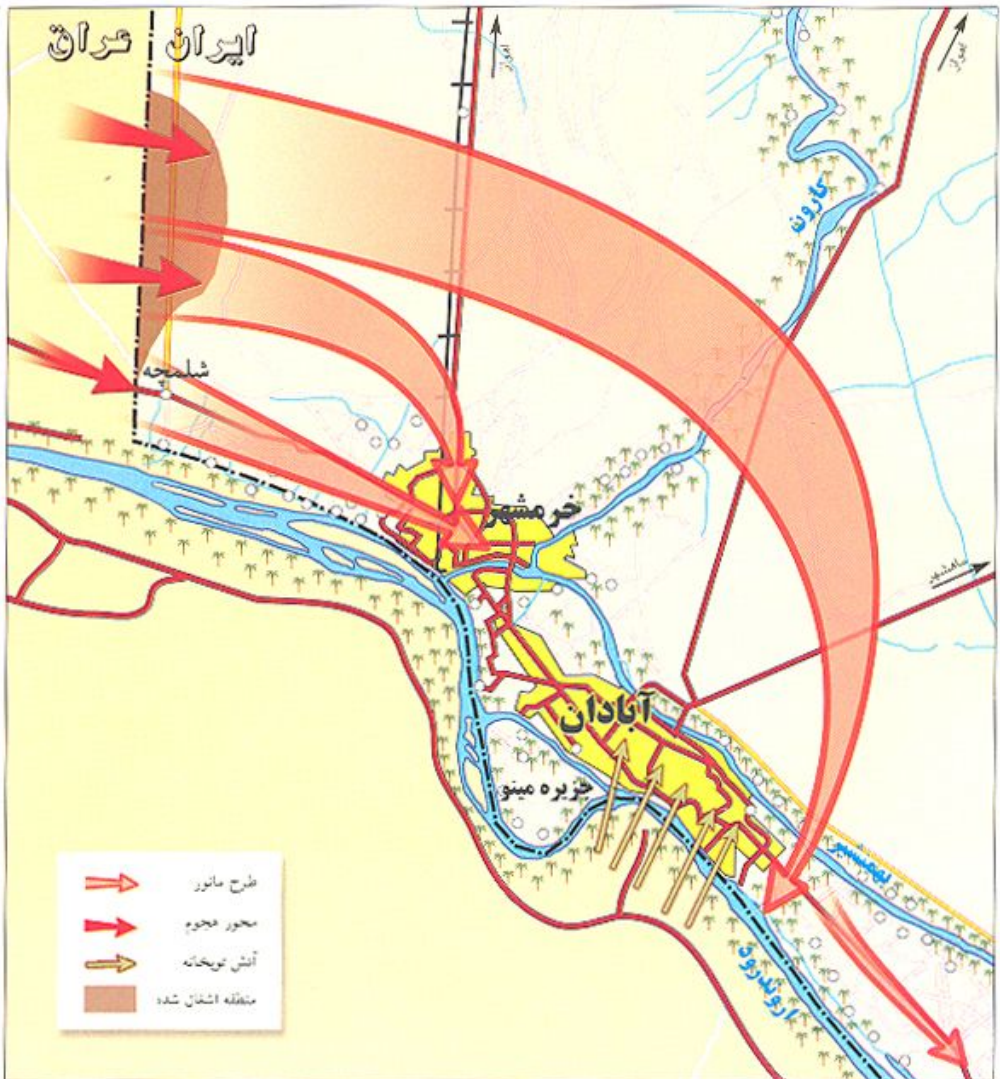
جزیره آبادان
مأخذ ۲، ص ۱۳





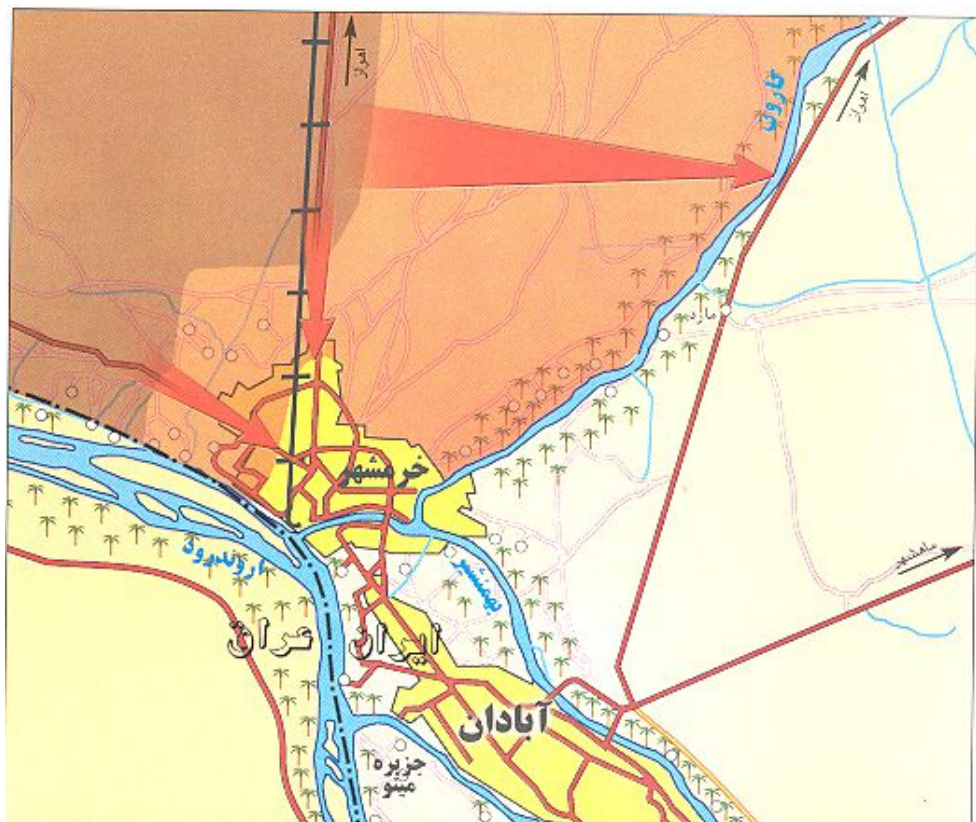
موقعیت پاسگاه‌های مرزی آبادان

مأخذ، ۲، ص ۵۸



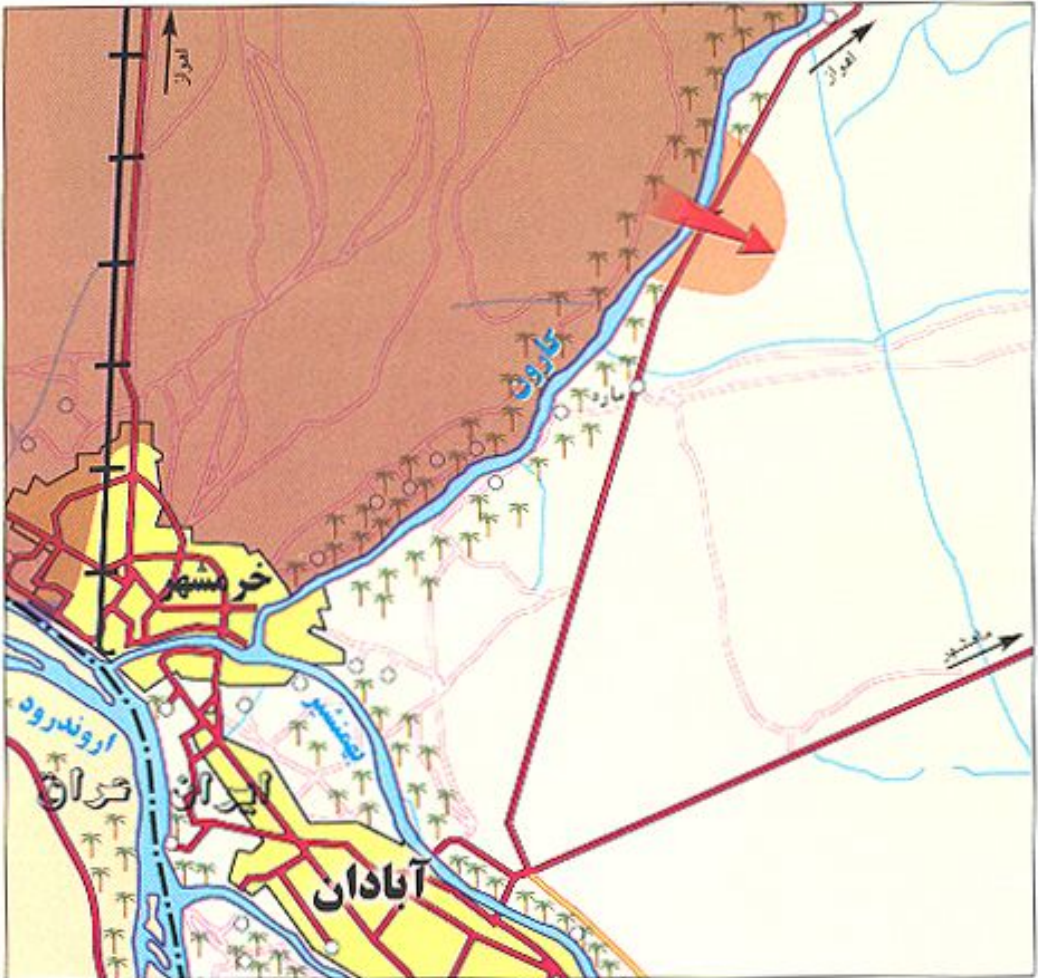
طرح مانور دشمن برای تصرف آبادان در آغاز جنگ

مأخذ، ۲، ص ۶۹



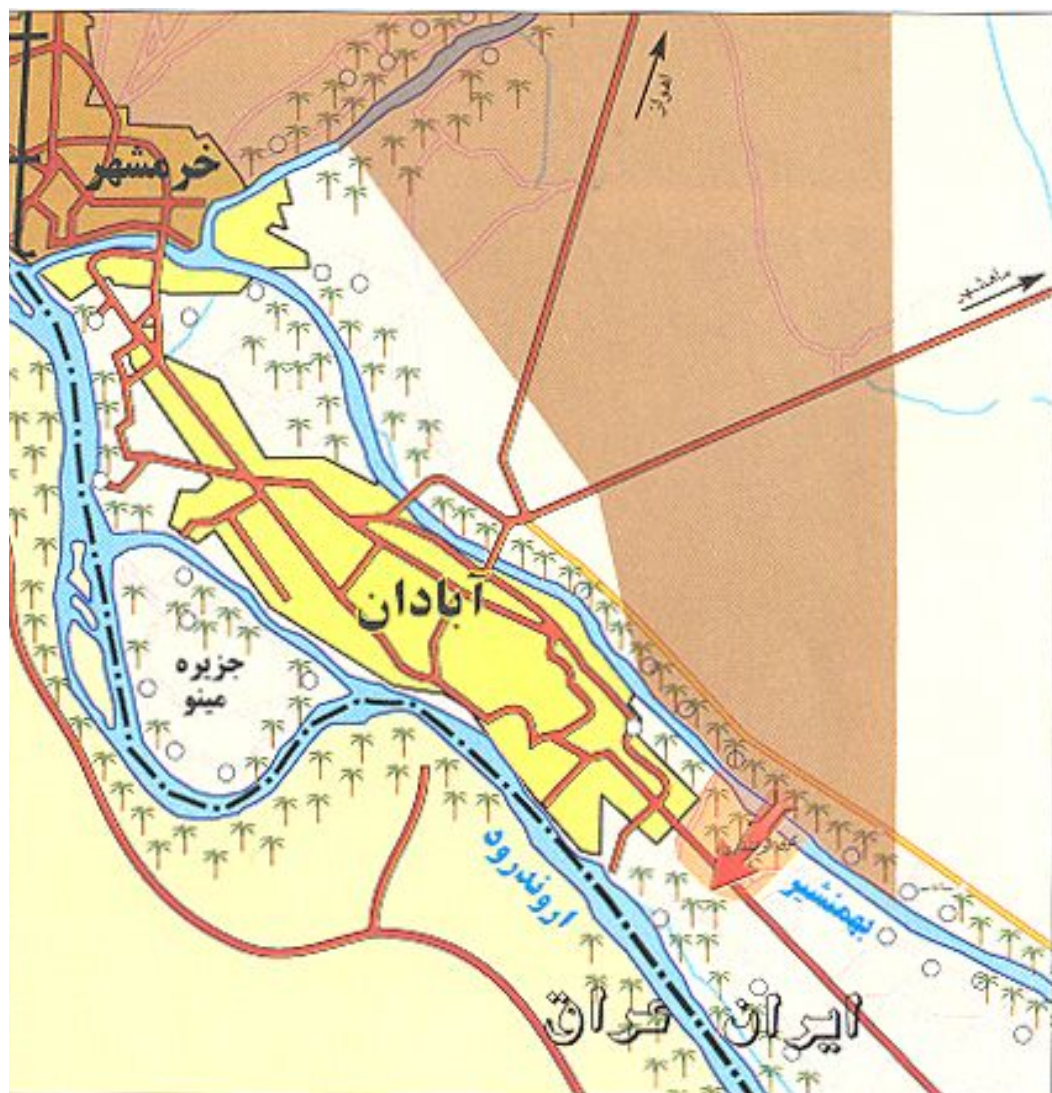
پیشروی تا ۱۶/۷/۵۹

مآخذ، ص ۷۳



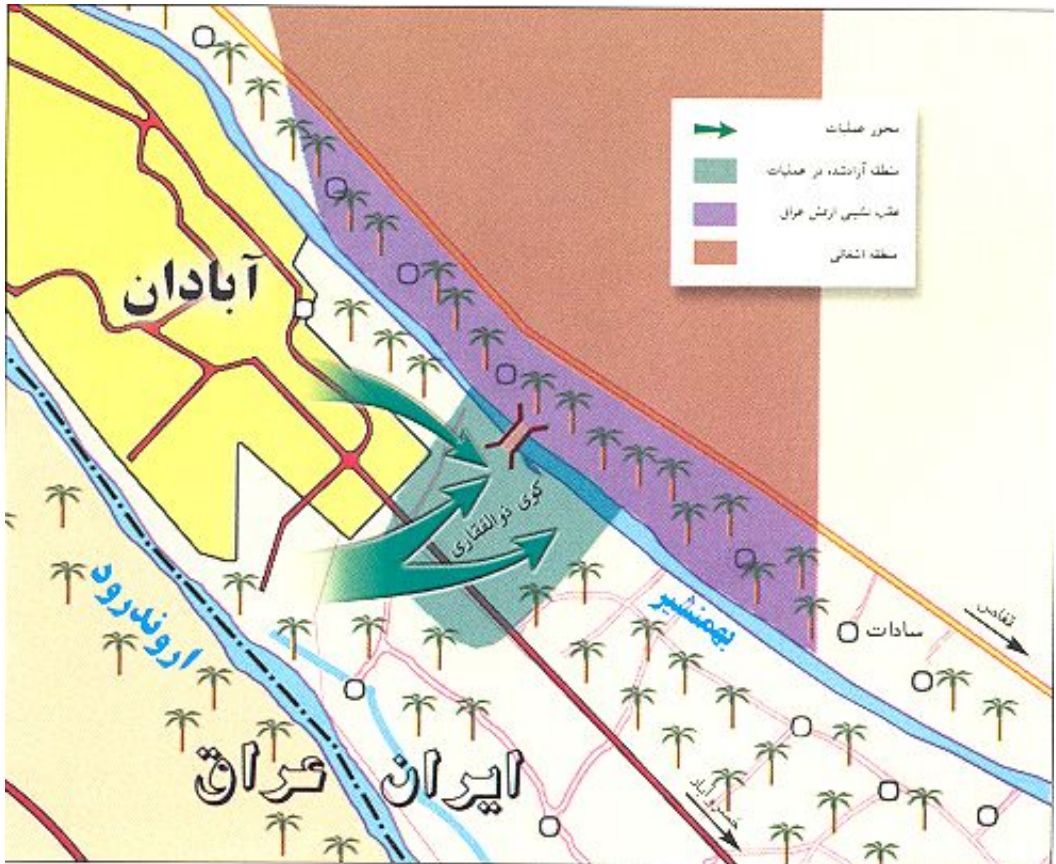
عبور دشمن از کارون - ۵۹/۷/۱۹

مأخذ، ص ۷۴



عبور عراقی‌ها از بهم‌ن شیر - ۵۹/۸/۹

مأخذ، ۲، ص ۸۱



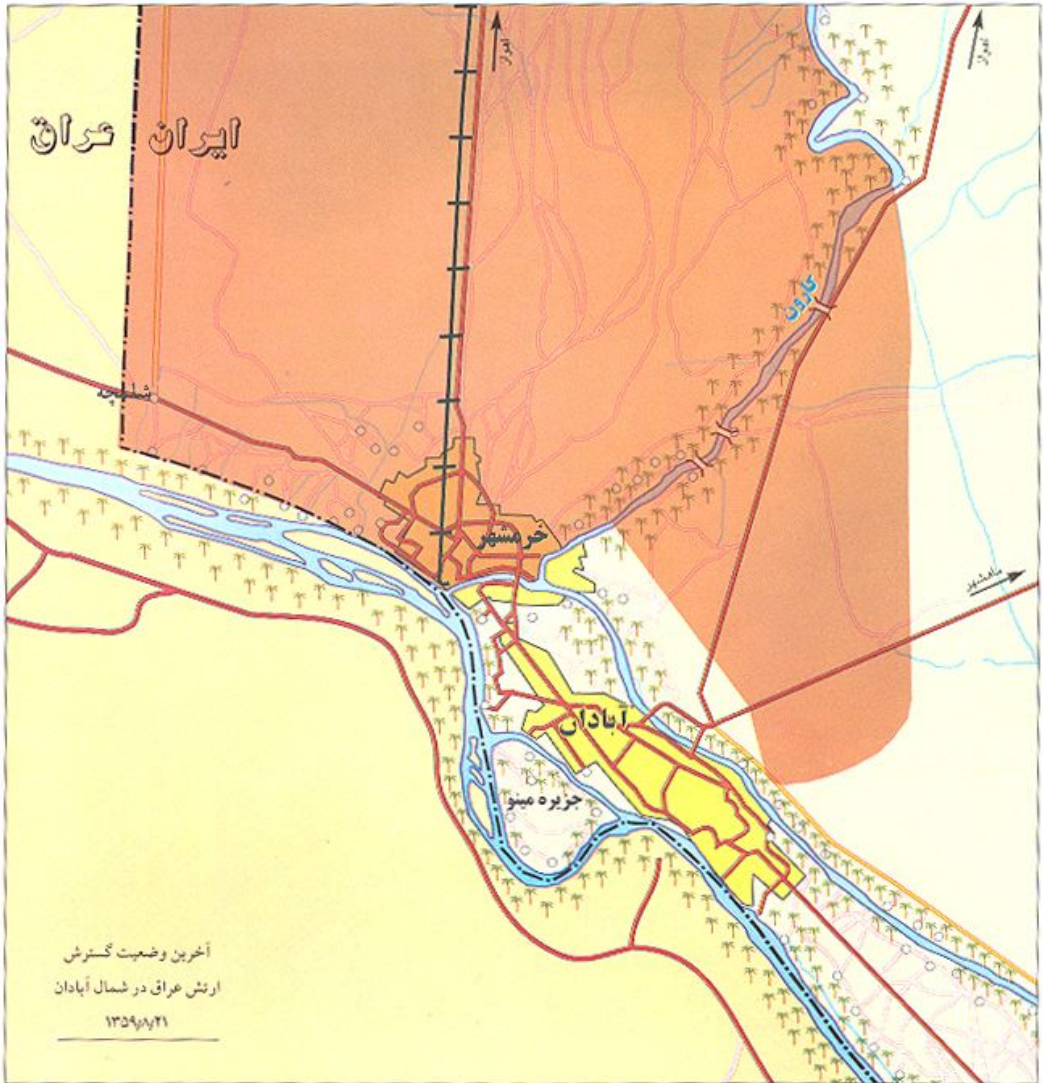
عملیات ذوالفقاری - ۵۹/۸/۹

مأخذ، ۲، ص ۸۳



عملیات ذوالفقاری - ۵۹/۸/۹

مأخذ، ص ۸۵



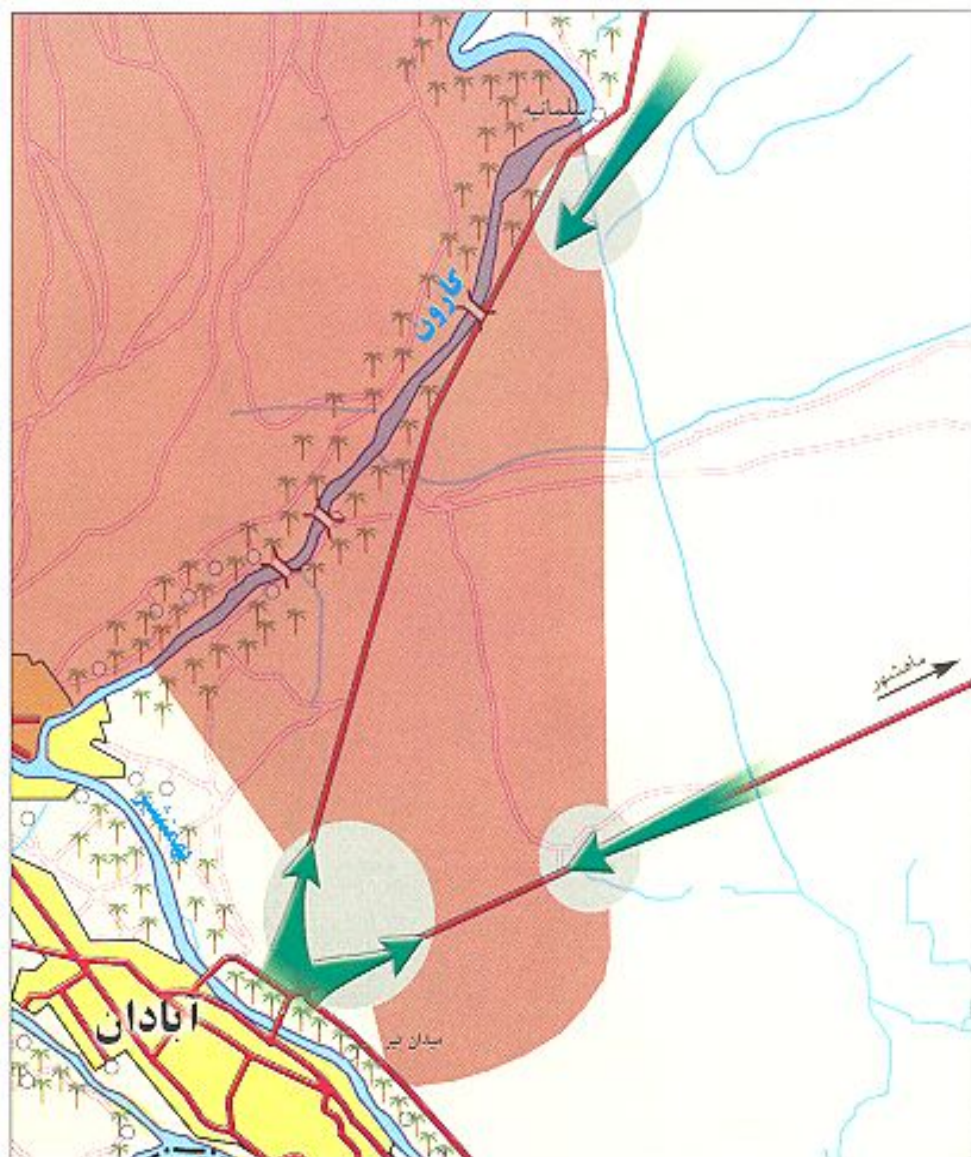


مسیر تردد به آبادان در دوره محاصره
مآخذ ۲، ص ۹۲ و ۹۳



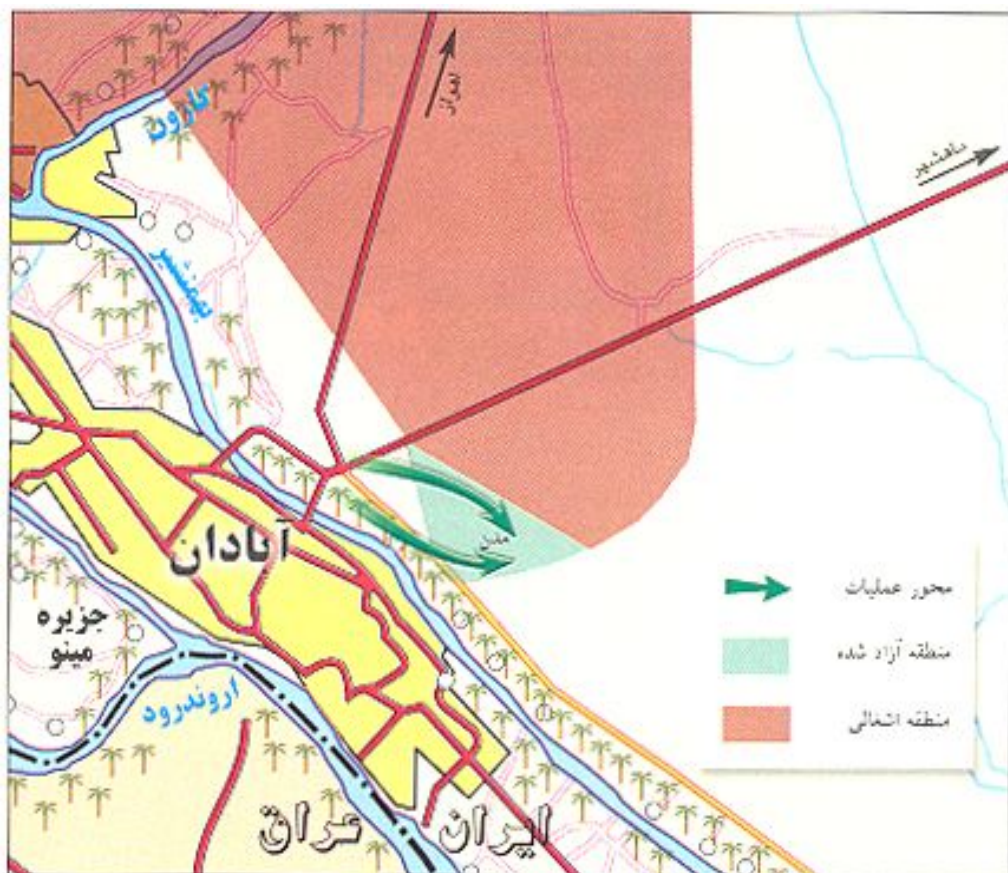
عملیات سه‌راهی آبادان

مأخذ، ص ۹۹



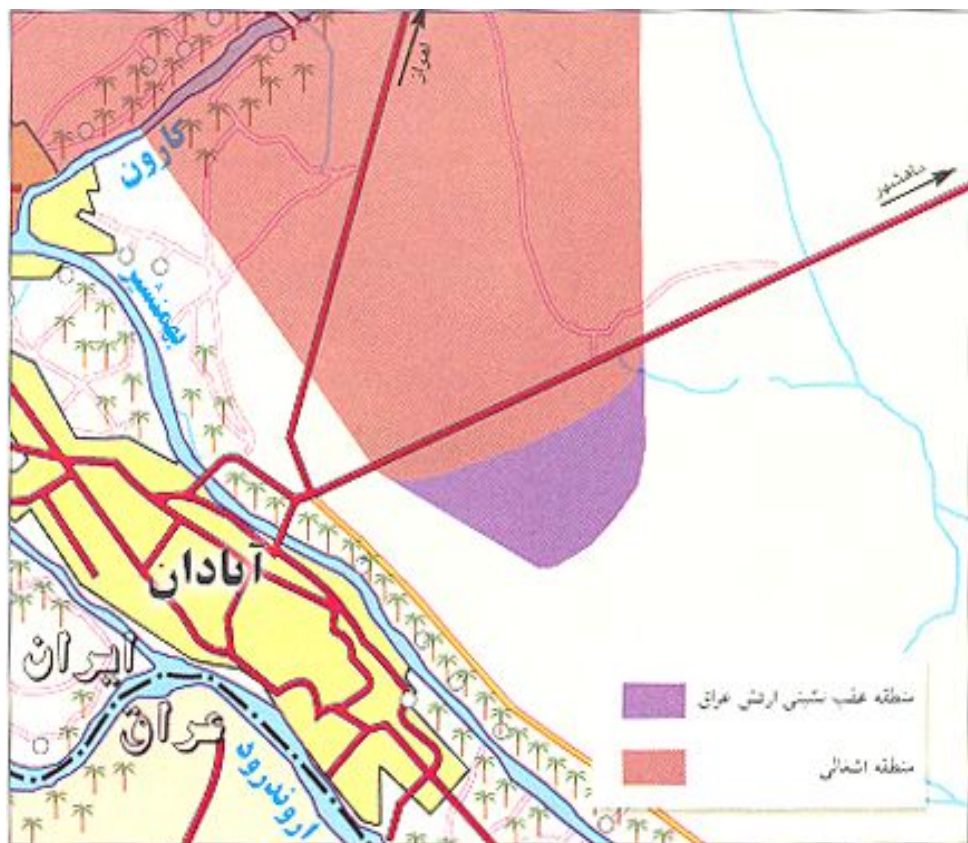
عملیات توکل

مآخذ، ص ۱۰۱



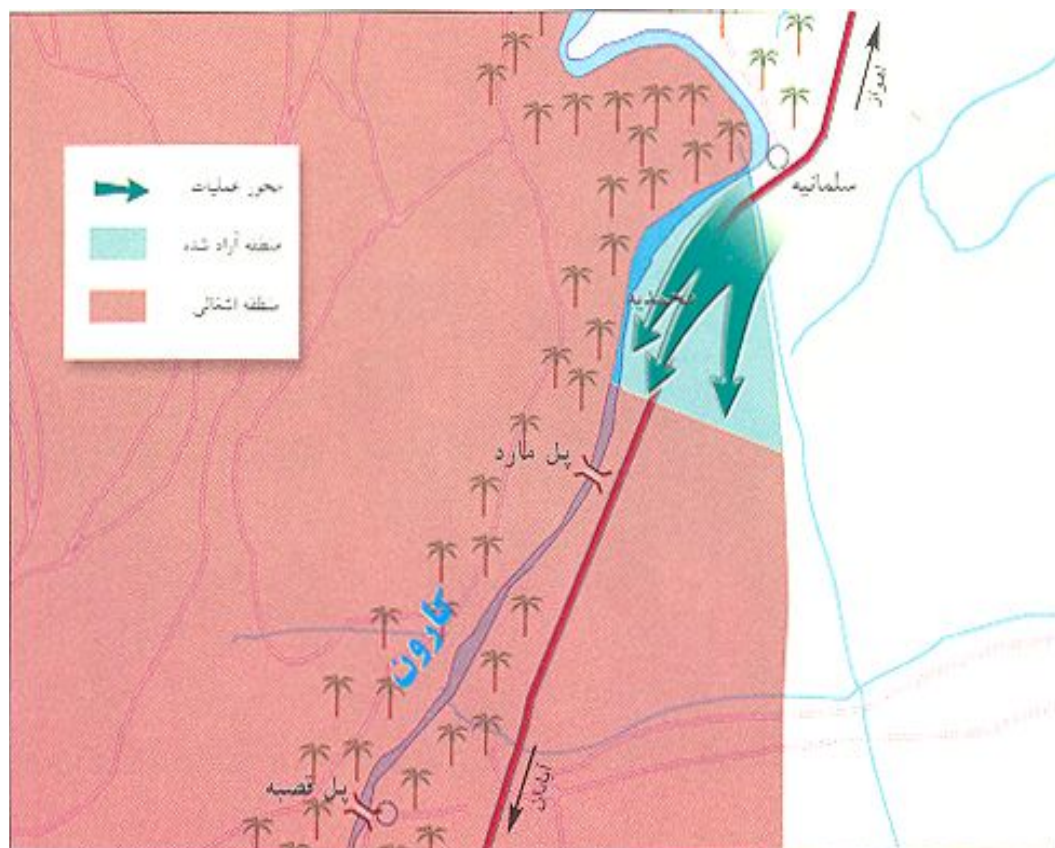
عملیات تپه‌های مَدَن

مآخذ، ص ۱۰۳



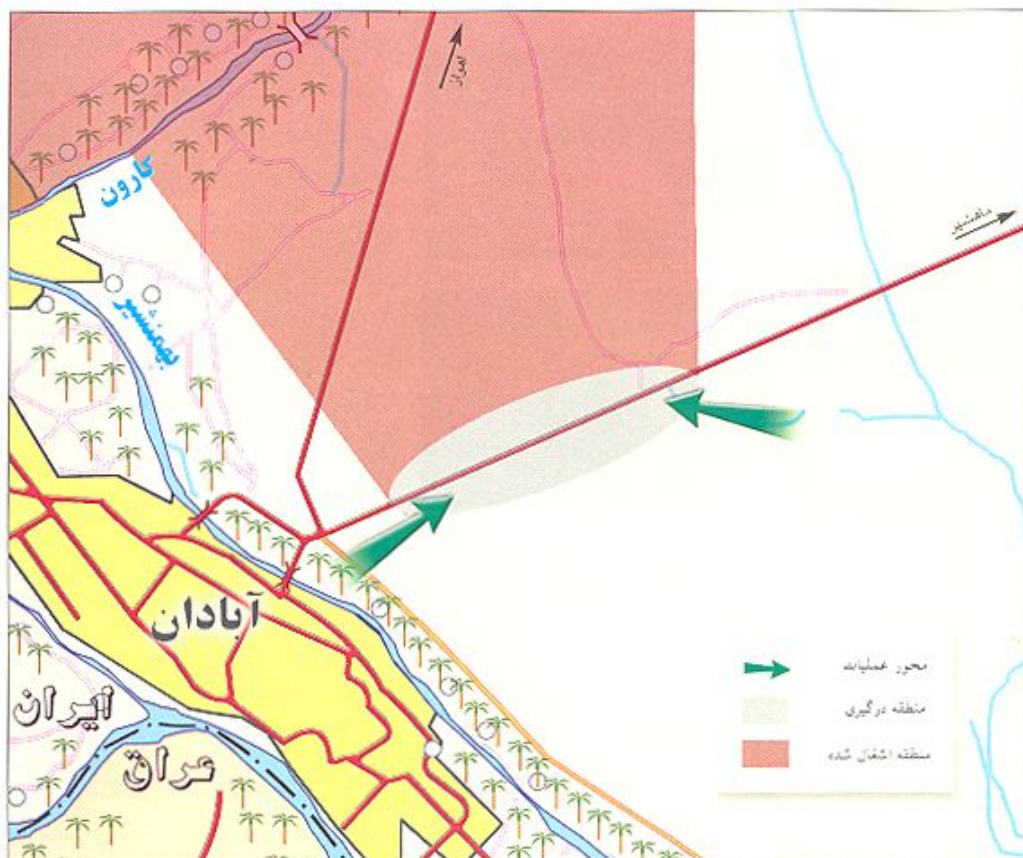
منطقه عقب‌نشینی ارتش عراق

مأخذ، ص ۱۰۴



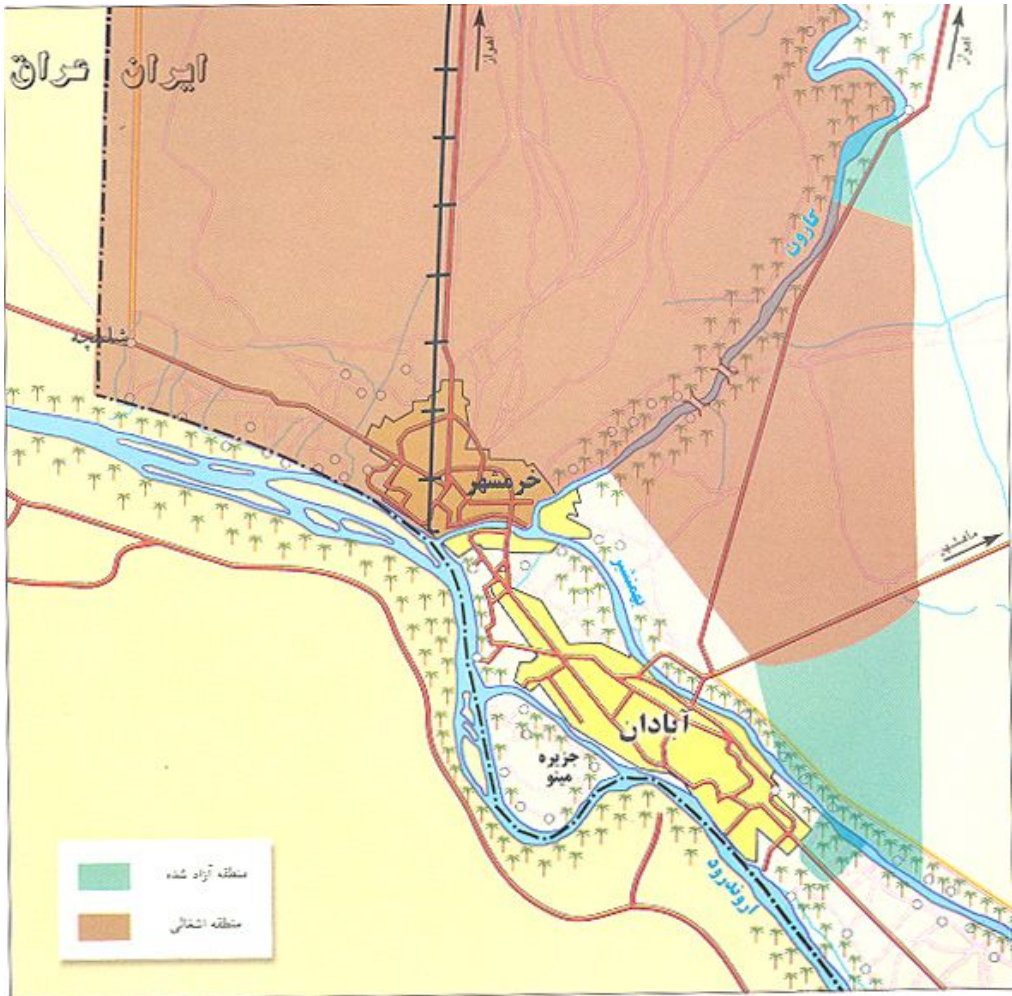
عملیات فرمانده کل قوا

مأخذ، ص ۱۰۵



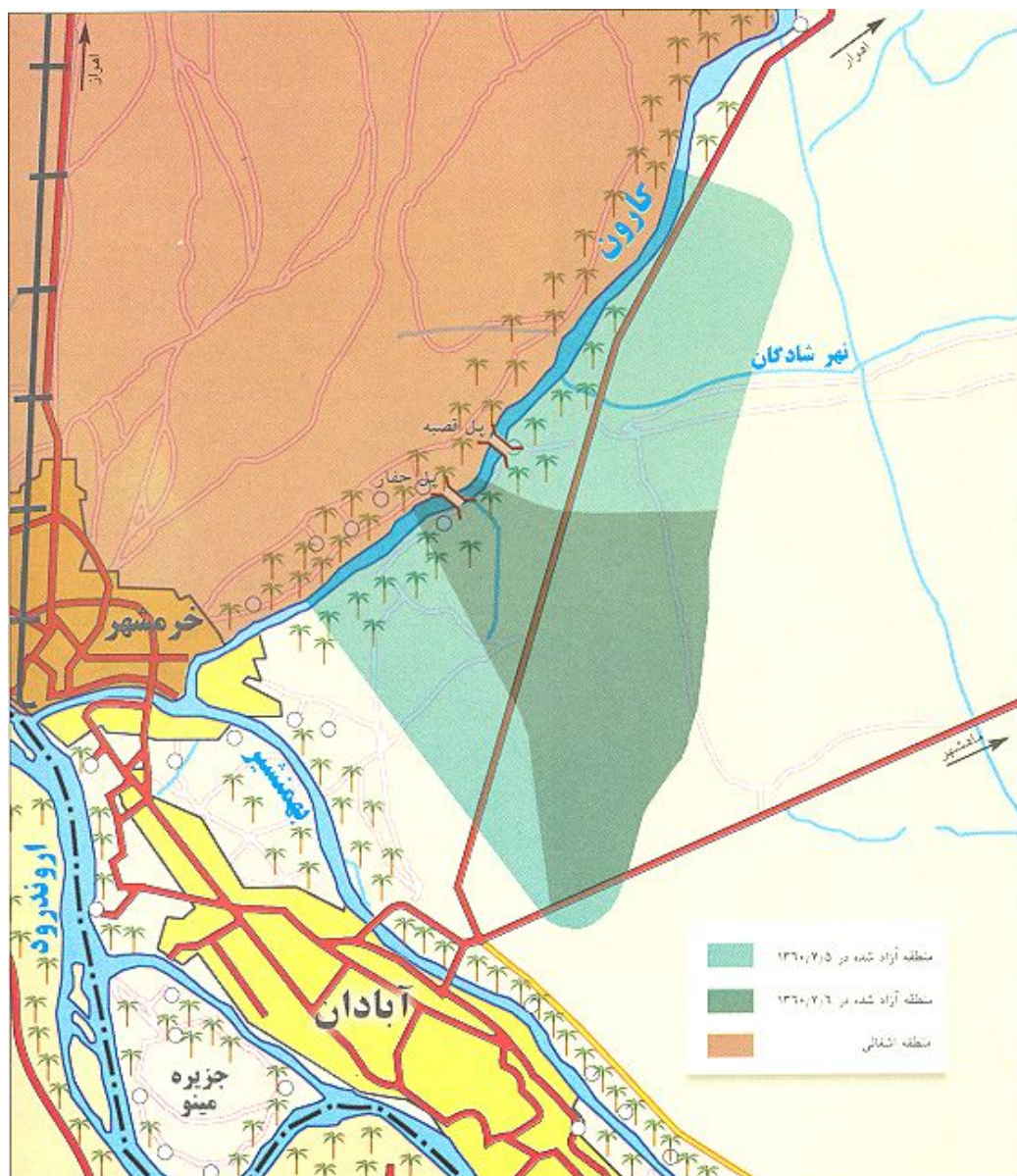
عملیات شهید چمران

مآخذ، ۲، ص ۱۰۸



مناطق آزاد شده و تحت اشغال قبل از عملیات ثامن الائمه (ع)

مآخذ، ص ۱۰۹



منطقه آزاد شده در عملیات ثامن الائمه (ع)

مآخذ، ص ۱۲۴



هیأت معارف جنگ
شهید سید علی صباح شیرازی

Defa` Az Abadan

Brigadier General Nejatali Sadeghigooya

War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant *General Ali Sayyad Shirazi*